معلوم شود دوستی من پیغمبر او را الحال گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم اذا اتبعت
طریقته وقتی که پیروی کنی تو راه پیغمبر را واستعملت بسنته و عمل
کنی بسنت وی و معنی سنت در خطبه نوشته شده است پس علامت محبت
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم متابعت وی است باو استعمال جوارح ظاهر
بچیزی که بدان امر نموده و باجتناب از هر چه که از آن نهی فرموده
و بآراستن باطن باخلاق مرضیه و پاک ساختن آن از خصال ردیه و در
متابعت وی است صلی الله علیه و آله و سلم نجات از نیران و وصول
بجنان و حصول لقاء رحمن قطعه حقا که بی متابعت سید رسل هرگز
کسی بمنزل مقصود ره نیافت از هیچ در بهیچ در ره نمیدهند آن را که
آستانه او روی دل بتافت واحببت بحبه و دوست داری هر که دوست
داری دوستی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بیت آستان را در دو عالم دوست دوست
دوستی دیگران بر بوی اوست وابغضت ببغضه و دشمنی داری با
دشمنی وی صلی الله علیه و آله و سلم و والیت بولایته بفتح واو و کسر آن

معلوم شود دوستی من پیغمبر او را الحال گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم اذا اتبعت
طریقته وقتی که پیروی کنی تو راه پیغمبر را واستعملت بسنته و عمل
کنی بسنت وی و معنی سنت در خطبه نوشته شده است پس علامت محبت
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم متابعت وی است باو استعمال جوارح ظاهر
بچیزی که بدان امر نموده و باجتناب از هر چه که از آن نهی فرموده
و بآراستن باطن باخلاق مرضیه و پاک ساختن آن از خصال ردیه و در
متابعت وی است صلی الله علیه و آله و سلم نجات از نیران و وصول
بجنان و حصول لقاء رحمن قطعه حقا که بی متابعت سید رسل هرگز
کسی بمنزل مقصود ره نیافت از هیچ در بهیچ در ره نمیدهند آن را که
آستانه او روی دل بتافت واحببت بحبه و دوست داری هر که دوست
داری دوستی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بیت آستان را در دو عالم دوست دوست
دوستی دیگران بر بوی اوست وابغضت ببغضه و دشمنی داری با
دشمنی وی صلی الله علیه و آله و سلم و والیت بولایته بفتح واو و کسر آن

ویاری می کنی بسبب یاری وی صلی الله علیه وآله وسلم وعادیٰ بعداوته
وبدخواهی کنی بسبب بدخواهی وی صلی الله علیه وآله وسلم بیت با
دوستان دوست ترا دوستی رواست با دشمنان دوست ترا دوستی خطاست
ویتفاوت الناس فی الایمان وتفاوت دارند مردمان در ایمان
علی قدر تفاوتهم فی محبتیه براندازه تفاوت ایشان در دوستی
من یعنی هرکه قوی باشد در دوستی ضعیف بود در ایمان ویتفاوتون
فی الکفر وتفاوت دارند مردمان در کفر علی قدر تفاوتهم
فی بغضی باندازه تفاوت ایشان در دشمنی پس اقوی در ایمان
خلفاء رابعه باشند رضی الله عنهم وبعد ازیشان هریک بحسب مرتبه خود واشد
در کفر ابوجهل وامثال وی پس ازان هریکی به مرتبه خود الا بفتح
همزه وتخفیف لام آگاه باش ای مخاطب سخن می گویم لا ایمان
لمن لا محبة له پس نیست ایمان مرکسی را که نیست دوستی پیغمبر صلی الله
علیه وآله وسلم مر او را الا لا ایمان لمن لا محبة له الا لا ایمان

لمن لا محبة له این کلام را سه بار مکرر فرمود تا تأکید
وقیل لرسول الله صلی الله علیه واله وسلم وگفته شد مر پیغمبر
را درود فرستد خدا بروی وسلام یعنی یاران عرض نمودند نری مومنا
یخشع می بینیم مسلمانی را که فروتنی می کند ومومنا لا یخشع ما السبب فی ذلک
وچیست سبب درین فقال پس گفت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم من وجد
کسی که یافت لایمانه حلاوة مر ایمان خود را شیرینی ولذتی
خشع فروتنی کرد ومن لم یجدها وکسی که نیافت شیرینی را لم یخشع
فروتنی نکرد خشوع نتیجه حلاوت ایمان است وثمره شجره ایقان وآن
عبارت است از فروتنی وترسکاری بطاعت حق وتذلل وانکسار بحضرت
خداوند مطلق بیت جز خشوع وبندگی واضطرار اندرین حضرت ندارد
اعتبار فقیل بم توجد پس گفته شد که بچه یافته می شود آن حلاوت
او بم تنال او تکتسب بضم تا یا بچه رسیده می شود وکسب کرده می شود
آن حلاوت تنبیه لفظ او شک راویست که وی تردد دارد درین که سایل این

کلمه گفت یا آن قال گفت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در بعضی نسخه
فقال آمده بصدق الحب فی الله براست ودرست کردن دوستی
در ذات خدا تعالی فقیل وبم یوجد حب الله پس گفته شد بچه
یافته شود دوستی ذات خدا تعالی او بم یکتسب یا بچه کسب کرده می شود
آن دوستی فقال پس گفت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بحب رسوله
یعنی یافته شود دوستی خدا بدوستی پیغمبر وی فالتمسوا پس طلب نمایید
رضاء الله بهمزه بعد الف یعنی خوشنودی خدا را او رضاء رسوله
وخشنودی پیغمبر او را ودر بعضی نسخه رضی بالف مقصوره آمده فی حبهما
در دوستی آن هردو وقیل لرسول الله صلی الله علیه واله وسلم
وگفته شد مر پیغمبر خدا تعالی را صلی الله علیه وآله وسلم من آل محمد الذی
امرنا بحبهم کیستند آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم آنانکه امر کرده شدیم
ما بان بدوستی ایشان واکرامهم وبه بزرگی داشتن ایشان والبرود
بهم بضم با ودال وبه نیکویی کردن ایشان فقال پس گفت پیغمبر صلی الله

علیه وآله وسلم اهل الصفاء ایشان صاحبان صفا هستند که صاف نموده اند
آئینه دل را از کذب وکدورت کفر ونفاق برای مشاهده انوار جمال محبوب
علی الاطلاق والوفاء وایشان صاحبان وفا اند وآن عبارتست از
اتمام عهد وپیمان ومحافظت برآن ومومن چون تکلیف باحکام وشرایع
دین باخبار پیغمبر قبول نموده گویا عهد باوی بربسته وبثبوت محبت
در اتمامش کوشیده وهرگز نگسسته رباعی پیمان مشکن که هرکه پیمان بشکست
از پای در افتاد وبرون رفته ز دست زیرا که درست بود پیمان الست
نشکست یکی وعده هر عهد که بست من امن بی کسی که ایمان آورد بمن
واین بیان اهل صفا ووفاست ودر بعضی نسخ ممن آمده ودر بعضی بما
بی به یعنی ایمان آورد بان محمد صلی الله علیه واله وسلم واخلص وخالص
وپاکیزه ساخت باطن خود را از کدورات صفات ردیه وظاهر خود را
از شوایب اعمال غیر مرضیه فقیل له پس گفته شد مر پیغمبر را صلی الله علیه
وآله وسلم وما علامتهم وچیست نشانهای آنها که بدان شناخته می شود

ودر بعضی نسخه علامتهم آمده فقال پس گفت صلی الله علیه واله وسلم
ایثار محبتی اختیار کردن آنها دوستی مرا علی کل محبوب
بر دوستی هر دوست واشتغال الباطن بذکری ومشغول داشتن
دل را بیاد آوری من بعد ذکر الله پس از یاد خدا فائده گفته اند
که ذکر بضم ذال معجمه یاد کردن بدل وبکسر یاد کردن بزبان وگویند
هر دو بهر دو معنی آمده وفی اخری بضم همزه ودر روایت دیگر آمده
علامتهم ادمان ذکری نشان ایشان همیشه یاد کردن منست زیرا که چون
کسی چیزیرا دوست دارد یاد آن بیشتر می کند رباعی ای یاد توام مونس جان
در همه حال ٥ بی ذکر تو آرام دلم هست محال ٥ جز فکر تو نیست ای تو ندارم شب وروز ٥
جز نامه مدح تو نخوانم مه وسال والاکثار من الصلوة علی ودیگر نشان
ایشان زیاده کردنست درود بر من قطعه یا سید الانام درود جناب تو ٥
ورد زبان ماست مه وسال وصبح وشام ٥ نزدیک تو چه تحفه فرستیم ما ز دور ٥
ورد دست ما همین که صلوة است والسلام وقیل لرسول الله صلی الله

علیه واله وسلم وگفته شد مر پیغمبر خدای را درود فرستد خدا بروی وسلام
من القوی فی الایمان بك کیست صاحب قوت در گرویدن بتو
واین سوال برای آنست که مسلمانان تفاوت دارند از جهت قوت ایمان
وضعف آن زیرا که شک نیست که ایمان یکی از احاد امت نیست مثل ایمان
حضرت ابو بکر رضی الله عنه چنانکه در علم کلام مذکور است فقال پس گفت پیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم من امن بی ولم یرنی کسی که گرویده بمن وحال آنکه
ندیده است آنکس مرا یعنی آن صاحب قوت در ایمان آوردن بمن فانه مؤمن بی
علی شوق منه پس تحقیق که آنکس گرویده است بمن بشوقی که پیداست ازو
ودر بعضی نسخه آمده مبنی یعنی بشوقی که بوده است برای من دقیقه میل وخواهش
دل را بسوی چیزی که موافق طبع باشد مر ایشان را محبت گویند واگر این
میل ورغبت بود شوق نامند واگر در حضور باشد اشتیاق خوانند واین
از اصطلاحات صوفیه است نه بحسب لغت وبر وفق معنی آخر حافظ شیرازی
قدس سره وان ض علیشا برکاته ایش گوید رباعی بلبلی برگ گلی خوش رنگ

در منقار داشت ٭ واندران برگ و نوا خوش نالهای زار داشت ٭
گفتمش در عین وصل این ناله وفریاد چیست ٭ گفت ما را جلوهٔ معشوق
در این کار داشت ٭ ذو النون مصری قدس سره گوید شوق ثمرهٔ محبت است
هرکرا دوستی بیشتر بود باید دوستی زیاده تر رباعی دلم از شوق تو خونست
ندانم چونست ٭ در دلم شوق جمالت ز بیان بیرونست ٭ در دلم شوق تو
هر روز فزون میگردد ٭ دل شوریدهٔ من بین که چه روزافزونست وصدق
في محبتي وانکس که گرویده است بمن براستی ودرستی که ثابت است در
دوستی من تنبیه واین باختیار کردن دوست صلی الله علیه وآله وسلم بر جان و
مال وفرزند وعیال وعامل بودن بسنت وی باخلاص کمال وعلامة
ذلك منه انه يود رؤيتي ونشان این شوق وصدق محبت از وآنست که به
درستی آنکس دوست میدارد دیدن مرا بجميع ما يملك بمقابله همه آن چیزی
که مالک بود آن یعنی دوست میدارد آنکه نظر بر جمال جهان آرای وی اندازد
وآنچه در ملک اوست همه را بدل آن فدا سازد بیت بهای وصل تو گر جان بود

خریدارم ٭ که جنس خوب مبصر بهر چه دید خرید وفي اخرى وروایت دیگر
آمده ملاء الارض بکسر میم وفتح همزه بمقابل پری زمین ذهبا از روی
زر ودر بعضی نسخه بملاء الارض آمده بباء ذلك آنکس که مذکور شد وصف او
المؤمن بي حقا گرونده است بمن گرویدنی ثابت وراسخ والمخلص في
محبتي وخالص کننده است در دوستی من اعتقاد باطن را از کدورت
شک وریب وپاک کننده است احوال ظاهر را از مخالفت سنت وکتاب
صدقا از جهت راستی ودرستی بیت دوستی مصطفی در دل نشان ٭
تا بود بر صدق ایمانت نشان فائده بدانکه ظاهر این حدیث وبعضی
احادیث که در آخر مشکاة مذکورست دلالت دارند برانکه تواند که بعد از
صحابه رضی الله عنهم کسی باید مساوی باشد ایشان را در فضل یا افضل باشد
از ایشان با آنکه اجماع دارند برانکه صحابه افضل امت اند پس حمل کرده اند
این احادیث را بر اثبات جهتی از خیریت ولیکن فضل کلی که عبارتست
از کثرت ثواب ثابت است مر صحابه را و بالجمله سابقان شرف صحبت با

حضرت صلی الله علیه وآله وسلم حاصل نموده اند وبمشاهده انوار جمال وي
فیض یاب بوده اند ورسانیدند دعوت اورا الخلق ونصرت دادند وي را
صلی الله علیه وآله وسلم در تقویت دین بحق ولاحقان مشرف
شدند بایمان بالغیب وپاک شدند از شک وریب ونگاه داشتند
وتقریر نمودند شریعت آنرا ومحکم کردند ارکان طریقت آنرا وبلند
کردند منار انرا وشایع گردانیدند انوار انرا وظاهر ساختند آثار آنرا
پس اشکال نماند زیرا که مراد از خیریت باعتبار کیفیات مختلفه است
وبعض آن اقوی است از بعض بلکه فضل جزئی معارض فضل کلی نمی
شود پس مر متقدم راست واین تشبیه است برای متاخرین واشارت
بانکه رحمت حق سبحانه وتعالی واسع است وقیل لرسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
وگفته شد بپیغمبر خدا را صلی الله علیه وآله وسلم درود فرستد خدا بروی وسلام
ارایت صلاة المصلین علیك ایا دانسته حال درود گویندگان را بر تو ممن
غاب عنك از کسی که غایب است از تو در حالت حیات تو ومن یاتی بعدك

وکسی که می آید بعد از ممات تو ما حالهما عندك چیست حال آن هر دو نزد
تو یعنی فهم می کنی ومی شنوی درود آن هر دو را فقال پس گفت پیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم اسمع می شنوم یعنی بلا واسطه صلوة اهل محبتی
درود صاحبان دوستی خود را یعنی آنانکه درود فرستد بر من از روی کمال محبت
وغلبه شوق بملاحظه تعظیم ووقار وظاهر آنست که این محب درود گوید نزد قبر
شریف وی صلی الله علیه وآله وسلم ویا غائب از این اگرچه بعد مسافت
باشد بیت در راه عشق مرحله قرب وبعد نیست می بینمت عیان ودعا می فرستمت
پس از محبت اینجا کمال محبت مراد است واگر نه اصل محبت همه مسلمانان را حاصلست
زیرا که اصل آن لازم است اصل ایمان را واعرفهم می شناسم اهل محبت را بسبب
اتصال روحی وقرب معنوی ایشان با روح مقدس وی صلی الله علیه وآله وسلم
از جهت جذبه محبت وکثرت درود بروی صلی الله علیه وآله وسلم موجب قرب
جانی چو بود بعد مکانی سهل است وتعرض علی بتشدید یاء وعرض کرده میشود
صلوة غیرهم درود دیگر آنها که مذکور شد بوصف ایشان عرضا عرض

کردی یعنی فرشتگان درود آنهارا بر من عرض می کنند و من بواسطه
آنها می شنوم و اما بلاواسطه مخصوص است محبان و عاشقان که مذکور شد نیز
تنبیه رسانیدن فرشتگان درود امت را بوی صلی الله علیه وآله وسلم
در اکثر احادیث آمده چنانچه در خبر دیگر آمده که می برند نام او
پدر او را می گویند یا رسول الله فلان بن فلان یقرء علیک السلام پس
چه شرف زیاده ازین که نامش در حضور آن فیض گنجور مذکور بود و در آن
بزم سرور و محفل پرنور ذکرش رود فرد جان میدهم در آرزو ای قاصد آخر
باز گو در مجلس آن نازنین حرفی که از ما می رود این آخر فصل است و در
بعضی نسخه امده و صلی الله علی محمد خاتم النبیین و امام المرسلین و علی آله
وصحبه وسلم تسلیما اسماء سیدنا و مولانا محمد صلی الله علیه وآله وسلم مائتان
و واحد نامهای بهتر فهمی تابان و صاحب و مالک بایان که محمد است صلی الله علیه
وآله وسلم دوصد و یکست و ذکر این عدد از مولف برای حضرت حصر نیست
بلکه بیان نامهاست صلی الله علیه وآله وسلم که مذکور شد درین کتاب و اسماء

شریف آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بسیار است و مذکور است در قرآن
عظیم و کتب سماویه و وارد شده است در احادیث در مواهب لدنیه
وآورده است که از القاب و اسماء آنحضرت در قرآن بسیار آمده و علماء
بحصر آن در معدود معین متقید شده اند و بعضی نود و نه نام جمع کرده موافق
اسماء حسنی الهی و قاضی عیاض گفته که حق تعالی سی اسم از اسماء
خود حبیب خود را مخصوص گردانیده و بعضی گفته اند که چون تفحص کرده شود
اسماء آن حضرت از کتب متقدمه و قرآن و حدیث بسیصد می رسد
و چهارصد نیز آمده است و قاضی ابوبکر ابن العربی که از عظماء علماء مالکیه است
گفته که بعضی صوفیه گفته اند مر حق تعالی را هزار نام است و حبیب او را صلی الله
علیه وآله وسلم نیز هزار نام است و مراد اوصاف است و از هر صفت اسمی مشتق است
و سیوطی کتابی علیحده در اسماء شریف تالیف کرده و بالجمله کثرت اسماء
دلالت می کند بر عظمت مسمی فائده خفاجی در شرح شفا آورده که نامهای آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم توقیفیست چنانچه اسماء الهی یعنی موقوفست بر شنیدن

از شارع پس جایز نیست که نامیده شود او را صلی الله علیه وآله وسلم بنامی
که نه نامیده است او را بآن خدا تعالی ونه او خود صلی الله علیه وآله وسلم
ونه پدر او ونه جد او **تنبیه** وفائده آوردن اسماء شریف در اینجا آنست
که حاصل می شود به ذکر آنها معرفت تمام بآنحضرت صلی الله علیه وآله
وسلم بشناختن اسماء صفات ومعلوم ساختن بلندی مرتبه و
منزلت وی نزد الله سبحانه وهمچنین معرفت زیاده می کند ودوستی
آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم ونگاهداشت تعظیم وتوقیر آنرا
وشوق میدهد به بسیار گفتن درود آن حضرت صلی الله علیه وآله
وسلم ونیز بسیاری ازین نامها درین کتاب بود ازین در ضمن درودها
مذکور خواهد شد پس مقدم کرده شد در اینجا تا بوقت خواندن درودها
اطلاع برین نامها حاصل گردد ولهذا این راقم حروف در شرح
درودها معنی اکثر اسماء شریف را بر همینجا حواله خواهد نمود **وهی**
هذه وآن نامها اینست که مذکور می شود **محمد** این نام مبارک مشهور

ترین

ترین نامهای آنحضرت است صلی الله علیه وآله وسلم ولذیذ ترست نزد شنونده
وشوق انگیزترست بر گفتن درود وسلام بر آن حضرت صلی الله علیه وآله
وسلم واین اسم علم است که دلالت می کند بر ذات شریف وی صلی الله
علیه وآله وسلم ومعنی محمد صلوات الله علیه بسیار ستوده شد بیرون از
حد وشک نیست که ستوده شده است ذات مقدس وی در کلام الله سبحانه وبر
زبان جمیع عالمیان بهمه وجوه از جهت حقیقت واوصاف وخلق وخلق
واعمال واحوال وعلوم واحکام در زمین وآسمانها ودر دنیا وآخرت
فرد مقام تو محمود ونامت محمد بدینسان مقامی ونامی که دارد گویند
که نامیده است الله تعالی آنحضرت را صلی الله علیه وآله وسلم باین نام مبارک
در قرآن وگفته اند که نامیده است پیش از آنکه پیدا کند خلق را بدو هزار سال
ویاد کرده است او را باین نام در قرآن وگفته اند که نامیده است او را باین
نام بعد از تولد جد وی عبد المطلب وچون گفته شد او را که چرا نام
نهادی این پسر را بنام پدران خود واین نام هرگز در قوم تو نبوده است گفت

نام نهادم اورا باین نام بابت آنکه ستوده شود بزبان اهل زمین
ودر روایتی آمده تا بستاید اورا خدا در آسمان وبستایند اورا مردم
بر زمین آورده اند که عبد المطلب در خواب دید که سلسله از نقره از
پشت او بر آمده که یکطرف او در آسمانست وطرف دیگر در مشرق
وطرف دیگر در مغرب وبعد از آن آن سلسله درختی شده که بروی
نوریست واهل مشرق ومغرب متعلق اند بآن درخت پس گفت
این خواب را ابا مردم وتعبیر کرده اند که از صلب وی کسی پیدا شود که اهل
مشرق ومغرب تابع وی شوند وستوده شود در آسمان وزمین ازین
جهت محمد نام نهاده ونیز بی بی آمنه مادر آنحضرت صلی الله علیه وآله
وسلم خواب دید که گوینده میگوید باردار شده تو بسید این امت
وپیغمبر وی وچون بزائی محمد نام کنی تنبیه آورده اند که پیش از وجود شریف
هیچکس مسمی باین اسم نبود وچون اهل کتاب خبر دادند که نزدیکست که
پیغمبر آخر الزمان بوجود آید که نام وی محمد باشد چند کس پسران خود را باین

ارزو

آرزو محمد نام نهادند که شاید بشرف نبوت مشرف شوند لیکن خدا تعالی
همه ایشانرا ازین دعوی نگاه داشت وچون نامیدن بعد از شنیدن
نام آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم شد گویا بعد از وی شد احمد
ستوده تر بزبان اولین وآخرین ودر کلام قدیم خدا تعالی باستاننده تر
مر مولای خود را زیرا که کشاده کرده شود بروی مقام محمود حمدهای
که کشاده نشده بر هیچ یکی پیش از وی ودست بدهد آن پروردگار خود را وعقد
کرده شود برای او لوای حمد تنبیه در تفسیر حسینی آورده که عیسی علیه السلام
خبر داد قوم خود را که بعد من پیغمبر می آید که نام او فارقلیطا باشد ومعنی آن
احمدست فائده اصل درین اسم آنست که بی تنوین خوانند وبا تنوین
نیز جایزست برای تناسب با اسماء دیگر حامد ستایش کننده مر آفریدگار
خود را بروجه اتم واکمل محمود ستوده شده در ذات وصفات خود در دنیا
وآخرت احید یکی سوکننده آتش دوزخ را از امت خود تنبیه نامیده شد آن
حضرت را صلی الله علیه وآله وسلم باین نام در توریت واین لفظ غیر عربیست ومشهور

در ضبط آن بفتح همزه وسکون حاي مهمله وفتح [illegible] آخر
دال مهمله ونیز گفته اند که بکسر حاست وسکون یاء وفتح همزه وضم
آن وگویند که بضم همزه وسکون حاء با فتح باء وکسر آن وگویند که
بضم همزه وفتح حاء وسکون باء واینهمه شش وزن می شود وحید
ای یگانه در صفات کمال خود ویکتا در شمائل وخصائل خود بی شریک
در مقامات عظمت واجلال خود بی نظیر در نهایت حسن وجمال خود
رباعی ای صورت تو آینهٔ سر وجود ٭ روشن ز رخت پرتو انوار شهود ٭
مجموعهٔ هر دو کونی وکس چون تو نیست ٭ در مملکت صورت ومعنی
موجود ماح محو کننده کفر وزائل نماننده آن بدعوت خود فی الحقیقه
از جزیره عرب واز روی حکم از تمام روی زمین زیرا که در روایت
آمده که بعد نزول عیسی علیه السلام امت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
همه روی زمین را مالک خواهد شد یا پیش از نزول او باعث غلبه او پس اشکال
لازم نمی آید آنکه محو بمعنی ستردن وپاک کردن بالکلیه آمده وکفر بسیاری

بلاد موجود است [illegible] ونیز در معنی این اسم شریف آمده که محو کند
خدای تعالی بسبب وی صلی الله علیه وآله وسلم گناهان امت او را حاشر
بردارنده مردگان از گورها وجمع کننده آنها را در عرصه قیامت یعنی
اول کسی که برانگیخته شود از قبر آن حضرت باشد صلی الله علیه وآله وسلم
ودیگران همه برانگیخته شوند از پس او وجمع کرده شوند بسوی او واو
سلطان آن روز بود تا که او برنخیزد هیچ کس برانگیخته نشود پس
او سبب باشد در برانگیختن همه پس صحیح شد که او را حاشر گویند به
طریق مجاز عاقب پس آینده از همه انبیا ونیست پس از وی هیچ پیغمبری
طه گفته اند که معنی او یا رجل است بزبان سریانی وگویند بمعنی
یا انسان است ومراد از ذات مقدس آن حضرت صلی الله علیه واله وسلم
که فرد کامل است از انسان یا طاء رقت بر او اسم آن حضرت که طالب است
وهادی یعنی طالب شفاعت وهادی شریعت یا طاهر از ذنوب وهادی بمعرفت
عالم الغیب [illegible] او است از غرض وهدایت او تقریب حق در حقائق

سلمی آورده که طا اشارتست از انکه طی کرده شد نقوش اکوان از صفحهٔ
سر محمدی صلی الله علیه وآله وسلم وها رمزیست از انکه هدایت یافت
بقرب مکنون سر مدی در تبیان کوید که قسم است بطینت پاک وهمت عالی
آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم ودر بعضی تفاسیر آمده که طا بحساب جمل
نه است وها پنج مجموع چهارده باشد وغالب آنست که ماه را مرتبه بدریه در
چهاردهم حاصل شود پس در ضمن این خطاب مندرجست ماه شب چهارده ومراد
آنحضرتست صلی الله علیه وآله وسلم وبدریه اشارت بکمال جامعیت آن
حضرتست چنانچه پوشیده نیست بر عرفا واهل باطن مثنوی ماه چون کامل
شود انور بود * زانکه او مرآت نور خور بود * ماه بدری وکر شاه بدر *
صدر نو شروع کارت شرح صدر * در شب تاریکی کفر وضلال * از جهت
روشن انوار جمال یس کویند معنی آن یا انسانست بلغت طی وخطاب
با انسانیت مر آنحضرت را صلی الله علیه وآله وسلم ثابتست زیرا که وی فرد
کاملست از آن وکویند که ان اختصارست از یا سیدی یعنی یا سید البشر

وحدیث انا سید ولد آدم تایید این قولست میکند دیگر این اسم مشعر
بنهایت تعظیمست از جانب پروردکار قطعه ای جلوه رهی جمال طه * وای آینه
کمال یس * دارم زلبت امید چندان * یک شکر کرم دو لعل شیرین طاهر
پاک در ظاهر خود لیکن هر عیب ونقصان از شائبهٔ هر ذنب وعصیان ودر باطن
از آلایش جمیع اکوان مطهر بضم میم وفتح ها مشدده وبکسر آن نیز
بر وجه اول پاک کرده شود از هرچه سزاوار نیست بمرتبه رسالت وبر وجه دوم
پاک کننده مر پیروان خود را از کفر وضلال طیب پاک وپاکیزه از هرچه
انکار کند آنرا شرع قویم ومکروه دارد آنرا طبع سلیم ونیز بود عرق آن
حضرت صلی الله علیه وآله وسلم خوشبوتر از مشک اطیب از هر اطیب چنانچه
آورده اند که نمی کذشت آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم در هیچ کوچه مگر
آنکه معطر میشد از بوی خوش وی ودر می یافت کسی که در پی وی می آمد
که وی صلی الله علیه وآله وسلم زین راه کذشته است بوی کفدست آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم خوشبوتر از مشک وفی می نهاد دست مبارک خود را

بر سر کودکی از روی ترحم بس شناخته می شد از میان کودکان بسبب آن
خوشبو که بود در سر وی از رسیدن دست مبارک **سید** در حدیث
آمده ست انا سید ولد آدم یعنی من بهتر و بزرگ تر از فرزندان آدم ام
در جمیع صفات کمال **فائده** در اینجا فضیلت بر ملائکه نیز لازم آمد
بر مذهب اهل حق که می گویند بشر فاضل از ملائکه اند **رسول**
فرستاده شده از حق تعالی بسوی خلق برای رسانیدن چیزی که وحی
کرده شده بسوی او از احکام و شرایع **نبی** در شرح مقاصد گفته
که نبی و رسول هر دو بیک معنی آمده و در شرح مشکاة آورده که نبی کسی
بود که وحی بیاید بوی تا بمردم رساند و رسول آنکه کتاب بوی باشد
فائده در تفسیر حسینی گفته که فرق میان رسول و نبی آنست که رسول صاحب
شریعت است و نبی تابع او در آن شرع چون لوط که بشریعت ابراهیم دعوت
می کرد و همچنین یوشع و موسی و عیسی علیهم السلام ایر رسول در بعثت بشریعت
خاص و نبی عامست مر او را و دیگر آنکه مقرر شرع سابق باشد و گویند که رسول

آن بود که فرشته بوحی بوی فرود آید و نبی آنکه آوازی شنود یا ملهم
گردد یا خواب بیند **رسول الرحمة** پیغمبر صاحب بخشایش و آنحضرت صلی الله علیه
و آله و سلم رحمت مر مؤمنان را که بدو راه یافتند بسوی حق و نجات یابند
در آخرت از آتش دوزخ و برسند بنعمتهای بهشت و مر کافران را از بلا و تاخیر
عذاب استیصال در دنیا **دقیقه** در کشف الاسرار آورده که رحمت وی بود
کرامت را در هیچ مقام فراموش نکرد اند اگر در مکه معظمه بود و اگر
در مدینه منوره و اگر در مسجد مکرم بود و اگر در حجره طاهره بود و همچنین بذروه
عرش و مقام قاب قوسین یاد فرموده السلام علینا و علی عباد الله
الصالحین و فردا در مقام محمود بساط شفاعت گسترده گوید امتی امتی
قطعه عاصیان برگشته در دامن آخر زمان ❁ دست در دامان تو دارند و جان
در آستین ❁ نا امید از حضرت بانصرتت نتوان شدن ❁ چون تویی در هر
دو عالم رحمة للعالمین **قیم** بفتح قاف و کسر یا و تشدید یا باکسند طریقه نکوی
یا راست و مهر برای انجام کارهای خلق و تدبیر آموز آنها و در بعضی نسخ

تا آمده بضم قاف و فتح تاء مثلثه و حذف یعنی جمع کننده همه نیکوییهای
و بسیار بخشش کننده **تنبیه** بر وجه اخیر این اسم را بی تنوین باید خواند
جامع جمع کننده احکام و شرایع را که پراکنده بود در دینهای پیغمبران
دیگر و تمام کننده دین خود را همه فضائل و بزرگیها **دقیقه** اهل تحقیق گویند
که جامع است وی صلی الله علیه و آله و سلم باعتبار حقیقت چنانچه در شواهد
النبوة آورده که حضرت ذو الجلال در ازل الآزال اول تجلی که بر خود
کرد بی آنکه وجود غیری در میان باشد بصورت حقانی بود مطلق کلی
جامع مر جمیع شیون بر امتیاز بعضی از بعضی و صورت معلومیت
آن شان را تعین اول و حقیقت محمدی گویند و حقایق سایر موجودات
همه اجزای و تفاصیل آن حقیقت اند **بیت** تو اصل وجود آمدی از نخست
دگر هر چه موجود شد فرع تست **دقیقه** و صوفیه تشبیه میدهند آن حقیقت را بدان
تخم که شجر همه برگ و بار گل و خار در و مندرج است و گویند که آن تعین اصل
الاصول همه کلیات و غایت الغایات سایر جزئیات **نظم** یک تعین اصل

باقی

باقی فرع او * آن تعین در یک شکم ز نگو * کان تعین مبدع و مرجع همه * یک
حقیقت منبع و مشرع بود * هر تعین زان تعین حاصلست * با همه این یک
تعین واصلست **مقتفی** بضم میم و سکون قاف و فتح تاء فوقیه و در آخرش
فاء و یاء در آخرش حذف شده یعنی از پس آینده یعنی آن حضرت صلی الله
علیه و آله و سلم آخر از همه پیغمبران آمده **فائده** پیغمبر ما صلی الله علیه و
آله و سلم در عالم شهادت اگرچه آخرین پیغمبران بود اما در عالم غیب اولین
ایشانست چنانچه فرمود آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم کنت نبیا و آدم بین
الماء والطین **فرد** هنوز آدم میان آب و گل بود * که احمد شاه ملک جان و
دل بود * بموافق این مولانا جلال الدین در مثنوی خود آورده **مثنوی**
گرچه در صورت ز آدم زاده ام * من بمعنی جد جد افتاده ام * کز برای من
بدش سجده ملک * وز پی من رفت در هفتم فلک * پس ز من زائید در معنی
پدر * پس ز میوه زاد در معنی شجر **مقفی** بضم میم و فتح قاف و کسر فاء مشدده پس
آینده و این اسم شریف و اسمی که ماقبل اوست یک معنی آید **رسول**

الملاحم بفتح میم و کسر حاء مهمله جمع ملحمه بفتح میم بمعنی مکان قتال
و معرکه و آن از لحم است از جهت بسیاری گوشت کشتگان در وی یعنی
پیغمبر معرکها که جنگها نموده با کافران و مخالفان دین و در کتب سیر آمده
که غزوات آن حضرت که در آن بذات شریف خود در آمده بیست و هفت
بوده و دیگر جنگها که فوج صحابه بآن فرستاده چهل و هفت بوده فائده
بدانکه رسول الله چون بعد از تبلیغ رسالت مامور بود بقتال و جهاد با کافران
آن را اولوالعزم گویند و آن پنج پیغمبر اند نوح و ابراهیم و موسی و عیسی
و محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و علیهم الصلاة والسلام فرد بود شاه رسل
شه عربی ه هم اولوالعزم هم رسول و نبی رسول الراحة یعنی پیغمبری که آرام یافت
بسبب او امتش اما در دنیا بسبب آنکه حق تعالی عفو کرده مر این امت مرحومه
را مشقتها که تکلیف کرده بود بآن امتان دیگر را چنانکه بریدن عضوی
که گناه از وصادر می شد و بریدن آن مقدار جامه که نجاست بود رسیده
و جز آن و اما در آخرت پس رسیدن بگلزار جنت پر بهار و بدیدار پروردگار

ب

بسبب شفاعت سید الابرار صلی الله علیه و آله و سلم کامل متصف
بصفات باکمال در همه حال و خالی از نقصان بهمه جهات بیت در حریم سر تعظیم
تو کس را راه نیست ه در کمال حشمت هیچ عقل آگاه نیست اکلیل بکسر همزه
و سکون کاف و کسر لام و سکون یای تحتیه بمعنی تاج که مرصع باشد بجواهر
و بادشاهان بر سر نهند از برای زینت و چون ذات مقدس آن حضرت
صلی الله علیه و آله و سلم سبب زینت همه کائنات بود نامیده شد باین نام مبارک
در زبور رباعی حسنی که تراست هم تو داری ه آرایش روی روزگاری ه خوبان
جهان پیاده هستند ه ای شاه رسل تو شهسواری مدثر بضم میم و فتح دال مشدده
و کسر ثای مثلثه مشدده جامه در پوشیده و در تفسیر حسینی آورده که جابر بن
عبد الله رضی الله عنهما نقل می کند از حضرت صلی الله علیه و آله و سلم که در
زمان فترت وحی براهی می رفتم ناگاه از آسمان آوازی شنیدم چشم بالا
کردم دیدم که همان فرشته که در غار حرا بمن آمده بود بر کرسی نشسته است
میان زمین و آسمان از عظمت شکل او خوفی بر من طاری شد بخانه باز گشتم

عجب آنکه محبان تو محبوب باشند صفی الله بکسر فا و تشدید یا برگزیده خدای
تعالی و چیده او از همه میان اهل دانش و آگاهی بر اعلی مرتبه قرب بارگاه
الهی نجی الله بکسر جیم و تشدید یا همراز خدا تعالی و مشهور است که خدای
تعالی با آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در شب معراج سخنان گفته که هیچکس را
خبر و اطلاع نیست بر آن اسرار نهفته بیت کلامی سرمدی بی نقل شنید ه خداوند
جهان را بی جهت دید کلیم الله همسخن خدا تعالی یعنی خدا تعالی سبحانه با وی
در شب معراج سخنان بی واسطه گفت دقیقه کلام حق تعالی با موسی علیه السلام
بر کوه طور بود و با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در غرفه نور بیت موسی
طور که چه سخن با خدای گفت ه بالای عرش پایه طور محمد است خاتم الانبیاء
بفتح تاء مهر پیغمبران یعنی بر و مهر کرده شده در نبوت و پیغمبران ختم کرده شد
باو و خاتم بکسر تاء بمعنی آخر نیز آید یعنی اوست آخر پیغمبران بنور ظهور هر چند که
اول ایشان بود بظهور نور دقیقه در عین الاجوبه آورده که حکمت در کتابت
بمهر اوست حق تعالی پیغمبر را مهر گفت صلی الله علیه و آله و سلم تا دانند که تصحیح دعوی

مکـ

محبت الهی بی متابعت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و سلم نتوان بود
چنانکه حق تعالی فرموده ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله یعنی اگر هستید
شما که دوست دارید خدا را پس پیروی کنید مرا تا دوست دارد خدا شما را
و چون کتاب را مهر کردند کتاب تمام شد و چون نبوت بآن حضرت رسید
در نبوت بسته گشت نظم مهر آن خاتم شده است او که بجود ه مثل او نبود و
نخواهد بود ه چون در صفت بر و استاد است ه می تو گویی ختم بر وی است ه
لطیفه حکمت در آخر آمدن آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم آن بود که خاتم
رسالت بر جهت شود و آنکه اطلاع یابد وی صلی الله علیه و آله و سلم بر شرایع
پیشینیان پس اختیار کند برای امت خود بهتر از آن و آنکه باشد مر امت او را
عبرتها در قصه های پیشینیان و آنکه اطلاع نیابد هیچ امتی بر امت وی صلی الله
علیه و آله و سلم و آنکه بسیار دیر نگشت امت وی در زمین و منسوخ نشود شریعت
دیگری نظم دولت پیشینه همه سر بسر ه کرد ظهوری و سر آمد دگر ه نوبتی دولت
تو تا ابد ه نوبت پیغمبری تو رسد خاتم الرسل یعنی این نام مبارک همونست

گفتم که مرا بپوشانید جامها بر من پوشیدند و من در اندیشه آنحال بودم
که حضرت ذو الجلال عز اسمه نواله وحی فرستاده که یا ایها المدثر دقیقه
عادت عرب است که چون با کسی اظهار دوستی نمایند با او خطاب کنند بمناسب
حالتی که آنکس در آن حالت بود چنانچه روزی حضرت مرتضی علی شیر خدا
کرم الله وجهه و رضی الله تعالی عنه بر زمین خوابیده بودند و دوش مبارک
ایشان از گرد آلوده شده بود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند قم
یا ابا التراب همچنین حق تعالی درین اسم مبارک بانحضرت اظهار
لطف فرموده و گویند که مراد دثار نبوتست یعنی ای لباس رسالت در بر
افکنده مزمل بوزن اسم ماقبل گلیم بر خود پیچیده و درین اسم مبارک نیز
خطاب مناسب آن حالتیست که آن حضرت داشت و گویند زمل بمعنی حمل
یعنی این بردارنده بار نبوت است نظم حمل چنین بار بمقدار تست ٭ کار
کسی نیست که این کار تست ٭ کس نتواند زدن اینجا نفس ٭ قوت این کار تو داری و
بس عبد الله بنده خدا در آثار آمده که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم را

هیچ نام از این نام خوشتر نباید چه برادای حقوق عبادت و عبودیت
بر وجهی که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم قیام نموده هیچ کس را قوت
اقامت بر آن نبوده لاجرم در وقت عروج آن حضرت بر منازل ملکی با
این اسم مذکور شد که سبحان الذی اسری بعبده لیلا یعنی پاکیست
مر آن خدائی را که سیر کنانیده بنده خود را شب نظم آن بنده شعار بندگی
دوست ٭ کز جمله بندگان گزین اوست ٭ دادند ز بندگیش راهی ٭ کان راه نبند
هیچ شاهی حبیب الله محبوب خدا لطیفه پوشیده نیست که محبت و دوستی
حق تعالی بلحاظ مناسبت و اعلا مرتبه قربت چنانچه بی شبه در عالم ظاهر و شک نیست
که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم اشرف و اعظم همه مقربانست پس بنا بر این حاصل
کرده شد وی صلی الله علیه و آله و سلم اینمرتبه منزلست پس وی صلی الله علیه و آله
وسلم محبوب حق تعالی باصالتست و دیگران بمتابعت وی صلی الله علیه و آله و سلم
چنانچه در قرآن مجید آمده فاتبعونی یحببکم الله یعنی پس پیروی کنید
مرا تا دوست دارد شما را خدا تعالی بیت عجب آن نیست که محبوب جهانی تو لطف ٭

که در اسم بالا گذشت بیت ای ختم پیمبران مرسل ٭ حلوای پسین و ملح اول محیی
بضم میم و سکون حا زنده کننده مردگان را بدعای خود و این معجزه
از عیسی علیه السلام مشهور است و در قرآنست و شک نیست که مرتبه آن
حضرت صلی الله علیه و آله و سلم از و بلندتر است پس از این معجزه از وی عجب نبود
چنانچه در حدیث آمده که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم مادر و پدر خود
را باذن خدا تعالی زنده ساخت تا ایمان بوی آوردند و ذکر کرده است این
حدیث را شاهین و خطیب بغدادی و دارقطنی و ابن عساکر از عائشه رضی الله
عنها فائده در شواهد النبوة آورده که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم بخانه
جابر رضی الله عنه مهمان شده بود و بره گوسفند ذبح کرد و جابر را دو پسر
بودند بزرگ مر خورد را گفت بیا تا بتو نمایم آنچه پدر ما باین بره کرد پس
او را ببست و به کارد ذبح کرد مادرش بدید و از پس او دوید پسر رسیده بر
بام گریخت مادر به او برفت آن پسر نیز از بام افتاد و هلاک شد آن زن
فزع نکرد تا خاطر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ملول نشود آخر الامر چون

بر حضرت معلوم شد بدرگاه الهی دعا کرد پس فی الحال زنده شدند فائده و نیز
زنده کننده است دلها مومنان را با ایمان و عرفان فی الحقیقت آنحضرت
صلی الله علیه و آله و سلم جان همه عالم است که سبب همه کائنات او منجی
بضم میم و سکون نون خلاص کننده امت را از کفر و گمراهی در دنیا
و رهاننده پیروان خود را از آتش دوزخ در عقبی مذکر بضم میم و کسر
کاف مشدده پند دهنده و نصیحت کننده امت را و حاصل می شد از نصیحت
وی صلی الله علیه و آله و سلم رغبت در محاسن اعمال و نفرت از قبایح افعال
و بیزاری از لذات دار فنا شوق بسوی دار بقا و می نمود کلام وی حل مشکلها
و پیدا می شد از و رقت دلها و می افزود قوت در یقین و ثبات در احکام دین
رباعی زهی کلام تو محض هدایت و حکمت ٭ زهی پیام تو عین عنایت و رحمت ٭
کند کلام کمند تو اهل عرفان را ٭ ز شوره زار ضلالت بگلشن جنت ناصر
یاری دهنده دین اسلام بهلاک ساختن دشمنان ناکام و یاری دهنده
مومنان را بدفع مضرت هم در دنیا و هم در آخرت منصور یاری داده شده

از حق تعالی بر وشفقت آن بابلطف ترس وبیم و بهای ایشان و فرستادن
فرشتگان ونیز در حدیث آمده که یاری داده شده آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم در روغار بباد صبا بیت باد صبا به بت میان نصرت تراه
دیدی چراغ راگکند باد یاوری وباری داده خواهد شد در قیامت بقبول شفاعت
درحق مومنان وبه بلندی رتبه بر همه مقربان وبقیام در مقام محمود و
بدادن هر مقصود بیت چو مقصود کون ومکان بود لست خدای دهد آنچه
مقصود تست نبی الرحمة معنی این بعینه همونست که در اسم رسول الرحمة بالا
مذکور شد نبی التوبة بیغمبری که توبه کرد خلائق بر دست وی از کفر وشرک
وقبول کرد خدا تعالی برای آن بر برکت وی واین صفت در همه پیغمبران
مشترکست اما در ذات شریف صلی الله علیه وآله وسلم از همه بیشتر وکاملترست
ونیز توبه امت آنحضرت مقبولست بلا حرج تا برآمدن آفتاب از جانب
مغرب وتوبه امم پیشینان قبول می شد بشرطهای سخت چنانچه قتل نفس ونقض
بودند که از آنها هر که قبول نمی شد فائده درحدیث آمده که چون از آدم علیه السلام

نافرمانی حق تعالی شد بخوردن دانه گندم ونیز وان کرده شد از بهشت شفیع
آورد آن حضرت را صلی الله علیه وآله وسلم در توبه خود گفت بار خدایا بحق محمد وآل محمد
برمن ببخش حق تعالی گفت محمد کیست وتو چه دانی گفت خدایا چون مرا بیدا
کردی سر خود بسوی عرش برداشتم ودیدم که در آن نوشته اند لا اله الا الله
محمد رسول الله پس دانستم که نزد تو بزرگترین بنیت از کسی که نام او را قرین
نام خود کرده پس حق تعالی توبه او را قبول فرمود واین اول توبه بود که قبول
شد به برکت آنحضرت پس باب توبه از آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم
مفتوح گشت ومعنی توبه در آخر کتاب بیاید ان شاء الله تعالی حریص
علیکم حرص کننده بر اسلام شما واین صفت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
در قرآن مذکورست فائده معنی حرص سخت خواهش کردن پس در امر نیک
نیکست ودر امر بد بدست معلوم دانسته شده بجمیع کمال نزد فرشتگان در آسمانها
ونزد اهل زمین از شرق تا مغرب ودانسته خواهد شد در عرصه قیامت نزد خلائق
به بلندی رتبه وشرف منزلت ونیز دانسته شده است نزد همه امتان گذشته زیرا که

حق تعالی خبر داده بود بهر یکی و بس در کتب ایشان شهیر مشهور
در هر زمان وهر مکان نزد اهل زمین واهل آسمان بحسن واحسان
وبهمه کمالات انسان شاهد گواهی دهنده بر امت خود بایمان مومنان
وکفر کافران ونیز برای پیغمبران بر امتان آنها چون انکار کنند برسانیدن
احکام الهی شهید گواه بر اقوال وافعال امت خود بر ابلاغ رسالت
انبیاء سابق مشهود گواهی داده شده یعنی گواهی دادند بصدق رسالت
او فرشتگان وجن وانس از مومنان وگفتند اشهد ان لا اله الا الله
واشهد ان محمدا رسول الله ولازم گرفتند این گواهی را در تشهد نماز
واذان واقامت وگواهی داد بر ثبوت نبوت وی خدا تعالی چنانچه
در آخر سوره فتح فرموده وکفی بالله شهیدا یعنی بسندست خدا تعالی
گواه بر نبوت تو بشیر مبشر بضم میم وفتح باء وکسر شین مشدده
این هر دو اسم شریف بیکمعنی آمده یعنی مژده دهنده مومنان را
بثواب وغفران وجنت ورضوان ولقاء رحمن نذیر منذر بضم

میم وسکون نون وکسر ذال معجمه یعنی بیم کننده کافران را از عذاب وعقاب
وسختی حساب نور این نام مبارک در قرآن آمده قد جاءکم من الله نور
یعنی هر آینه که آمد بشما از نزد خدای روشنائی که آن محمدست صلی الله علیه وآله
وسلم دقیقه در بحر الحقائق آورده ودر گنج معانی برکشاده که وجه نامیدن
آن حضرت بنور آنست که اول که حق سبحانه بنور کرم از ظلمت کده عدم بیرون
آورد نوری بود که اول ما خلق الله نوری بعد از آن عالم را برای ظهور او
بیدا کرد واسید لطیفه در نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص مذکورست
که اصل ومنشا ومبداء ومعاد جمله خلائق حضرت حقیقة الحقائقست وآن
حقیقت محمدی ونور احمدیست که جامع جمله کمالات الهی وکتابی وواضع
میزان همه مراتب اعتدالات ملکی وحیوانی وانسانی آن حضرتست
وعالم وعالمیان صور واجزاء تفصیل او مثنوی الخ اول شد بدید از جیب غیب
بود نور جان او بی هیچ ریب بعد از آن آن نور مطلق زد علم
گشت عرش وکرسی ولوح وقلم یک علم از نور پاکش عالم است یک

علم و زینت پشت آدم است نقد او چون اصل موجودات بود ذات
او چون معطی هر ذات بود واجب آید دعوت هر دو جهانش دعوت
ذرات پیدا و نهانش سراج یعنی چراغ که زایل کرد روشنی او تاریکی
کفر و ضلالت را از عرصه عالم و روشن ساخت نور او دلهای بیماران
دقیقه هر چه در خانه کم شود به نور چراغ باز توان یافت حقایقی که بر مردم
پوشیده بود به نور این چراغ روشن گشت رباعی از او جان زاهد انش
آشنائیست و ز روی چشم جهان از او روشنائیست در کنج معانی بر کنده
و زان صاحب دلان را مایه داده لطیفه دیگر چراغ اهل خانه را سبب امن
و راحت و دزد را واسطه خجلت و عقوبت آن حضرت نیز صلی الله علیه
و آله و سلم دوستان را وسیله سلامت است و منکران را موجب حسرت و ندامت
و همه چراغها شب نور دهند نه بروز و نور دعوتش شب ظلمت دنیا را روشن
ساخته و روز قیامت را نیز به پرتو شفاعت منور خواهد ساخت نظم
شد به بیا رخش چراغ افروز شب یا گشت ز التفاتش روز باز فردا چراغ

افروزد که از آن جرم عاصیان سوزد فطره در کشف الاسرار گفته که حق
تعالی آفتاب را چراغ تابان خواند که وجعلنا سراجا وهاجا و پیغمبر را
صلی الله علیه و آله و سلم نیز سراج منیر گفت آن چراغ آسمانست و این چراغ
زمین و آن چراغ دنیاست و این چراغ دین و آن چراغ منازل فلکست و این
چراغ محافل ملکست و آن چراغ آب و گلست و این چراغ جان و دلست
و بطلوع آن چراغ از خواب بیدار شوند و بظهور این چراغ از خواب عدم برخواسته
بعرصه گاه وجود آمدند بیت از ظلمات عدم راه که بردی برون گر نشدی
نور تو شمع روان همه مصباح بکسر میم چراغ روشن این اسم مبارک
و اسم ما قبل بیک معنی آمده هدی بضم ها و فتح دال بمعنی راه نما و اینجا
بمعنی راه نماینده است و تحقیق که راه نمود آن حضرت خلق را از کفر و ضلالت
بسوی توحید خداوند ذو الجلال مهدی و این اسم مبارک چند وجه آمده
بفتح میم و کسر دال و تشدید یا بمعنی راه نموده شده یعنی راه نمود او را حق تعالی
بسوی احکام دین اینچنین در کتاب مبین یا بسوی معرفت حقایق کونین بسوی

مقام قاب قوسین و بضم میم و کسر دال و سقوط یا بمعنی راه نماینده
بسوی حق تعالی لیکن باین وزن اینمعنی در لغت کم آمده و برین وجه
بمعنی قربانی فرستنده بسوی کعبه نیز آمده و آن حضرت صلی الله علیه و آله
و سلم قربانی بکعبه می فرستاد و یا آنکه هدیه آورد برای خلق ایمان و معرفت
الهی را و بضم میم و فتح دال نیز آمده بمعنی هدیه یعنی ذات مبارکش هدیه
بود و از حق بسوی خلق و برین وجه حدیثی نیز آمده چنانچه عزیزی
بنظم گفته بیت خواجه چون در مدیح خویش سفت انما انا رحمة
مهداة گفت یعنی نیستم من مگر رحمتی که هدیه فرستاده شده است منیر
روشن در ذات خود با نوار تجلیات الهی و روشن کننده دلهای پیروان
خود را بنور معرفت و آگاهی داع خواننده خلق بسوی اقرار توحید
خدای تعالی و پرستش او مدعو خوانده شده در شب معراج بسوی آسمانها
و عرشهای پر بینش و مقام رب العالمین مجیب قبول کننده عهد الهی را بروز میثاق
وقتی که گفت خدای تعالی الست بربکم اول کسی که بلی در جواب گفت آنحضرت

صلی الله علیه و آله و سلم و نیز قبول کننده توحید خدا و امر او و طاعت او را
بر وجه کمال و نیز قبول کننده دعوات یاران خود را اگر چه میخواندند بنان
جوین مجاب قبول کرده شده دعا او صلی الله علیه و آله و سلم نزد خدای تعالی
و این بارها بوده چنانچه در کتب احادیث و سیر مذکور است و نیز قبول کرده
خواهد شد شفاعت او صلی الله علیه و آله و سلم در آخرت و نیز قبول کرده شده
دعوت او بسوی دین اسلام زیاده از آنچه که قبول کرده شده از پیغمبران سابق
حفی بفتح حا مهمله و کسر فا و تشدید یا و بر حال امت مهربان عفو
بفتح عین و ضم فا و تشدید واو بخشنده گناه از کسی که صادر می شد از او در حق
آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم و از خلق تعظیم آن حضرت صلی الله علیه و آله
و سلم بود که اگر خادمی در خدمت قصوری می شد و یا در بعضی خدمات بسبب
بشریت مخالفت امر غیر مرضی می شد هرگز باک نداشت و اگر کافری و منافقی
از راه دشمنی رنج رسانیدی در گذشتی و قصد انتقام آن نکردی بیت
می ریختند در ره او خار و با همه چون گل شکفته بود و رخ دلستان او

ولي دوست خدا و مقرب درگاه مولا لطیفه در اصطلاح صوفی ولی کسی بود
که دوست دارد او را حق و محفوظ دارد او را از عصیان و برسانده او را در کمال
بمبلغ رجال و گویند که غایت او آنکه فانی فی الله و باقی بالله بود و مراد
از فنای آنکه مستغرق بود در مشاهده حق و غائب از خلق همه را از پیش نظر برداره
تا آنکه بنفس خود شغف ندارد و این همه معانی در آنحضرت صلی الله علیه وآله
وسلم بر وجه اتم و اکمل بود مولانا جلال الدین در وصف ولی می‌فرماید مثنوی
آن ولی حق که خوئی حق گرفت ٭ نور گشت و تابش مطلق گرفت ٭ مرده است
از خود شده زنده برب ٭ زان بود اسرار حقش در دو لب ٭ اولیا راست قدرت
از اله ٭ تیر جسته باز آرندش براه ٭ در درون دل در آید چون خیال ٭ پیش او
مکشوف باشد سر حال ٭ آنکه واقف گشته بر اسرار هو ٭ سر مخلوقات چه بود پیش او ٭
حق پیغمبر راست و درست بهیچ وجه در او جای انکار نیست قوي
توانا بر ادای طاعت شاقه بوجهی که تکلیف کرد حق تعالی او را بدان و نیز
توانا بر تحمل وحي که خدا تعالی وصف کرده آنرا بقول ثقیل چنانچه آورده اند که

وقت نزول وحي اگر آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بر شتر سوار بودی دست
و پای شتر خم گشتی و اگر تکیه بر ران یکی از یاران داشتی خوف شکستن آن
بودی و درین محل روی کلبرگش سرافروختی و از کمال توانائی وی آن بود
که در ظاهر با خلق بودی و در باطن با حق فائده در شواهد النبوه آورده که آن
حضرت صلی الله علیه وآله وسلم در قوت بدنی از همه کس زیاده بود و یکی
قوي ترین روزگار خود بود آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم با وی کشتی
گرفت دو بر ابر زمین زد وقتی که او را باسلام خوانده بود امین
پیغمبر با امانت و چیزي که وحي کند حق تعالی بسوی او و از احکام دینیه
و اسرار غیبی پس ظاهر کرد هر چه که حکم کرده شد باظهار آن و پوشیده داشت
چیزي که امر کرده شد باخفای آن و نیز می‌نامیدند مردم آن حضرت
صلی الله علیه وآله وسلم باین نام پیش از نبوت برای شهرت وی بوصف
امانت و پاکی دامن وی از غبار خیانت مامون ایمن کرده شده
از آنکه واقع شود در وحی تبدیل و تغیر و چیزی که امر کرده شده است بدان یعنی

نکرفتم راه سنت ٭ هستم از عاصیان امت او وصول بفتح اول پیوند
و پیوست کننده با ذو الارحام و اهل قرابت و با بیگانگان از جهت دین و دیانت
بجود و احسان و بوفاء عهد و پیمان ذو قوة صاحب توانائي و وجه این از معنی
اسم قوي معلوم شده ذو حرمة بضم حاء صاحب بزرگی و نهایت ذو
مكانة بفتح میم صاحب مرتبه بلند ذو عز صاحب عزت و قدر نزد
حق تعالی ذو فضل صاحب بزرگی و کمال که فوقیت دارد بر آن
بر غیر خود مطاع بضم میم فرمان برده شده یعنی فرمان برند بگفته
او مؤمنان امت از جن و انس مطیع فرمان برنده مر حکم خدای را عز و جل
نظم گوش باطن بنهاده بر فرمان ٭ دیده دل بهاده بر عرفان ٭ زنده از
نفحهای گلشن قدس ٭ معتکف در فضای معبد انس قدم صدق پیش رونیک و در این
اشارت بشارت بشفاعت آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم زیرا که
اکثر در عادت آنست که شفیع پیش می‌شود از کسی که شفاعت او می‌کند
رباعي نماید بعصیان کسی ندر کرو ٭ که دارد چنین سید پیشرو ٭ اگر دفتر بیت ما ازگنه

ترسی این توان کرد و از جانب او خوف هیچ مکروهی و شری
توان نمود و نیز ایمن ساخته بود خدا تعالی او را از شر حاسدان و در
امن میداشت از جمله بدیها کریم بزرگوار در نسب و حسب و بزرگ
نزد خدا تعالی و نیز بخشنده بالنوال و بی وسیله مکرم بضم میم و فتح
راء مشدده بزرگ کرده شده یعنی بزرگ ساخت خدا تعالی او را از همه
مخلوقات بهمه بزرگیها مکین بفتح میم با جاه و منزلت نزد خدا تعالی
متین بفتح میم استوار و توانا و وجه این تسمیه از اسم قوی معلوم
کرده چنانچه بالا گذشت مبین بضم میم ظاهر و روشن امر او بسبب معجزها
بزرگ که آورده ظاهر کننده چیزها که آورد از حق مؤمل بضم میم اول کسی
باشد بمیم دوم امید وار فضل و نوازش الهی بفتح میم دوم نیز آمده
یعنی امید داشته شده مر امت را در همه امور دنیوی و اخروی و حل مشکلات
صوری و معنوی و همه اهل ایمان امید شفاعت او دارند بروز جزا خصوصا
عاصیان بی زاد و توشه نظم لب جنبان پی شفاعت ما ٭ نیکر دیم گناه و طاعت ما

باک نیست چو او عفو خواهست بود باک نیست **رحمة** بخشایش و مهربانی بر خلایق
وفی الحقیقه آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بخشایش کننده است اما
بسبب کثرت بخشایش گویا ذات مبارکش عین بخشایش شده **بیت** در دو عالم
بخشش و بخشایشت خلق را از بخشش آسایشست **بشری** بضم با
وآخرش الف مقصوره فرد کانی مر مومنان را یعنی مژده دهنده بهشت
بر ابرار و لقاء پروردگار **غوث** بفتح غین فریادرسنده مر عاجزان و درماندگان
را بشفاعت خود وقتی که پناه جویند بوی در رنجهای و سختیها در دنیا
وآخرت **غیث** بفتح غین باران و وجه نامیدن باین اسم شریف
آنکه چون باران سبب زندگی و زینت زمین است همچنان خدا تعالی بسبب
آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم زنده ساخت دلهای مسلمانان را و زینت
بخشید بایمان و هدایت بعد از مردگی و پژمردگی آن بسموم کفر و ضلالت
غیاث بکسر غین فریادرسنده و آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم
فریادرسنده است اما بسبب بسیاری این فعل گویا عین فریادرسی شده **نعمت الله**

نعمت خدا تعالی بر بندگانست **فایده** نعمت بکسر نون هر چیزی نیکو
که لذت و راحت از او مرغوب باشد مر او را پس کسی که قدر آن ذات معدن
بابرکات را بشناخت لذتهای روحانی از او دریافت **بیت** چه نعمت بزرگ
از خدا که بر ثقلین پاسداری این نعمت فرض العین **هدیة الله**
بفتح ها و کسر دال و تشدید یا تحفه خدا تعالی که برای اکرام بندگان
فرستاده پس هر که قبول کرد او را بتعظیم خوشنود ساخت فرستنده را و هر که
قبول نکرد در غضب آورده او را **عروة وثقی** بضم عین دست آویز استوار
یعنی هر که چنگ زند بسنت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم خلاص یابد
از قعر ضلال و وبال و بر آید بر بلندی فضل و کمال چنانچه چنگ زند
کسی برسن استوار پس بر آید از چاه مهالک و مضار **فرد** کور آنکس که ترک
کند پیروی تو نابیناکسی که همت او چنگ در تو زند **صراط الله** راه خدای
تعالی یعنی راهی که بدو بمعرفت ذات و صفات حق تعالی توان رسید و نزدیک
که هر که بمعرفت حق رسید بمتابعت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیده و هر که مخالف

او ورزید راه حق پیروی گم گردید **صراط مستقیم** راه راست یعنی هر که
آن حضرت را صلی الله علیه و آله و سلم پیروی نمود واصل می شد بمنزل مقصود
و برسید بسعادت ابدیه و بمطالب دینیه و دنیویه و هر که از متابعت وی
کجی ورزید در بادیه شقاوت حیران گردید **ذکر الله** سبب یاد
کردن خدای یعنی هر که دید جمال جهان آرای آن حضرت صلی الله علیه
و آله و سلم و یا شنید نام مبارک وی یا اخلاق جمیله وی یاد کرد خدای
تعالی را عز و جل بکمال قدرت و ستایش کرد و یا آنکه یاد کرد خدای
تعالی آن حضرت را صلی الله علیه و آله و سلم پیش از آفرینش همه
خلائق و یاد کرده شد نام او در لوح محفوظ پیش از همه و بر داشته شد
ذکر او بالای آسمانها در مجالس فرشتگان پس ذکر بمعنی مذکور بود
یا یاد کننده است آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم خدای تعالی را یاد
بسیار در لیل و نهار بانواع رموز کار پس ذکر بمعنی ذاکر بود **سیف الله**
شمشیر خدا و این اشاره است به بسیار جهاد و قتال آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم

باد

با دشمنان دین اسلام و فتح و ظفر وی بر کفار نافرجام و جهد و کارزار وی
غازیان و خویش همی ظفر یابند و دشمنان شریعت وی همیشه خوار همیشه
و خراب اند **بیت** لشکر عزم ترا فتح و ظفر همراه است لاجرم هر نفس اقلیم
دگر می گیرند **حزب الله** لشکر خدا و لشکر عبارتست از بسیاری مردمان جنگی
پس کاری که همه لشکر می کند در جنگ با دشمنان آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم
تنها آن کار کرده زیرا که برانگیخت خدای تعالی او را تنها بر خواندن مردم
بسوی دین و اسلام پس باز داشت آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم مردم را
از کفر و آورد بسوی ایمان و جهاد کرد با لشکران تا که رونق یافت دین
او چنانچه یافت **النجم الثاقب** ستاره درخشنده فروزان یعنی چنانکه راه می یابند
مسافران بسبب ستارگان در شب تاریک همچنان راه یافتند سالکان بسبب
آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم بمعرفت پروردگار **مصطفی** برگزیده خدا
از میان جمله کائنات برای قرب منزلت و بلندی درجات **مجتبی** چیده
شده از میان اهل فضل و کمال برای نهایت مرتبه قرب درگاه خداوند ذو الجلال

منتقي این نام شریف وناقی که ماقبل اوست بیک وزن آمده و یکمعني
امي نانویسنده وناخواننده. بیت نگار من که بمکتب نرفت وخط
ننوشت ۞ بغمزه مسئله آموز صد مدرس شد فائده درین اسم شریف
اشارتست بانکه کمال علم او با وجود امي بودن یکي از معجزات اوست
زیراکه آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم همه عمر در قوم خود بوده وهرگز کسب
علمي ننموده وباعالمي مصاحبت نکرده وبا وجود این همه کلامی برایشان مي
خوانند وفصحاء عرب از فصاحت وبلاغت آن حیران بودند وانواع علوم و
معارف ازو ظاهر شد وبهمه اخلاق جمیله آراسته گشت این بدون خرق
عادت نیست مثنوي امي دانا که بعلم فزون ۞ راند رقم بر ورق کاف ونون ۞ بي
قلم وکاغذ زاب سیاه ۞ معجزه آور ز وحي اله ۞ بي خط قرطاس ز علم ازل ۞
مشکل لوح وقلمش گشت حل دقیقه در بحر الحقائق آورده که عرب اصل
هرچیز راام گویند چنانچه مکه راام القری گویند که اصل همه شهرها ودیهاست
پس آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم باصل منسوب ساخت تا دانند که

اصل همه موجودات اوست بیت تو اصل وجود آمدي ازنخست ۞ دگر
هرچه موجود شد فرع تست ۞ وگویند که این نسبت بجانب ام القری است
که مکه باشد پس بمعنی مکي باشد مختار برگزیده خدای برای اعلی مرتبه
رسالت واختیار کرده شد نزد حق تعالی برای قرب منزلت رباعي ایزد چو
آسمان وزمین بالاقرار کرد ۞ در ملک لایزال فلک را بکار کرد ۞ بر دادن
نیابت شاهي اینجهان ۞ تا دور چرخ نام ترا اختیار کرد اجیر بفتح همزه
وکسر جیم ای ماجور یعنی مزد وثواب داده شد بر کشیدن بار نبوت
بفتح جیم وتشدید بار نیکو کننده ونصلاح آرنده حال امت را باقهر کننده وشکننده
دشمنان دین را فائده در بعضی نسخه اخیر وخیار هر دو بجاء معجمه وباء مثناه
تحتیه آمد بمعنی پس آینده وچه نیکو وبهتر ابو القاسم پدر قاسم ابو
ابراهیم پدر ابراهیم ابو الطاهر پدر طاهر ابو الطیب پدر الطیب قول صحیح
آنست که پیغمبر را صلی الله علیه وآله وسلم سه پسر بودند ابراهیم از ماریه قبطیه وقاسم
وعبد الله از خدیجه رضی الله عنهما واین عبد الله را طاهر وطیب نیز گفته اند

ازروی تعظیم برای تولد وی در اسلام مشفع بضم میم وفتح شین وفتح
فاء مشدده قبول کرده شده شفاعت وي در حق امت نزد خدا تعالی
شفیع درخواست کننده گناهان امت را از حضرت پروردگار وعذر
خواه جرائم ایشان از بارگاه خداوند غفار صالح نیکوکار در همه احوال
واطوار ونگاهدارنده خشنودی آفریدگار مصلح بضم میم وکسر
لام نیکو کننده احوال خلق را برهنمائي ایشان بسوی چیزي که نیک باشد
در حق ایشان در دنیا وآخرت مهیمن بضم میم اول وفتح هاء وسکون
یاء وکسر میم دوم نگاهبان امت از خلل وزلل صادق راست گو
در هرچه که خبر دارد بدان مصدق بضم وفتح دال مشدده تصدیق
کرده شده وباور داشته شده وتحقیق که تصدیق کردند مر آن حضرت
را صلی الله علیه وآله وسلم خلق بسیار از جن وانس در عالم ارواح وعالم
اجسام وبکسر دال نیز آمده یعنی تصدیق کننده وباوردارنده پیغمبران
پیشین را وکتابهای ایشان را صدق راست یعنی راست ودرست در

ظاهر وباطن در اقوال وافعال ودر سائر احوال با حق وبا خلق پس از
بهر نهایت مبالغه وی صلی الله علیه وآله وسلم وراستگو با عین راستي شده
بیت زینت بر مردم اهل نظر صورتی از صدق ووفا خوبتر سید المرسلین
مهتر وبهتر پیغمبران وبزرگ وسردار ایشان فائده وچون پیغمبران بهتران
همه خلق اند لازم آمد که آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بهتر بهتران
باشد بیت گرامحال که وصف تو در تواند یافت ۞ ولیک غایت علم
اینکه بهتري زهمه امام المتقین پیشوای پرهیزکاران وعزیزي علامت
را در سلک نظم آورده نظم متقي را بود چهار نشان ۞ حفظ احکام شرع اول
آن ۞ ثانیا آنچه دسترس باشد ۞ بر فقیران وبیکسان بخشد ۞ عهد را با وفا کند
پیوند ۞ هرچه باشد بدان شود خرسند دقیقه گویند که تقوی را مراتبست اول
پرهیز از شرک که سبب رهائي از عذاب جاودانیست دوم دور بودن از
گناهان خورد وبزرگ وآن باعث حصول سعادت دو جهانست سیوم
روگردانیدن از هرچه که غیر خداست وآن واسطه وصول قربانیست

بیت اصل تقوی که زاد این راهست ۵ ترک مجموع ماسوی اللهست قائد

الغر المحجلین از پیش کشنده بسوی بهشت امتان را که روشن باشد پیشانی

ایشان و نورانی بود دست و پای ایشان فائده غر بضم غین و تشدید

راء اسبان که پیشانی ایشان سفید باشد و محجلین بضم میم و فتح حاء

و فتح جیم مشدده اسبان که هر چهار دست و پای ایشان سفید باشد

و امت آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم روز قیامت روی و دست و پای

همه روشن و نورانی باشد از اثر وضو بدان این امت باین صفت

بروجه تشبیه در حدیث مذکورست خلیل الرحمن دوست خدا و فرق

میان خلیل و حبیب در شرح عربی نوشته شده مبر بفتح باء و تشدید

راء نیکوئی کننده و احسان نماینده مبر بفتح میم و باء و تشدید راء

نیکوئی کردن چون آن حضرت را صلی الله علیه و آله و سلم نیکوئی کردن

خوی و عادت بود پس بطریق مبالغه آن نامیده شد فائده و بضم

میم و کسر باء نیز آمده یعنی گردانیده عزیز صاحب احسان و نیکوئی

وجه

وجیه روی شناس و تمام قدر در دنیا به نبوت و رسالت و در آخرت بشفاعت

و علو مرتبت نصیح پند دهنده و نصیحت کننده مر امت را بکلامی که بکار

آید در دنیا و آخرت ناصح بمعنی اسم ماقبل وکیل کارگذار

و کارساز امت و قائم باصلاح امور ایشان در دنیا و آخرت فائده و نیز آنکه

که وکیل بود کارهای با و گذارند و زمام تصرف بدست وی دهند و حق

تعالی احکام شرعیه را در تصرف آن حضرت داد صلی الله علیه و آله و سلم گذاشته

بود که باجتهاد فکر خود کار فرماید گویند که این از خصائص آن حضرت صلی الله

علیه و آله و سلم متوکل اعتماد کننده بر خدای تعالی در همه کاری بی تردد

و بی اضطرار فائده گویند که توکل عبارتست از ترک تدبیر و چنگ زدن بدامن

تقدیر پس چون خواهی که کل مقصود ار کلبن توکل برچینی باید که منع و عطا

جز از حق نه بینی و اگر خواهی که گوی مراد از میدان گیتی بچوگان ارادت ربائی

باید که تکیه بر کرم حق درست و محکم نمائی بیت کار خود را بخدا باز گذار ۵ کت نمی‌نیم

ازاین بهتر کار کفیل ضامن امت بشفاعت در عرصه قیامت و برساندن

ایشان به بهشت بر نعمت چون پیروی کنند طریقه او را بصدق جان و به

میرند بسلامت ایمان شفیق مهربان بر حال امت و ترسان بر ایشان

از رسیدن امر مکروه بایشان در دنیا و آخرت مقیم السنة برپا کننده طریقه دین برای

رهروان اهل یقین و رواج دهنده شعار اسلام بعد از ایام فترت و گذشتن

انبیاء کرام مقدس بضم میم و فتح دال مشدده پاک گردانیده شده

در ظاهر و باطن از هر عیب و نقصان و از هر گناه و عصیان و از هر چه لائق نبود

بشان آن پیشوای پاکان جهان بیت روی خوبت و کمال هنر و دامن

پاک ۵ لاجرم همت پاکان دو عالم با تو است روح القدس بضم قاف

و دال و بسکون دال نیز جان پاکیزه و پاک از آلودگی علائق اکوان

و تن چون لطیف بود مثل جان پس نامیده شد ذات مبارکش بدان

و از نهایت لطافت آن بود عروج بر آسمان بیت آنکه سرشت تنش از جان

بوده سیر عروجش بتن آسان بود روح الحق جان حق و معنی حق راست

بود

و درست و صفه باطل است چنانچه مراد دین اسلامست چنانکه بدن بجان قائم و برپا

همان

همان وجود و بقای دین آن حضرتست صلی الله علیه و آله و سلم با حق

از نامهای خدا تعالی است و اضافت روح بسوی وی برای تشریفست

چنانچه عیسی روح الله و نیز همه عالم بمنزله بدنست و آن حضرت صلی الله

علیه و آله و سلم بمنزل جانست که نهاده است از خدای تعالی در آن

پس ابداء عالم و ابقاء آن بآنحضرتست صلی الله علیه و آله و سلم روح

القسط بکسر قاف ای جان عدل یعنی عدل بآن حضرت صلی الله

علیه و آله و سلم قائم و برپاست فائده معنی عدل توسط در همه چیز و داد

و ضد جور و این وصف کمالست و از آن خصوص در رئیس قوم و سلطان

نظم آسمان و زمین بعدل بپاست ۵ حق رسانیدن بغیر عدل کجاست ۵

گر نباشد ستون خیمه بجا ۵ کی شود خیمه بی ستون برپا کاف

بس کننده امت خود را از کتب و شرایع و پیشینیان که بسبب آنحضرت صلی الله

علیه و آله و سلم احتیاج بآنها نمانده و بس کننده بشفاعت از هول قیامت

و بس کننده کسی را که وسیله کرد آن را صلی الله علیه و آله و سلم در روان بودن

حاجات ومهمات بیت چون ذره لطف عنایت کند جمله مهمات کفایت
کند مکتف بس کننده برای خود بمولای وبی نیاز از آنچه غیر اوست
ونیز آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بس کننده بود از دنیا باندک
چیزی که احتیاج بدان بودی در خوردن و پوشیدن و در همه
امور و در حدیث آمده که گرسنه شده اند اهل بیت آن حضرت صلی الله
علیه وآله وسلم در روز پی سه نان جوی بیت مهتران که مزاج
جهان شناخته اند ** در روز برگ اقامت در وفخته اند بالغ رسنده
بمرتبه اعلی وبمرتبه مولا مبلغ بضم میم وکسر لام مشدده رساننده
احکام دین از حق تعالی بسوی خلق ورساننده پیروان خود را بمعرفت
ربانی وبمرادات دوجهانی وبعلو درجات ونعمارجات شاف
دور کننده امراض قلب که اخلاق ذمیمه باشد بارشاد وهدایت وصحت
بخشیده از بیماریهای تن کسی راکه وسیله جوید بوی بکثرت درود
بروی بتوجه وعنایت بیت رنج گر بسیار شد کی غم خورم ** چون شفاء

جان بیمارم تویی دقیقه گویند که بیماری بتعلقات کونین است وشفاعت
بقطع تعلق وعلاجش بدست طبیب معنویت که بشریت تجرید از
تعلقش بازرهاند بیت چه گویمت که چه خواب آمدان هیچ صفت
بیک نفس همه درد مرا دوا کرده واصل رسنده بجذا بمعرفت صفات کمال
او بقرب کرامت وافضال او لطیفه نزد صوفیه وصول الله فناست از
ما به مالکوی الله تا آنگه از خود نیز جدا باشی تا رسیده بجدا باشی
بیت بمیر از خود که تا یابی رهایی ** که پیوند حق آمد این جدایی موصول بفتح
میم وبضم صاد پیوسته شده بحضرت حق بقرب منزلت وعلو مرتبت
تنبیه در بعضی نسخ آمده موصل بضم میم وفتح صاد بعیز واو بعد آن
یعنی رسانیده شده بدرجه کمال وبمقاصد وآمال در بعضی نسخ بکسر صاد
آمده یعنی رساننده ووجه آن در اسم مبلغ بالا مذکور شد سابق
ببا موحده یعنی اول از همه کاینات ودر آفرینش وپایش از همه
در مراتب قرب بحضرت ذوالجلال ونیز اول همه بود در برخاستن از قبور

وبدر آمدن در بهشت سایق بیاء تحتیه در اصل بمعنی از پس راننده
شتر راتا تیز رود ونامیده شد بان پیغمبر را صلی الله علیه وآله وسلم
که راندست ابرار را بسوی دار القرار وعارفان را بسوی معارف
واسرار وعاشقان را بسوی دیدار پروردگار هاد رهنمای مر خلق
را بسوی معرفت خالق وشناخت احکام دین مهد مثل این بالا نیز
گذشته ودر اینجا بجب لفظ ومعنی بزرگ وجه بیان شده پس اعتبار کرده
شود اینجا غیر آنکه اعتبار شود آنجا تا تکرار لازم نیاید مقدم
بضم میم وفتح دال مشدده ای اول وپیش از همه ووجه پیشی بالا قریب
مذکور شده عزیز غالب وارجمند وبی همتا ونایاب ونادر فاضل بزرگ
نزد خدا تعالی مفضل بضم میم وفتح ضاد مشدده بزرگی داده شده
برهمه موجودات درهمه کمالات فایده اتفاقست بر آنکه آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم بزرگترین همه پیغمبرانست بعد ازوی ابراهیم وپس از
وی موسی علیهم الصلوة والسلام ونیافته نشده تصریح از علما بعد از موسی

وفضل آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم بر سایر انبیا نقلا وعقلا ظاهر
وعیانست ووجوه بزرگی او بیشمار وبیکران نظم همه انبیا در پناه توانده
مقیم در بارگاه توانده ** تو مهر منیری همه اخترند ** تو سلطان ملکی همه
لشکرند فاتح گشاینده درهای رحمت برامت خود وگشاینده بینایی
دلهای ایشان را برای معرفت حق تعالی وشناخت دین اسلام وایمان
وگشاینده دروازه بهشت پیش از همه وگشاینده باب شفاعت را
در موقف حساب وقتی که هیچ یکی را جرأت آن نبود مفتاح کلید هر دری
که بسته بود از مشکلات دینی ودنیوی مفتاح الرحمة کلید در بخشش یعنی
هیچ یکی به بخشش حق نمی رسد مگر بواسطه آن حضرت صلی الله علیه وآله
وسلم مفتاح الجنة کلید در بهشت یعنی اول کسی که گشاده شود برای
او در بهشت آن حضرت بود صلی الله علیه وآله وسلم علم الایمان بفتح
عین ولام علامت ونشان ایمان یعنی شناخته شد ایمان برهنمایی آن
حضرت صلی الله علیه وآله وسلم ونیز شناخته می شود ایمان هر یکی بمحبت و

متابعت آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم و هر گاه از این خالی بود ایمان او
معتبر نبود **علم الیقین** علامت یقین هر که حاصل نمود یقین در احکام دین
بی‌دلیل ارشاد و تلقین ارشاد آن حضرت نمود صلی الله علیه و آله وسلم **فائده**
یقین علمی را گویند که حاصل شود بدلیل بدور کردن اشتباه از و **دلیل الخیرات**
رهنمائی بسوی نیکوئیهای دنیویه و اخرویه **مصحح الحسنات** بضم میم و فتح
صاد و کسر حاء مشدده صحیح کننده نیکوئیها یعنی اگر عمل نیک از کسی
بظهور آید و آنکس ایمان بآنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم دارد و آن عمل صحیح و معتبر
بود و ثواب حاصل شود و اگر نه آن عمل بی‌فائده بود **مقیل العثرات**
بضم میم و کسر کاف و بفتح عین و ثاء مثلثه تجاوز کننده و درگذرنده از
لغزشهای یعنی اگر از کسی در حق آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم گناهی
صادر شدی باکسی اورا آزار دادی و ضرر رسانیدی از گناه او درگذشتی
و در عوض وانتقام نبودی **صفوح عن الزلات** بفتح صاد و ضم فاء درگذرنده
و اعراض کننده از گناهان چنانکه بالا معلوم شد **صاحب الشفاعت** معنی شفاعت

وبیان انواع در فصل صلوة افضل صلوة مذکور شده و در آنجا باید دید **صاحب
المقام** مراد مقام محمود است که مقام شفاعت است و بیان آن نیز در
فصل صلوة گذشته **لطیفه** صاحب فتوحات آورده که مقام محمود مقامیست
مرجع جمیع مقامات و منظر تمام اسماء الهیه و آن خاصه محمدست صلی الله علیه و آله
وسلم و باب تحقیق در این مقام کشاده می‌شود **بیت** ای ذات تو از دو کون مقصود وجود
نام تو محمدست و مقامت محمود **صاحب القدم** بفتح قاف و دال در اصل بمعنی
پایست و اینجا مراد پیش بودن و ثابت شدن در هر کار خوب و نیکوئی **مخصوص
بالعز** خاص کرده شده بعزت و ارجمندی که دیگری را بآن راه
نیست **مخصوص بالمجد** خاص کرده شده ببزرگی خاص که زیاده بر آن متصور نیست
مخصوص بالشرف معنی این نزدیکست بمعنی اسم ماقبل **صاحب الوسیلة**
معنی وسیله در فصل فضائل صلوة مذکور شده **صاحب السیف** خداوند شمشیر
در این اشارتست بشجاعت آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم و بکثرت جهاد او
فی سبیل الله **صاحب الفضیلة** خداوند بزرگی **صاحب الازار** و آن

نام جامه است که پوشند پائین بدن را چنانچه لنگ و جز آن اگر لباس آن حضرت این
بود وصف کرده شد بآن **فائده** در پوشیدن آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
شلوار را اختلافست بعضی جزم کرده اند که نپوشیده و شمنی در شرح شفا گفته
که پوشیده است و اما صحابه رضی الله عنهم در زمان شریف باذن وی پوشیده اند
و آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرموده که نمی یابم بهتر ازین جامه چیزیرا
در شرح سفر سعادت آورده که درازی ازار آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم چهار
گز بود و یک بدست و در عرض دو گز و یک بدست و گزیست و چهار انگشت و ازار
آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم تا نصف ساق تا بالا شتالنگ رخصتست و هرچه
پایان آنست در آتش دوزخست حکم دامن قبا و پیراهن همین است و سنت در
آستینها تا بند دست آمده و در بعضی روایات تا سر انگشتان نیز آمده آنچه بجاوز این
در بعضی دیار حجاز و مصر و اختشست خلاف سنت است و اضاعت مال و اسراف است
صاحب الحجة خداوند دلیل استوار و اینجا مراد معجزه از آن حضرت صلی الله علیه و آله
وسلم و معجزات وی بیشمار اند و بعضی از آن در این کتاب در بعضی جا نیز مذکور خواهد شد

صاحب السلطان خداوند غلبه و قدرت **صاحب الرداء** خداوند چادر چون
اکثر لباس آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم و معجزات وی بسیار اند و بعضی
از آن در این کتاب این بود وصف کرده شد بدان **فائده** در شرح سفر سعادت
آورده که درازی رداء آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم شش گز بود و عرض سه گز
و یک بدست بود **صاحب الدرجة الرفیعة** خداوند پایه بلند نزد پروردگار که وهم
و فکر هیچ یکی بدان نرسیده **بیت** سیمرغ وهم را هیچکس از انبیا نرفت آنجا
که تو ببال کرامت پریده **صاحب التاج** خداوند تاج و آن لباسی زینتی
عجم است پر زینت مرصع بجواهر که از بر سر میگذارند و اینجا مراد عمامه است یعنی
دستار که از آن زینت عربست مر عرب را بجای تاج می‌باشد و در ذکر تاج
بجای عمامه اشارتست بآنکه آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم از سرداران و بزرگان
عربست **صاحب المغفر** بکسر میم و سکون غین معجمه و فتح فاء خود آهنین
که وقت جنگ بر سر پوشند **فائده** از اینجا معلوم شد که سلاح پوشیدن و مباشرت
اسباب عادی کردن منافی شان توکل نیست بلکه در آن زیرکی و امتثال امر الهی است

باتباع اسبابی که بخلق فرموده صاحب اللواء بکسر لام خداوند نیزه
واینجا مراد لواء حمدست که داده شود آن حضرت را صلی الله علیه وآله وسلم
بروز قیامت چنانچه می باشد لواء مر پادشاهان و سروران را و هیچ پیغمبری
نباشد خواه آدم علیه السلام و خواه غیر او مگر آنکه زیر لواء وی باشند بیت
نبی همین زیر لواء دولتش ماییم و بس ٭ آدم و من دونه تحت لوای مصطفی ست ٭
و گویند وجه نامیدن آن لواء الحمد آنست که نوشته شود بر وی حمد الهی یا آنکه
جمع آیند زیر آن همه خلایق ستایش کنندگان مر حضرت را صلی الله علیه
وآله وسلم یا آنکه چون بردارد آنرا آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم ستایش کند
پروردگار جو در البته ستایشها لایقه که هرگز کسی بدان ستایش ننموده و نه
خواهد نمود و گویند که مراد شهرت و یکتا بودن آن حضرت بحمد در همه خلایق
و عرب وضع می کند لواء را در مقام شهرت و یا آنکه مراد باشد لوای که در جنگها
همراه آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم می بود فائده گویند که لوای علم بزرگ
و کلان بود و رایت مربع لواء تنبیه در ترمذی آمده که رایت آنحضرت صلی الله

علیه وآله وسلم سیاه بود و لواء سفید بر آن لا اله الا الله محمد رسول الله صاحب
المعراج بکسر میم آلت بالا رفتن یعنی نردبان و در روایت آمده که چون آن
حضرت صلی الله علیه وآله وسلم به صخره بر آمده نردبانی از نور برای وی نهادند که بآن
بالا رفت و فرشتگان بر آن می آیند و جز از آن حضرت هیچکس از آن نردبان
بر نیامده و اکثر علما بر آنند که معراج در سال دوازدهم بود از مبعث و در ماه
آن اختلاف کرده اند که ربیع الاول است یا رمضان و یا شوال مشهور آنست که
بیست و هفتم ماه رجب بود و عمل اهل مدینه بر اینست و رفتن آن حضرت صلی الله
علیه وآله وسلم از مکه تا به بیت المقدس بقرآن ثابت شده منکر آن کافرست و
بر آمدن بر آسمانها و وصول بمرتبه قرب باحادیث مشهوره که قریب شده است
بحد تواتر ثابت گشته و منکر آن ضال و مبتدع است و صحیح آنست که بر آمدن آن
حضرت بجسد و روح بود و در بیداری بود نظم شه بمعراج نبی را فرست ٭ اگر
معترضیت بدین کافرست ٭ دستگه سلطنت این وصال ٭ نیست پایه مردی خیل و خیال ٭
و چون آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم با جبرئیل آسمانها را طی نموده بمقام سدرة المنتهی

رسید و آن درختیست کنار بیت در آسمان هفتم و علوم خلایق از ملائکه و غیرهم الی آخر
منتهی می شود و جبرئیل اینجا باز ایستاد بیت چنان گرم در تیه قربت براند ٭ که در سدره
جبرئیل ازو باز ماند ٭ بگفتا فراتر مجالم نماند ٭ بماندم که نیروی بالم نماند ٭ اگر یکسر موی برتر
پرم ٭ فروغ تجلی بسوزد پرم ٭ خاتمه و اکثر صحابه بر آنند که رسول صلی الله علیه وآله
وسلم در شب معراج خدا را دید و کلام او بی واسطه شنید بیت کلام سرمدی بی
نقل بشنید ٭ خداوند جهان را بی جهت دید ٭ صاحب القضیب خداوند شمشیر یا خداوند
عطای و مهر و معنی در وصف آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم و صحیح است
صاحب البراق بضم باء بوزن غراب نام مرکبی که آورده شد برای آن حضرت
صلی الله علیه وآله وسلم در شب معراج و نامیده شد بدین جهت سرعت سیر وی
مانند برق و بود قد پایان از استر و بالای از حمار و رنگش سفید بود
و در روایت آمده که روی او همچو روی آدمی بود و بدن او همچو بدن اسب
و دم همچو دم آهو و پای همچو پای شتر و سینه او از یاقوت سرخ و پشت او از
مروارید سفید و او را دو بازو بود که می پرید بدان همچو برق و سوار خواهد شد

آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بر او در روز قیامت در صف دهم از فرشتگان
صاحب الخاتم بفتح تاء خداوند مهر نبوت فائده بدانکه بود مر آن حضرت
را صلی الله علیه وآله وسلم میان کتفش پاره گوشت بلندتر از همه اجزاء بدن
شریف مانند بیضه کبوتر که آن را خاتم نبوت می گفتند و نوری از وی
درخشید که چشم را خیره می کرد فائده گویند که هیچ پیغمبری نبود که
نشان نبوت در دست راست نبود مگر پیغمبر ما صلی الله علیه وآله وسلم
که نشان نبوت بر پشت وی بوده میان دوشانه و این حکم محضر نامه درست
داشت تا از تغیر و تبدیل محفوظ باشد بیت نبوت را تو پنداری آن نامه درشت ٭
که از تعظیم دارد مهر بر پشت ٭ و احتمالست که مراد از این انگشتری بود
که از نقره بود و نقش کرده بود در آن محمد رسول الله و می پوشید آن را آن
حضرت در انگشت خورد از دست راست و دست چپ و نگینه آن حبشی
بود یعنی از عقیق که کان آن بحبش ست یا ساخته شده بود حبشه یا سیاه رنگ
بود یا یمنی بوده و نسبت حبشی از جهت قرب اوست به یمن صاحب العلامة

خداوند نشان یعنی مهر نبوت چنانکه معلوم شد و یا آنکه مراد مطلق نشان
نبوتست که شناخته شده است آن حضرت را صلی الله علیه وآله وسلم
بان و مذکورست در کتب متقدمه از بیان صفات صوری و معنوی
او و ذکر اسماء و لیت و شریعت معجزات او **صاحب البرهان**
خداوند دلیل استوار **صاحب البیان** یعنی آنچه مشکل می‌شود از
قرآن و احکام دین و امور معاد و معاش بیان می‌نمود از آن حضرت
صلی الله علیه وآله وسلم و جدایی کرد حق را از باطل **فصیح اللسان**
خوشگو زبان او چنانکه همه خوشگویان عرب از خوشگویی او حیران
بودند **مطهر الجنان** بفتح جیم پاک کرده شده است دل او را از اخلاق
ذمیمه و از علایق کونیه و از هرچه که بازدارد از یاد مولی **روف**
مهربان بر اهل ایمان بکرم و احسان **رحیم** بخشاینده بر پیروان خود
در هر دو جهان **اذن خیر** شنونده نیکویی **فائده** ادن بضمتین و سکون
ذال نیز گوش و نیز مردی که آنچه شنود باور کند و این طریق مبالغه است که گویا

تمام گوش شده است **تنبیه** آورده اند که منافقان از شان پیغمبر صلی الله علیه وآله
وسلم سخنان نامناسب می‌گفتند یکی میگفت که خاموش باشید که اگر محمد
صلی الله علیه وآله وسلم بشنود شما را رسوا کند گفتند که محمد صلی الله علیه وآله وسلم
گوش شنوا دارد چون پیش او رو کند حوزیم که نگفته ایم باور می‌کند آیه آمد
که قل اذن خیر لکم بگو ای منافقان اگر او شنونده نیکوییست مر شما را نه و جهی
که شما می‌گوئید از روی مذمت **صحیح الاسلام** معنی اسلام فرمان برداری
و احکام الهی است پس اگر مراد اسلام ذات آنحضرتست شک نیست در صحت آن
که وی صلی الله علیه وآله وسلم کامل بود در فرمان بردن امر الهی و در طاعت
خداوند تعالی و اگر مراد اسلام امتست پس صحت آن نیز ظاهرست زیرا که
اسلام عبارت از دین آن حضرت است صلی الله علیه وآله وسلم و آن همه صحیح است
فاراد در آن مدخل نیست **سید الکونین** مهتر و بهتر هر دو جهان **عین
النعیم** ذات نعمت و بالا ازین اسم شریف گذشته نعمت الله
بمعنی این باین نزدیکست **عین الغر** بضم عین معجمه و تشدید راء مهمله یعنی چشم

ورئیس قوم آمده پس مراد از غر با امت آنحضرتست که بزرگست از همه ایشان
و نیز در وصف ایشان آمده غر المحجلین چنانچه بالا مذکور شده و یا مراد
پیغمبران و فرشتگان مقرب اند که بزرگ از همه خلق اند و بهر وجه
آن حضرت چشم ایشانست که خوبی و زینت ایشان بآن حضرتست و نیز
آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم رئیس و سرور ایشانست **بیت** محمد کیست
جاز اقرة العین کمان ابروی بزم قاب قوسین دو چشم روشن ارباب
بینش گل بستان سرای آفرینش زهی سلطان درویشان عالم بسلطانی
درونی مسلم و در بعضی نسخ بکسر عین مهمله و تشدید زاء معجمه آمده یعنی
ذات بزرگی زیرا که همه انواع بزرگی وابسته بوجود شریف اوست و بزرگی
همه بزرگان حاصل از وست **بیت** ای شرف جمله عالم بتو روشنی دیده آدم
بتو **سعد الله** یمن و برکت خدا که همه برکات عالم از وست **سعد
الخلق** نیک بختی افزاینده که هرکه پیروی او کرد نیک بخت هر دو جهان
شد **خطیب الامم** خطبه خواننده امتان یعنی چون همه خلق از هول و سختی

قیامت تنگ و عاجز آید و هیچکس را از پیغمبران مجال شفاعت نبود آن
حضرت صلی الله علیه وآله وسلم ثنا گوید بر حق تعالی و ستایش او کند بر
وجهی که هیچکس نکرده پس شفاعت کند خلق را و رها کرد انید از آن محنت
و شدت **علم الهدی** بفتح عین یعنی علامت رهنمایی پس هر که پیروی
کرد او را راه یافت بسوی حق و اگر نه گم کرد راه را **کاشف الکرب**
بضم کاف و فتح راء دور کننده غمهای سخت و برد ارنده رنجهای از کسی
که شفاعت جوید از وی و وسیله آورد او را نزد خدای تعالی و بسیار گوید
بر وی درود را **رافع الرتب** بضم راء و فتح تاء بلند کننده قدر و منزلت
پیروان خود را در هر دو جهان **عز العرب** یعنی سبب بزرگی و ارجمندی عرب
از آنکه مبعوث شد آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم از میان ایشان و شرف
و کرامت عرب در کتب احادیث بسیار مذکورست **صاحب الفرج** بفتح فاء و راء
خداوند گشایش یعنی حاصل می‌شود گشادگی از تنگی رنج و محنت دنیا و آخرت
بسبب آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم و در بعضی نسخ بدل این اسم کریم المخرج بفتح

زا و سکون خا آمده یعنی بزرگست جائی برآمدن او و این اشارتست
بسوی شرافت اصل و نسب آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و این ظاهر
ترست از آفتاب و احتمالیست که مراد ازین مکه معظمه بود که جای برآمدن آن
حضرتست صلی الله علیه و آله و سلم و شک نیست در بزرگی آن بر جمیع بلاد چنانچه
احادیث تشرف او گویاست بیت اگر زینت که عرش برین رشک برد
با همه رفعت برین نخل نبی سر زده زین آب و گل کش ثمره هست درین جان
و دل رست ازین باغ گلی بس عجب کش شده جبریل امین عندلیب
و در بعضی نسخ بعد ازین زیاده آمده رفیع الدرج بفتحتین جمع درجه یعنی
بلند پایه ما قدر و منزلت او نزد مولا و بالاترست عروج او از عرش معلا و شهباز
وهم هیچ پیغمبری بر اوج مقام عظمت او نپریده و دست تمنای هیچ مرسل
بدامن کمال او نرسیده بیت ای محرم سر لایزالی مرآت جمال ذو الجلالی
مهمان ابیت عند ربی ، صاحب لاینام قلبی ، از قربت حضرت الهی
هستی بمثابه که خواهی ، قربی که عبارتش نسنجد ، در حوصله خرد نگنجد ، کم گشته

بود

بود عبارت آنجا بلکه نرسد اشارت آنجا و چون لایق بود ذکر اسمای آن حضرت
درود گفته شود گفت صلی الله علیه و علی آله درود فرستد خدا بر آن پیغمبر
و بر آل او و در بعضی نسخ آمده صلی الله علیه و آله و سلم و شرف و
کرم و مجد و عظم این چهار کلمه بفتح حرف اول و تشدید و فتح حرف دوم بیک
معنی آمده یعنی بزرگ گرداند او را و بیفزاید در بزرگی او و چون تمام کرد مولف
ذکر اسمای شریف را دعا نمود در پی آن بتوسل جاه صاحب آن اسمای
مبرکه بتوقیع قبول و اجابت از حق تعالی پس گفت اللهم خدایا
یا رب بکسر با ای پروردگار من بجاه نبیک المصطفی بحرمت
قدر و منزلت پیغمبر تو که برگزیده شده است از میان همه موجودات و
رسولک المرتضی و فرستاده شده تو که پسندیده شده است نزد تو
از میان جمیع کائنات طهر قلوبنا پاک گردان دلهای ما را
من کل وصف یباعدنا از هر خصلتی که دور اندازد ما را عن
مشاهدتک از دیدن تو بنور دیده باطن و محبتک و از دوست

داشتن ما ترا آن از این جهت در احادیث فضل صلوة مذکور شد دقیقه بدانکه
دل بدو معنی آمده یکی بمعنی پاره گوشتست که بشکل صنوبری بجانب چپ
از سینه می باشد و میانه وی تهیست و در وی خونیست سیاه و از انجا بخاری
لطیف پیدا می شود که آن را روح حیوانی گویند و آن منشأ حس و حرکت
و دل باین معنی در همه حیوانات بود و آنکه گویند در عبادات حضور دل
باید باین معنی مراد نبود چنانچه صاحب نزهه گوید نکته جائی هست اگر
عاشق را مرکب ، نه جائی که از باد و خون مرکب ، و معنی دوم آنکه دل
جوهریست مجرد از ماده و آن سریست غیبی و لطیفه ربانیست و آنکه هر یکی می گوید
من و ما عبارت از وست و عالم باحوال کلیات و جزئیات اوست و حکما
از انفس ناطقه گویند و همه حواس و قوی تابع اوست و او را تعلقی حاصل است
با قلب جسمانی مثل تعلق سلطان بملک از روی تدبیر و تصرف پس دلی که تصفیه و
حضور او مطلوبست باین معنی بود مثنوی چه دیوار را تو دل خوانی دل یکی منظرست
ربانی ، آینه دل نام کرده بیچاره روبه پیش سگان کو انداز لطیفه بدانکه دل همچو آینه

صافی قابلست برای پذیرفتن تجلیات الهی و صلاحیت برای قبول کردن صور
فیوضات غیر متناهی ولیکن بسبب خصال ذمیمه چنانکه عجب و تکبر و حسد
و طمع و غیبت و غیر آن زنگ می گردد و کدورت می پذیرد فرد هر که نه زنگیست
بر مرآت دل شود درین زنگها خوار و خجل دقیقه بدانکه مشاهده حق عبارت
از آنست که دل خود را کلی جانب حق تعالی متوجه سازی و هر چه غیر اوست از
مطالب دنیوی و آخروی از باطن خود بیرون اندازی که معاینه از خلق
معاینه ست بحق اینست که ساعتی از مشاهده او غافل نه نشینی در هر مکان و هر زمان
او را حاضر بینی نظم هیچ جا نیست که غوغای تو نیست ، پرتو نور دل آرای تو نیست ،
ای پر از فیض وجود تو جهان ، غرق نور تو چه پیدا و نهان وامتنا
علی السنة و بمیران ما را بر طریقه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم والجماعت
و بر مذهب گروه صحابه و تابعین و ائمه دین رضی الله تعالی عنهم
اجمعین والشوق الی لقائک و بمیران ما را بر شوق و میل دل بسوی
دیدار تو در آخرت یا ذا الجلال یعنی خداوند بزرگی و عظمت تام و تمام

والاکرام وصاحب کرامی ساختن بکرم وفضل عام فائده وکویند که جلال
اشارتست بصفات قهریه واکرام عبارت از اوصاف لطیفه پس این اسم
جامع باشد جمیع صفات الهی را از نسبت که او را اسم اعظم
کفته اند و هر که وسیله جوید باین اسم در دعا البته مستجاب
می شود وصلی الله علی سیدنا و درود فرستد خدای تعالی
بر مهتر و بهتر و بزرک و رئیس ما ومولنا محمد
و بر صاحب و یاری دهنده ما یان که نام پاک او محمدست صلی الله علیه
وآله وسلم وعلی اله وصحبه و بر آل او و یاران او وسلم
و سلام فرستد خدای تعالی بر او و بر آنها تسلیما سلام
فرستادنی بسم الله الرحمن الرحیم معنی این
در ابتدا خطبه کتاب مذکور شده صلی الله علی سیدنا ومولنا
محمد وعلی اله وسلم چون شروع نمود در مطلب
دیکر باز مکرر آورد درود مترک را برای تبرک و تیمن و خوبی

مقدسه و مشاهده بکند این شکل مبارک را مجب مشتاق و بوسه زند بر آن
از غایت محبت و بیفزاید شوق خود را و اکثر از بزرکان برای این شکل
مبارک خواص و برکات بسیار ذکر کرده اند و بتجربه آورده اند و نیز
درین کتاب بعد ازاین در ضمن درودهای ذکر قبر شریف خواهد آمد
پس مقدم کرد ذکر آن را تا خواننده را بیشتر علم بآن حاصل شود
هکذا ذکره همچنین یاد کرده است آن شکل مذکور را فائده در
بعضی نسخ آمده ذکرها بضمیر مونث که راجع است بسوی صفت عروة بن
الزبیر رضی الله تعالی عنه و مادر عروه رضی الله تعالی عنه اسما بود
رضی الله عنها دختر ابی بکر رضی الله عنه و مادر زبیر صفیه بود رضی الله عنها
عمه آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم قال کفت عروه دفن رسول
الله صلی الله علیه واله وسلم زیر زمین پوشیده شد پیغمبر خدا انی السهوة
بضم سین مهمله و سکون ها یعنی در صفه که پیش خانها بود و دفن ابو بکر
رضی الله عنه خلف رسول الله صلی الله علیه واله وسلم و دفن کرده شد ابو بکر را

رضی الله عنه پس پشت پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم و این صورت احتمال
دارد که برابر بآن حضرت بود صلی الله علیه وآله وسلم لیکن از تصویر که
در نسخه مصنف است معلوم شده که سر مبارک ابو بکر رضی الله عنه اندک
پائین از سر مبارک آن حضرت است صلی الله علیه وآله وسلم کو یا نزدیک
بدوش است فائده ابو بکر رضی الله عنه در نسب بجد هفتم بآن حضرت
صلی الله علیه وآله وسلم می رسد و مدت حیات او شصت و سه سال بود
و خلافت او دو و نیم سال بود و وفات او در ماه جمادی الثانی بود بتاریخ
بیست و دویم یا بیست سیوم یا بیست دویم یا بیست هفتم در سال سیزدهم
از هجرت ودفن عمر ابن الخطاب رضی الله عنه عند رجلی ابی بکر
و دفن کرده شد عمر بن الخطاب را خشنود باد خدای از و نزد هر دو پای
ابی بکر رضی الله عنه و این احتمال دارد که سر مبارک عمر رضی الله عنه نزد
دو قدم ابی بکر رضی الله عنه یا نزد دو ساق وی وبقیت السهوة
الشرقیه فارغة و باقی ماند صفه از جانب طلوع آفتاب خالی و آن مکان

پائین قدم مبارک آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم و نیز آنکه حجره مدینه
منوره جنوبیست فیها موضع قبر در ان صفه که مکان خالی ماند
جای یک قبر است یقال کفته می شود بر زبان مردم والله اعلم و خدای دانا
ترست بحقیقت حال این کلمه در محل شک و تردد کویند پس این اشارتست
بآنکه این قول ضعیف است ان عیسی ابن مریم در بعضی نسخ آمده علیه السلام
یعنی بدرستی که عیسی علیه السلام پسر مریم و نسبت او بسوی مادر جهت آنست
که بی پدر پیدا شده یدفن فیه دفن کرده خواهد شد در آنجا وقتی که از
آسمان فرود آید و بمیرد وکذلک و همچنانکه کفته شد جاء فی الخبر عن
رسول الله صلی الله علیه واله وسلم آمده است در حدیث از پیغمبر خدا صلی الله علیه
وآله وسلم فائده بدانکه در مشکاة حدیثی از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما
نقل کرده که مضمونش آنست که فرود آید عیسی پسر مریم بسوی زمین پس نکاح
کند زنی او را و زائیده شود او را اولاد و درنک کند در زمین چهل و پنج
سال پس بمیرد پس کور کرده میشود با من در مقبره من پس برمی خیزم من و

عیسی که در آن مقبره مدفون اند وقالت عائشة رضي الله عنها
وگفت عائشه رضي الله عنها زوجه پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم خشنود باد
خدا از وی عائشه وی دختر ابوبکر است رضي الله عنه ونکاح کرد او را پیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم در مکه وعمر آن شش ساله بود ووفات یافت
در مدینه شب سه شنبه بتاریخ سیزدهم در رمضان ودر سال پنجاه وهشت از
هجرت وعمر وی شصت وسال بود ودفن کرده شد در بقیع رایت
دیدم من در خواب ثلثة اقمار سه ماه را سقوطا بضم سین
وقاف فرو افتاد کان في حجرتي در خانه من دقیقه اگر گوئی که چرا
چهار نماند یعنی با آنکه عیسی علیه السلام نیز در آن خانه مدفون خواهد شد
گویم که این سه در حال حیات او مدفون شدند وعیسی علیه السلام نیز در آن
حجره بعد وفات او در آخر زمان مدفون خواهد شد فقصصت
رویای علی ابوبکر قصه کردم و ذکر نمودم من خواب خود را
بر ابوبکر زیرا که وی رضي الله عنه تعبیر خواب نیکو می گفت فقال لي

پس گفت ابوبکر رضي الله عنه مرا یا عائشة لیدفن في بیتك
هر آینه گور کرده خواهد شد در خانه تو ثلثة سه کس هم خیر اهل
الارض وآن سه کس بهترین اهل زمین اند فلما توفي رسول الله
صلی الله علیه وآله وسلم بضم تا و واو وتشدید فاء مکسوره هرگاه که قبض کرده شد
پیغمبر خدای را صلی الله علیه وآله وسلم ودفن في بیتي وگور کرده شد
در خانه من بیان وفات آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم فائده
اکثر علماء بر آنند که وفات آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم دوازدهم
ربیع الاول بود ودر بعضی روایت گفته اند دهم ماه مذکور وبعضی گفته
دویم از آن بود وشیخ عبد الحق در شرح مشکاة آورده که این قول را
ترجیح کردند تا آنکه وفات فاطمه زهرا رضي الله عنها در سیوم ماه رمضان بود
واتفاق دارند بر آنکه حیات وي رضي الله عنها در سیوم رمضان بود
واتفاق دارند بر آنکه حیات وي رضي الله عنها شش ماه است بعد از آن
حضرت صلی الله علیه وآله وسلم ونیز در شرح مذکور آورده که وفات آن حضرت

صلی الله علیه وآله وسلم روز دوشنبه بود ودفن کرده شد در شب چهارشنبه
وبعضی گفته اند بروز سه شنبه بعد گشتن آفتاب واول صحیح تر است قال
لي ابوبکر رضي الله عنه گفت مرا ابوبکر رضي الله عنه هذا احد
من اقمارك یکی از ماهای تست یعنی از آن سه ماه که تو در
خواب دیدی وهو خیرهم وآن بهترین آن ماهها است تنبیه
در بعضی نسخ آمده خیرهن بضمیر مونث وراجعست بسوی اقمار که جمع
قمر است پس تانیث ضمیر باعتبار لفظ است وتذکیر باعتبار معنی که عبارت
از آن سه ذات مبارکست که مدفون اند در آن خانه صلی الله علیه و
علی آله درود فرستد خدا بر آن پیغمبر وبر آل او وسلم وسلام فرستد
خدا بر آن پیغمبر وبر آل او تسلیما سلام فرستادنی بسیار در بیان ذکر
مسجد شریف فائده بیان کیفیت مسجد شریف در روضه منوره بر وجه
اجمال آنست که چون پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بمدینه منوره تشریف آورد
وحي آمد که مسجدی بنا کن بی تکلف زینت وبنا وزیاده از سقف کن

بلند مکن پس مسجد از خشت خام بنا کرد وسقف آن از جرید خرما نمود وستونهای
وي از چوبهاء وي وطول از جهت مغرب ومشرق شصت وسه گز بود
واز جهت جنوب وشمال پنجاه وچهار گز وقبله آن زمان جانب بیت المقدس
بود تا شانزده یا هفده ماه بعده قبله بجانب کعبه شد که جهت جنوب است
وباز بسال هفتم از هجرت بناء نو فرمود وصد در صد ساخت وباز عمر
رضي الله عنه در خلافت خود از جانب مغرب وشمال افزود وبي تکلف
در عمارت پس از آن عثمان رضي الله عنه از جانب مغرب وجنوب وشمال
افزود وعمارت از سنگهای منقوشه وسقف از چوب ساج ساخت ودر سال هشتاد
وشتم ولید بن عبد الملک بن مروان حجراة اهل بیت نبوي را رضي الله تعالی عنهم
به تعدي گرفته داخل مسجد نمود تا طول دویست گز وعرض یکصد وشصت
وسقف گز شد ودر عمارت بسیار تکلف کرد هم تا با زر نقش نمود وعلامت
محراب اول او حادث نموده بعده مهدي خلیفه عباسي از جانب شمال
افزود وبنا حجره مبارک که در آن قبور شریفه تا زمان ولید از خشت خام

بود پس عمر بن عبد العزیز بحکم ولید آن را هدم نمود و سنگهای منقوشه
بنا کرد و بر اطراف آن حظیره دیگر بنا نمود و در یک جانب سقف وی در
بچه گذاشته لیکن هیچکدام از این هر دو را دری نگذاشته و بعد از آن
تا امروز درآمدن در آن ممتنع شده و بر همین حظیره غلاف مبارک
می آویزند و در سال پانصد و پنجاه و هفت بعد حادثه نقب که از دو
نصرانی بدبخت شده بود خندقی در حریم حجره تا آب رساننده بروی آن
گداخته پر کردند و در سال ششصد و هفتاد و هشت قبه خضرا که بالای
حجره شریف بلندتر از سقف مسجد با شباک نحاس باهتمام بعضی سلاطین
بنا شد و این شباک را نیز چهار جانب چهار در است و باب شرقی
هر روز مفتوح می شود و دیگر درهای گاه گاه و بنای مسجد شریف که الحال
تا سال یک هزار و یکصد و سی و سه موجود است در ششصد و هشتاد و هشت
شده و این بنای ملک قایتبای است که از ملوک مصر بود و فرش سنگ مرمر در مسجد
شریف در سال میانه نهصد و هزار سلطان رومی تعمیر نموده

فصل

فصل فی کیفیة الصلوة علی النبی صلی الله علیه وآله وسلم این فصل ثابت
در بیان چگونگی درود بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم یعنی بکدام لفظ
درود باید گفت پس آورده است مولف رحمه الله تعالی علیه درین فصل درودها
که بعضی از آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بخواندن آن امر نموده و در
حدیث وارد شده و بعضی دیگر از آنچه که صحابه رضی الله عنهم و تابعین
و صلحای امت رحمهم الله اشاره نموده و در روایت آمده که چون امر
الهی فرستادن درود بر حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله وسلم نازل شد بعضی از صحابه
التماس نمودند که یا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بفرما تا چگونه بر تو درود
فرستیم پس آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم کیفیت درود با ایشان تعلیم
فرمودند و بخواندن آن در تشهد نماز امر فرمودند و آن بر چند
وجه است باختلاف روایات چنانکه بیشتر می آید پس هر کسی که
می خواند آن را پس او درود فرستاده است به یقین و سزاوار
شده است بی شک برای وی ثواب که آمده است در احادیث

برای خواننده درود فائده گفته اند که اگر کسی گوید سوگند
خدا من بهترین درود گویم بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و
آله وسلم پس بر نمی آید آن کس از عهده سوگند مگر به این درود
تنبیه بدانکه هر که درود می سازد ورد از این کتاب پس شروع
می کند و اما احادیث که بالا مذکور شده گاهی بود که خوانده می شود
برای دانستن بزرگی درود تا رغبت و خواهش خواندن آن
پیدا شود لیکن محب مشتاق از اسمای شریفه می خواند
و با هر اسمی و درودی گوید چنانکه گوید محمد صلی الله علیه و
آله وسلم تا آخر اسماء و مؤلف قدس سره قسمت کرده است
این فصل را بر هشت حزب و چهار ربع و سه ثلث و دو نصف
و فائده این قسمت آن است اگر کسی نتواند که هر روز ختم
کند باید که در هشت روز از جمعه تا جمعه ختم کند یا در هفته
دو ختم کند از شنبه تا دوشنبه به ثلث و از سه شنبه تا

به

جمعه به چهار ربع و حزب بمعنی لشکر است و اینجا مراد لشکر کلمات
متبرکه است دقیقه اختلاف کرده اند در آن که فائده درود
خواننده راست و صحیح همین است زیرا که فائده که خواننده راست
در فصل اول از احادیث معلوم شده و اما برای آن حضرت صلی الله
علیه وآله وسلم از برای آن که درود از مایان طلب رحمت
و درخواست بزرگی و بلندی مرتبه است از خدای تعالی برای آن
حضرت صلی الله علیه وآله وسلم و اگر چه حق تعالی برای آن حضرت
صلی الله علیه وآله وسلم همه مراتب بی طلب مایان مهیا کرده است
لیکن جائز است که چون یکی از امت بروی درود گوید الله تعالی
بسبب آن در مراتب وی بیفزاید زیرا که فضل و انعام الهی را نهایت
نیست و آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم همیشه در ترقی است در مراتب
قرب و از جهت عبودیت محتاج است برحمت حق تعالی زیرا که رحمت
وی را خدای نیست تمت الخطبة مع الاسماء الشریفة بحرمت النبی صلی الله علیه وآله وسلم

بسم الله آغاز می کنم بنام خدای سزای
پرستش الرحمن بخشنده بر خلق بوجود روزی وحیات الرحیم
بخشنده بر مومنان در آخرت به بلندی درجات درجنات و
صلی الله درود فرستد خدا علی سیدنا بر مهتر و پیش پایان و نیز سید
بمعنی برد بار و بزرگ آمده و کسی که نالیده شود بسوی او در سختیهای
ومولنا و بر صاحب و مالک مایان محمد که نام پاک او محمدست
وعلی اله وصحبه و بر آل او و یاران او و وسلم بفتح لام و سلام
فرستد خدا تعالی بر ایشان بعد از این مولف درود ما آورده که مذکورند
در احادیث و این درود اول مذکورست در شفاء قاضی عیاض رحمه الله علیه
کرکتابی

کرکتابی معتبرست و در علم حدیث اللهم ای خدا فائده در اصل یا الله است یا را که حرف
ندات انداخته اند و عوض آن در آخرش میم مشدده آورده اند و کسی که می خواند
این اسم را در ابتدا دعا گویا خوانده است خدا تعالی را بهمه نامهای گرامی
صل علی محمد درود بفرست بر محمد دقیقه چون خدا تعالی امر کرد بنده گان را
بفرستادن درود بر پیغمبر خود و بنده را توانائی آن نبود که قدر او و اجب
آن بدانند پس حواله کرده شده بر خدا تعالی که ای خدا درود بفرست بر پیغمبر
و رحمت کن بر او چنانچه لایق باشد به فضل و شرف تو نزد تو وگویند که
معنی اللهم صل علی محمد آنست که تعظیم کن و بزرگی ده محمد را در دنیا
باعلاء ذکر او و اظهار دعوات او و ابقاء شریعت او و او را در آخرت
بقبول شفاعت او و کثرت ثواب او و اظهار فضل او بر همه خلائق
وازواجه و درود بفرست و رحمت نازل کن بر زنان پیغمبر
فائده انچه مشهورست در اسما و عدد ازواج مطهرات رضی الله عنهن
آنست که اول آنها خدیجه است تزوج کرد آن را که وی چهل ساله بود و آن

حضرت بیست و پنج ساله بود و وفات یافت پیش از هجرت به سه سال و تا حیات
او زنی دیگر را تزوج نکرده بعد از وی تزوج کرده سوده را در مکه و عائشه را
دختر ابی بکر رضی الله عنهما تزوج کرد در مکه و عمر وی شش ساله بود و حفصه
دختر عمر را رضی الله عنهما تزوج کرد در مدینه بسال دوم از هجرت و زینب
دختر خزیمه را تزوج کرد در سال سیوم و مرد در سال چهارم و ام سلمه را تزوج
کرد در سال چهارم و زینب دختر جحش را تزوج کرد در سال پنجم و پیش از این
در نکاح زید بود و جویریه بضم جیم و فتح واو بند کرده بود او را در غزوه
پس آزاد کرد و نکاح نمود و ام حبیبه بنت ابی سفیان تزوج کرد او را
نجاشی برای آن حضرت صلی الله علیه واله وسلم بچهار صد دینار در حبشه
در سال ششم که همراه زوج خود رفته بود و زوج وی نصرانی بود
پس فوت شد و بمرد و میمونه بنت حارث تزوج کرد در سال هفتم
در ماه ذی قعده در عمره و صاوی خاله عبد الله بن عباس بود
رضی الله عنهما و صفیه که اسیر کرد وی را در غزوه خیبر و می رسید نسبت وی
سیا

بهارون علیه السلام پس آزاد کرد او را و تزوج کرد و عتق او را مهر او ساخت
وفات یافت خدیجه و زینب بنت خزیمه در حیات آن حضرت و نه
دیگر بعد از وفات آن حضرت صلی الله علیه واله وسلم و همه اینها دفن کرده شدند
در بقیع که مقبره مدینه منوره است مگر خدیجه که مدفونست بمکه و میمون
برده کرده از مکه بر راه مدینه و اختلاف کرده اند در ریحانه که منکوحه
بود یا سریه در حیات آن حضرت وفات یافت یا بعد از وی تنبیه در نور العیون
آورده که مهر همه ازواج مطهرات پانصد درهم بود مگر صفیه را که مهر او عتق
بود و ام حبیبه را نجاشی در حبشه چهار صد دینار مهر او خود داده بود و اما
سریه آن حضرت یکی ماریه قبطیه ام ابراهیم ابن رسول الله صلی الله علیه واله
وسلم و دیگر جمیله و دیگر عائشه که زینب بنت جحش بان حضرت بخشیده
بود و دیگر ریحانه مذکوره بقول بعضی وذریته بضم دال و تشدید رای و یای
و درود بفرست بر فرزندان او و دختران او و دختر زادگان او و هر که از
نسل اوست تا آخر دنیا و نسل وی صلی الله علیه وسلم باقی نمانده مگر از فاطمه

زهرا رضی الله عنها شیرکان ع در ذریه داخل اند از جهت پسر باشد
یا از جهت دختر **کما صلیت علی ابراهیم** چنانچه درود فرستادی
تو بر ابراهیم **وبارک علی محمد** و برکت ده و افزون کردن خیر
و نعمت خود را بر محمد **وازواجه وذریته** و بر زنان او و فرزندان
او و دختران و نبیرکان او **کما بارکت علی آل ابراهیم**
چنانچه برکت دادی تو بر آل ابراهیم **انک حمید مجید** بدرستی که تو ستوده
شده بصفات کمال **مجید** و بزرگواری با ظهار افضال پس درود و نعمت
باندازه کمال و بزرگی خود **دقیقه** درانجا سوالیست مشهور که مقررست
که پیغمبر ما صلی الله علیه وآله وسلم افضل است از ابراهیم و از همه انبیاء
علیهم السلام پس باید که درودی که بروی نیز افضل بود از درودی که بر
ابراهیم باشد و قاعده تشبیه تقاضا می کند که درودی که بر ابراهیم کامل
تر و قوی تر باشد زیرا که مشبه به اقوی می باشد از مشبه جواب
آنست که این قاعده در هر تشبیه نیست بلکه خاصیت که تشبیه برای لاحق

سا

ساختن ناقص بود بکامل و گاهی باشد که شهرت و ظهور کافی بود مشبه به اگرچه
وی ادنی باشد از مشبه فی الحقیقه چنانچه در قول خدای تعالی مثل نوره
کمشکوة فیها مصباح یعنی مانند نور خدا مانند نور طاقچه است که در وچراغست
و فرق درین هر دو نور دور و درازست لیکن چون نور چراغ ظاهر بود
نزد سامع تشبیه داده شد باو برای فهمانیدن پس چون اینجا هم درود
بر ابراهیم علیه السلام مشهور و معلوم بود نزد عرب تشبیه داده شد بدو
فائده شیخ عبد الحق در شرح مشکاة آورد که بعضی روایات در صلوات و برکت
هر دو جا علی آل ابراهیم آمده و در بعضی ذکر ابراهیم در صلوة و ذکر آل
ابراهیم در برکت چنانچه درین کتاب و در بعضی نسخه در برکت نیز آل
نیامده چنانچه در صلوة و پس ازاین درود دوم نیز از شفا آورده **اللهم**
صل علی محمد خدایا درود بفرست بر محمد **وعلی آله** و بر آل او و در بعضی
نسخه وعلی آل محمد آمده باسم ظاهر **کما صلیت علی ابراهیم** چنانچه
درود فرستاده بر ابراهیم و در بعضی نسخ تشبیه بآل ابراهیم آمده **وبارک**

محمد وعلی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و در بعضی نسخ
تشبیه با براهیم آمده بی ذکر آل معنی این بالا قریب معلوم شد **فائده** و آل بمعنی
اهل و عیال آمده و پیروان و تابعان را نیز گویند و بعضی آل را تفسیر باهل
بیت کنند و بیان اهل بیت بیشتر تفصیل خواهد آمد **فی العالمین** یعنی چنانکه
خاص کردی او را بدرود و برکت در عالمیان از فرشتگان و آدمیان
و سایر مخلوقات چنانچه می گویند فلان را دوست می دارم در جماعت یعنی
خصوصا **انک حمید مجید** بدرستی که تو ستوده شده و بزرگواری و پس ازاین
درود سیوم نیز از شفا آورده **اللهم صل علی محمد** خدایا درود بفرست
بر محمد **وال محمد** بی ذکر لفظ علی مکرر در بعضی نسخ **فائده** بدانکه ذکر و ترک
لفظ علی هر دو برابرست در ذکر آن چیزی خلل و نقصان در معنی نیست و آنکه
شیعه حدیثی نقل کنند که من فارق بینی و بین آلی بعلی فقد جفانی یعنی
کسی که جدایی کند در میان من و آل من بلفظ علی پس تحقیق که جور کرد بر من
صحت ندارد و بر تقدیر صحت بعلی بکسر لام و تشدید یاء بود یعنی کسی که فرق

کند

کند در میان من و آل من بعلی مرتضی رضی الله عنه و گویند که ایشان آل
مرتضی اند و آل نبی نیستند پس جور کرد بر من **کما صلیت علی ابراهیم**
بی ذکر آل و بی ذکر حمید مجید بعد ازین **وبارک علی محمد** بواو بی ذکر
اللهم در اول این **وال محمد** بی ذکر علی اینجا نیز **کما بارکت علی ابراهیم**
بی ذکر آل **انک حمید مجید** بالا ازاین درود معنی این الفاظ بتفصیل معلوم
شده و پس ازاین درود چهارم نیز از شفا آورده **اللهم صل علی محمد**
خدایا درود بفرست بر محمد **النبی الامی** که پیغمبرست نا نویسنده و ناخواننده
بیت نیض ام الکتاب پرورش لقب امی از آن خدا کردش لوح تعلیم
ناگرفته به بره هم زاسرار لوح داده خبره دیگر شرح این بالا در اسماء شریفه باید دید
وعلی ال محمد و درود بفرست بر آل محمد پس ازاین درود پنجم نیز از شفا آورده
اللهم صل علی محمد عبدک خدایا درود بفرست بر محمد که بنده تست شرح این نیز
در اسماء باید دید **ورسولک** و فرستاده تست بسوی خلق برای رهنمایی براه راست
که دین اسلام است و پس ازاین درود ششم نیز از شفا آورده **اللهم صل**

علی محمد وعلی ال محمد کما صلیت علی ابراهیم وعلی
ال ابراهیم انک حمید مجید اللهم بارك علی محمد وعلی
ال محمد کما بارکت علی ابراهیم وعلی ال ابراهیم
انک حمید مجید معنی این الفاظ بالا نزدیک معلوم شده
وبعد تشهد نماز از التحیات اکثر فقها همین درود تا اینجا اختیار
کرده اند واین درود مذکورست در صحیح بخاري وصحیح مسلم
اللهم وترحم بفتح تاء وراء وتشدید حاء مفتوحه خدایا رحمت کن
وبخشایش فرما وواو برای عطفست برب ارک وباز آوردن اللهم برای
تبرک علی محمد وعلی ال محمد بر محمد وبر ال محمد کما ترحمت
بتشدید حاء چنانکه رحمت کردي وبخشایش فرمودي علی ابراهیم
وعلی ال ابراهیم انک حمید مجید فائده اختلاف کرده اند در
دعاء رحمت برای پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بعضی جائز دارند که درین
شائبه نقصانست وبعضی گویند که حق آنست که تنها نگوید رحمه الله اما با صلوة

وسلام توان گفت اللهم وتحنن بفتح تاء وحاء وتشدید نون مفتوحه
وسکون نون دوم خدایا مهربانی کن ولطف فرما بخصوصیت قرب منزلت
وعلو مرتبت علی محمد وعلی آل محمد بر محمد وبر آل محمد
کما تحننت چنانکه مهربانی ولطف فرمودي علی ابراهیم وعلی ال
ابراهیم انك حمید مجید معنی این معلوم شده اللهم وسلم علی محمد وعلی ال محمد
خدایا سلام بفرست بر محمد وبر آل محمد وسلام از حق تعالی بر بنده
نگاهداشتن ویست آن را بخیر وسلامت از هر امر مکروه واز هر تعب
وآفت کما صلیت علی ابراهیم وعلی ال ابراهیم چنانکه سلام فرستادي
بر ابراهیم وبر آل ابراهیم انك حمید بدرستي که تویي ستوده شده
بهمه نیکویها مجید بزرگوار بهمه بزرگیها وپس ازاین درود هفتم نیز
از مشکوة آورده اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد خدایا درود بفرست بر محمد
وبر آل محمد وارحم محمدا وال محمدا ورحمت کن محمد را وال محمد را فائده
شیخ عبد الحق در شرح مشکاه آورده الله که در بعضی روایات بلفظ ارحم محمدا

نزد بعضی کسانی اند که حرامست برایشان زکوة گرفتن وایشان بني هاشم
واین شاملست آل عباس وآل علي وآل جعفر وآل عقیل وآل حارث را
رضوان الله علیهم اجمعین لکن فخر رازي گفته که اولی آنست که گفته شود
که اهل بیت ازواج واولاد حضرت اند واز امام منصور ماتریدی همین
نقل کرده اند وشیخ عبد الحق قدس سره در شرح مشکاه آورده که گاهي
اطلاق اهل بیت چنان آمده که مفهوم مي گردد اختصاص آن بفاطمه
وعلي وحسن وحسین رضی الله عنهم وگفته که بالجمله اطلاق برین چهارتن
پاک وشایع ومشهورست ودر تفسیر حسینی از عائشه وام سلمه وابو سعید
خدري وانس ابن مالك رضي الله عنهما همین نقل کرده وام سلمه رضي الله عنها
روایت کرده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فاطمه وعلي وحسن وحسین
رضي الله عنهم وگلیمي که خود پوشیده بود در آورده ودعا کرد که خدایا
اینها اهل بیت منند رجس از ایشان از ایشان ببر وپاکیزه گردان
کما صلیت علی ابراهیم انك حمید مجید بی ذکر آل وپس ازاین

کما رحمت وترحمت واقع شده است بصحت نرسیده وبارك علی محمد وعلی ال محمد
زیاده وافزون گردان خیر وخوبي بر محمد وبر آل محمد کما صلیت
ورحمت وبارکت چنانکه درود فرستادي ورحمت کردي وبرکت دادي
علی ابراهیم وعلی ال ابراهیم فی العلمین انك حمید مجید مثل این نزدیک
گذشته وپس ازین درود هشتم آورده از شفا ودر مشکاه از ابي
هریره روایت کرده که هر که شاد گرداند اورا آنکه به پیماید برای خود ثواب
به پیمانه تمام نزد کامل تر وقتی که درود گوید بر من واهل بیت من پس بگوید
این درود اللهم صل علی محمد النبي خدایا درود بفرست بر محمد پیغمبر
تنبیه بی ذکر لفظ امی وهمچنین در حصن حصین آمده واما در مشکاه لفظ
امي مذکورست وازواجه امهات المؤمنین وبر زنان پیغمبر که مادران
مسلمانان اند در حق تحریم وتعظیم اما در حق توارث مانند اجنبیه اند
وذریته وبر فرزندان ودختران ودخترزادگان وي واهل بیته
وبر اهل بیت وي فائده بدانکه اهل بیت آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم

درود نعم چیزاز شفا آورده اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد
خدایا زیاده وافزون گردان همه خوبیها ونعمتهای بر محمد وآل محمد
كما باركت على ابراهيم انك حميد مجيد بی ذکر آل ودرین درود اگرچه لفظ
صلوة نیامده اما باعث رانکه درود بمعنی دعا بخیرست پس دعا ببرکت
درود باشد وپس ازاین درود سیم رانیز از شفا آورده وآن
منقولست از علی رضی الله عنه که می آموخت مردم راکه درود گوینده
بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم باین الفاظ اللهم ای خدا
داحی ای گستراننده المدحوات گسترده شدها همچو فرش یعنی
زمینها وبارئ بهمزه ای پیدا کننده المسموكات . برداشته
شدها همچو سقف یعنی آسمانها فائده اول حق تعالی زمین را پیدا
کرد بمقداری که عرصه کعبه شریفه است بعد ازان آسمان را پیدا کرد
پس ازآن زمین را فراخ کرد چنانچه فرش پیچیده را فراخ سازند در عین
المعانی آورده که خدای تعالی جوهری سبز آفریده ونظر هیبت در آن

نگریست بگداخت وروان شد وآتش زاو غالب کرد تا بجوشش آمد وکفی
وبخاری ازو پیدا شد ازآن کف زمین وازآن بخار آسمان آفریده
گشت رباعی گیتی را منبسط زد که این فرشست بس لایق ه بخاری را برافرازد
که این سقفیست بس زیباه ازآن سقفی معلق حسن تصویرش شود ظاهره
وزین فرش مطبق لطف تدبیرش بود پیدا دقیقه بنده را باید که هر آن
که نظر کند از آفریدگار یاد آورد وبهر صورت که نگرد صانع او را مشاهده
کند ودائم در ذکر واستبصار ونظر واعتبار باشد نظم همه ذرات از
مه تا بماهی . بوحدانیتش داده گواهی همه اجزای کون از مغز تا پوست
چو وا بینی دلیل قدرت اوست وجبار القلوب بزور وغلبه کار
فرمائی دلهای بهرچه خواهد وهیچ دلی که خلاصت انسان از خودست
او بیرون نتواند رفت على فطرتها بر خلقت وآفرینش آن دلهای یعنی
غالبست بر آفرینش آنها چنانکه خواهد آفرید شقيها بدبخت آن دلها به
زنگار کفر وضلالت سیاه وتیره گشته وسعيدها ونیکبخت آن دلها را یعنی

بنور ایمان روشن گشته در بیان القلوب مذکورست یعنی حق تعالی به
مشیت خود برین دو نوع ساخت لطيفه در حقایق سلمی از شقیق
بلخی قدس سره نقل می کند که علامت سعادت پنج چیزست نرمی دل و
بسیاری گریه ونفرت از دنیا وکوتاهی امل وشرمناکی ونشان شقاوت
ضد این چیزهاست وچون حق تعالی طغرای سعادت بنام هر یکی
از ازل برنگاشته وانجام هر یکی مبهم ومخفی داشته جگر کاملان از خوف
خاتمه خود بگداخته وموج سطوت الهی عارفان را در ورطه حیرت انداخته
رباعی آن یکی را از ازل لوح سعادت بر کناره وآن دگر یکی را تا ابد داغ
شقاوت بر جبینه عدل او می راند از سوی اصحاب الشماله فضل او
می خواند این را نزد اصحاب اليمين اجعل نازل گردان شرائف
صلواتك درودهای خود را که بزرگ وبرترند ونوامی برکاتك
وبرکتهای خیر ونعمت خود را که افزون شونده همچو کشت زار ورأفة
وبخشایش تحننك بفتح تا وحا وضم نون مشدده مهربانی خود را علی

محمد عبدك بر محمد که بنده است خاص ورسولك وفرستاده تست سوی
خلق را برای رهنمائی براه راست الفاتح گشاینده لما اغلق بفتح
همزه وکسر لام چیزی راکه بسته شده یعنی خدای تعالی ببعثت آن حضرت
صلی الله علیه وآله وسلم درهای سعادت ورحمت بر بندگان برگشاده ودر
هر مشکلی که کسی بجناب الهی وسیله آرد حق تعالی آنرا بروی آسان نموده
والخاتم لما سبق وآخر کننده هر چیزی راکه پیش گذشته است از نبوت
ورسالت پس او هیچ پیغمبر نیست والمعلن بضم میم وکسر لام ظاهر کننده
الحق بفتح قاف وکسر آن نیز دین اسلام راکه راست ودرست است
بالحق براستی یعنی این اظهار بدروغ وهوا ونفس نبود بلکه براستی بود
یا آنکه ظاهر کننده دین بود بمدد حق تعالی والدامغ وشکننده جیشات
الاباطيل مر لشکرهای باطلان وبیهوده کاران ومراد ازاین دینهاست
که غیر اسلام اند كما حمل بفتح حا وکسر میم مشدده چنانکه برداشته
شده بود برای شکستن آنها فاضطلع پس برخاست جهت وجلالک بامرك

بفرمان تو بطاعتك بفرمان برداری تو و در بعضی نسخه بجای باء لام
آمده یعنی فرمان برداری تو مستوفزا بضم میم و فتح تاء و کسر
فاء و در آخر زاء معجمه در حالتی که شتاب بود فی مرضاتك بفتح
میم در طلب خوشنودی تو در بعضی نسخ بعد ازین آمده بغیر نکل بفتحتین
فی قدم ولا وهن فی عزم یعنی بغیبت در پا و اینجا مراد آنست که بددل نبود
در برخواستن برای لشکرهای دشمنان و نه سستی بود در قصد او
واعیا لوحیك در حالتی که نگاه دارنده بود وحی ترا فائده بدانکه
وحی در اصل بمعنی کلام خفی ست و آن در حق انبیاء علیهم الصلاة
والسلام از خدا تعالی بر انواع ست بعضی را شنیدن کلام عزیزی بی
واسطه چنانکه موسی علیه السلام و پیغمبر ما را صلی الله علیه و آله و سلم در شب
معراج و دیگر بواسطه فرشته و این بسیارست و دیگر الهام یعنی القا شی
معنی در دل و این غیر انبیاء را نیز بود چنانکه در حق مادر موسی
علیه السلام آمده و او خیالی آنک حافظا لعهدك در حالتی

که

که نگاه دارنده بود پیمان ترا یعنی هرگز برین با وی پیمان بستی هرگز آن را
فراموش ننمود بلکه در انجام و اهتمام آن بجان کوشیده و اینجا مراد عهدیست
که گرفته ست حق تعالی از و بر تبلیغ رسالت و قیام کلی شریعت و اخلاص
در طاعت پس چون وی نکرد فراموش و این عهد را حق تعالی نیز فراموش
نگذارد و او را از وعدهای که کرده ست با وی جب کرت هوات که
دلدار نگسلد پیمان نگاه دار سر رشته تا نگه دارد ماضیا در حالتی که جاری
بود همیشه علی نفاذ امرك بفتح نون بر روان کردن فرمان و حکم
تو حتی اوری تا آنکه برافروخت و روشن ساخت آن حضرت صلی الله علیه
و آله و سلم قبسا بفتحتین شعله نور و اینجا مراد نور اسلام ست یعنی بود آن
حضرت صلی الله علیه و آله و سلم بر صفات مذکوره تا آنکه ظاهر ساخت دین حق
را که اسلام ست لقابس به تنوین برای گیرنده و پذیرنده آن شعله درخشان
و اینجا مراد طالب حقست و قبول کننده تو ایمان مثنوی مومنان از نیز که دور آمدند
لاجرم نور علی نور آمدند کافر تاریک دل را انکرتست حاصل و کارش ظلمت اندر

ظلمت الاء الله بمد همزه اول و ضم همزه اخیر نعمتهای خدای
تعالی یعنی فضل و عنایت و توفیق و هدایت او تصل جمع می
کند و پیوسته و باهم می نمایند باهله بکسر که لائق و سزاوار آن شعله است
اسبابه بفتح باء و سببها دریافت آن شعله را یعنی آن حضرت صلی الله علیه
و آله و سلم اگرچه راه دین را بنور تلقین روشن نمود و سلوک آن بر سالک
آسان ساخته وصول بمنزل مقصود موقوف بر عنایت ازلی و ارادت
لم یزلی ست دقیقه محققان فرموده اند که در خوف باید بود تا باد تقدیر
از کجا در آید و چه بوالعجبی ابنمعنی نماید اگر از جانب فضل وزد زنار
بهرام گبر را کمربند عشقباری راه دین گرداند و اگر از طرف عدل
وزد رسم توحید بلعم را بر انداخته با سگ خسیس برابری دهد رباعی
آن را بری از صومعه در دیر گران افکنی وین را کشی از بتکده سر
حلقه مردان کنی چون و چرا در کار تو عقل زبون را کی رسد فرمانده
مطلق توئی حکمی که خواهی آن کنی تنبیه لقابس بغیر تنوین الا الله بکسر

هم

همزه اخیره و اسبابه بضم باء نیز آمده بود در شرح عربی بتفصیل نوشته شده
به بسبب آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم یا به سبب شعله آن نور هدیت
بضم باء و کسر دال راه نموده شد القلوب دلها را بعد خوضات الفتن
بعد از فرو رفتن دلها در قعر فتنهای یعنی کفر و گمراهی فائده فتنه
در اصل بمعنی هر چیزی که آزموده شود بآن بنده را از بلیات و آفات
و اینجا مراد کدورت والاثم و پس در آمدن دلها در گناه و نافرمانی
وابهج بباء و بعد همزه و حسن و خوبی داد آن حضرت صلی الله علیه
و آله و سلم و در بعضی نسخه نون آمده یعنی ظاهر و پیدا ساخت موضحات
الاعلام بفتح همزه علامتهای و نشان هادین را که ظاهر کننده مسائل
دینیه اند یا ظاهر شده باظهار آن حضرت بعد آنکه پوشیده بود بر اهل
غفلت و موضحات یعنی اول بکسر ضاد ست و بمعنی دوم بفتح آن ونائرات
الاحکام و زیب و زینت بخشیده و یا ظاهر گرداننده حکمهای شرع
را که روشن و تابانند همچو آفتاب و پاک از ظلمت شک و ارتیاب

ومنير اتت الاسلام واركان شرايع را كه روشن اند در ذات
خود و روشن كننده اند باطن كسي را كه قبول كند آنها را فهو پس آن
پيغمبر امينك اهل امانت تست براچه كه وحي كردي بسوي او المامون
ايمن و بي خوف كرده شده از خيانت وخازن علمك و نگاهبان
علم تست كه عطا فرمودي بوي المخزون آن علمي كه پوشيده شده است
در پرده غيب از غير او وشهيدك يوم الدين و گواه تست در روز
پاداش وجزائي كه روز قيامت است يعني گواهي دهنده پيش تو
بر ايمان مسلمانان و كفر كافران وبعيثك و برانگيخته شده تو به
سوي خلق براي رسانيدن احكام دين نعمة در حالتي كه خير و خوبيست
ذات مبارك او براي خلق از جانب تو ورسولك بالحق و فرستاده
تست براستي و درستي رحمة در حالتي كه بخشش است براي عالميان و در
اسما و شريف شرح اينها بسط گذشته اللهم افسح بفتح سين خدايا فراخ
وگشاده كردان له براي آنحضرت صلي الله عليه وآله وسلم منزل او را

في عدنك بفتح عين و سكون دال در بهشت پاينده خود و آن ملند
ترين درجهائي بهشت واجزه بوصل واو بجيم وبده مژده و پاداش
آن را صلي الله عليه وآله وسلم بمقابله نيكيهاي كه در تبليغ رسالت كشيد
مضاعفات الخير پاداشها كه زياده كرده شده جزائها تو بر تو چند
در چند من فضلك از روي كرم و فضل خود مهنات در حالتي كه پاداشهاي
گوارنده و خوش آينده له مر آن حضرت را صلي الله عليه وآله وسلم
غير مكدرات بفتح دال مشدده در حالتي كه باشد آن مژدهاي بي
كدورت يعني صاف از تيره كه رنج و نفرت من فوز ثوابك اين
گوارا بودن از جهت فيروزي يافتن بمژده و جزاي تو بود المحلول چنين
مژدي كه فرود آمده شود در و يعني بهشت و شك نيست كه چون در جنان
بست يابي بر بغت مقام شود عيش و زندگاني بهمه وجوه گوارا بود وجزيل
عطائك و اين گوارا بودن از عطا و بخشش تو بود كه بزرگست المعلول
چنين عطائي كه پي در پي آمده بود يعني يكي بعد از ديگري مكرر آيد فائده علل بفتح

عين مهمله و لام در لغت يعني نوشيدن پس از نوشيدن بود و اينجا مراد
تكرار عطا است و در بعضي نسخ الموصول بصاد آمده يعني پيوسته اللهم
خدايا اعل بفتح همزه بلند كردن علي بناء الناس بكسر باء موحده بر منزل
همه آدميان بناءه منزل او را و اين بلندي و بزرگي مرتبه بود نزد الله تعالى
و جائز است كه باعتبار ظاهر بود در بهشت يا كه مكان بودن آن حضرت صلي الله
عليه وآله وسلم از مكانهاي همه اهل بهشت بلندتر بود واكرم بفتح
همزه و بزرگ كردان مثويه جاي بودن و آرامگاه او را و مقصود از آن
تعظيم و اكرام آن حضرت است صلي الله عليه وآله وسلم چه فرود آمدن كريمرا
بجاي نيكو دليل عزت و احترام است لديك نزد خود ونزله و بزرگ كردان
پيشكش و ماحضر او را فائده نزل بضمتين و بسكون زا هم نيز آنرا گويند
كه چون مهمان در منزل نازل شود اول چيزي كه از طعام و فواكه پيش او
حاضر سازند و بسياري و خوبي آن دليل كرامت مهمان و نيكو داشت
او باشد واتمم له نوره و تمام و كامل كردان براي او نور او را يعني دين

او را يعني بانكه برسد تابش آن را بهمه اطراف روي زمين و غالب گردان دين
اهل او را بر همه مخالفان با تمام كن نوري را كه نهاده در وي صلي الله عليه
وآله وسلم به پيوستن او با نور جنت واجزه من ابتعاثك له بباء
موحده قبل از تاء فوقيه از بهر برانگيختن تو مر او را براي ارشاد خلق و
رسانيدن وي رسالت ترا چنانكه بايد و خشنودي ترا كه شايد تنبيه در
بعضي نسخ آمده ابتعاثك بنون بعد باء موحده و درين صورت تقاعد
عربيه اشكال لازم مي آيد چنانكه در شرح عربي نوشته شده مگر آنكه برين
وجه معني چنين گفته شود جزا داده او را از بهر برخاستن او برسالت از
جهت تو مقبول الشهادة پاداش داده او را در حالتي كه باشد گواهي او
پذيرفته شده نزد تو بر ايمان مومنان و انكار كافران ومرضي المقالة
و در حالتي كه باشد گويائي او بوقت شفاعت و شهادت موافق رضا
و خشنودي تو ذا منطق عدل در حالتي كه باشد صاحب گوياي راست و
درست در وقتي كه حمد و ثناي گويد بر خداي تعالي بوجهي كه هيچكس مثل آن نگفته

وشفاعت کند برای رستکاری از سختی و هول موقف حساب همه خلائق
را **اذا خطة**. بفتح خاء معجمه وتشدید طاء مهمله بتنوین وبلاتنوین
ودر حالتی که باشد صاحب امر **فصل** چنین امری که جدا کننده بود حق را
از باطل **وبرهان عظیم** ودر حالتی که باشد صاحب دلیل بزرک واستوار
واینی درود دهم تمام شد پس ازین درود یازدهم نیز از شفا آورده
که منقولست از علی رضی الله عنه **ان الله وملائكته يصلون على النبي**
بدرستی که خدا تعالی درود می کوید وفرشتکان او درود می فرستند بر پیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم **يا ايها الذين امنوا** ای کسانی که بخدا ورسول
کرویده اید **صلوا عليه** درود فرستید برو **وسلموا** وسلام کوئید
براو **تسليما** سلام کفتنی بصحبت خاص وکمال اخلاص **دقیقه** ابتدا
این درود باین آیه فرخنده درود اشارتست بانکه فرستادن درود به
جناب حضرت رسالت پناهی فرمان برداریست برای امر الهی وبعد ازین
برای همین اشارت زیاده کرد این عبارت **لبيك** استادیم برای

خدمت تو ایستادنی یعنی نه یکبار بلکه بسیار بار **وبکرات اللهم** ای
بارخدا **ربي** ای پروردکار من **دقیقه** باید که کوینده این قول بدل
وجان در خدمت مولا سعی نماید تا درین قول صادق آید والا اکر بخدمت
نفس خود مشغولست این سخن از وی دروغ وفضولست **وسعديك**
ویاری میدهم دین ترا یاری دادنی مکرر **صلوات الله البر**. بفتح
باء درودهای خدا که نیکوئی کننده واحسان نماینده است **الرحيم**
مهربان وبخشاینده است **والملئكة المقربين** درودهای فرشتکان
که نزدیکان بارکاه الهی اند از روی بزرکی وکرامت **والنبيين** ودرود
های پیغمبران **والصديقين** وراست کویان که پیش از همه تصدیق
کردند انبیا را **والشهداء** وکشتکان در راه خدای **والصالحين** وشنودکان
در اعمال واحوال **وما سبح لك** ودرودهای چیزی که تسبیح می کویند ترا ای خدا
یاد می کنند ترا بپاکی از عیبان ونقصان وروز زوال وستایش می نمایند بصفات
کمال **من شيء** از هر موجودی **فائده** تسبیح کردن هر مخلوقات مر خدای را در

قرآن آمده اما بعضی می کویند که جانداران اهل زمین وآسمان بزبان
قال است وباقی ازایشان بزبان حال یعنی دلالت می کنند بحدوث
خود بر صانع واجب قدیم قدیر وعارفان اهل تحقیق می کویند که تمام
موجودات باختلاف لغات وتسبیح الهی می کویند اما آنرا فهم نکند
مکر عالم ربانی که کوش دل او کشاده بود **رباعی** بنکر بکش هر چه بینی در خروش
دلی داند درین معنی که کوش است ٭ نه بلبل بر کلش تسبیح خوانست ٭
که هر خاری بتسبیحش زبانست **يا رب العالمين** ای آفریننده
وپرورنده وسازندکاری همه عالمیان از ملائکه وجن وانس وغیر ایشان
على سيدنا این درودهای مذکور نازل باد بر مهتر وبهتر وسردار
ورئیس ما این **فائده** اختلاف کردند در زیاده کردن لفظ سیدنا در درود
وقت تشهد نماز مجد الدین بغوی محدث می کوید که نباید کفت بلکه آنچه
در حدیث آمده بر همون قدر بس باید کرد وبعضی تردد کردند در انکه افضل آنست
که ادب کنند بر آنچه امر واقع شده زیرا که فرمان برداری از همین است

یا انکه افضل آنست که براه ادب وتعظیم روند ولفظ سیدنا زیاده نمایند
وشیخ ابن حجر مکی ترجیح داده است طریقه ادب را واین بحث در رساله
بدر منضود بطول مذکورست **محمد بن عبد الله** ونام پاک وی محمد
پسر عبد الله **فائده** در شرح سفر سعادت آورده که چون از عمر شریف
آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم دو سال وچهار ماه کذشت پدر وی عبد الله
که بجهت خریدن خرما بمدینه رفته بود فوت کرد وبعضی کویند که وفات
عبد الله در مدت حمل شریف بود وچون عمر شریف بشش سال رسید مادر
او آمنه وفات یافت در موضع ابوا که مابین مدینه ومکه معظمه است **خاتم**
النبيين در میم کسره وضمه وفتحه هر سه جائزست ودر تاء کسره وفتحه
هر دو جائزست یعنی آخر همه پیغمبران ومعنی این در اسماء شریف بطول
مذکور شده **وسيد المرسلين** سردار ومهتر پیغمبران اهل کتاب
امام المتقين وپیشوای پرهیزکاران **ورسول رب العالمين**
وفرستاده شده از جانب پروردکار عالمیان **دقیقه** درین وصف اشارتست

بآنکه چنانچه ربوبیت حق تعالی شاملست همه خلق را همچنین رسالت
آنحضرت نیز شاملست چنانکه آورده اند که خدا تعالی همه حیوانات
وجمادات را فهم وشعور بخشید تا ایمان آوردند بآن حضرت صلی الله
علیه وآله وسلم از بهر اظهار شرف وبزرگی وی وزیادتی خصوصیت
وی بر همه پیغمبران علیهم السلام واین از قدرت حق تعالی دور نیست بیت
آب وخاک وباد وآتش بنده اند با من وتو مرده با حق زنده اند
الشاهد گواهی بر اقرار وانکار امت البشیر مژده دهنده مومنان
را بهشت الداعی الیک خواننده خلق را به پرستش تو باذنك بفرمان
تو السراج المنیر چراغی روشن که نور وجودش تاریکی کفر را از
عرصه جهان برداشت وعلیه السلام وبر آن حضرت سلام خدا باد وسلام فرشتگان
وپیغمبران وآنها که مذکور شدند با ایشان در صلوات وپس ازین درود
دوازدهم نیز از شفا آورده است که منقولست از عبد الله بن مسعود رضی الله
عنه اللهم اجعل صلواتك وبركاتك بکسر تا ودر هر دو خدایا گردان

در

درود های خود را او افزونیها خیر ونعمت خود را ورحمتك یعنی ثمره گردان
بخشش خود را علی سید المرسلین بر سردار ومهتر پیغمبران صاحب
شریعت وسیادت آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بر همه پیغمبران بحدیث
ثابت شده چنانکه در اسماء شریف گذشته نظم همه انبیا در پناه تو
اند مقیم درگاه تو اند تو مهر منیری همه اختر اند تو سلطان ملک
همه لشکر اند وامام المتقین وپیشوا پرهیزکاران وخاتم النبیین
وختم کننده پیغمبران که بعد او هیچ پیغمبری نیاید زیرا که آمدن پیغمبران
برای ارشاد خلقست وچون آن ذات شریف آمد احتیاج بدیگری نماند
محمد که نام پاک وی محمدست صلی الله علیه وآله وسلم عبدك که بنده اخص
الخاصست ورسولك وفرستاده تست امام الخیر پیشوای هر نیکی وهر خوبی
یعنی خدا تعالی همه خوبیها وابسته همت وی گردانیده پس هر کو همت
گارد وهر مطلوب وهر امر خوب ومرغوب بوی روی آورد وقائد الخیر
وکشنده خیرست هر امر نیکوئی که موافق غرض بود از مبداء فیض بسوی پروان

خود ورسول الرحمة وپیغمبر صاحب بخشش ومعنی اکثر این الفاظ بالا ازین به
تفصیل گذشته اللهم خدایا ابعثه برانگیز او را مقاما
محمودا در مقامی پسندیده یعنی مقامی که صاحب آن ستوده شود به
ستایش همه ستایندگان وآن مقام شفاعتست یغبطه بکسر موحده
وفتح آن رشک برند آن را بآن حضرت صلی الله علیه واله وسلم فیه
در آن مقام الاولون والاخرون پیشینیان وپسینیان از انبیاء و
مرسلین وسائر مقربین یعنی چون حسن وخوبی آن مکان را در نظر
آید هر یکی آرزو خواهش نماید از بهر آنکه چیزی که جمال آن در مرتبه
کمال بود ناچار بلا اختیار طبیعت بوی مائل بود تنبیه غبطه بکسر
آرزوی نعمت دیگری بی اراده زوال آن از وی واگر زوال نعمت
دیگری برای خود خواهد حسد بود که خصلت ذمیمه است که در شرع جائز نیست
واما غبطه در امر نیک جائز است اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد
کما صلیت علی ابراهیم انك حمید مجید اللهم بارك

علی محمد وعلی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم انك حمید
مجید در بعضی نسخ آمده علی ابراهیم بزیاده لفظ آل اسم با صلوة
وهم بارکت ومعنی این بالا قریب معلوم شده وپس ازین درود
سیزدهم آورده که ذکر او کرده است در شفا از حسن بصری رحمة الله علیه
ومی گفت وی کسی که خواهد بنوشد بکاسه پر از حوض مصطفی صلی الله علیه
وآله وسلم پس بگوید این درود را یا ارحم الراحمین اللهم صل
علی محمد وعلی اله خدایا درود بفرست بر محمد وآل او ومعنی آل بالا
نیز دیگر مذکور شده واصحابه وبر یاران او واولاده وبر اولاد او
وذریته بدانکه اولاد جمع ولدست یعنی پسر ودختران وآن حضرت را
صلی الله علیه وآله وسلم سه پسر بود قاسم وابراهیم وعبد الله رضی الله عنهم
واین عبد الله را طیب وطاهر نیز می گفتند وچهار دختر بود زینب ورقیه
وام کلثوم وفاطمه رضی الله عنهن وهمه این اولاد از خدیجه بود رضی الله عنها
مگر ابراهیم که آن از ماریه قبطیه بود که سریه آن حضرت بود صلی الله علیه وآله

وسلم و هر سه پسر در حالت صغر فوت شده اند و زینب را با ابو العاص خواهر
زاده خدیجه رضی الله عنها نکاح کرده و رقیه را با عثمان و بعد فوت رقیه
ام کلثوم را نیز با وی نکاح کرد و این هر سه در حیات آن حضرت صلی الله
علیه و آله و سلم وفات یافته و فاطمه رضی الله عنها در سال دویم از هجرت
در ماه صفر با مرتضی علی کرم الله وجهه نکاح کرد و عمر فاطمه رضی الله عنها
شانزده سال بود و عمر علی رضی الله عنه بیست و یکسال و پنجاه بود و وفات
فاطمه رضی الله عنها سیوم ماه رمضان بود بعد شش ماه از وفات پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه را رضی الله عنها سه پسر بود حسن و حسین و
محسن و سه دختر بود ام کلثوم و زینب و رقیه و محسن و رقیه خورد تر فوت شدند
و زینب را با عبد الله بن جعفر طیار نکاح کرده و ام کلثوم را با عمر بن الخطاب رضی الله عنه
و نسل از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم باقی نمانده مگر از فاطمه رضی الله عنها
وازواجه وذریته واهل بیته و بر زنان او و بر کسی که می شوند
به او از جهت نسل و بر اهل بیت او و تفصیل همه اینها بالا در این مذکور شده

واصهاره

واصهاره و بر خویشان او از جانب زنان و زنان او وانصاره و یاری
دهندگان او فائده بدانکه انصار جمع ناصر است یعنی یاری دهنده و این جا
مراد نصرت کنندگان آن حضرت اند از اهل مدینه و انصار دو قبیله اوس
و خزرج بفتح خاء معجمه و سکون زاء مهمله و بعده جیم و آن دو برادر
بودند و انصار اولاد ایشان اند و آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم
ایشان را لقب نهادند که بدان مشهور و ممتاز گشتند واشیاعه و بر پیروان
او ومحبته و بر دوستداران او واسته و بر گروه دین او وعلینا
معهم و بر مایان با آنها که مذکور شدند درین درود لفظ امت اگرچه شامل
بود گوینده را نیز لیکن خاص کرد وی خود را و کسی را که با وی خصوصیت
دارند برای رسیدن برحمت الهی بر تبعیت حضرت رسالت پناهی صلی الله
علیه و آله و سلم و در فصل اول مذکور شده که درود بر غیر انبیا تبعاً
جائز است و تنها روا نیست اجمعین بر همه مایان یا ارحم الراحمین
ای بخشاینده ترین بخشندگان زیرا که بخشش همه از اثر بخشایش اوست

نظم تو بر اهل سخا انعام کردی ۞ اگر بیچارگان انعام کردی ۞ بهر جا جوی از
دولت روان است ۞ ز دریای جودت وام کردند ۞ درودهای که از شفا
قاضی نقل کرده تا اینجا آخر شده بعد ازین شروع کرد در درود دیگر را
اللهم صل علی محمد عدد من صلی علیه خدایا درود بفرست بر
محمد بشمار کسانیکه درود فرستاده اند بر او از فرشتگان و مومنان جن
و انس وصل علی محمد درود بفرست بر محمد عدد من لم یصل علیه
بشمار کسانیکه درود نفرستاده اند بر او از آدمیان و پریان کفار
بیت اندر کمال احمد مرسل چه کم شود ۞ بوجهل گر ز جهل نگوید درود را
فائده بدانکه جای که می گوید خدایا درود بفرست بشمار چنان و
چنین و این نوع درین کتاب بسیار آید اختلاف کرده اند در ان بعضی
گویند که ثواب یکبار خواندن می شود و ذکر عدد محض برای مبالغه است
و بعضی گویند ثواب این زیاده می شود از ثواب کسی که یکبار خواند
نه ثواب این عدد بعینه و قول صحیح آنست که ثواب همون عدد می شود

که ذکر

که ذکر می کند زیرا که رحمت خدا تعالی وافر و فراخ است و بعضی حدیث
نیز برهمین دلالت می کند و در شرح عربی نوشته شده وصل علی محمد
و درود بفرست بر محمد کما امرتنا بالصلوة علیه چنانکه فرموده تو
مایان را بفرستادن درود بر وی صلی الله علیه و آله و سلم یعنی درودی
که موافق فرموده تو بود و تو خواهی فرمود بفرستادن درود بر
محبوب خود دیگر بکاملترین درودی و آن از طاقت مایان بیرون است پس
حواله می کنیم بتو که تو خود متولی آن شوی رباعی ای افگنده بر کرسی ظاهر
مصلا ۞ نه پایت بر سر عرش معلا ۞ درودت گفتن چو منی چه داند ۞ کما
هو حقه الله صلی وصل علی محمد کما یجب درود بفرست بر محمد چنانکه درود
می دارد بوی ان یصلی علیه آنکه درود فرستاده شود بر او و در بعضی نسخ
یجب بجیم آمده یعنی چنانکه واجب و لازم است که درود فرستاده شود بر او
فائده نقلست که امام شافعی رحمه الله علیه را بعد از وفات یکی از صلحای
در خواب دید و پرسید که با تو خدا تعالی چه کرد گفت که مرا بخشید گفت بچه عمل گفت

بهپنج کلمات درود که می خواندم من آنرا و از آن پنج چهار این ست از
قول او اللهم صل علی محمد عدد من صلی علیه تا قول او کما یجب ان
یصلی علیه و ینبغی و صل علی محمد کما ینبغی الصلوة علیه یعنی درود
بفرست بر محمد چنانکه سزاوارست درود بر وی و مثل این در اجزاء
حزب دوم خواهد آمد و اکثر لفظ و علی آل محمد زیاده کرده اللهم صل
علی محمد و علی آل محمد کما امرتنا ان نصلی علیه خدایا درود بفرست
بر محمد و بر آل محمد چنانکه درود فرموده تو ما را بآنکه درود گوییم بر وی
صلی الله علیه و آله و سلم فائده در روایت آمده کسی که خواهد که ببیند
پیغمبر را صلی الله علیه و آله و سلم در خواب پس بخواند این درود را از اینجا
تا و ترضاه له بعدد طاق و بعضی برین زیاده کرده اند این الفاظ
اللهم صل علی محمد فی الارواح اللهم صل علی جسد محمد فی الاجساد اللهم صل
علی قبر محمد فی القبور و مانند این درود درین کتاب نیز خواهد آمد
و ظاهر آنست که بسیار بخوانند اما بعدد طاق بخوانند اگرچه کمتر مرتبه طاق
اختیار

اختیار کنند چنانچه سه یا پنج اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما هو اهله
خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد چنانکه وی صلی الله علیه و آله و سلم
سزاوار مستحق است مر آن درود را یعنی درودی که مناسب بود بمرتبه
او را نزد تو اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما تحب خدایا درود بفرست
بر محمد و آل محمد چنانکه دوست داری تو برای او و ترضاه له و خشنود می
شوی تو بآن برای او صلی الله علیه و آله و سلم و ظاهرست که دوست
نداری و راضی نشوی برای او مگر بدرودی که لائق بود بمرتبه محبوبیت
او نزد تو فائده در در منصور آورده که روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله
و سلم مردی را در میان خود و ابوبکر رضی الله عنه بنشاند و بسیار چنین
نمیکرد صحابه عجب آوردند پس چون وی برخواست آن حضرت فرمود که این
مرد بر من این درود می خواند اللهم صل علی محمد و علی آله کما تحب و ترضی
که بس این فضل برای دیگری نبود اللهم یا رب محمد و آل محمد صل علی محمد
و آل محمد ای پروردگار محمد و آل محمد درود بفرست بروی و بر آل او

و اعط محمدا الدرجة الرفیعة و بده محمد را مرتبه بلند نزد خود والوسیلة
بده او را وسیله فی الجنة در بهشت و وسیله نام منزلیست در بهشت
که خاص باشد برای آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم و در فصل اول بیان
آن نیز گذشته اللهم یا رب محمد و آل محمد اجز محمدا صلی الله علیه
و آله و سلم ای پروردگار محمد و آل محمد مزد و پاداش ده محمد را صلی الله علیه
و آله و سلم بمقابله مشقتهای او که در ادای حق تو کشیده ما هو
اهله چیزی که وی صلی الله علیه و آله و سلم سزاوار و مستحق است برای
آن چیز یا چیزی که آن چیز لائق اوست فائده در حدیث آمده
که پیغمبر فرمود صلی الله علیه و آله و سلم کسی که گوید جزی الله عنا محمدا ما هو اهله
در رنج می اندازد هفتاد فرشتگان نویسنده را تا هزار روز یعنی برای
نوشتن ثواب خواندن این درود اللهم صل علی محمد و علی آل محمد
و علی اهل بیته خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد و بر اهل بیت محمد و معنی
آل و اهل بیت بالا مذکور شده فائده در روایت آمده کسی که بخواند
این

این درود مذکور را هر روز صد بار روا کرده می شود برای او صد حاجت
و سی از آن در دنیا بود اللهم صل علی محمد و علی آل محمد حتی لا یبقی من الصلوة
شیء خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد تا آنکه باقی نماند از درود
چیزی و این کلام بر طریق مبالغه است در بسیاری بخشایش چنانکه
گویند پادشاه فلان شخص را نعمت بخشیده تا آنکه هیچ نعمتی باقی نماند
یعنی آن شخص تمام ترست تا آنکه شوق او بهیچ نعمتی باقی نمانده و از
برای بزرگی آن نعمت زیاده بر آن گمان کرده نمی شود و برهمین قیاس است
معنی کلامی که بعد از این می آید و اگر نه لازم می آید که رحمت الهی را
نهایت باشد و حال آنکه رحمت او را نهایت نیست و افعال و صفات او را
غایت نه رباعی کل یوم هو فی شان چه شأن است و چه شان یعنی اوصاف کمال
تو ندارد پایان ۞ جلوه حسن ترا غایت و پایانی نیست ۞ هر زمان جلوه دیگر
شود از پرده عیان وارحم محمدا و آل محمد حتی لا یبقی من الرحمة
شیء و رحمت کن و مهربانی فرما محمد را و آل محمد را تا آنکه باقی نماند از

رحمت چیزی وبارك علی محمد وعلی آل محمد وزیاده وافزون
گردان خیر ونعمت بر محمد وبر آل محمد حتی لا یبقی من البرکة شیئ
تا آنکه باقی نماند از افزونی چیزی وسلم علی محمد وعلی آل محمد حتی لا یبقی
من السلام شیئ وسلام بفرست بر محمد وبر آل محمد تا آنکه باقی نماند از سلام
چیزی فائده فرمود پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم کو شنیده این درود را که
دیدم من فرشتگان را که فرود آمدند بخواندن این درود تا آنکه پر کرده اند
زمین را تا کرانه آسمان وپیدا شدند گوشهای مدینه اللهم صل علی محمد فی الاولین
وصل علی محمد فی الآخرین خدایا درود بفرست بر محمد و پیشینیان وپسینان یعنی خاص
گردان او را از میان اینها بدرودی که امتیاز دهد او را از اینها چنانچه
گوئی فلان ترا دوست می دارد در این قبیله یا درین جماعت یعنی
خصوصا وبرهمین قیاس است معنی الخ بعد ازین می آید فائده گفته اند
کسی که بخواند این درود را سه بار صباح وسه بار شام فضیلت
بسیار حاصل نماید وصل علی محمد فی النبیین ودرود گو بر محمد در

پیغمبران آن که رسانندگان احکام تواند به بندگان وصل علی محمد فی
المرسلین ودرود گو بر محمد در پیغمبران صاحب کتاب فائده
لفظ اولین اگرچه شامل بود پیغمبران را لیکن ذکر ایشان جدا آورد
برای اظهار بزرگی ایشان وصل علی محمد فی الملاء الاعلی بفتح میم ودرود
گو بر محمد در گروهی بلند تر یعنی فرشتگان که بلندست مرتبه آنها نزد
تو یا بلندست مکان آنها که اکثر آنها در آسمان باشند الی یوم الدین
تا روز پسین یا داش وجزا که روز قیامت است یعنی درود گو بروی
تمام زمان اللهم اعط محمدا الوسیلة خدایا بده محمد را وسیله
که منزلتست عالی در بهشت والفضیلة وبده او را افزونی مرتبه بر همه
خلائق والشرف وبده او را بلندی قدر ومنزلت والدرجة الکبیرة
وبده او را پایه بزرگ ورتبه کلان نزد خود اللهم انی امنت بمحمد
ولم اره خدایا بدرستی که من ایمان آوردم بمحمد وبهرچه آورد از تو احکام
دین ولازم گرفتم دین وآئین او را ولم اره وحال آنکه ندیدم من او را

بچشم ظاهر بسبب دوری زمان بلکه گرویده ام بدو بمجرد شنیدن اوصاف
کمال ومحاسن خصال او بیت نه تنها عشق از دیدار خیزد بسا کین دولت
از گفتار خیزد فلا تحرمنی بفتح تا وکسر را وفتح آن ونیز بضم تا
وکسر را پس محروم مگردان وبی نصیب مکن مرا فی الجنان رؤیته
در بهشتها دیدار او را زیرا که گلزار جنت پر بهار در دیده عاشق زار
ومشتاق بیقرار همیشه بی دلدار گلخن پر خارست بیت باغ فردوس
از برای دیدنش باید مرا بی جمالش روضه جنت چه کار آید مرا وارزقنی
صحبته بضم صاد وروزی کن مرا صحبت او در بهشت ودر بعضی نسخ
آمده محبته بفتح میم نصیب کن مرا دوستی او وتوفنی علی ملته
وبمیران مرا بر دین او واسقنی بفتح همزه وجائزست که انداخته
شود همزه را وبنوشان مرا من حوضه از حوض آن حضرت صلی الله علیه
وآله وسلم مشربا رویا نوشیدنی که سیراب کننده بوده مرا سائغا
در گلوی خوش فرو رونده بود هنیئا گوارنده بود لا نظماء

بعده ابدا تشنه نشوم بعد ازین هرگز فائده در حدیث آمده که
حوض من یعنی حوض کوثر مسافت او مدت یکماه کاملست وآب سفیدتر
از شیر وخوشبوتر از مشک وکوزهای او مانند ستارگان آسمان هر که
از آن حوض آب خورد هرگز تشنه نشود دقیقه محققان گویند که کوثر
معرفت کثرت بوحدت وشهود وحدت در عین کثرت واین کثرت
در بوستان معرفت که هر که از آن سیراب شد ابدا از تشنگی جهالت ایمن
واین معنی خاصه حضرت رسالت واکمل اولیاء امت اوست انك علی
کل شیئ قدیر بدرستی که تو بر هر چیزی توانائی پس می توانی
که مطلب من نیز حاصل نمائی اللهم ابلغ بفتح همزه وکسر لام خدایا برسان
روح محمد منی بجناب محمد را از من تحیة وسلاما این هر دو لفظ
بیک معنی آمده یعنی دعای خیر وسلامت از هر نقص وآفت فائده گفته اند
کسی که بگوید این کلمات حق تعالی بر گمارد فرشته را تا برساند سلام ازان
گوینده به پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم پس جواب می گوید آن حضرت صلی الله علیه

والله وسلم سلام آن را فهم یابنی اله السلام علیک انما الفوز والصلاح
لدیک به سلام آمدم جواب م ده مرسم بر دل جراحم نه بس بود جاه و
احترام مرا ایک علیک از تو صد سلام مرا اللهم وکما امنت به خدایا
از برای گرویدن من بان پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم ولم اره وحال
انکه ندیدم اورا فلا تحرمنی فی الجنان رویته بس محروم و بی نصیب
مگردان مرا در بهشتهای ار دیدن او دقیقه این دعا را مکرر آورد
از برای غلبه شوق او بمشاهده جمال جهان آرای او و سوختگی دل در یاد
دیدار فرح افزایش بیت بی تو ای آرام جانها زندگانی مشکلست بی
تماشای جمالت شادمانی مشکلست فایده حق سبحانه وتعالی هرکه را شوق
لقای دلبر باز جیب خود بخشیده و نقش عشق و محبت او بر تخته جانش
کشیده البته او را در آخرت بدیدارش مسرور خواهد ساخت و هرگز پرده
حجاب در میان نخواهد انداخت چنانچه فرمود صلی الله علیه واله وسلم المرء مع
من احب یعنی مرد با کسیست که او را دوست دارد فرد همچو بلبل دوست گل گزین

تا شوی با خرمن گل همنشین اللهم تقبل شفاعة محمد الکبری
خدایا قبول فرما شفاعت محمد را چنین شفاعتی که بزرگترست و آن شامل
بود شفاعت همه خلائق را از برای رهانیدن آنها از سختی موقف حساب
چنانچه در فصل اول بیان آن گذشته نظم هرکرا چون تو پیشوا باشد
ناامید از خدا چرا باشد چون نشان شفاعت کبری یافت بر نام نامیت
طغرا امتان با گناه کار رها بتو دارند امیدوار رها وارفع درجته
العلیا بضم عین زیاده کن بلندی مرتبه او را از وجود چنین مرتبه
که بلندترست از مراتب همه مقربان بحدی که نتوانند رسید و هم هیچ
یکی به نهایت آن رباعی سیمرغ روح هیچکس از انبیا نرفت الا که تو به بال
کرامت پریده هرکس را بقدر خویش بجایی رسیده اند ای که جایی که تست
تو انجا رسیده واته و بده محمد را صلی الله علیه وآله وسلم سؤله
بضم سین و سکون همزه مطلوب او فی الاخرة در دار آخرت و آن
مراتب قرب اویست و نجات امت اوست والاولی و در دنیا و آن نصرت

دین اوست و نصرت امت اوست و انچه مانند این دعاهای آن حضرت در
احادیث آمده کما اتیت ابراهیم وموسی چنانکه داده تو ابراهیم
وموسی را علیهما السلام مطلوب آنها تنبیه تشبیه محض در دادن مطلوبست
نه در ذات مطلوب زیرا که مطلوب آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم بزرگتر و بلندترست
از مطالب همه انبیاء علیهم السلام اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد
کما صلیت علی ابراهیم وعلی ال ابراهیم وبارك علی محمد
وعلی ال محمد کما بارکت علی ابراهیم وعلی ال ابراهیم انك
حمید مجید ومثل این بالا گذشته ومعنی این آنجا معلوم شده و
مکرر آوردن برای تبرکست زیرا که این الفاظ در احادیث معتبر آمده
اللهم صل وسلم خدایا درود گو و سلام بفرست وبارك وافزون
کردان خیر و کرم خود را علی سیدنا بر مهتر و بهتر مایان محمد
نبیك محمد که پیغمبر تست ورسولك و فرستاده تست برای ارشاد
خلق براه راست وابراهیم خلیلك وصفیك بر ابراهیم که دوست تست

و برگزیده تست وموسی کلیمك ونجیك و بر موسی که همسخن تست و همراز
تست وعیسی روحك و بر عیسی که روح تست یعنی صادر شده از تو بی واسطه
اسباب وکلمتك وکلمه تست و او را کلمه ازان گویند که بکلمه کن حاصل شده
بی پدر وعلی جمیع ملئکتك و بر همه فرشتگان خود ورسولك
بضم اول و دوم و سکون دوم نیز و بر پیغمبران خود که صاحب کتاب و صاحب
معجزه اند وانبیائك و بر پیغمبران که رساننده احکام تو اند برندگان تو
وخیرتك بکسر خاء وفتح یاء و سکون تاء برگزیدگان خود برای قرب مرتبت
من خلقك از آفرینش تو واصفیائك و برچیدهای خود وخاصتك و بر
خاصان خود که امتیاز دارند از همه آفرینش بقرب درگاه تو واولیائك
و بر دوستان خود معنی ولی در اسماء شریف بتفصیل گذشته من اهل ارضك
وسمائك از اهل زمین تو که مومنان از جن وانس اند و از اهل آسمان
تو که فرشتگان اند وصلی الله علی سیدنا محمد و درود بفرستد خدا تعالی
بر مهتر و بهتر مایان که نام پاک او محمدست صلی الله علیه وآله وسلم عدد خلقه

بشمار مخلوقات خود که بیشمار و بی اندازه اند **ورضاء نفسه** و بمقدار
خشنودی ذات خود یعنی چندان درود بفرستد که خدا تعالی خود بآن
راضی باشد و ظاهر است که برای محبوب خود راضی نه خواهد شد مگر به درود کاملتر
وزنة عرشه و برابر وزن عرش خود که بزرگترین مخلوقات است
وگرانی وزن آن را کسی نداند مگر خدا تعالی فائده هفت آسمان و هفت زمین به نسبت کرسی همچو حلقه است
ومداد کلماته و مقدار سخنان خود و یا برابر سیاهی که نوشته شود بآن
سخنان او و آنرا نهایت نیست چنانچه خدا تعالی در قرآن مجید در
آخر سوره کهف می فرماید اگر باشند دریا مداد یعنی سیاهی برای نوشتن
سخنان پروردگار یعنی معانی قرآن و یا معلومات او هر آینه فانی
گردد و تمام آید دریا پیش ازان که آخر شود سخنان پروردگار و علوم
او زیراکه نامتناهی است **وکما هو اهله** و درود بفرستد خدای
محمد مثل درودی که آن محمد صلی الله علیه وآله وسلم سزاوار و لائق آن درود است
یعنی باندازه مرتبه و بزرگی او نزد خدا تعالی باشد درودی که آن

خدا

خدای سبحانه سزاوار است بفرستادن آن درود و شرف آن از عقل بشر بیرون است
وکلما ذکره و درود بفرستد خدا بر وی هرگاه یاد کند بدل و یا بدل
و بزبان هر دو آن محمد را صلی الله علیه وآله وسلم یا آن خدای را عز و جل
الذاکرون یاد کنندگان و آن محبان و عاشقان خدا و رسول اند
که بهر ساعت در لحظه در یاد آن هر دو مشغول اند **وغفل عن ذکره**
الغافلون و درود بفرستد خدا بر وی هرگاه غفلت ورزند از یاد پیغمبر
و یا از یاد خدای غافلان و مراد ازین کلام دوام و همیشگی درود است
چراکه زمانه ازین هر دو خالی نیست **وعلی اهل بیته** و درود فرستد
خدای بر اهل بیت محمد صلی الله علیه وآله وسلم و معنی این تفصیل بالا گذشته
وعترته بکسر عین مهمله و سکون تاء فوقیه و درود فرستد خدا
بر نسل وی و بر گروه وی و خویشان و نزدیکان وی از آنها که گذشته اند
و آنها که بیایند و آنها اولاد هاشم اند و بعضی گویند که نزدیکان از اهل
بیت او یعنی اولاد وی صلی الله علیه وآله وسلم و بعضی گویند قریش همه عترت اند

و بعضی گویند و هم این معنی شیخ عبد الحق قدس سره در شرح مشکاة
ذکر کرده است **الطاهرین** چنین اهل بیت و عترت که پاک اند از آلایش
گناهان در ظاهر و باطن **وسلم** بفتح لام مشدده و سلام فرستد خدای
بر سید ما یان و اهل بیت او **تسلیما** سلام فرستادنی کامل و تمام
اللهم صل علی محمد وعلی ازواجه وذریته خدایا درود بفرست بر محمد
و بر زنان وی و اولاد وی **وعلی جمیع النبیین** و بر همه پیغمبران
که رسانندگان احکام تو اند به بندگان **والمرسلین** و بر پیغمبران خاص
که آمده اند بکتاب و معجزه **والملئکة** و بر فرشتگان **والمقربین**
بواو عطف و بر فرشتگان که نزدیکان درگاه تو اند و در بعضی نسخه بی واو
آمده **و[illegible] الصالحین** و بر همه بندگان خدای که نیکوکارند
و در بعضی نسخ عبادک آمده بکاف یعنی بر همه بندگان تو **عدد ما امطرت**
السماء منذ بشمار چیزی که باراننده است آنرا آسمان
یعنی قطرها **بنیتها** بضم میم و دال معجمه و سکون نون از ابتداء آن

زمان

زمان مراد است **فائده** بدانکه از قرآن و احادیث معلوم شده که باران از
آسمان می آید و حکماء معتزلی می گویند که بخار از زمین بر می خیزد و بسوی
آسمان بر می آید و ازان ابر پیدا می شود و می بارد **وصل علی محمد**
عدد ما انبتت الارض و درود بفرست بر محمد بشمار چیزی که رویانیده است
از زمین **منذ دحوتها** از ابتدا وقتی که گسترده تو آنرا **وصل علی**
محمد عدد النجوم فی السماء و درود بفرست بر محمد بشمار ستارگان که در
آسمان اند **فانک احصیتها** پس بدرستی که تو شمرده تو آنها را یعنی
معلوم کرده شمار آنها را و علم غیر تو بشمار آنها نرسیده **وصل علی محمد**
عدد ما تنفست الارواح و درود بفرست بر محمد بشمار دم زدن جانهای
همه جانداران **منذ خلقتها** از ابتدا وقتی که پیدا کرده تو آن جانها را
وصل علی محمد عدد ما خلقت و درود بفرست بر محمد بشمار چیزی که پیدا
کرده تو آنرا در زمان گذشته **وما تخلق** و بشمار چیزی که پیدا می کنی
در زمان حال و پیدا خواهی کرد در زمان آینده **وما احاطت به علمک** و بشمار

بچیزی که فرا رسیده است آن علم تو و هیچ چیزی که از دایره علم او بیرون نیست
بیت هرچه دانسته است هر دو جهان نیست از علم شاملش پنهان
واضعاف ذلك و درود بفرست بر او افزوده تو بر زیاده بر زبان امثال
الخ که مذکور شده مراد ازین مبالغه است در طلب کثرت چنانکه درود اللهم
صل علیهم خدایا درود بفرست بر محمد و بر آنکه مذکور شده اند با او در
درود سابق عدد خلقك بشمار همه آفرینش خود و رضاء نفسك
و باندازه خشنودی ذات خود و زنة عرشك و برابر وزن عرش خود
و مداد کلماتك و بمقدار سخنان خود و معنی این الفاظ باعتبار
تعلق علم بمعلومات موجوده بالفعل و اگر نه علم الهی را نهایت نیست
و یا گوییم که مراد مبالغه است و این چنین عبارت در محل مبالغه می آرند و
ایضا فلك باندازه نهایت رسید کی علامات قدرت خود و هر ذره که موجودست
علامت و نشان قدرت او بست و نیز جایز است که مراد آیات قرآنی
و سایر کتب منزله بود و یا هر چیزی که مشتمل است ان آیات بر آن از احکام و

[illegible]

قصص و اخبار و کلمات و حروف و سکنات و ظاهر آنست که هر دو معنی مراد
بود زیرا که مقصود مبالغه است و در کثرت درود اللهم صل
علیهم خدایا درود بفرست بر محمد و بر آنها که با وی مذکور شدند
صلوة تفوق درودی که بلند بود در مرتبه و تفضل و بغضل
و بزرگ بود صلوة المصلین علیهم درود گویندگان را
بر آنها من الخلق آن درود گویندگان که از بعضی مخلوقات تواند اجمعین
همه آن درود گویان كفضلك علی جمیع خلقك مانند بزرگی تو بر همه
آفریدگان یعنی بزرگ بود درودی که تو فرستی بر درود آن درود گویان
چنانکه بزرگست ذات تو بر ذات آنها زیرا که بزرگی هر فضل باندازه بزرگی
فاعلست اللهم صل علیهم خدایا درود بفرست بر آنها صلوة
دائمة درودی که همیشه باشد مستمرة الدوام درودی که جاری
بود همیشگی او علی مر اللیالی و الایام بر جاری بودن شبها و روزها
متصلة الدوام درودی که پیوسته بود همیشگی او و لا انقضاء لها

نیست پایان رسیدنی مر آن درود را یعنی چنان پیوسته و پی هم آید که هرگز
باخر نرسد و لا انصرام و نیست آن را انقطاع و شکستگی علی مر
اللیالی و الایام در بعضی نسخ این عبارت نیامده باشد این پیوستگی
دوام بر گذشتن شبها و روزها یعنی تا قیامت عدد کل وابل
و بفرست آن درود را بشمار قطرها باران بزرگ قطره که سیل ازو
رود و بسیار خیزد و طل و بشمار قطرهای باران ضعیف اللهم صل علی
محمد نبیك خدایا درود بفرست بر محمد که پیغمبر تست و در ذکر این
وصف اشارتست بانکه او جامعست همه کمالات پیغمبری را و ابراهیم
خلیلك و بر ابراهیم که دوست تست و علی جمیع انبیائك و بر همه پیغمبران
خود و اصفیائك و برگزیدگان خود من اهل ارضك و سمائك
که از اهل زمین تواند و از اهل آسمان تواند عدد خلقك و رضاء نفسك
و زنة عرشك و مداد کلماتك و معنی این الفاظ نزدیک معلوم شده
و منتهی علمك و بفرست درود باندازه نهایت علم خود و بیان

درین بعینه همونست که در معنی مبلغ علمك مذکور گشت و زنة جمیع
مخلوقاتك و برابر وزن همه آفرینش تو صلوة مكررة درودی
که پی هم آینده باشد یکی بعد از دیگری ابدا همیشه عدد ما احصی علمك
بشمار چیزی که شمرده است و ضبط کرده است آن علم را تو و اضعاف ما احصی علمك
و چند در چند و تو در تو امثال چیزی که شمرده است آن را علم تو صلوة تزید
و تفوق و تفضل صلوة المصلین علیهم من الخلق اجمعین كفضلك
علی جمیع خلقك این عبارت با بیان معنی بالا تر نزدیک مذکور گشته ثم
تدعوا پس تو دعا بکنی ای خواننده درود بهذا الدعاء باین دعا که گفته
می شود اکنون فانه مرجو الاجابة پس تحقیق که آن دعا امید داشته شده است
بپذیرفتن او ان شاء الله اگر خواسته است خدا بعد الصلوة علی النبی
صلی الله علیه و آله وسلم پس از درود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فائده در کتاب
از عمر رضی الله عنه روایت کرده که بدرستی که دعا استاده کرده شده می شود در میان
آسمان و زمین بالا نمی رود از آن چیزی تا آنکه درود می فرستی بر پیغمبر خود

و هر دو خود البته مقبول است پس دعا بر طفیل و توسل وی بمدارج قبول
می رسد بیت مور مسکین هوسی داشت که در کعبه رسد دست در پای
کبوتر زد و ناگاه رسید اللهم اجعلنی خدایا گردان مرا من لزم
بکسر زا از آنکسانیکه لازم گرفتند ملة نبیك محمد صلی الله علیه
وسلم دین پیغمبر ترا که نام پاک محمد است صلی الله علیه و آله وسلم وعظم
حرمته و بزرگ داشتند مرتبه بزرگی او را که بزرگ تعظیمت او برکز
جایز نیست واعز کلمته و بزرگ داد ند کلمه او را یعنی دعوت اسلام را
بکلمه اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله وحفظ و بکسر فا
و نگاه داشتند عهده و ذمته پیمان او را و این هر دو لفظ بیک معنی
آمده و این جا مراد آنست که انچه وصیت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
نگاه داشت آن چنانچه توحید خدا تعالی و عبادت و طاعت وی ونصر
حزبه و یاری دادند لشکر او را یعنی پیروان و دعوته و یاری دادند
خواندن او را بسوی پرستش حق تعالی وكثر بتشدید ثا و زیاده گردانیدند

تابعه

تابعیه پیروان او را وفرقته بکسر فا گروه او را و مر او را زیاده
ساختن شامل بودن و موافق شدنست با ایشان در دنیا و آخرت ووافی
زمرته بضم اول و آمدند گروه او را ولم یخالف و مخالفت نکرد
سبیله راه او را وسنته و طریقه او را اللهم انی اسئلك
الاستمساك بسنته خدایا بدرستیکه من سؤال می کنم ترا و می طلبم از تو
توفیق چنگ زدن را بطریقه وی صلی الله علیه و آله وسلم در اقوال و افعال
و سایر احوال بیت راه سنت رو اگر خواهی صراط مستقیم کر سنن راهی بود
سوی رضای ذو المنن هر مژه در چشم وی همچون سنان و تیر باد کر سنانی
زند یکه خواهد زمانی بی سنن واعوذ بك و پناه می گیرم بتو من الانحراف
عما جاء به از کج رفتن و روی گردانیدن از چیزی که آورده است
آن پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم از احکام دین اللهم انی اسئلك خداوندا
سؤال می کنم ترا و می طلبم از تو من خیر ما سألك منه محمد از جمله
بهتر و نیکو آن چیز سؤال کرده است ترا از آن چیز محمد صلی الله علیه و آله وسلم

انچه مناسب باشد بحال من و جایز بود در حق من نبیك که پیغمبر تست خبر دهنده
از ثواب و عقاب روز حساب و رسولك صلی الله علیه و آله وسلم
و فرستاده تست با کتاب و معجزهای روشن چون آفتاب درود فرستد
خدا بر وی و سلام واعوذ بك و پناه می گیرم بتو من شر ما
استعاذك منه محمد از بدی چیزی که پناه گرفته است بتو از آن چیز
محمد صلی الله علیه و آله وسلم نبیك و رسولك صلی الله علیه و آله وسلم
و ذکر کرده است ترمذی که این دعا در حدیث آمده و فرمود آن حضرت
صلی الله علیه و آله وسلم این دعا جامع ست دعاهای بسیار را اللهم
اعصمنی بکسر صاد خدایا نگاهدار ما را من شر الفتن بکسر فا و فتح تا
از بدی فتنه ها فائده فتنه در اصل بمعنی آزمایش ست و بمعنی کفر و گمراهی
و فساد ملک نیز آمده دقیقه بدانکه هر چه که بنده را از یاد حق تعالی باز
دارد فتنه است و در ظاهر آن چیز سبب محنت بود یا واسطه راحت چنانکه
خدا تعالی فرمود انما اموالکم و اولادکم فتنة جز این نیست که مالهای شما و فرزندان

شما

شما آزمایش آیند تا ظاهر گردد که کدام از شما حق را بر ایشان اختیار می کند و کدام
دل در مال و فرزند بسته از محبت الهی کرانه می گیرد وعافنی و سلامت
دار مرا من جمیع المحن بکسر میم از همه محنتها و سختیها واصلح منی
و آراسته گردان از من و در اصلاح آر ماظهر چیزی که ظاهر است و
آن دست و پا است و چشم و گوش و همه اعضای و آراستگی آن آنست که استعمال
کند هر عضوی را در کاری که حق تعالی با آن امر فرموده و باز دارد از انچه
که از آن منع نموده وما بطن و چیزی که پوشیده است و آن دلست
و آراستگی آن با خلاق حمیده است و پاک ساختن وی از خصال ناپسندیده
دقیقه گویند که ظاهر فعلست و باطن نیت بیت صورت ظاهر ندارد اعتبار
باطنی باید مبرا از غبار ونق قلبی من الحقد بکسر حا و پاک
گردان دل مرا از کینه و معنی قلب در حیز اسماء شریفه بتفصیل مذکور گشت
والحسد و از بدخواهی مردمان و آرزوی زوال نعمت ایشان بیت
حسد بر بخت سوزنده گرد و آتشی بجان افتد چه جای طاعت که از حساد آتش

در جهان افتد هر کجا ای عزیز من زسود انی حسود ان دل گر تو سودی
بدست آری و آن را زبان افتد ولا تجعل علی . بتشدید یاء مکردان
بر من تباعة لاحد بکسر تا ربتباع و آن برای هیچ یکی که بمطالبه آن در پی
من شود بیت . بهشت آنجا که آزاری نباشد کسی را با کسی کاری نباشد
اللهم انی اسئلك الاخذ باحسن ما تعلم خدایا سوال
می کنم ترا توفیق گرفتن و اختیار کردن نیکوترین چیزی که می‌دانی تو آن را
والترك لسيئ ما تعلم واسئلك التكفل بالرزق وسوال می کنم ترا ضامن بودن تو بر
وسوال می کنم ترا که ترك کنم زشتی بد و ناخواهی و ناخوش چیزی را که میدانی تو آن را
روزی من تنبیه بدانکه حق تعالی ضامن روزی همه حیوانات و مخلوقات است
چنانکه در قرآن مجید فرموده که هر جنبنده که بر زمین است و روزی او بر ماست
پس این سوال برای آن بود که روزی دهد بر وجه خاص یعنی برکت دهد در آن
و قناعت بخشد بر آن و حاصل شود بعزت و بیخواری و مذلت و بی رنج
مشقت و باز ندارد طلب او دل را از یاد حق و محتاج نگرداند حرص آن
بسوی خلق والزهد وسوال می کنم بی رغبتی در دنیا و ترک هر چیزی

که باز دارد از یاد مولی فی الکفاف بفتح کاف در حالتی که باشد این بی
رغبتی با حصول روزی که بس باشد و باندازه حاجت بود نه کم از آن
و نه زیاده بر آن و احتمال است که معنی آن باشد که می خواهم بی رغبتی
و ترک خواهش در روزی چه جای چیزهای دیگر یعنی می خواهم خدایا از
تو که بی رغبت کنی مرا از هر چه که غیر تو است و بی نیاز سازی از هر که
سوای تست و این مرتبه عارفانست و این حالت عاشقان نظم انچه
نصیب تو بوده آن خوردنی است غم نداری که غم نان خوری چه که روزی است رسید
در زمان آنچه نباشد نرسد بیگمان پس زپی آنچه نباید رسید زحمت بیهوده
نباید کشید روزی تو باز نگردد زدر کار خدا کن غم روزی مخور والمخرج
بالبيان و میطلبم از تو بر آمدن بسبب ظاهر بودن حق و راستی من
کل شبهة از هر شبهتی که پیدا شود در کار دین یعنی پوشیده بود حقیقت
آن و معلوم نگردد که حق است یا باطل و ظاهر بودن راست آن گاهی می شود
بوقوف بر دلیل عقلی یا نقلی و گاهی بالهام از حق تعالی و گاهی بخواب صادق

و غیر ذلك والفلج بفتح اول و سکون دوم و بضم اول و سکون دوم
نیز سوال می کنم ترا فتح و فیروزی بالصواب براستی و درستی فی
کل حجة در هر دلیلی که مطلوب بود در امر دین والعدل
و می طلبم راستی میانه روی فی الغضب در حالت خشمگین بودن
والرضاء و در حالت خشنودی یعنی در هر دو حالت راه حق و راستی
نگه بروم والتسلیم و می طلبم از تو توفیق قبول کردن بخوشی دل
بی شائبه انکار لما یجری به القضاء هر چیزی را که رفته است
بآن چیز علم تو بیت هر چه رود بر سرم چون تو پسندی رواست
بنده چه دعوی کند حکم خداوندراست والاقتصاد سوال می کنم
از تو میانه روی فی الفقر در تنگدستی و درویشی والغناء بکسر غین
و در توانگری و فراخ دستی و میانگی و توسط در این هر دو آنست که فقر
نبارد صبر و شکیبائی را برهم نه اندازد و قدرت و توانائی طاعت مولا
را سلب ننماید و توانگری سبب تکبر و افتخار نشود و مانع از یاد پروردگار نشود

بیت توانگری که شود علت سوی عجب و نخوت آن از هزار خوشتر فقر که در دهد
هزار سوز و گداز دقیقه فقیر که بی صبر گردانداز آن پناه باید خواست و اگر
شکیبائی بود ارث انبیا باید شناخت گویند که فقر احتیاج است بحق و بی
نیازی از خلق و فقر مقبول حضرت رسالت پناهی است و برگزیده محبوبان
الهی رباعی با فاقه و فقر همنشینم کردی بی خویش و تبار و بی قرینم کردی
این مرتبه مقربان درگه تست آیا بچه خدمت این چنینم کردی فائده گویند
که غنا اگر مدد کار بر طاعت مولاست از فقری که بی صبر سازد اولاست
پس اگر مال و دنیا را در دل جای ندهی سفینه ایست که بوی از گرداب
حوادث وا رهی بیت آب در کشتی هلاک کشتی است آب اندر زیر کشتی پشتی است
والتواضع فی القول والفعل و میخواهم از تو فروتنی و شکستگی در گفتن
سخن و کردن کار دقیقه گویند که تواضع آنست که فروتنی نمای با کسی که
از تو کمتر است در نعمت دنیا و باشد این برای رضای حق بی تملق و ریای
و گویند که مر صاحب نعمت نزد خلق مخصوص می شود مگر اهل تواضع که هم کس از و

خشنود می شوند بیت باتواضع می توانی عالمی را صید کرد • زلف دام دل
نشد تا خویشتن را خم نکرد والصدق و می طلبم از تو راستی فی الجد
بکسر جیم در سخنی که تحقیق گفته شود والهزل و در سخنی که بر سبیل
مزاح گفته شود یعنی در هر دو حال از راستی جدا و زشت نمایم و آن حضرت
صلی الله علیه وآله وسلم گاهی بطریق مزاح کلام فرمودی اما هرگز از راستی
خلاف نبودی چنانچه در احیای علوم آورده که پیرزنی نزد پیغمبر خدا صلی الله
علیه وآله وسلم آمد آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هیچ پیرزنی
در بهشت داخل نخواهد شد پس آن زن بگریست آن حضرت فرمود صلی الله
علیه وآله وسلم که تو آن روز پیر نخواهی بود بلکه حق تعالی پیرزنان را
جوان کرده داخل بهشت خواهد نمود اللهم ان لی ذنوبا خدایا
بدرستی که برای من گناه هاست فیما بینی وبینک در میان من و تو
وذنوبا فیما بینی وبین خلقک و دیگر گناهها در میان من و آفریدگان تو
اللهم ما کان لک منها خدایا آنچه باشد مر ترا از آن گناهان بترک

فرائض و واجبات و افتادن در محرمات فاغفره پس ببخش ترا بنجات
خدایا تویی اگر از حال من • عیانست پیش تو احوال من • گنه کارم و رفت
کارم ز دست • گرم هست طاعت امید از تو هست • که دارم من عاصی دل سیاه •
بعفو تو امید بخشش از گناه • ببخشای بر من که بیچاره ام • گرفتار نفس ستمکاره ام •
وماکان منها لخلقک و آنچه باشد از آن گناهان برای آفریدگان تو
فتحمله عنی پس بردار تو بار آن را از جهت من یعنی اداکن حقوق
خصمان مرا از خود و خشنود گردان از من پس حق تعالی از رحمت خود
مظلومان را درجات عالی از بهشت بنماید و ایشان آرزو کنند آن را پس
گفته شود که شما از خصمان خود خشنود شوید تا بشما داده شود پس ایشان
خشنود شوند و آن درجات بایشان داده شود فائده در مشکاه در باب
حج حدیثی ذکر کرده که در مزدلفه بدعای پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم حقوق
بندگان که با یکدیگر دارند آمرزیده شده بروجهی که مذکور شده بروجهی که
مذکور شد و در این مسئله اختلاف است در کتب احادیث باید دید واغننی بفضلک

و بی نیاز گردان مرا با فراوانی بخشش خود از غیر خود انک واسع
المغفرة بدرستی که صاحب آمرزش فراخ هستی پس می توانی هر دو نوع
گناه بیامرزی اللهم نور بالعلم قلبی خدایا روشن گردان بسبب علم
دل مرا دقیقه علم جوهری شریفست در ذات انسانی و گوهری
لطیفست از کان لطف ربانی مثنوی خاتم ملک سلیمانست علم • جمله عالم
صورت و جانست علم • گنج پنهانست علم معنوی • بهشت آید چون ز خود بیرون
شوی • و علم نعمتیست از خوان انعام یزدانی که پاک طینتان به تناول آن
استعداد قرب رحمانی حاصل نمایند و شمعیست نورانی که بروشنی آن راه
منازل مقاصد دو جهان بنمایند فرد علم دادند بادریس به قارون زر و سیم •
شد یکی فوق سما و دگر تحت سمک • فائده ای عزیز علم حاصل کن که اگر محتاج
شوی مال تست و اگر غنی باشی جمال تست و به کلید علم ابواب خزائن دین توانی
گشود و بسلاح علم با نفس و شیطان که دشمنان دینی اند محاربه توانی نمود
و علمی بیاموز که وسیله معرفت خداوند ذو الجلال بود و رساننده بمراتب

فضل و کمال شود • اما علمی که برای جلالت از اهل دنیا باشد و علمی که برای تحصیل جاه
و مال است ثمره آن وبال است نظم علم صورت بیشه آب و گلست •
علم معنی رهبری جان و دلست • علم چون بر دل زند یاری بود •
علم چون بر تن زند باری شود • قیل و قالت کار ناید هیچ روی •
معرفت حاصل کن ای بسیار گوی واستعمل بطاعتک بدنی
و در عمل آر بفرمان برداری خود تن مرا دقیقه حق تعالی ایشان را
ببازی نه آفریده است بلکه از میان جمله عالم از برای عبادت خود
برگزیده است و بدانکه بار درخت علم عملست و گرنه عالم بی عمل زنبور
عسلست نظم علم چندانکه بیشتر خوانی • چون عمل در تو نیست نادانی •
نه محقق بود نه دانشمند • چارپائی برو کتابی چند وخلص من الفتن
سری و رها کن از فتنهای باطن مرا معنی فتنه بالا گذشته نزدیک
واشغل بفتح غین و در کار دار بالاعتبار فکری بعبرت گرفتن
و پند پذیرفتن اندیشه مرا فائده در حدیث آمده که فکر یکساعت بهترست

از بحادث تصال آری فکر تشنکان بادیه شوق را شربت زلال
و مرغ دل را پرواز بعالم ملکوت پر و بال است و فکر آنست که بمطالعه نسخه
مصنوعات عجیبه دیده دل بکشای و به تبدل اکوان و تغیر زمان قدرت
صانع تماشای **بیت** همه نقش این گنبذ پر نگار گواهند بر صنع پروردگار
دقیقه فکر نزد یک صوفیه رفتن سالک است بر کشف از کثرات و
تعینات که بحقیقت باطل و عدم اند بجانب وحدت وجود مطلق
که حق حقیقی است و این رفتن عبارت از وصول سالک بمقام فنا
فی الله و محو کشتن ذرات کائنات در شعاع روز وحدت مانند قطرات
در دریای **قطعه** فکر کن آنجا همه نورست پاک بهتر است آن فکر خوش
ای فکرناک این قدر گفتیم باقی فکر کن فکر گر جامد بود رو ذکر کن
فکر آن باشد که بکشاید رهی راه آن باشد که پیش آید شهی **وقني**
بکسر قاف و نگاهدار مرا **شر وساوس الشیطان** از بلای وسواسهای
دیو فریبنده که شمر که ابلیس است و جایز است که اینجا مراد عام تر باشد

تا شامل بود شیطان جن و انس را **واجرني منه یا رحمن** زنهار
ده مرا و ایمن کردان از آن دیو سرکش ای نیک بخشنده **حتی لا یکون**
له علي بتشدید یاء تا آنکه نباشد مر او را بر من **سلطان**
غلبه **تنزه** وسوسه در لغت آواز نرم و آواز پیرانه زنان و اندیشه
بد و اینجا مراد حدیث نفس و شیطانست از افکار فاسده و خواطر ردیه
که باعث می کردد بر کفر و معصیت و آنچه باعث بر ایمان و طاعت کردد
آنرا الهام خوانند و شیخ عبد الحق قدس سره در شرح مشکاة آورده که
تفصیل درین مقام آنست که آنچه در نفس یکایک افتاد بی اختیار آن را
حس نامند و آن معفوست از همه امتها از جهت عدم اختیار و چون در دل
باقی ماند و در ساحت سینه جولان کرد و آن را خاطر خوانند و این قسم
هم معفوست از این امت مرحومه و این رحمت مخصوصست بایشان بر قیاس
سهو و نسیان و بعد از جولان چون محبت و لذت آن پیدا آمد و خواهش
حصول آن حادث کشت آنرا هم کویند و تشدید میم این امت را بر آن نیز

مواخذه نیست تا بعمل نرسد و در نامه اعمال نمی نویسند بلکه اگر قصد کرد پس
تر باز داشت نفس را از آن حسنه در برابر آن می نویسند و اینجا قسمی
دیگرست که نام آن عزمست و آن قرار داد نفست بر معصیت چنانچه از
جانب او هیچ مانعی نیست جز آنکه در خارج اسباب آن مهیا نیست و اگر مهیا
کردد میکند البته برین قسم مواخذه هست چه این قسم از اعمال قلبیست
چنانکه عقاید و اخلاق ذمیمه و بنده ماخوذست بر اعمال قلبیه چنانکه بر اعمال
جوارح اما عزم آن معصیت عین آن معصیت نیست مثلا عزم زنا معصیتست
لیکن فروتر از پایه فعل زنا **مبدء الحزب الثاني**
اللهم اني اسئلك من خیر ما تعلم خدایا بدرستی که سوال می کنم ترا
از نیکی چیزی که می دانی تو آنرا **واعوذ بك من شر ما تعلم** و پناه می کیرم
بتو از بدی چیزی که می دانی تو آنرا **واستغفرك** و طلب آمرزش میکنم
از تو **من كل ما تعلم** از هر چیزی که می دانی از ما خلاف رضاء تو صادر شده
انك تعلم بدرستی که تو می دانی **ولا نعلم** و ما یان نمی دانیم **وانت**

علام الغیوب و توی داننده پوشیدها **اللهم ارحمني**
من زماني خدایا نگاهدار مرا از زمانه من در حالت که رحمت کننده
تو بر من **هذا** این زمانه که من در آن هستم و طلب پناه از زمانه باعتبار
بدیهات که وی مشتملست بر آن چنانچه بیان آن بعد از این می کنند
تنبیه ارحم را از ینجا تضمین نموده است بمعنی احفظ و برای همین لفظ
من بعد وی آورده **واحداق الفتن** و از فرا کرفتن فتنهای مرا
وتطاول اهل الجرءة و نگاهدار مرا از درازی و سرکشی صاحبان
دلیری که دلیرانند بر نجانیدن مردم و باک ندارند **علي** بتشدید یاء بر من
یعنی از کشیدن ایشان بر من **واستضعافهم اياي** و از ضعیف
شمردن ایشان مرا برای بودن من خوار و بمیعد از در چشم ایشان
اللهم اجعلني منك خدایا کردان مرا از جهت فضل خود **في عياذ**
منيع در پناه استوار **وحرز** بکسر حاء و در مکان استوار **حصين** مانند قلعه
که بدان پناه کیرند از ترس دشمنان **من جميع خلقك** از شر همه آفرینش

خود و این باعث برا کثرت زیرا که بسیاری از خلق ضرر می رسد در ظاهر
و یا در باطن و رسیدن نفع اندک ترست حتی تبلغنی اجلی بفتح همزه وجیم
تا آنکه برسانی مرا مدت مرگ معافا در حالتی که باشم من عافیت داده
شده و سلامت داشته از بدیهای آنها اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد
عدد من صلی علیه خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار کسانیکه
درود فرستادند بر وی بمقال از فرشتگان و مومنان جن و انس وصل
علی محمد وعلی آل محمد عدد من لم یصل علیه و درود کو بر محمد
و بر آل محمد بشمار کسانیکه درود نگفته اند بر وی از آدمیان و پریان کفار
در درود یازدهم معلوم شده که تسبیح می کنند حق تعالی را همه موجودات
و درود بر حضرت صلی الله علیه وآله وسلم نیز می گویند و در غیر عقلا
اختلافست که بزبان حال می گویند و یا بزبان مقال چنانچه بالا مذکور شده
پس اگر درود اینها به مقالست داخل اند اینها در شمار اول و اگر نه در
شمار دوم پس طلب درود بشمار همه موجودات باشد وصل علی محمد

وعلی

٩٩ وعلی آل محمد کما تبتغی الصلوة علیه و درود بفرست بر محمد و بر آل
محمد چنانکه سزاوارست درود فرستادن بر وی وصل علی محمد وعلی آل محمد
کما تجب الصلوة علیه و درود بفرست بر محمد و بر آل او چنانکه واجبست
بر مایان فرستادن درود بر وی وصل علی محمد وعلی آل محمد کما امرت
ان یصلی علیه و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد چنانکه فرموده تو که درود
فرستاده شود بر وی و مثل این بالا نیز گذشته وصل علی محمد وعلی آل
محمد و درود بفرست بر محمد و بر آل او الذی نوره من نور الانوار
آن محمد که نور او ظاهر شده است بغیر واسطه از نوری که اصل همه نورهاست
و آن ذات حق تعالیست باینمعنی که ظاهرست بذات خود و ظاهر کننده
همه اشیارا از عدم بوجود و باین معنی اطلاق نور بر حق تعالی در قرآن و حدیث
آمده و آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که اول چیزی که خدا تعالی
بیدا ساخت نور من بود و از نور من آفریده همه چیزها را و در اسمای شریف
نیز گذشته که نور اسم مبارک آنحضرتست صلی الله علیه وآله وسلم

وشرح آن در اینجا باید دید واشرق و روشن شد بشعاع سره
الاسرار بدرخشندگی و روشنی راز رازها اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد
خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد وعلی اهل بیته الاسرار و بر
اهل بیت او که نیکوکارانند اجمعین بر همه اینها اللهم صل علی محمد
وعلی آله بحر انوارك آن محمد که دریای نورهای تست ومعدن اسرارك
بفتح میم و کسر دال و کان رازهای تست که مانند زر و جواهر در ذات مبارک
وی پوشیده اند ولسان حجتك و زبان دلیل وحدانیت تست
یعنی بیان کننده اوست وعروس مملكتك بفتح عین نوکدخدای
ملک تو یعنی چنانکه نوکدخدائی سبب زینت خانه می باشد و همه اهل خانه
باو شاد و خوش می شوند و او را بزرگ میدارند و برای خدمت او
می ایستند همچنان شان آن حضرتست صلی الله علیه وآله وسلم بنسبت همه ملک
خدای وامام حضرتك و پیشوای درگاه تست پس هر که بقرب کرامت تو
می رسد به پیروی او می رسد وخاتم انبیائك و آخر همه پیغمبران تو بود

ظهور

١٠٠ ظهور چنانکه اول ایشان بود بظهور نور صلاة تدوم بدوامك
و درود بفرست درود فرستادنی که همیشه باشد همیشگی تو وتبقی ببقائك
و باینده ماند بپایندگی تو صلاة ترضيك بضم تاء و کسر ضاد
درودی که خشنود گرداند ترا وترضيه و راضی گرداند آن حضرت را
صلی الله علیه وآله وسلم وترضى بها عنا بفتح تاء و رضا و خشنودی
تو بسبب آن درود از مایان که خشنودی تو سرمایه عارفانست و رضای
تو در هر دو جهان مقصود عاشقانست نظم یکی می خواهد از تو جنت و حور
یکی خواهد که از دوزخ شود دور ولیکن ما نخواهیم این و آن هیچ مراد
ما همین خشنودی تست یا ارحم الراحمین ای بخشنده ترین
بخشندگان اللهم ای خدایا رب الحل والحرام ای خداوند و مالک
زمین حل و حرم بغیر الف بعد از راء نیز آمده و حرم زمینست معین
در هر چهار طرف مکه معظمه و از بهر تشریف و تعظیم وی حق تعالی حرام گردانیده است
در وی از آنچه حرام نیست در غیر وی چنانچه شکار کردن و درخت بریدن و

قتال کردن وصلی کبیر جائز نیست که سواد زمین حرم است وحدود حرم
را علامتست وآن منارهاست که بنا کرده اند در جمیع جوانب مگر جانب
جده وجعرانه که اتفاق نیفتاد وحدود حرم از همه جوانب مساوی نیست
ونزدیکتر از همه جوانب تنعیم است که بجهت طریق مدینه مکرمه است ورب
المشعر الحرام بفتح میم وسکون شین وای خداوند مشعر حرام است
وآن نام موضعیست از مزدلفه مابین عرفات ومنی ومشعر بمعنی علامات
آمده وآن مکان از علامات حج است که وقوف آنجا بصبح دهم ذی حجه
واجبست ورب البیت الحرام وای خداوند خانه باحرمت یعنی کعبه شریفه
که برای عابدان قبله نمازست وبرای حاجتمندان محل عجز ونیازست
نظم ای کرمت واسطه بود ما ٭ خانه تو کعبه مقصود ما ٭ شد حرمت زینت
باغ جهان ٭ خانه تو چشم چراغ جهان ٭ کیست که پروانه این خانه نیست
واله دگر شته ودیوانه نیست ورب الرکن ای خداوند کرانه خانه
که در آن حجر الاسود است آنجا که رکن مطلق واقع شود همین مراد بود واگر نه کعبه شریفه را

شش رکن دیگر یمنی عراقی وشامی وبمانی والمقام وای خداوند مقام ابراهیم
علیه السلام وآن را در پیش خانه کعبه نهاده اند وگویند که وقتی که ابراهیم
علیه السلام بنای کعبه می کرد چون دیوار کعبه بلند شد ابراهیم علیه السلام
بروی ایستاده شد واثر پایهای وی در وی ظاهر شد ودر حدیث آمده که حجر
الاسود ومقام ابراهیم هر دو یاقوت اند از یاقوتهای بهشت که خدای
تعالی ناپدید کرده است نور این هر دو را از نظر مردم دقیقه شیخ شبلی قدس سره
گفته که مقام ابراهیم مقام خلتست وهر که درین مقام آید از همه فتنها
ایمن گردد ابلغ لسیدنا محمد منا السلام برسان مرمهتر وبهتر
مایان را وصاحب ومالک مایان را که محمد است از مایان سلام ودر روایت
آمده که خدا تعالی بفرماید فرشته را که برسان سلام ازین گوینده مر آن
حضرت را صلی الله علیه وآله وسلم پس می رساند آن فرشته وآن حضرت صلی
الله علیه واله وسلم بجواب سلام مشرف می فرماید مر گوینده را پس توان دانست
که سلام بر آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم چه فضیلت دارد بیت کار ما وصد چو

ما را تمام باید بینکی که قبول افتد ترا از صد سلام ما یکی اللهم صل علی سیدنا
ومولنا محمد سید الاولین والاخرین خدایا درود فرست که مهتر وبهتر مایان وصاحب
ویاری دهنده مایان که نام پاک او محمد است صلی الله علیه وآله وسلم
که سردار همه پیشینیان وپسینیان است از پیغمبران وسایر مقربان درگاه الهی
اللهم صل علی سیدنا ومولنا محمد فی کل وقت وحین
خدایا درود بفرست بر سردار ومالک مایان که محمد است در هر زمان واینجا
مراد کوتاه ترین جزء است از زمانه تا اجزاء بسیار پیدای شود تا بسیاری
درود لازم وحین ودر بعضی کلام گویند که حین نام وقت مبهم است که صلاحیت
باشد جمیع زمان را دراز باشد خواه کوتاه اللهم صل علی سیدنا ومولنا محمد
فی الملاء الاعلی بفتح میم خدایا درود بفرست بر سردار ومالک مایان که محمد است
صلی الله علیه وآله وسلم در گروه بلندتر از روی مکان وآن فرشتگان اند
که مقربان درگاه الهی اند ومشغول اند در عبادت وی وپاک اند از همه
آلایشها الی یوم الدین تا روز جزا وپاداش که روز قیامت است اللهم

صل علی سیدنا ومولنا محمد حتی ترث الارض ومن علیها
خدایا درودی بفرست بر رئیس وصاحب مایان که محمد است تا آنکه وارث
شوی زمین را وهر که بر آن زمین است یعنی بمیرانی ونیست گردانی همه خلائق را
وباقی بمانی تو چه میراث چیزی را گویند که بعد از مردن یکی به دیگری رسد
وانت خیر الوارثین وتو بهترین وارثانی یعنی باقی بعد از فنای همه
خلائق اللهم صل علی محمد ن النبی الامی وعلی آل محمد خدایا درود بفرست
بر محمد صلی الله علیه وآله وسلم که پیغمبر ناخواننده ونانویسنده وبر آل او وبا
این ابواب همه علوم گشوده وشرایع همه پیشینیان را منسوخ نموده بیت
ناز ده بر تخته مکتب رقم بر خط پیشینه کشیده قلم کما صلیت علی ابراهیم
انک حمید مجید وبارک علی محمد ن النبی الامی بی ذکر آل بالفظ برکت کما
بارکت علی ابراهیم انک حمید مجید مثل این درود در حزب اول با بیان معنی
مکرر گذشته اللهم صل علی سیدنا محمد وعلی آل سیدنا محمد عدد ما احاط
به علمک خدایا درود بفرست بر سید مایان که محمد است وبر آل او بشمار چیزی

که فرا رسیده است بان علم تو وجری به قلمك و بشمار چیزی که فرا رسیده
و رفته است بآن قلم تو یعنی نوشته است از ازل در لوح محفوظ و بهیچ چیزی
نیست که حال آن در رو نبوشته باشد وسبقت به مشیتك و بشمار چیزی
که پیشی نموده است در ازل بودن آن چیز خواست و اراده تو و هیچ چیزی
نیست که از اراده او بیرون باشد بیت نکسلدی میستش تاری
نخلدی اراداتش جاری وصلت علیه ملائکتك و بشمار چیزی
که درود فرستاده اند بر آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرشتگان تو
صلوة دائمة بد وامك بفرست درودی که همیشه بود بهمیشگی تو باقیة
بفضلك واحسانك و پاینده بود بسبب نگاهش تو و بخشش تو الی الابد
تا زمانی که نهایت ندارد و مکرر آوردن ابد برای مبالغه است در همیشگی
ابد الانهایة لابدیته و این همیشگی چنان بود که پایانی
نبود همیشه بودن آنرا ولا فناء لدیمومیته و نباشد نیستی مر همیشه
بودن آن همیشگی را اللهم صل علی سیدنا محمد وعلی آل سیدنا محمد

عدد

۱۴

عدد ما احاط به علمك بشمار چیزی که فرا رسیده است بآن علم تو نظم
ذره نیست در کمین و مکان که نه علمش بود محیط بآن عدد ریگ در
بیابانها عدد برگها بر بستانها همه نزدیک او بود ظاهر همه در علم او
بود حاضر واحصاه کتابك و بشمار چیزی که شمرده و ضبط کرده است آنرا کتاب
تو یعنی لوح محفوظ وشهدت به ملائکتك و بشمار چیزی که گواهی
دادند بآن فرشتگان تو چنانکه گواهی بوحدانیت الهی و برسیدن پیغمبران
احکام دینیه و بایمان مؤمنان و انکار کافران و باعمال بندگان خصوصا
کراما کاتبین وارض بوصل و او برای وخشنود شو عن اصحابه
از یاران آن محمد صلی الله علیه وآله وسلم وارحم امته و رحمت کن
باحسان و نیکوی امت او را یعنی گروه اهل دین او را انك حمید
بدرستی که تو ستوده شده بجمیع صفات کمال مجید و بزرگ به همه بزرگیها
اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد وعلی جمیع اصحاب
محمد خدایا درود بفرست بر محمد و بر ال محمد و بر همه یاران محمد از بزرگان

و خوردان و مردان و هر که او را از کشیده است صحبت او و هر که اندک زمان بود
صحبت او فائده سید محمد مهدی مغربی قدس سره در مطالع المسرات
آورده که درود گفتن بر اصحاب در حدیث از پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
نیامده و آنچه در حدیث آمده درود بر آل است و اما ائمه رحمهم الله بطریق
استحباب را نیز تبعا در درود داخل نموده اند اللهم صل علی محمد وعلی
ال محمد کما صلیت علی ابراهیم وبارك اللهم علی محمد وعلی آل
محمد کما بارکت علی ابراهیم وعلی ال ابراهیم فی العالمین
انك حمید مجید این درود نیز با بیان معنی در حزب اول گذشته
مگر آنکه لفظ بارک اینجا پیش از اللهم ذکر نموده و با لفظ صلوة ابراهیم
فقط ذکر کرده و با برکت و آل ابراهیم نیز زیاده کرده اللهم صل علی
سیدنا و مولنا محمد عدد ما احاط به علمك اللهم صل
علی سیدنا و مولنا محمد عدد ما احصاه کتابك معنی این نزدیک
گذشته اللهم صل علی سیدنا و مولنا محمد عدد ما نفذت

به

۱۵

به قدرتك خدایا درود بفرست بر بهترین مایان و صاحب مایان که محمد است
بشمار چیزی که روان شده است بآن قدرت تو و قدرت صفت خدای
تعالی که بآن تواناست بر پیدا کردن هر چه که خواهد و بر ناپیدا ساختن
هر چه که اراده نماید و علم و قدرت او بهمه چیز فرا رسیده است و هیچ چیز
از دایره این دو صفت وی سبحانه و تعالی بیرون نیست رباعی رمز است
ز سر قدرتش کن فیکون با دانش او یکی است بیرون و درون در غیب و
شهادت ذره نتوان یافت از دایره قدرت و علمش بیرون اللهم صل
علی سیدنا و مولنا محمد عدد ما خصصته ارادتك خدایا درود
بفرست بر سردار و یاری دهنده مایان که محمد است بشمار چیزی که خاص ساخته است
آنرا خواست تو ببعضی احوال و اطوار بدانکه قدرت الهی همه ممکنات را
شاملست بهمه وجوه و چون اراده او بیکی از ممکنات تعلق می گیرد یک جهت
او را خاص می گرداند مثل او وجود او را یا عدم او را و دراز بودن
او را یا کوتاه بودن او را و سفیدی او را یا سیاهی او را و غیر این بر همین قیاس

اللهم صل علی سیدنا و مولنا محمد عدد ما توجه الیه امرك
ونهیك خدایا درود بفرست بر مهتر و بهتر صاحب مایان که محمد است بشمار
چیزی که روی آورده بسوی آن فرمان تو برای کردن کاری ویا برای باز
داشتن از کاری پس چیزی را که فرمودی شنو پس شد و هر که را باز داشتی
از جان و چنین پس باز ماند شوی بر عدمها کو نداد چشم و گوش چون
فسون خواندی چنین آید بگوش باز بر موجود افسونی چو خواند زود
او را در عدم دو اسبه راند کفت در گوش گل و خندانش کرد کفت
با سنگ و عقیق کانش کرد کفت با جان آیتی تا جان شد او کفت با
خورشید تا رخشان شد او تا بگوش ابر آن گویا چه خواند کو چو مشک از دیده
خود اشک راند تا بگوش خاک حق چه خوانده است کو مراقب کشت و خامش
مانده است اللهم صل علی سیدنا و مولینا محمد عدد ما وسعه
سمعك خدایا درود بفرست بر سردار مایان و یاری دهنده مایان که
محمد است بشمار چیزی که فرا رسیده است آنرا شنوای تو بی واسطه گوش اللهم

صل علی سیدنا و مولنا محمد عدد ما احاط به بصرك بشمار چیزی
که فرا رسیده است آنرا بینایی تو بی واسطه چشم دقیقه هر که خدا تعالی را بهم
چیز دانا و بینا و شنوا داند ظاهر و باطن خود را باو درست کرداند نظم
از پی آن کفت حق خود را البصیر تا بود دید ویت هر دم نذیر از پی آن کفت
حق خود را السمیع تا ببندی لب ز کفتار شنیع از پی آن کفت خود را علیم
تا بنیدیشی فسادی از بیم هر که حاضر دید حق را کوی برد کار خود با
عاشقان با حق سپرده و انکه در غفلت فرو شد مرده کشت همچو یخ از
بادی و افسرده کشت اللهم صل علی سیدنا و مولینا محمد عدد
ما ذکره الذاکرون بشمار یاد کردن او یاد کنندکان اللهم
صل علی سیدنا و مولنا محمد عدد ما غفل عن ذکره الغافلون
بشمار غفلت غافلان از یاد او یعنی در زمانی و مکانی که یاد آن حضرت صلی
الله علیه و آله وسلم می بایست آنها غافل شدند در احیاء العلوم مذکور است
که ابی الحسن شافعی آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب دید و کفت یا رسول الله

چه پاداش داده شد شافعی را از جهت درودی که در کتاب رساله خود کفته
وصلی الله علی محمد کلما ذکره الذاکرون
وغفل عن ذکره الغافلون پس فرمود آن حضرت صلی الله علیه
و آله وسلم که پاداش داده شد او را از ما انکه استاده کرده نخواهد شد او را برای
حساب اللهم صل علی سیدنا و مولنا محمد عدد قطر الامطار خدایا درود
بفرست بر مهتر مایان و مالک مایان که محمد است بشمار قطرهای بارانها اللهم صل علی
سیدنا و مولنا محمد عدد اوراق الاشجار بشمار برکهای درختان اللهم
صل علی سیدنا و مولنا محمد عدد دواب القفار بتشدید با دو کسر
قاف بشمار جانوران بیابان ٤ اللهم صل علی سیدنا و مولنا
محمد عدد دواب البحار بشمار جانوران دریاها ٤ اللهم صل علی
محمد عدد میاه البحار بشمار آبهای دریاها یعنی باعتبار اجزای آب
اکر خیال کرده شود مثل ذره ذره اللهم صل علی سیدنا و مولنا محمد
عدد ما اظلم علیه اللیل بشمار آنچه که تاریک شده است بر آن شب و اضاء

علیه النهار و روشن شده است بر آن روز یعنی بشمار هر چه که بروی است اللهم صل
علی محمد بالغدو و بضمتین و تشدید واو بوقت بامداد و والاصال
بوقت شبانکاهی مراد همیشکی درود است و همه اوقات و ذکر کرده است دو
طرف شب و روز را برای بزرکی این دو وقت که فرشتکان شب و فرشتکان
روز درین دو وقت جمع می شوند اللهم صل علی سیدنا و مولنا
محمد عدد الرمال بکسر راء بشمار ریکهای یعنی اجزای آن اللهم صل
علی سیدنا و مولنا محمد عدد النساء و الرجال بشمار زنان و
مردان اللهم صل علی سیدنا و مولنا محمد رضاء نفسك باندازه
خشنودی ذات خود اللهم صل علی سیدنا و مولنا محمد
مداد کلماتك بمقدار سخنان خود مثل این بالا نیز کذشته اللهم
صل علی سیدنا و مولنا محمد ملاء سمواتك بکسر میم باندازه
پری آسمان های خود و ارضك و پری زمین های خود اللهم صل
علی سیدنا و مولنا محمد زنة عرشك به برابر وزن عرش خود اللهم

صل علی سیدنا و مولینا محمد افضل صلواتك خدایا درود
بفرست بر بزرگترین درودهای خود در خیر و خوبی اللهم صل علی
نبی الرحمة خدایا درود بفرست بر پیغمبر صاحب بخشایش و دیگر معنی
این در شرح اسما باید دید اللهم صل علی شفیع الامة خدایا درود
بفرست بر درخواست کننده عفو گناهان کرده خود را اللهم صل علی
کاشف الغمة بضم غین و تشدید میم دور کننده اندوه از کسی که
آنرا وسیله گردد در دنیا و آخرت اللهم صل علی مجلی الظلمة
بضم میم و کسر لام دور کننده تاریکی کفر و ضلالت اللهم صل علی
مولی النعمة بضم میم و کسر لام رساننده خیر و خوبی دینی و دنیوی اللهم
صل علی موتی الرحمة بضم میم و کسر تاء دهنده رحمت و بفتح تاء
نیز آمده یعنی داده شده رحمت با آن صلی الله علیه و آله و سلم اللهم صل علی
صاحب الحوض المورود بر صاحب حوض که فرود آمده شود بر آن یعنی
پیروان و دوستان او بر آن فرود آیند و آب آن بنوشند و صفت حوض

و فضایل صلوة در حرف اول مذکور شده اللهم صل علی صاحب المقام
المحمود بیان آن در فضایل صلوة و در اسما نیز گذشته اللهم صل
علی صاحب اللواء المعقود بر صاحب نیزه گره داده شده یعنی جامه
که بر سر نیزه می بندند و باد آنرا می جنبانند و بوقت جنگ پیش سردار می
گذارند تا بان شناخته شود و ذکر لوا در اسماء شریف بتفصیل گذشته
اللهم صل علی صاحب المکان المشهود بر صاحب مکانی
که حاضر شده آنرا آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در شب معراج و هیچ
یکی غیر او بآنجا نرسیده و آن مکان قاب قوسین است و یا صاحب مکانی
که حاضر شوند آنرا پیشینیان و پسینیان ستایش کنان برای او و آن مقام
محمود است که مذکور شده است یا مکانی که در آن محشور شود بر براق در هفتاد هزار
فرشتگان که در جلو وی باشند و پوشانیده شود لباس بهشت و پیش رو
همه پیغمبران باشد و یا مراد مکان قبر شریف وی است چنانچه از کعب الاحبار
در روایت آمده که وقت فجر هر روز هفتاد هزار فرشته بر گرد قبر شریف

نازل می شوند و درود می گویند و بازوها می زنند و شادی می کنند
و چون شام می گشود اینها می روند هفتاد هزار دیگر می آید و همچنان
می کنند بیت بر سر هر کنگره اش تا فلک ٭ جای گرفته ملک بر ملک ٭
و همچنین می شود تا آنکه آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم از قبر شریف
در آید و آنها تعظیم و بزرگی آن حضرت می کنند صلی الله علیه و آله و سلم
اللهم صل علی الموصوف بالکرم و الجود بر وصف کرده شده
بجوانمردی و بخشش و سخاوت و در کتب حدیث و سیر بخشش و عطاء
آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم مذکور است و بخشش او چنان بود که بادشاهان
از او عاجز آمدند و زندگانی می کرد چنانکه مسکینان نمایند فائده
در مشکاة شریف حدیثی روایت کرده که سوال کرده نشد آنحضرت را صلی الله
علیه و آله و سلم چیزی پس گفته باشد یعنی نمی گفت که نمی دهم بلکه اگر می
بود می داد و اگر نه می گفت ان شاء الله تعالی وقت دیگر بیت نرفت کلمه
لا بر زبان او هرگز ٭ مگر باشهد ان لا اله الا الله و قیقم در مدارك گفته سخا

آنست که بخورد و بخوراند و جود آنکه نخورد و بخوراند اللهم صل علی محمد
مَنْ هُوَ فِي السَّمَاءِ مَحْمُودٌ وَفِي الْأَرْضِ مُحَمَّدٌ بفرست بر کسی که او
مشهور است نزد اهل آسمان باین نام و نزد اهل زمین باین نام و معنی این
هر دو اسم شریف در اسماء شریف مذکور گشته اللهم صل علی صاحب
الشامة بشین معجمه و تخفیف میم بر صاحب علامت و نشانی یعنی مهر نبوت
و بیان آن در اسماء شریف به تفصیل مذکور گشت اللهم صل علی
صاحب العلامة بر خداوند نشان یعنی مهر نبوت اللهم صل علی
الموصوف بالکرامة خدایا درود بفرست بر وصف کرده شده بزرگی
بهمه انواع بزرگی اللهم صل علی المخصوص بالزعامة بفتح زای
معجمه بر خاص کرده شده بسرداری و ریاست و یا ضامن بودن بشفاعت
مومنان اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ كَانَ تُظَلِّلُهُ الْغَمَامَةُ بضم تاء و کسر ظاء
معجمه و تشدید لام و درود بفرست بر کسی که سایه می کرد او را ابر و این قبل بعثت
نبوت بود برای اظهار آثار نبوت اما بعد نبوت در روایت نیامده بلکه ثابت

شده که در سفرها برای آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم از آفتاب
سایه می کردند **اللهم صل علی من کان یری من خلفه** بکسر
میم و فا خدایا درود بفرست بر کسی که می دید از پس و پشت خود و
بفتح میم و فا نیز آمده یعنی می دید کسی را که از پس و پشت او بودی
کما یری من امامه بفتح الف چنانکه می دید از پیش خود یا کسی که پیش
او بودی و ثابت شده این بحدیث ابی هریره و انس رضی الله عنهما نزد
شیخین و صحیح آنست که بچشم سر بود بطریق خرق عادت بغیر مقابله
چشم با آن چیز و گفته اند که بنور باطن بود و آنکه گفته اند که بجانب
پس پشت آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم دو چشم بود مانند سوراخ
سوزن این قول ضعیف **اللهم صل علی الشفیع** خدایا درود بفرست
بر خواست کننده آمرزش گناهان پیروان **بیت** کفتی که کنم شفاعت عاصی عذر خواه
دل بر امید آن کرم افتاد در گناه **المشفع** بضم میم و فتح فا مشدده
قبول کرده شده شفاعت او **یوم القیمة** در روز قیامت **اللهم صل**

علی صاحب الضراعة بر صاحب فروتنی و عجز و زاری در حضرت خداوند
باری و چون آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم والاتر از همه بصفات
الهی ناچار خوف و ترس خداوند غالب تر بود بر وی از اهل دانش و آگاهی
بیت هیبت باز ست بر کبک نجیب مر مگس را نیست زان هیبت نصیب
اللهم علی صاحب الشفاعة خدایا درود بفرست بر محمد صاحب در
خواست کردن آمرزش گناهان کسی که بوی صلی الله علیه وآله وسلم گرویده
اللهم صل علی صاحب الوسیلة بر صاحب منزل عالی در بهشت
اللهم صل علی صاحب الفضیلة بر خداوند بزرگی نزدیک تو
اللهم صل علی صاحب الدرجة الرفیعة بر صاحب پایه بلند نزد تو
اللهم صل علی صاحب الهراوة بکسر ها خدایا درود بفرست
بر خداوند عصا **اللهم صل علی صاحب النعلین** خدایا
درود بفرست بر صاحب دو نعل مهدی در مطالع المسرات آورده که
نامیده شده است آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم باین نام در انجیل و بیان

صورت نعلین مبارک	در کتب احادیث و سیر مذکورست
و بعضی از اکابر محدثین	در تمثال آن رساله جدا کرده اند
و گفته اند که نگاه	داشتن آن خواص و
برکت بسیار دارد	و این خاکسار ذره
بی مقدار مشتاق	بوسه نعلین سید الابرار
صلی الله علیه وآله	الاخیار تمثال نعلین
مبارک را با بعضی خواص	آن روضة الاحباب تالیف
امیر جلال الدین محدث	قدس الله سره بر یک ورق
جدا نقل گرفته درین	مقام وصل کرده است
تا مشتاقان خاکپای	نبوی صلی الله علیه
وآله وسلم بزیارت	آن فیض یاب
شوند **رباعی** ای دل	دیده خاک
نعلینت ... رشته جان	شراک نعلینت ...

شداویم زخم بخون جگری تا چو نعلین زیر پا سپری **اللهم**
صل علی صاحب الحجة خدایا درود بفرست بر خداوند دلیل
استوار برای اثبات وحدانیت آفریدگار **اللهم صل صاحب**
البرهان بر خداوند دلیل روشن که دلالت می کند بر صدق رسالت
وی و آن قرآن است و دیگر معجزات وی **اللهم صل علی صاحب**
السلطان بر خداوند غلبه بر اهل انکار **اللهم صل علی صاحب**
التاج **اللهم صل علی صاحب المعراج** معنی این هر دو اسم در اسمای
شریف بتفصیل گذشته **اللهم صل علی صاحب القضیب** بر خداوند
عصا **اللهم صل علی راکب النجیب** خدایا درود بفرست بر سوار
ناقه اصیل برگزیده آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم مشهور بود به نجابت
و گویند که نجیب نام اسب آن حضرت بود صلی الله علیه وآله وسلم **اللهم**
صل علی راکب البراق بر سوار براق در شب معراج و آن اسپی بود
که کیفیت آن در اسمای شریف بتفصیل گذشته **اللهم صل علی مخترق**

بضم میم وکسر را بغیر الف ولام در اول آن ودر بعضی نسخ باالف
ولام آمده یعنی خدایا درود بفرست بر ورکذرنده السبع الطباق
بکسر طا هفت آسمان که یکی بالاء دیکریست فائده در تفسیر حسینی از
معالم آورده که آسمان دنیا موجیست محکم شده ودوم مرمریست سفید سیوم
آهنیست چهارم روئین ست وکفته اند مس وپنجم نقره وششم زر وهفتم
یاقوت سرخست اللهم صل علی الشفیع فی جمیع الانام وشفاعت
کننده درهمه آفریدکان در موقف حساب وآن شفاعت کبری بود
وبیان آن در فصل اول کذشته اللهم صل علی من سبح فی کفه
الطعام خدایا درود بفرست برکسی که تسبیح کرد یعنی سبحان الله کفت
در کف دست او طعام آورده ست بخاري حدیثی از ابن مسعود رضي الله
عنه که می کفت که بودیم ما که خوردیم طعام با پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم ومی شنیدیم تسبیح آن طعام را وقاضی عیاض در شفا حدیثی
آورده که پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم بیمار شد پس آمد نزد وی جبریل

باطبقی که در وی انار وانکور بود پس میخورد پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
از آن پس می کفت آن تسبیح اللهم صل علی من بکی الیه الجذع
بکسر جیم وسکون دال معجمه خدایا درود بفرست برکسی که همی کریست بسوی
او ساق خرما وحن لفراقه ونالید از فراق او وآواز شوق میداد می کرد
آن تنه خرما از برای جدایی پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم دقیقه
روایت کرده ست بخاري که کفت جابر رضي الله عنه وقتی که خطبه می خواند
آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم تکیه می کرد تنه خرما را که از ستونهای مسجد
شریف بود پس هنکامی که ساخته شد منبر پس بالا بر آمد آن حضرت بر منبر
وخطبه خواند فریاد کرد آن تنه خرما تا انکه نزدیک بود که پاره شود از فراق
آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم پس فرود آمد نزد آن حضرت صلی الله علیه
وآله وسلم از منبر تا انکه کرفت آن نخله را در کنار خود پس کشت آن نخله که
ناله می کرد همچو ناله کردن کودکی که خاموش کردانیده می شود از کریه وزاری
وخاموش نمی کردد تا انکه آرام کرفت آن نخله فائده حسن بصری قدس سره

چون حدیث می کرد باین می کریست ومی کفت که ای مسلمانان خدا چوب خشک
می کرید وناله می کند از شوق پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم پس شما سزاوار
ترید که مشتاق لقای وی صلی الله علیه وآله وسلم کم از چوب نباشید بیت
سنکی وکیاهی که درو خاصیتی هست ای آدمی زادی دان که درو معرفتی نیست
اللهم صل علی من توسل به طیر الفلاة خدایا درود بفرست برکسی
که وسیله ساخت او را برای حصول مطلوب خود پرندکان بیابان بیهقی
در دلائل حدیثی نقل کرده که کفت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه
که بودیم ما با پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در سفری پس کذشتیم نزدیک
بیک درختی که در آن دو بچه کنجشک بودند پس بکرفت آن هر دو را یکی از
ما یان پس آمد آن کنجشک نزد پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم وفریاد کرد
وعرض حال نمود پس فرمود آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم کیست که رنجانید
این را بکرفتن بچکان این پس ظاهر کرد کسی که کرفته بود پس فرمود پیغمبر صلی الله
علیه وآله وسلم که بکذارید آن هر دو را در مکان آنها پس بکذاشتند اللهم

صل علی من سبحت فی کفه الحصاة بفتح حاء خدایا درود بفرست برکسی
که تسبیح کرد در کف دست او سنکریزها فائده روایت کرده ست بیهقی در
دلائل که کفت ابوذر غفاري رضي الله عنه که رسول الله صلی الله علیه واله وسلم
در موضعی نشسته بود وابوبکر وعمر وعثمان رضی الله عنهم بخدمت وی
بودند آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم هفت سنکریزه از زمین برداشتند
ودر کف مبارک خود آوردند وآن سنکریزه ها تسبیح کفته اند یعنی
سبحان الله چنانکه ناله آنها مانند آواز زنبور شهد بکوش من می رسید
پس آنها را بر زمین کذاشته ساکت شدند بعد از آن برداشتند ودر کف
حضرت ابوبکر رضي الله عنه در آوردند همچنان تسبیح کفتند ودر کف حضرت
عمر رضی الله عنه وحضرت عثمان رضي الله عنه نیز آوردند وتسبیح کفتند
وبروایتی در دست حضرت علي رضی الله عنه نیز قطعه یارب بحق انکه قمر زد
دو نیم شد تسبیح کفت در کف میمون او حصاة دلهای خسته را بکرم مرهمی فرست
ای نام اعظمت در کنجینه شفا اللهم صل علی من تشفع الیه الظبی بافصح

كلامه هذا يا درود بفرست بر كسی كه روی آورد بسوی او برای طلب
شفاعت آهو بكلامی فصیح یعنی همچو سخن آدمیان كه می فهمید
هر كه می شنید فائده در شفا آورده كه ام سلمه رضی الله عنها روایت می
كند كه پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در صحرایی می گذشت آهوی بزبان فصیح
گفت یا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم نزدیك او رفت و فرمود حاجتی
داری گفت شكار كرده است مرا این اعرابی و درین كوه دو بچه دارم
بگشای تا بروم و آنها را شیر دهم و نزد تو باز آیم فرمود باز خواهی آمد
گفت آری باز آیم آن سرور صلی الله علیه وآله وسلم آهو را بگشاد
و اعرابی در خواب بود آهو برفت و بچگان خود را شیر داد و باز گشت
حضرت آن را در بند كرد پس اعرابی بیدار گشت و دید آن حضرت را نزد خود
و گفت ایا حاجتی داری فرمود این آهو را آزاد كن آن مرد آهو را بگشاد
و بگذشت آهو می دوید و می گفت اشهد ان لا اله الا الله و انك رسول الله
و علی قاری در شرح مناسك آورده كه شاید كه آن موضعت كه مشهورست

بسمه غزاله و در وادی روحا در دامن كوه بجانب دست چپ رونده از
مدینه منوره و بمكه معظمه بسبب گروه از مدینه مكرمه اللهم صل علی من كلمه
الضب هذا یا درود بفرست بر كسی كه سخن كرد با وی سوسمار فی مجلسه
مع اصحابه الاعلام در جای نشست او با یاران بزرگان فائده نقل كرده است حدیث
ضب را بیهقی و صاحب شفا كه روزی اعرابی سوسماری شكار كرده بود و
بخانه خود می برد تا بریان كند و بخورد در اثنای راه جمعی و به رسید
كه این كدام گروه اند گفتند كه محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله وسلم
دعوی نبوت می كند و مردم بروی گرد آمدند آن صیاد خود را نزدیك آن
حضرت رسانید و گفت سوگند بذات عزّی كه من بتو ایمان نمی آرم تا وقتی
كه این سوسمار بتو ایمان آورد و آن سوسمار را از آستین خود برآورد و پیش
آن حضرت انداخت آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود ای ضب گفت
لبیك و سعدیك یعنی ایستاده ام بفرمان برداری تو فرمود كرایی می پرستی گفت
خدای را كه در آسمان عرش اوست و در زمین غلبه و سلطان اوست و در دریا

حكم اوست و در بهشت رحمت اوست و در دوزخ عذاب اوست فرمود من
كیستم سوسمار گفت تو رسول پروردگار عالمیان و خاتم پیغمبران و رستگاری
یابد هر كه تصدیق كند ترا و زیانكاری كرد هر كه ترا دروغگو داند و این همه
سخنان بزبان عربی چنان می گفت كه همه حاضران فهم كردند پس
صیاد چون این سخنان از سوسمار شنید متحیر شد و بر آن حضرت صلی الله علیه وآله
وسلم ایمان آورد و كلمه شهادت خواند اللهم صل علی البشیر
هذا یا درود بفرست بر مژده دهنده مسلمانان را به بهشت النذیر
بترساننده مر كافران را بدوزخ اللهم صل علی السراج المنیر
بر چراغ روشن كه تاریكی كفر و ضلالت را محو و نابود ساخت و معنی این
الفاظ در اسماء شریف مفصل مذكور شد اللهم صل علی من شكی الیه
البعیر هذا یا درود بفرست بر كسی كه شكایت می كرد بسوی او شتر از مالك
خود پیش آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم كه بار بر من بسیار می كنند و كاه
می دهند پس آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم مالك آن را فرمود كه با این شتر

نیكی كنید و در روضة الاحباب آورده كه عقیل بن ابی طالب رضی الله عنه روایت
كرده كه من در سفری با آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بموضعی رسیدیم كه
شتری در آن موضع زانو زده بود چون پیغمبر را صلی الله علیه وآله وسلم
دید برجست و نزد وی آمد و تضرع و زاری كرد چنانكه فرزند با مادر و پدر كند
فرمود چه شكایت داری از قوم خود شتر گفت یا رسول الله پیش از آنكه مرا
ختنه می گذارند خوار می كنند و من می ترسم كه خدا تعالی ایشان را عذاب كند
آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم آن قوم را طلبید و از آن كاری نهی فرمود
اللهم صل علی من تفجر من بین اصابعه الماء النمیر هذا یا درود بفرست
بر كسی كه جاری شد از میان انگشتان مبارك او آب صاف و روان
فائده در صحیح بخاری روایت كرده كه جابر رضی الله عنه گفته است كه روز
حدیبیه تشنگی بر مردم غالب شده بود و پیش پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم ركوه بود
یعنی ظرفی از چرم و از آن وضوء می ساخت كه همه مردم روی بجانب وی نهادند
و گفتند كه ما را نه آبی است كه از او وضو سازیم و نه آبی كه بنوشیم مگر همین آبی

که در کوه لست پس دست مبارک خود را در کوه نهادند و از میان انگشتان
وی چنانچه چشمها جوشید آب جوشیدن گرفت و روان شد همه سیراب
شدیم و وضو ساختیم از جابر رضی الله عنه پرسیدند که چند کس بودید
گفت که اگر صد هزار بودیم بسنده می کرد اما هزار و پانصد کس بودیم اللهم
صل علی الطاهر خدایا درود بفرست بر آنکه پاکست از نقصان و از
شائبهٔ عصیان المطهر بفتح ها مشدده پاک کرده شده یعنی پاک ساخت
او را پروردگار از هرچه که نیست سزاوار بمنصب آن سید الابرار اللهم
صل علی نور الانوار خدایا درود بفرست بر کسی که روشنی همهٔ
روشنیهاست یعنی هر روشنی که هست چه از روشنی دینی و دنیوی چه از
صوری و معنوی اصل همه اوست اگر او نمی بود همه در پردهٔ تاریکی
نیست پوشیده بودند و در بعضی نسخ آمده النور الانوار بی الف بعد از و
یعنی نوری که روشنست اللهم صل علی من انشق له القمر خدایا درود
بفرست بر کسی که شکافته شده و دو پاره گشت برای او ماه فائده

بدانکه در حدیث شکافتن ماه در صحیح بخاری و مسلم مذکورست و حق تعالی
خبر داد از این معجزه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بقول خود اقتربت
الساعة وانشق القمر یعنی نزدیک آمد قیامت و شکافته شده ماه و
قصهٔ آن برین وجه ست که پیش از هجرت به بخای مشرکان مکه نزد پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفته اند اگر در دعوی نبوت صادقی
ماه را در آسمان دو نیم ساز حضرت فرمود اگر چنین کنم ایمان آرید
گفتند آری حضرت صلی الله علیه و آله و سلم بانگشت سبابه اشارت
بجانب ماه کرد ماه بدو نیمه شد نیمه بالای کوه و نیمه در زیر کوه و در روایتی
آمده که نیمه بجا از خود ماند و نیمهٔ بجانب دیگر رفت و در روایتی
نیمه بر کوه قبیس و نیمه بر کوه دیگر و بروایتی دو نیمه شد چنانکه کوه حرا
را در میان دو پاره وی دیده اند باز اشارت کرد هر دو نیم بهم پیوستند
بیت غلام آن نمکینم که گاه معجزه حسن ٥ بیک کرشمه کند قرص ماه
را پاره ٥ مشرکان گفتند که محمد صلی الله علیه و آله و سلم چشم ما را بسحر

بسته است و ماه دو پاره نما نموده و مسافران که از اطراف آمده بودند
از آنها صورت این حال پرسیدند همه جواب دادند که در فلان شب ماه
را دو نیم دیدیم و با وجود این نگرویدند و گفتند که جادوی او بهاست
قویست بیت مه شکافد مصطفی در نیم شب ٥ زان نمیخواهد زکینه بولهب ٥
اللهم صل علی الطیب خدایا درود بفرست بر پاک و نیکویی و معطر
بخوشبوئی و بیان این در اسماء شریف گذشته المطیب بفتح یا
مشدده پاک و پاکیزه کرده شده از هرچه که بمنصب او نباید و عقل
و شرع آن را پسند نماید اللهم صل علی الرسول المقرب خدایا درود
بفرست بر پیغمبر که نزدیک کرده شده بدرگاه تو برحمت و کرامت اللهم
صل علی الفجر الساطع خدایا درود بفرست بر صبح بر آینده بروشنی
یعنی بدمیدن صبح تاریکی شب زائل گردد همچنان بآمدن آنحضرت صلی الله
علیه و آله و سلم ظلمت کفر و جهالت محو و نابود شد اللهم صل علی
النجم الثاقب خدایا درود بفرست بر ستاره درخشان و افروزان یعنی چنانچه

رهروان شب بروشنی ستاره تابان بمنزل مقصود خود راه یابند همچنان
بمتابعت آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم سالکان راه دین بمنزل
عرفان و یقین رسیدند بیت اختر برج شرف کائنات ٥ گوهر درج صدف
کائنات اللهم صل علی العروة الوثقی خدایا درود بفرست بر
دستاویز استوار در اسماء الوثقی استوار معنی این نیز گذشته نظم دین ش
آمد قلعهٔ محکم اساس ٥ ملتش را عروهٔ وثقی شناس ٥ هر که شد در دین ختم
المرسلین ٥ زد بمعنی چنگ در حبل المتین اللهم صل علی نذیر اهل الارض
خدایا درود بفرست بر بیم کننده و ترساننده اهل زمین از عذاب تو
اگر چه صحیح آنست که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبر اهل آسمان
یعنی فرشتگان نیز هست اما چون آنها از گناهان پاک اند بیم کننده آنها
نیست اللهم صل علی الشفیع یوم العرض خدایا درود بفرست
بر خواهش کننده آمرزش گناهان امت در روز قیامت پیش آوردن همه
آفریدگان در پایگاه قرب اللهم صل علی صاحب لواء الحمد

رفع عن امتی الخطأ والنسیان

خدایا درود بفرست بر خواننده مردمان برای آشامیدن آب از حوض
کوثر و بیان آن در فضائل صلوة در حزب اولی گذشته اللهم صل علی
صاحب لواء الحمد خدایا درود بفرست بر خداوند نیزه ستایش بیان آن
در اسماء شریف و به تفصیل گذشته اللهم صل علی المشمر عن ساعد الجد
خدایا درود بفرست بر بالا کشنده آستین از بازوی کوشش در فرمان
برداری تو چون کسی برای انجام کاری ضروری جست برمیخیزد آستین خود
بالا می کشد و دامن بر می چیند پس حال آن حضرت صلی الله علیه و آله
وسلم در رسانیدن احکام الهی بخلق و برپای ساختن دین حق تشبیه
داده شده بحال آن شخص اللهم صل علی المستعمل فی مرضاتك غایة الجهد
بضم میم و فتح آن خدایا درود بفرست بر عمل کننده در طلب
خوشنودی تو بصرف کردن نهایت طاقت خود با نهایت محنت و سختی
اللهم صل علی النبی خدایا درود فرست بر پیغمبر که رساننده احکام است
بخلق و خبر دهنده از احوال آخرت و از هرچه که تو بخبر دادن آن وی را

امر فرمودی الخاتم از پس آینده از همه پیغمبران و معنی این در اسماء
بتفصیل گذشته اللهم صل علی الرسول خدایا درود بفرست بجوز فرستاده
خود با کتاب و معجزات الخاتم بجا بعجمه آخر همه پیغمبران و جایز است
که بحا مهمله باشد یعنی واجب کننده قبول دین اسلام را بر مردم اللهم صل
علی المصطفی القاسم خدایا درود بفرست بر برگزیده خود از میان آفرینش
استاده در فرمان برداری تو اللهم صل علی رسولك ابی القاسم
خدایا درود بفرست بر پیغمبر خود که پدر قاسم است و قاسم پسر آن حضرت
بود از خدیجه رضی الله عنها چنانچه در اسماء شریفه گذشته اللهم صل علی
صاحب الآیات خدایا درود بفرست بر خداوند نشانها که شناخته
شود بآن صدق وی صلی الله علیه و آله وسلم چنانچه اخلاق ستوده و صفات
محموده که هر عاقلی که در آن نظر نماید و بانصاف کار فرماید بشناسد که وی
پیغمبر است و درست و آنچه در کتب سماویه از احوال و شمائل حمیده آن حضرت
صلی الله علیه و آله وسلم نوشته شده نیز ازین قبیل است و جایز است که

مراد اینها قرآن باشند که از جمله معجزات اند اللهم صل علی صاحب
الدلالات بفتح دال و کسر آن خدایا درود بفرست بر خداوندره
نمایی ها بسوی معرفت اسماء و صفات ربانیه و شناخت احکام دینیه
اللهم صل علی صاحب الاشارات خدایا درود بفرست بر خداوند
اشارت ها و معنی اشارت آگاه ساختن کسی را به چیزی بغیر صریح و
اینجا مراد علوم و معارف و رازهاست که آن حضرت صلی الله علیه و آله
وسلم فهمانیده است پیروان خاص خود را باشارت بغیر عبارت صریح
اللهم صل علی صاحب الکرامات خدایا درود بفرست بر خداوند
نشانها بهمون معنی که در بیان صاحب الآیات گذشته اللهم صل علی
صاحب العلامات خدایا درود بفرست بر خداوند دلیلهای روشن بر صدق
رسالت بر صدق رسالت خود اللهم صل علی صاحب المعجزات
خدایا درود بفرست بر خداوند معجزهای فائده در شواهد النبوة گفته
که معجزه فعلی است خارق عادت که مقرون باشد بدعوی نبوت بی معارضی

پس کرامت اولیاء از تعریف معجزه برآید زیرا که ازیشان دعوی نبوت بی معارض
نمی تواند بود و استدراج مقهوران نیز بیرون رفت زیرا که گذشته
الله بآن جاری شده که بوقت دعوی نبوت خارق عادت از ایشان
صادر نمی شود و اگر فرضا صادر شود بآن معارضی خواهد بود که بر نقیض دعوی
ایشان دلالت کند و معجزهای پیغمبر ما صلی الله علیه و آله وسلم از حد
شمار افزون است و هر معجزه که پیغمبران پیشینیان را بود آن حضرت را نیز بوده
و معجزهای دیگر بر آن افزوده که پیغمبران دیگر را نبوده و بعضی از آن در این
کتاب مذکور شده و بعضی مذکور خواهد شد رباعی معجزات که انبیا را بوده
مثل آنها رسول ما را بوده ای بس معجزه که او را است که نداده است انبیا
را دست اللهم صل علی صاحب الخوارق العادات خدایا درود بفرست
بر خداوند افعالی که پاره کننده اند رسمهای زمانه را یعنی بر خلاف رسم
عادت زمانه صادر شده چنانکه جوشیدن آب از انگشتان و شکافتن
ماه و غیر آن اللهم صل علی من سلمت علیه الاحجار خدایا درود بفرست

برکسی که سلام گفتند بروی سنگهای فائده روایت کرد مسلم که از جابر بن سمره
رضي الله عنه که گفت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بدرستی که من می
شناسم سنگی راکه در مکه است بود که سلام می کرد بمن پیش از آنکه مبعوث
شوم بدرستیکه می شناسم آن سنگ را اکنون بعضی گویند که مراد حجر اسود است
شیخ عبد الحق قدس سره در شرح مشکاه آورده که اکثر برآنند که آن
سنگی است در کوچه که در آن اثر مرفق یعنی آرنج مبارک در راه خانه
خدیجه رضی الله عنها که زیارت می کنند آن را مردم و آن کوچه را
زقاق الحجر می گویند بضم زاء معجمه و به و قاف و سلام گفتن سنگها
بسخن آدمیان در اکثر احادیث آمده اللهم صل علی من سجدت بین
یدیه الاشجار خدایا درود بفرست برکسی که سجده کردند پیش او درختان
یعنی آمد بسوی وي صلی الله علیه وآله وسلم در حالتی که می سائیدند قبهای
خود را بر زمین فائده در مشکاة روایت کرده از ابن عمر رضي الله عنهما
که گفت بودیم ما با آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم در سفری پس پیش آمده

بما

اعرابي یعنی بادیه نشین گفت مر او را آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم
که گواهی می دهی بوحدانیت خدا و رسالت محمد گفت اعرابی کیست که
گواهی می دهد برآنچه تو می گوئی فرمود آن حضرت که گواهی می دهد این
درخت پس خواند درخت را پیغمبر خدا و آن حضرت بکرانه وادی
بود پس روی آورد آن درخت در حالتی که می شکافد زمین را تا آنکه
استاد آن درخت پیش آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم پس طلب
گواهی کرد آن حضرت سه بار پس گواهی داد آن درخت سه بار که واقع
چنین است که گفت از صدق رسالت وي پس بازگشت آن درخت
بجای روئیدن خود و آمدن درختان پیش آنحضرت صلی الله علیه وآله
وسلم و اکثر احادیث آمده اللهم صل علی من تفتقت من نوره الازهار
خدایا درود بفرست برکسی که برآمد از نور او شکوفهای درختان اگرچه
همه موجودات پیدا شده از نور وي صلی الله علیه وآله وسلم لیکن خاص
کرد ذکر شکوفهای برای حسن و جوانی آنها تنبیه تفتقت بفتح تاء و فاء

بیش بعد از آن تاء مشدده مفتوحه و قاف مفتوحه فائده در بعضی احادیث
آمده چون آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم از معراج باز آمده
قطرات عرق مبارک بر زمین بچکید از آن گل گلاب روئید و اینجا
فرموده که خواهد که بو کند مرا گو بو کند گل سرخ را و در شرح سفر سعادت
گفته که این احادیث نزد محدثین بصحت نرسید اللهم صل من طابت
ببرکته الثمار خدایا درود بفرست برکسی که پخته و بالیده باشد بمیمن
او بارهای درختان و میوهای خوش و لذیذ اللهم صل علی من اخضرت
من بقیة وضوئه الاشجار بفتح واو و ضم آن خدایا درود بفرست
برکسی که سبز شد از پس مانده آب وضوی او درختان اللهم صل علی
من فاضت من نوره جمیع الانوار خدایا درود بفرست برکسی که آشکارا شده
از نور او همه نورها ظاهري و باطني اللهم صل علی من بالصلوة علیه تحط
الاوزار بضم تاء و فتح حاء خدایا درود کو برکسی که بسبب درود گفتن
بروی انداخته می شود بارهای گناه کاران اللهم صل علی من

بالصلوة علیه تنال بضم تاء خدایا درود کو برکسی که بسبب درود گفتن
بروي یافته می شود منازل الابرار مرتبهای نیکوکاران اللهم
صل علی من بالصلوة علیه یرحم الکبار والصغار خدایا درود بفرست برکسی
که بسبب درود گفتن وي بخشش کرده می شود بر بزرگان و خوردان
از جهت تو و از جهت خلایق اللهم صل علی من بالصلوة علیه نتنعم في هذه الدار
خدایا درود کو برکسی که بسبب درود گفتن بروي بهره ور می شویم بنعمتهای
در دنیا برسیدن اسباب خوشی و خرمی از جهت دیني و دنیوی
وفي تلک الدار و بهره ور خواهیم شد بنعمتهای آخرت اللهم صل
علی من بالصلوة علیه تنال رحمة العزیز خدایا درود بفرست برکسی که بسبب
درود فرستادن بروي رسیده می شود بخشش خدای را که غالب است در حکم
خود هرکرا خواهد بنوازد هرکرا خواهد بغضب خود خوار و رسوا سازد الغفار
آمرزنده گناهان اللهم صل علی المنصور خدایا درود بفرست بریاری
داده شده از جانب پروردگار بر دشمنان و دشمنان المؤید بتشدید

یاد مخصوص بقوت داده شده با فزونی کرده مومنان و مددکاری فرشتگان
برای شکستن لشکر دشمنان اللهم صل علی المختار خدایا درود بفرست
بر برگزیده خود والممجد بزرگی داده شده بر همه آفریدگان اللهم صل علی
سیدنا ومولنا محمد اللهم صل علی من کان اذا مشی فی البر الاقفر
بفتح فاء بعد از قاف خدایا درود بفرست بر کسی که بود که وقتی که می رفت
از بیابان خالی از آب و گیاه تعلقت الوحوش می آویختند جانوران
رمنده صحرائی باذیاله بدامنهای مبارک وی چنانکه می آویزد
داده خواه بدامن فریادرس و مراد ازین نالیدن و فریاد کردن
در وقت سختی پیش فریادرسنده و داددهنده و بالا ازین قصه
فریاد کردن آهو و گنجشک پیش آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم معلوم
شد اللهم صل علیه وعلی اله وصحبه وسلم تسلیما خدایا درود بفرست
بر محمد و آل او و یاران او و سلام بفرست سلام فرستادنی بتعظیم و اکرام
والحمد لله ستایشی که شاید و ثنایی که سزاوار بود مر خدای راست

رب

رب العالمین که آفریننده و پرورنده همه عالمیانست و نعمتهای خداوندی
تعالی که به بندگان خود عطا فرموده نهایت نیست همچنین ستایش و شکر
او را حد و غایت نی و بزرگترین نعمت وی فرستادن رسول کریست
علیه الصلوة والسلام برای ارشاد و تعلیم احکام دین قویم و رهنمائی
بسوی گلشن جنات النعیم و رضای خداوند رحیم و پس از آن دادن
توفیق بندگان را بمتابعت وی و گرویدن بتصدیق جانب وی و کاشتن
تخم محبت او در دلهای و وسیله گرفتن او را در مشکلهای رباعی اگر ز
اول و آخر تمام جمع آیند که راه شکر خدا عز اسمه بپویند صد
هزار زبان گر کنند ممکن نیست که حمد و شکر یکی نعمتی خدا گویند از
فصل کیفیت صلوة تا به اینجا ربع اول آخر شده الحمد لله علی ذلک

کمل الربع الاول بحمد الله تعالی | مبدء الربع الثانی

الحمد لله ستایش و ستودگی مر خدای راست علی حلمه
بهمه بردباری وی یعنی درنگ کردن در خشم و تعجیل نکردن در عقوبت عاصیان

بعد علمه باوجود دانستن او گناهان بندگان را وعلی عفوه
و ستوده گیست مر او را بر درگذشتن او از گناهان بعد قدرته
با توانا بودن او را بر انتقام قطعه گنه ما فزون بود ز شمار
عفوت افزون تر از گناه همه قطره ز ابر رحمت تو بس است
شستن نامه سیاه همه اللهم انی اعوذ بک خدایا بدرستی
که من پناه می گیرم بتو من الفقر از احتیاج در چیزی الا الیک
مگر بسوی تو ومن الذل و زنخوار بودن برای کسی الا لک
مگر برای تو که آن عین عزت ومن الخوف و پناه می جویم به تو
از ترسیدن از چیزی الا منک مگر از تو که ترسکاری از تو ب
رستگاری مثنوی لا تخافوا مژده ترسنده است هر که می ترسد مبارک
بنده است ترسکاری رستگاری آورد هر که ورد آرد عوض درمان برد
واعوذبک ان اقول زورا و پناه می گیرم بتو از گفتن سخن دروغ
بیت دروغ ای برادر مگو زینهار دروغ آدمی را کند شرمسار

اواغشی فجورا فیلانکه آیم من بکاری بزرا او اکون بک مغرورا
یا آنکه باشم من فریب داده شده بکرم تو یعنی نفس و شیطان مرا در
امل دور و دراز انداز دو بر آوردن گناه دلیر کرد اند و با وجود دوام
معصیت آرزوی مغفرت در دل انداز دو اگرچه این ممکنست اما همچون
زهریست بامید دفع طبیعت مرا از او بزرگان فرموده اند که از مکرهای
شیطانست که توبه بنده را در تاخیر می افکند که فرصت یافت عشرت
نقد از دست مده پس باید که عاقل در دام او گرفتار نیاید و از حق
سبحانه پناه طلب نماید رباعی کار امروز بفردا مگذاری زنهار روز چون
یافته کار کن و عذر میار واعوذبک و پناه می گیرم بتو من شماتة
الاعداء از خوشی دشمنان بسبب رنجی و معصیتی بمن دقیقه سخت ترین
دشمن بنده نفس بدخوی اوست که در میان دو پهلوی اوست پس هرچه
از بنده خلاف رضای حق آید بران خوشی و خرمی نماید سه الهی بره خود
قرار ما را نه دمی با نفس من مگذار ما را وعضال الداء بضم عین و پناه

می کرم بتو از درد غمت واین مشتمل ست بیماریهای بدنی را و امراض دینی
را که اخلاق ذمیمه اند واعوذبك من خيبة الرجا و پناه می جویم بتو از نا
یافت آرزوی وزوال النعمة واز نیست شدن خیر و خوبی که از
جهت تو بمن رسیده باشد و بسبب زوال نعمت غافل بودنت از شکر
و سپاس پروردگار و خرج کردن آن نعمت را در غیر رضای آفریدگار و
فجاءة بضم فا و فتح جیم و همزه بعد الف و نیز بفتح فا
و سکون جیم و بهمزه الف و از ناگاه رسیدن النقمة عقوبت و مضرت
فائده لفظ نقمه بر سه وزن آمده نون و سکون قاف و نیز بفتح
اول و سکون دوم و نیز بفتح اول و کسر دوم اللهم صل على سيدنا محمد
وسلم عليه خدایا درود بفرست بر مهتر ما یان که محمد ست و سلام بفرست
بروی واجزه عنا و مزد و پاداش ده او را از ما یان که اهل دین
وی هستیم ماهواهله چیزی که آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم
سزاوار و لایق آنست حبيبك که دوست تست و در آخر حبیبک

وضم هر دو درست و همچنین در آخر خليلك که بعد می آید ثلثا
بگو این درود را از اللهم صل تا حبیبک سه بار فائده در مواهب آورده
که هر کسی که از هر کس عمل نیک یا از اعمال دینیه می آموزد و بآن کار می کند
پس کننده را اجر و پاداش است برابر آن و مثل آن شیخ او در است که از آن
آموخته و شیخ آن شیخ از دو مثل آن و شیخ سیوم را چهار مثل آن و شیخ
چهارم را هشت مثل آن و همچنین تا پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم اجر آن
دو چندان می شود اللهم صل على سيدنا ابراهيم وسلم عليه خدایا درود
بفرست بر مهتر ما یان که ابراهیم است و سلام بفرست بروی واجزه عنا
و پاداش ده او را از ما یان که اهل اسلامیم ماهواهله چیزی که وی علیه
السلام است سزاوار آن زیرا که او علیه السلام از پدران پیغمبر ماست صلی الله
علیه وآله وسلم خليلك که دوست تست دقیقه گفته اند که نور محبت حبیب
با نور خلت خلیل نور علی نور ست سه پدر نور و پسر نور است مشهور ه از ینجا
فهم کن نور علی نور ثلثا بگو اینها درود سه بار اللهم صل على سيدنا

محمد وعلى ال سيدنا محمد كما صليت ورحمت وباركت على
ابراهيم في العالمين انك حميد مجيد عدد خلقك و
رضاء نفسك وزنة عرشك ومداد كلماتك اللهم صل
على سيدنا محمد عدد من صلى عليه اللهم صل على سيدنا
محمد عدد من لم يصل عليه مثل این الفاظ با بیان معنی بالا مذکور
شده اللهم صل على سيدنا محمد عدد ما صلى عليه
بضم صاد و کسر لام مشدده و فتح یا خدایا درود بفرست بر سید ما یان
که محمد ست بشمار درودهای که فرستاده شده ست بر آن حضرت از تو
و از فرشتگان تو و از دیگر بندگان تو اللهم صل على سيدنا محمد
اضعاف ما صلى عليه بضم ضاد و مثل ما قبل خدایا درود بفرست بر سید ما یان که محمد ست
تو بر تو افزوده امثال درودهای که فرستاده شده ست بروی اللهم صل على
سيدنا محمد كما هو اهله خدایا درود بفرست بر مهتر ما یان که محمد ست
چنانکه وی سزاوار است آن درود را اللهم صل على سيدنا محمد كما تحب

وترضى له خدایا درود بفرست بر سید ما یان که محمد ست چنانکه دوست
داری تو از برای تو خشنود شوی برای او و مانند این در حزب اول
نیز گذشته باندک تفاوت و این جا حزب دویم تمام شد

مبداء الحزب الثالث

اللهم صل على روح سيدنا محمد في الارواح خدایا درود بفرست بر جان
پاک که محمد ست در میان جانهای برگزیدگان خود از انبیا و اولیا یعنی
خاص کن او را در اجمله بدرودی که امتیاز بخشد او را در میان آنها
و بر معنی همین قیاس معنی آنچه بعد ازین می آید وعلى جسده في الاجساد
درود بفرست بر تن پاک او در میان تنها وعلى قبره في القبور
و بر گور مبارک وی در میان گورهای خاصان خود وعلى اله وصحبه
و بر آل او و یاران او وسلم و سلام بفرست وی فائده
روایت کرده ست ابن فاکهانی کسی که بخواند این درود را هفتاد بار ببیند
پیغمبر را صلی الله علیه وآله وسلم در خواب اللهم صل على سيدنا محمد كلما

ذكره الذاكرون خدایا درود بفرست بر سید ما یان که محمد است هر گاه
که یاد کنند او را یاد کنندگان اللهم صل علی سیدنا محمد کلما غفل عن ذکره
الغافلون خدایا درود بفرست بر سید ما یان که محمد است هر گاه که
غفلت ورزند از یاد او غافلان و مراد از این همیشگی درود است زیرا که
زمانه از این هر دو خالی نیست اللهم صل وسلم خدایا درود
وسلام بفرست و در بعضی نسخ زیاده کرده و بارک علی سیدنا محمد
النبی الامی بر سید ما یان که پیغمبر است محمد صلی الله علیه
وآله وسلم پیغمبر ناخوانده و نانویسنده رباعی قلم و لوح بود کش اندر مشت
زان نقش نسوده از قلم انگشت آنکه شق قمر کند چو قلم به قلم که نبرد
دست چه غم جسم وازواجه امهات المؤمنین و بر زنان او که مادران
مسلمانان اند در حق حرمت و تعظیم وذریته واهل بیته و بر
اولاد او و اهل بیت او و تحقیق این بالا گذشته صلوة وسلاما لا
یحصی عددهما و درودی و سلامی که ضبط کرده نشود شمار آن هر دو

ولا ینقطع مددهما و بریده نشود زیادت آن هر دو اللهم
صل علی سیدنا محمد عدد ما احاط به علمك واحصاه کتابك مثل این در
حزب دوم گذشته صلوة تکون لك رضی درودی که باشد
برای تو سبب خشنودی از ما یان ولحقه اداء و باشد آن درود سبب
اداء برای حق آن پیغمبر که واجب است بر ما یان که رانیده است وی
صلی الله علیه وآله وسلم ما یان را از راندن کفر و ضلالت و رسانیده است
بگلشن ایمان و هدایت و می رهاند در آخرت از آتش دوزخ بشفاعت
و می رساند بگلزار جنت پس ادای حق او نمی شود مگر بدرودی که صادر
شود با خلاص و شوق محبت واعطه الوسیلة و بده او را
منزلی بلند و بزرگ در بهشت که نام او وسیله است والفضیلة والدرجة
الرفیعة و بده او را بزرگی و پایه بلند نزد خود وابعثه المقام
المحمود الذی وعدته و برانگیز او را خدایا در مقامی که ستوده شود صاحب
آن بزبان همه کس آن مقامی که وعده کرده تو او را واجزه عنا

ماهو اهله و پاداش ده او را از ما یان جزای که وی صلی الله علیه
وآله وسلم سزاوار و لایق آنست و معنی اکثر این الفاظ بالا به تفصیل
گذشته وعلی جمیع اخوانه من النبیین والصدیقین و درود
بفرست بر برادران آن وی که پیغمبر انند و راستکاران در ظاهر
و باطن و با حق و با خلق والشهداء و کشتگان در راه حق
والصالحین و نیکوکاران که همه قول و فعل ایشان موافق
فرموده خدا و رسول است اللهم صل علی سیدنا محمد در بعضی نسخ لفظ
سیدنا ساقط شده و در بعضی نسخ وعلی آل محمد زیاده نموده وانزله
المنزل بضم میم و بفتح میم و کسر زاء و فرود آر محمد را صلی الله
علیه وآله وسلم در جای فرود آمدن المقرب بفتح راء مشدده که نزدیک
کرده شده است بتو اکنا یعنی صاحب اکنا یوم القیمة در روز قیامت
یعنی فرود آر او را در آنجا در آن روز فائده در تفسیر حسینی از ابیاب
نقل کرده که فرموده پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که نزدیک گردانید مرا خدای تعالی

و بنشاند با خود بر عرش و حق تعالی از نشستن پاکست و انجام مراد و مقصود از نشاندن
آن حضرت با خود تکریم و تعظیم آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم
تنبیه در حدیث آمده کسی که بگوید این کلمات از اللهم تا یوم القیمة
واجب شود برای او شفاعت من اللهم صل علی سیدنا محمد اللهم
توجه بفتح تاء و کسر واو مشدده و سکون جیم خدایا بپوشان
او را تاج و زینت بخش او بتاج العز والرضی والکرامة تاج
ارجمندی و خشنودی و بزرگی یعنی باشد این همه برای او همچون تاج
پادشاهان که بر سر می گذارند برای حسن و خوبی اللهم اعط لسیدنا محمد
افضل ما سئلك لنفسه خدایا بده مر مهتر و بهتر ما یان زیرا که محمد است بر بزرگترین
چیزی که سوال کرده است تر از آن چیز برای ذات خود واعط لسیدنا محمد افضل
ما سئلك له احد من خلقك و بده مر سید ما یان زیرا که محمد است بزرگترین
چیزی که سوال کرده است ترا در زمان گذشته یکی از آفریدگان تو واعط لسیدنا
محمد افضل ما انت مسئول له الی یوم القیمة و بده مر سید ما یان زیرا که محمد است

بزرگترین چیزی که سوال کرده شده تو را برای او از این زمانه تا روز قیامت
و ذکر کرده شده است این دعا در شفا از وهیب بن الورد که می خواند
او این را و گفته اند که او از ابدال بود رحمه الله علیه اللهم صل علی سیدنا محمد
وآدم ونوح وابراهیم وموسی وعیسی خدایا درود بفرست برای
پیغمبران و سوای از آدم علیهم السلام این پنج پیغمبران علیهم الصلوة
اولوا العزم اند که بعد از داود کتاب ایشان امر کرده شده اند بقتال
وجهاد با کافران و از برای همین خاص کرده ایشان را بذکر وما بینهم
من النبیین والمرسلین ودرود بفرست بر کسانیکه بودند در میان
آن پیغمبران مذکور از پیغمبران که رساننده همه احکام تو بودند
وپیغمبران که صاحب کتاب و صاحب معجزه بودند و در حدیث شریف آمده که
همه انبیاء علیهم السلام یک لک و بیست و چهار هزار بودند و از آن جمله سه
صد و سیزده رسول بودند و فرق در میان نبی و رسول در شرح اسماء
شریف مذکور شده اما باید که در حق ایمان آوردن یقین بعدد نباید کرد

بلکه باید گفت که ایمان آوردم من بهمه انبیاء و پیغمبران الهی که همه برحق اند
وافضل واشرف همه محمد است صلی الله علیه واله وسلم صلوات الله
وسلامه علیهم اجمعین درودهای خدا و سلام بر اینها باد بر همه انبیاء
ثلثا بگو این درود را سه بار و سید محمد مهدی قدس سره در مطالع
المسرات نقل کرده که هر که بخواند این درود را سه بار گویا همه کتاب را ختم
کرده اللهم صل علی ابینا ادم خدایا درود بفرست بر پدر ما یان که
آدم است وامنا حواء بهمزه بعد الف و بر مادر ما یان که نام وی حوا است
و پیدا کرده شده از استخوان پهلوی چپ آدم صلوة ملئکتک
مانند درودی که می فرستی تو بر فرشتگان واعطهما من الرضوان حتی
ترضیهما بضم تاء و کسر ضاد و بده آن هر دو را از خشنودی تا آنکه خشنود گردانی
آن هر دو را واجزهما اللهم و پاداش ده آن هر دو را خدایا ما جازیت
به اباوا ماعن ولدیهما چنانچه پاداش داده هر پدر و مادری را
از دو پسر آن هر دو یعنی پدری را از پسرش و مادری را از پسرش اللهم

صل علی سیدنا جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل خدایا
درود بفرست بر این چهار فرشته که نزدیکان درگاه تو اند از روی بزرگی
مشهوری از ملائک چهار مشهورند که باسمای خویش مذکورند وحی
تنزیل کار جبرئیل است نفخ در صور از اسرافیل است کافل رزقهات میکائیل است
قابض روحهات عزرائیل وحملة العرش بفتح حاء و میم و بر فرشتگان
که بردارندگان عرش اند فائده در حدیث آمده که امروز بردارندگان
عرش چهار اند و بروز قیامت هشت باشند و در مدارک آورده است که
هشت صفوف یا هشت اصناف باشند وعلی الملئکة و بر همه فرشتگان
والمقربین وخصوصا بر نزدیکان بارگاه تو وعلی جمیع الانبیاء و بر همه پیغامبران خدای
والمرسلین وخصوصا بر پیغمبران اهل کتاب صلوات الله وسلامه
علیهم اجمعین درودهای خدای و سلام او باد بر آنها ثلثا بگو این
درود را سه بار و در بعض نسخ ثلثا نیامده اللهم صل علی سیدنا محمد عدد
ماعلمت خدایا درود بفرست بر مهتر ما یان که محمد است بشمار چیزی که دانسته
تو آن را وملاء ابوزن فعل بکسر میم و یری ماعلمت

چیزیکه دانسته تو آن را وزنة ماعلمت و بوزن چیزیکه دانسته
تو آن را ومداد کلماتك و باندازه سخنان خود اللهم صل علی
سیدنا محمد خدایا درود بفرست بر سید ما یان که محمد است صلوة
موصولة بالمزید درودی که پیوسته باشد با فزونی اللهم صل علی سیدنا
محمد صلوة لاتنقطع ابد الابد درودی که بریده نشود آمدن آن از تو تا آخر
زمان و در بعض نسخ آمده ابد الاباد بالف بعد از باء ولاتبید
و فانی نشود نابود نگردد اللهم صل علی سیدنا محمد صلاتك
التی صلیت علیه خدایا درود بفرست بر سید ما یان که محمد است مانند
درودی که فرستاده آن درود را بروی وظاهر است که وی سبحانه وتعالی
درودی که بر محبوب خود فرستاده باشد خوبتر و نیکوتر خواهد بود
و بنابر آن مثل آن طلب کرد آن درود وسلم علی سیدنا محمد
سلامك الذی سلمت علیه وسلام فرست بر سید ما یان که محمد است مانند
سلامی که فرستاده تو بروی واجزه عنا ما هو اهله و پاداش ده او را از

ما این جهیبر نکه وی صلی الله علیه و آله وسلم سزاوار آن چیز است اللهم
صل علی سیدنا محمد صلاة ترضیك وترضیه وترضی بها عنا
بیان این الفاظ در حزب دوم گذشته واجزه عنا ما هو اهله معنی این
الفاظ قریب گذشته اللهم صل علی سیدنا محمد بحر انوارك
ومعدن اسرارك ولسان حجتك وعروس مملكتك و
امام حضرتك معنی این در الفاظ در حزب دوم مذکور شده فائده
سید مهدی قدس سره در مطالع المسرات آورده که این درود از اللهم
صل علی سیدنا محمد بحر انوارک تا قول او و یا رب العالمین یافته شده که نوشته
بر بعضی سنگها بخط قدرت ذکر کرده اند بعضی از اولیاء که ثواب این
برابر ثواب چهارده هزار درود است وطراز ملکك وآن محمد که زینت
و آرایش آفرینش است طراز بکسر طاء در اصل بمعنی نقش و نگار و علم
جامه است پس چنانکه حسن و خوبی جامه بطراز می باشد همچنین زیب و آرایش
تمام ملک خدای بذات پاک محمد صلی الله علیه و آله وسلم حاصل شده رباعی

حسن که تراست هم تو داری ٭ آرایش روی روزگاری ٭ خوبان جهان
پیاده بیش ٭ ای سرو روان تو شهسواری وخزائن رحمتك وگنجهای
بخشش است یعنی هر بخششی که از خدای تعالی بهر افزنده که می رسد بواسطه
آن حضرت می رسد و مرجع و مآب همه رحمتهای ذات پاک اوست صلی الله
علیه و آله وسلم وطریق شریعتك وراه دین است یعنی رساننده بندگان
ترا بدین تو زیرا که دین عبارت از احکام الهی است و آنهمه به بیان آن حضرت
صلی الله علیه و آله وسلم معلوم شده المتلذذ بتوحیدك ولذت یابنده است
بتوحید تو فائده بدانکه توحید شناختن خداست بآنکه واحد و یکتاست
واین اگر از جهت پیغمبر بود مسما باین سمات واین گاهی بتقلید
باشد چنانکه کودکی بعقل و تمیز رسیده و از پدر و استاد شنید که الله
موجودست موصوف بهمه صفات و بی شریک و بی مثالست و محمد صلی الله
علیه و آله وسلم پیغمبر خداست فرستاده شد بدین راست پس چنانکه از آنها
شنید بصدق جان با آن گروید و این ایمان عوام است و صاحب آن از

اهل اسلامست و دیگر توحید علمیست یعنی شناختن خدا بآنکه واحدست
ویکتا باستدلال آیه کریمه لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا واین قول
اقوی از تقلید مسطورست وحاصل معنی آن درین نظم مذکورست
نظم گر خدا بودی از یکی افزون ٭ کی بماندی جهان بدین قانون ٭ در در
فیض وجود بسته شدی ٭ تار و پود بقا گسسته شدی ٭ داند آنکس ز عقل
باشد بهر ٭ که دو شه را چو جا بود یک شهر ٭ سلک جمعیت از نظام افتد ٭
رخنه در کار خاص و عام افتد ٭ و دیگر توحید حالیست واین مرتبه عالیست
واین مرتبه فناست و درین مرتبه موحد وجود نابود خود را در بحر شهود
واحد چنان غرق نماید که جز از جلوه ذات و صفاتش در نظر شهود
او نیاید پس هر که مخمور باین شرابست بقدر مرتبه خود لذت یابست رباعی
خواهی که ز توحید دلت گردد شاد ٭ باید که شوی ز بند هستی آزاد ٭
هر چند که جان آشنائی در باید ٭ تا محو نشد گره ز کارش نگشاد دقیقه
در نفحات مذکورست که استغراق آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم در حالت

فنا قوی تر از همه انبیا و اولیا بوده از اینجاست که حق تعالی فعل او
را به خود نسبت کرد که گفت وما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی آن مشت
خاک بر روی دشمن تو نه انداختی و بلکه خدای انداخته و هم ازان جنس
فعل از داود علیه السلام آمده و فرمود وقتل داود جالوت مثنوی
ما رمیت اذ رمیت گفت حق ٭ کار حق بر کارها دارد سبق ٭ گر بپرانیم
تیر آن نی ز ماست ٭ ما کمان و تیر اندازش خداست ٭ تا نشد مغلوب
کس این سر نیافت ٭ گر تو خواهی آن طرف باید شتافت انسان عین
الوجود مردمک چشم وجود عالم یعنی چنانکه روشنی و خوبی چشم بمردمکست
و بی آن تن آدمی مانند دیوارست همچنان حسن و جمال عالم بذات سید الابرارست
صلی الله علیه و آله وسلم رباعی محمد کیست جان را قرة العین ٭ کمان ابروی
بزم قاب قوسین ٭ دو چشم روشن ارباب بینش ٭ گل بستان سرای
آفرینش والسبب فی کل موجود و واسطه و سبب بودن هر آفرینش یعنی اگر ذات
پاک وی نبودی حق تعالی چیزی را پیدا نکردی نظم هفت و نه و چار که برافراختند

خاصی بی قوکب وی سخنه او سته وآدمیان جمله جنس اصل وی وجمله
عالم طفیل عین اعیان خلقك چشم بزرگان ونیکوان آفرینش تو
یعنی حسن وخوبی پیغمبران وفرشتگان که نزدیکان درگاه الهی اند المقدم
من نور ضیائك اول از همه ظاهر شده از نور روشنی تجلی ذات
ودر بعضی نسخ المتقدح آمده بحاء مهمله بجای میم یعنی اول از همه برآمده
از نور تو که نوریست قوی صلاة تدوم بدوامك ودرود بفرست
بروی ودرود فرستادنی که همیشه باشد بهمیشگی تو وتبقی ببقائك
وپاینده بود بپایندگی تو لامنتهی لها نیست آخر آن درود را دون
علمك بجز علم تو صلوة ترضیك وترضیه درودی که خشنود کرداند ترا
وخشنود کرداند آن محمد را صلی الله علیه وآله وسلم وترضی بها عنا وخشنود
شوی تو بسبب آن درود از ما یان یا رب العالمین ای پروردگار عالمیان و
مثل این در حزب دویم نیز گذشته اللهم صل علی سیدنا محمد عدد ما فی علم الله
خدایا درود بفرست بر بهتر ما یان که محمد است بشمار چیزی که ثابت است در علم

خدا تعالی فائده درین کلام از خطاب بسوی اسم ظاهر عدول نموده
این را در علم بلاغت التفات گویند صلوة دائمة بدوام ملك
الله درودی که همیشه بود بهمیشگی آفرینش خدای سبحانه اللهم صل علی سیدنا
محمد ودر بعضی نسخه بعد ازین زیاده آمده وعلی آل سیدنا محمد
کما صلیت علی سیدنا ابراهیم وبارك علی سیدنا محمد
وعلی آل سیدنا محمد کما بارکت علی ابراهیم در بعضی نسخه
علی ابراهیم بی لفظ آل آمده فی العالمین انك حمید مجید عدد خلقك
ورضی نفسك وزنة عرشك ومداد کلماتك ومعنی این مکرر گذشته
وعدد ما ذکرك به خلقك ودرود بفرست بر او بشمار چیزی
یعنی الفاظی که یاد کردند آن آفریدگان تو بدان فیما مضی در چیزی
که گذشته است از زمانه وعدد ما هم ذاکرونك به وبشمار چیزی
که آن آفریدگان یاد می کنند فیما بقی در چیزی که باقی مانده است زمانه
یعنی حال واستقبال فائده یبقی در اصل بکسر قاف وفتح یاء است وجایز است

بفتح قاف وبدل یاء بالف بلغت طی واین مناسب است اینجا برای رعایت
فقره فی کل سنة بفرست درود بعدد مذکور در هر سال وشهر
ودر هر ماه وجمعة بضم جیم ومیم وبسکون میم نیز ودر هر هفته از
روز آدینه تا آدینه دیگر ویوم ولیلة ودر هر روز وهر شب وساعة
من الساعات ودر هر ساعتی از ساعتهای روز وشب وروز وشب بیست وچهار ساعت می
شود وچون آفتاب در حمل می آید دوازده ساعت روزی شود ودوازده
ساعت شب وهمچنین بعد از شش ماه چون آفتاب در برج میزان
می آید وکوتاه ترین روزهای زمستان نه ساعت می شود وشب پانزده ساعت
ودر تابستان بعکس این ونسم وهر جزوی از زمانه بمقدار رسیدن بوی
بدماغ ونفس بفتح نون وفاء ودر هر دم زدن وگفته اند که تمام شب
وروز را بیست وچهار هزار دم آدمی می شود وطرفة بفتح طاء در هر چشم
زدن وگویند که آدمی در شب وروز چهل وهشت هزار بار چشم می زند
ولمحة بفتح لام ومقدار اندک نظر کردنی من الابد الی الابد یعنی این سال

وماه ودیگر آنچه که با نهاند گورشد از ابتدای زمانه دراز باشد تا آخر زمانه دراز
وآباد الدنیا ودر زمانهای دراز دنیا وآباد الآخرة ودر زمانهای
دراز آخرت ودر دال آباد کسره وفتح هر دو درست واکثر من ذلك
بفتح راء ودرود بفرست زیاده از آنچه که ذکر کردیم لا ینقطع اوله
بریده نشود اول آن بشمار یعنی پی در پی آمده باشد ولا ینفد بفتح
فاء وآخر آن دال مهمله وفانی ونابود نشود آخره پایان آن شمار
اللهم صل علی سیدنا محمد علی قدر حبك فیه بسکون دال
وفتح آن خدایا درود بفرست بر سید ما یان که محمد است بر اندازه دوستی تو در حق
وی اللهم صل علی سیدنا محمد علی قدر عنایتك به
بر اندازه توجه تو که بسوی اوست باکرام وانعام اللهم صل علی سیدنا محمد
حق قدره لائق مرتبه ومنزلت تو ومقداره ومناسب بزرگی شان او
اللهم صل علی سیدنا محمد خدایا درود بفرست بر مهتر وبهتر ما یان که محمد است
صلوة تنجینا بها درودی که خلاص گردانی وبرهانی ما یان را به سبب آن

من جمیع الاهوال از همه ترسها یعنی بلاها دنیا و آخرت که از آن باید ترسید
والافات و از همه آفتها یعنی مصیبتی که به سبب آن نقصان در دین یا
دنیا پدید آید و رسیدن آن مضطرب و ناشکیبا نماید وتقضي لنا و
روان گردانی برای ما یان بها به سبب آن درود جمیع الحاجات
همه حاجتهای دینیه و دنیویه و آخرویه وتطهرنا بها و پاک گردانی
ما یان را به سبب آن درود من جمیع السیات از همه گناهان خورد
و بزرگ در ظاهر و باطن وترفعنا بها و بلند گردانی ما یان را به سبب
آن درود اعلی الدرجات پایهای برتر و در بعضی نسخه آمده عندک اعلی
الدرجات نزد خود وتبلغنا بها و برسانی ما یان را به سبب آن درود
اقصی پایان ترین الغایات نهایتها را من جمیع الخیرات از همه
خوبیهای و نیکوییهای ظاهری و باطنی فی الحیوة در زندگانی دنیا
وبعد المماة و پس از مردن در مدت بودن در گور و پس از آن فائدة
در روضة الاحباب آورده که بعضی از سلف گفته که در دریا جمعی در کشتی بودیم

بادی برخواست که از اقلابیه گویند و ملاحان می گفتند کم کسی از این
باد خلاصی می یابد اهل کشتی بیقرار شدند بمرتبه که از ترس غرق خروش
برآوردند و یکدیگر را وداع می کردند ناگاه غنودگی بر من غلبه کرد و چشم
گرم شد پیغمبر را صلی الله علیه و آله و سلم دیدم که می فرمود با اهل کشتی
بگو تا هزار بار این درود بر من فرستند اللهم صل علی سیدنا محمد و علی آل
سیدنا محمد صلوة تنجینا بها تا قول او وبعد الممات بیدار شدم و اهل کشتی
را از واقعه خویش خبردار کردم همه بگفتن درود مذکور مشغول شدند
هنوز سیصد بار تمام نشده بود که باد تسکین یافت و خلاص شدیم و گفتند
که در هر مهمی و مطلبی که کسی این درود را وسیله آرد حق تعالی آن را بر او
آسان کند و در هر اندوهی که کسی باین پناه جوید خدا تعالی آن اندوه
را دفع گرداند و عدد در کمتر در خواندن این درود برای برآمدن حاجت
و اکثر یک هزار اللهم صل علی سیدنا محمد صلاة الرضی خدایا درود بزرگ
بر سید ما یان که محمد است درودی که خشنودی تو بود یا سبب خشنودی آنحضرت بود

صلی الله علیه و آله و سلم وارض عن اصحابه و خشنود باش از یاران او
رضاء الرضی خشنودی که پدید آید از و خشنودی دیگر اللهم صل علی سیدنا
محمد ن خدایا درود بزرگ به سید ما یان که محمد است السابق للخلق
نوره آن محمد که پیش بوده است بر همه آفریدگان را نور او در آفرینش
و اگر نور او نبودی هیچ موجود از تاریکی عدم ظهور ننمودی فائدة
این درود است که عارف ربانی سید عبد القادر جیلانی رحمه الله علیه حزب
خود را باین ختم کرده و در مطالع المسرات از بعضی اکابر اولیا آورده
که هر که بخواند این درود را ده بار صبح و شام لازم می گرداند خشنودی
خدا تعالی را برای خود و فرود می آید بر او رحمت پیوسته و بی اندازه و
نگاه دارد او را حق تعالی از هر بدی و آسان می کند بر او هر مشکل ورحمة
للعالمین ظهوره و بخشش خداست بر عالمیان پیدا شدن ذات مبارک
او و دیگر معنی این اسما شریف باید دید عدد من مضی من خلقك
درود بزرگ بشمار کسی که گذشت از آفریدگان تو ومن بقي و شمار

کسی که باقی مانده است ومن سعد منهم و بشمار کسی که نیکبخت شده است از آن
آفریدگان ومن شقي و کسی که بدبخت شده است مراد شمار همه آفریدگان است
زیرا که آفریدگان هیچ از این دو قسم خالی نیست فائده جایز است در بقي و شقي
کسر قاف و فتح یاء و سکون یاء نیز و فتح قاف و بدل یاء با الف چنانکه
بالا ذکر شده صلوة تستغرق العد درودی که گرد آرد آن درود شامل باشد
همه مراتب شمار را تا آنکه هیچ فردی از شمار از شمول او بیرون نرود
وتحیط بالحد و فرا رسیدن آن درود پایان حسن و خوبی را که زیاده
از آن در وهم و خیال نگنجد صلوة لاغاية لها درودی که نهایت آخر
مر او را ولا منتهى و نه پایان ولا انقضاء و تمام بودن صلوة دائمة
بدوامك درودی که همیشه باشد بهمیشگی تو و در بعضی نسخه بعد این
آمده و باقیه ببقائک الی یوم الدین وعلى اله وصحبه و درود بزرگ
بر آل او و یاران او وسلم بکسر لام مشدده و سلام بفرست بر او و بر
اولاد او و اصحاب او تسليما سلام فرستادنی بلطف مثل ذلك فاسئلک

كه نام او كور شده بود و دلها باين عدد و غيره اللهم صل على سيدنا محمد ن
الذي ملأت قلبه من جلالك آن محمد كه پر كرده تو دل او از هيبت
بزرگی خود وعينه من جمالك و پر كرده تو ديده دل او را هميشه بمشاهده
حسن و خوبی خود چشم سر او را وقتی كه بر داشتی پرده حجاب را از ما بين مقام
قاب قوسين پس ديد ترا بيچون و بيچگون فرد كلامی سرمدی بی نقل شنيد
خداوند جهان را بی جهت ديد دقيقه بدانكه صفات حق كه در وی آثار لطف
رحمت آن را جمال خوانند و آنكه در وی معنی قهر و جبر باشد آن را جلال
نامند و در بعضی پيغمبران عليهم السلام مظهر جلال بود چنانچه نوح و موسی
عليهما السلام كه خشم ايشان مشهور است و بعضی مظهر جمال بودند چنانچه
ابراهيم و عيسی عليهما السلام كه حلم ايشان معروف است و پيغمبر ما صلى الله
عليه وآله وسلم جامع بود هر دو جهت را چنانچه از كتب سير معلوم می شود
نظم سروری انبيا رسول گزين مهر عزت نهاده بر در دين ذات او
مظهر صفات كمال متجلی در او جمال و جلال فاصبح فرحا بفتح فا

وكر

وكسر را و پس شادان مويدا قوت داده شده بنصعود را يارى
داده شده وعلى آله وصحبه وسلم تسليما مانند اين نزديك گذشته والحمد لله
ستايش كرشايد ثابت مر خدا را على ذلك براين انعام واكرام كه فرمود
در حق پيغمبر ما صلى الله عليه وآله وسلم اللهم صل على سيدنا و
مولنا محمد عدد اوراق الزيتون خدايا درود بفرست بر مهتر ما يان
و مالك ما يان كه محمد است بشمار برگهاء درخت زيتون و خاص كردن اين
را بذكر از ميان درختان زيرا كه آن درخت مبارك است و مذكور است
در قرآن حديث و گفته است در مطالع المسرات كه نوشته شده بر برگ زيتون
نام خدا تعالى كه اسم اعظم است وعلى جميع الثمار و بشمار همه بارها از درختان
دشتی و باغی اللهم صل على سيدنا ومولنا محمد عدد ما
كان بشمار چيزی كه پيدا شده در زمانه گذشته وما يكون و
بشمار چيزيكه پيدا می شود و خواهد شد در زمان حال و آينده وعدد ما
اظلم عليه الليل و بشمار چيزيكه تاريك شده است بر آن شب واضاء

عليه النهار و روشن شد بر آن روز اللهم صل على سيدنا
ومولنا محمد وعلى آله وازواجه وذريته معنى اين الفاظ
مكرر مذكور شده عدد انفاس امته بشمار دمهای گروه دين او از مردان
و زنان و خوردان و كلان اللهم ببركته الصلوة عليه خدايا بيمن درود
گفتن بروی اجعلنا گردان ما يان را بالصلوة عليه من
الفائزين و بدرود فرستادن بروی از رستگاران و رسندگان بمطلوب
دينی و دنيوی و يابندگان ثواب عظيم وعلى حوضه من الواردين و گردان
ما يان را از فرود آيندگان بحوض او الشاربين از نوشندگان آب از حوض و يان
حوض در خبر اول مذكور شد وبسنته وطاعته من العاملين و گردان
ما يان را از كار كنندگان طريقه او و بفرمان برداری او ولا تحل
و مكن حجاب و پرده بيننا وبينه در ميان ما يان و در ميان
آن حضرت صلى الله عليه وآله وسلم يوم القيمة در روز قيامت
يا رب العالمين ای پروردگار همه آفريدگان تنبيه بدانكه

مخا

مخالفت سنت وی صلى الله عليه وآله وسلم و نافرمانی او تا بع بزرگ است
از بهره ور بودن و ديدار فرحت آثار او و دخل بطريقه وی صلى الله عليه و
آله وسلم بمحبت و اخلاص وسيله قويست برای حصول سعادت بقا
راحت افزاء او قطعه ميان بخدمت شرع تو بجان و دل بربند بد و لیتش
مگر ارزو رخصت نجات بود چو مقتدای بهشت و شفيع محشر اوست اگر بر
صدق نبايی چگونه جات بود فاغفر لنا پس بيامرز ما يان را و
لوالدينا و بيامرز پدران و مادران ما يان را ولجميع المسلمين
و مر همه مسلمانان را الحمد لله ستايش كرشايد و ثنای كه سزد مر
خدای راست رب العالمين به پرورنده و نگاه دارنده همه آفريدگان است
و از فضل كيفيت صلوة تا اين جا بفضل الهی ثلث اول تمام شد
كمل الثلث الاول بعون الله تعالى
مبدء الثلث الثاني
اللهم صل وسلم وبارك على سيدنا محمد وعلى آل سيدنا

محمد معنی این الفاظ مکرر معلوم شده اکرم خلقك
آن محمد که بزرگوارترین آفریدگان تست از پیغمبران و فرشتگان
و سائر مقربان درگاه تو وسراج افقك وچراغ همه اطراف
وکرانهای آسمان و زمین است و وجه مشابهت آن حضرت صلی الله
علیه واله وسلم بچراغ در شرح اسماء شریف بتفصیل گذشته
وافضل قائم بحقك وبزرگترین از هرکه ایستاده است باداء
حق تو یعنی آنچه واجب است برای تو بر بندگان و آنها برای اداء آن بپا
ایستاده اند آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بزرگترین آنهمه است المبعوث
برانگیخته شده است برائی ارشاد خلق بتیسیرك باسان ساختن
تو سبب وی صلی الله علیه وآله وسلم سختیهارا بر امت وی از آنچه که واجب
بود بر امتان دیگر ورفقك وبرانگیخته شده بلطف تو صلوة یتوالی
تکرارها بفرست درودی که پیوسته وپی در پی باشد تکرار آن
یعنی آمدن یکی پس از دیگری پی در پی بی درنگ وتاخیر در میان آن وتلوح

علی الاکوان انوارها وروشن وتابان شود بر همه آفرینش روشنیهای
آن درود تا آنکه تاریکی رنج وملال وظلمت کفر وضلال از عرصه عالم برکت
آن زائل شود اللهم صل وسلم وبارك علی سیدنا محمد
وعلی ال سیدنا محمد افضل ممدوح بقولك آن محمد که بزرگترست
از هرکه ستوده شد بکلام تو در قرآن ودر کتب پیغمبران دیگر یعنی خدای تعالی
ستوده است پیغمبران را و فرشتگان را و نیکوکاران را از مقربان
خود در کلام خود وشک نیست که پیغمبر ما صلی الله علیه وآله وسلم بزرگترین
آن همه است آنچه که حق تعالی حبیب خود را بدان ستوده و در کلام خود بروی
مدح وثنا فرموده از حد تقریر بیرون است واز احاطه شمار افزونست
واز احاطه شمار افزون بیت خلق از بیان وصف تو کردن مقصرات
پروردگار خلق بداند کمال تو اشرف داع للاعتصام بحبلك
وبزرگتر از همه خواننده مردمان برای چنگ زدن بدین تو
که مانند رسنی استوار است که هرکه بدان چنگ زند از ظلمت چاه کفر

وجهالت وا رهد و خوانندگان برای چنگ زدن بدین پیغمبرانند
وظاهرست که پیغمبر ما صلی الله علیه وآله وسلم بزرگترین آن همه است وخطه
داخل اندر دعوت او جن وانس تا قیامت امتش هر نوع وجنس
اوست سلطان وطفیل او همه او شاهنشاه وخیل او همه وخاتم
انبیائك ورسلك معنی این در اسماء شریفه باید دید صلوة
تبلغنا بفرست درودی که برسانند آن درود ما را فی
الدارین در هر دو جهان عمیم فضلك بافزونی بخشش تو
که شاملترست همکس را ودر بعضی نسخ آمده تبلغنا بها یعنی برسانی تو ما را
بسبب آن درود وکرامة رضوانك وبرساند آن درود ما را بزرگی
خشنودی ترا که خشنودی تو سرمایه عاشقانست ودیگر همه بزرگیها در نظر شان
کمتر از آن ووصالك وبرساند آن درود ما را بزرگی وصل تو دقیقه
وصل در لغت بمعنی پیوند و پیوستن است ونزد صوفیه فانی ونابود ساختن
بنده اوصاف خود را در اوصاف حق بیت بمیر از خود بیابی تا رهایی که پیوند

تو آمد این جدائی اللهم صل وسلم وبارك علی سیدنا محمد
وعلی ال سیدنا محمد اکرم الکرماء بضم کاف وفتح
راء آن محمد که بزرگترین همه بزرگانست من عبادك از بزرگان
که از بندگان تو اند از پیغمبران و فرشتگان که مقربان تو اند واشرف
المنادین بضم میم وکسر دال مهمله ونون بعد از یاء بزرگترین
خوانندگان وندا کنندگان مردم لطرق بضم طاء وراء وبسکون
راء نیز برای راههای رشادك بفتح راء رهنمای وهدایت تو وآن
خوانندگان پیغمبرانند وآن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بزرگترین آن
همه است وآنچه در لفظ منادین در بعضی نسخه اختلاف که در شرح عربی نوشته شده
وسراج اقطارك وآن محمد صلی الله علیه وآله وسلم که چراغ کنارهای
زمین تست وبلادك وچراغ شهرهای تست که نور دین او کرد اگرد
زمین فرا رسیده وبنور هدایت آنرا روشن ساخته وتاریکی کفر وجهالت را
از آن برداشته صلاة لا تفنی بفتح تاء ونون درودی که فانی ونابود

نشود ولا تبيد وليس نبايد ونيست نشود يعني هميشه ماند تبلغنا
بها درودي كه برساني تو مايان را به سبب آن درود كرامة
المزيد بزرگي زيادت وافزوني عطاي خود كه وعده فرموده تو
بقول خود للذين احسنوا الحسنى وزياده يعني مر آنان را كه نيكويي كرده اند
يعني ايمان آورده اند پاداش نيكويي ست يعني بهشت وافزوني از
پاداش كه بطريق تفضيل كرامت فرمايد وآن لقاء پروردگارست كه
بمحض كرم خود بهشتيان را بدان مشرف گرداند اللهم صل وسلم وبارك
على سيدنا محمد وعلى ال سيدنا محمد الرفيع مقامه
آن محمد صلى الله عليه وآله وسلم كه بلندست جاي استادن او نزد تو از
روي مرتبه وبزرگي الواجب تعظيمه آن محمد كه لازمست بر همه
آفريدگان بزرگ داشتن او را واحترامه ولازمست نگاه داشتن
بزرگي او بهمه وجوه وحق تعالى براي تعظيم آن حضرت صلى الله عليه وآله وسلم
چند جاي در قرآن امر فرموده بسبب ترك تعظيم وي صلى الله عليه وآله وسلم
كز

كفرست العياذ بالله صلوة لا تنقطع ابدا درودي كه بريده
نشود هرگز بلكه هميشه باشنده بود ولا تفنى سرمدا بفتح سين وبس
نيابد ونابود نشود زهميشه ولا تحصر عددا ودر قيد شمار نيايد آن درود از روي
مراتب شمار اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت
على ابراهيم وعلى ال ابراهيم انك حميد مجيد وصل
اللهم على محمد وعلى ال محمد كلما ذكره الذاكرون
وغفل عن ذكره الغافلون اللهم صل على محمد
وعلى ال محمد وارحم محمدا وال محمد وبارك على محمد
وعلى ال محمد كما صليت ورحمت وباركت على ابراهيم
وعلى ال ابراهيم انك حميد مجيد معنى اين الفاظ در حزب
اول ودويم چند جاي مذكور شده اللهم صل على سيدنا محمد
النبي الامي الطاهر المطهر معنى اين هم در اسماء شريف
بايد ديد وعلى آله ودرود بفرست بر آل وي وسلم وسلام

بفرست بروي وبر آل وي اللهم صل على من ختمت به الرسالة
خدايا درود بفرست بر كسي كه آخر كردي تو بوي پيغمبري را كه وي
صلى الله عليه وآله وسلم جامع بود كمالات همه پيغمبران را پس بعد از
وي احتياج به پيغمبر ديگر نماند فرد جانان تو يگانه ولي ذات تو
نوميست مجموعه آثار كمالات همه وايدته بالنصر وقوت داده تو او را
بياري دادن تو مر او را بر دشمنان او والكوثر وبدادن
حوض كوثر وبيان آن در حزب اول گذشته والشفاعة وبقبول
كردن شفاعت او ومعنى آن با بيان اقسام در فضايل صلوة مذكور
شده اللهم صل على سيدنا ومولنا محمد نبي الحكم
بضم حاء آن محمد كه پيغمبر صاحب حكومتست كه جاري كرده تو حكم او را
بر بندگان خود والحكمة وپيغمبر صاحب حكمتست وآن فهم
معاني قرآنست وبيان آنچه درويست از امر ونهي وحلال وحرام
وبا قوال راست وبي خطا وفعل كامل وبي نقصان ويا شناخت
توحيد

توحيد ونفي شرك السراج الوهاج چراغيست افروخته وتابان
ووجه مناسبت آن در اسماء شريفه مذكور شده المخصوص بالخلق العظيم
خاص كرده شده بخوي بزرگ كه بخوبي آنكس را نبود چه از قوم خود تحمل ايذاء
نموده بروجهي كه كسي را قوة تحمل آن نبود واز عائشه رضي الله عنها پرسيدند
كه چه بود خلق آن حضرت صلى الله عليه وآله وسلم گفت كان خلقه
القرآن يعني بود خلق وي آنچه در قرآنست نظم بود هم بحر مكرمت
هم كان كوهرش كان خلقه القرآن وصف خلق كسي كه قرآنست
خلق را نعت او چه امكان است وختم الرسل وخاص كرده شده به
آخر كردن در رسالت پيغمبران كه بعد وي پيغمبري نيست ذي المعراج
آن محمد صلى الله عليه وآله وسلم كه صاحب معراجست وقصه آن در اسماء
شريف مذكور شده وعلى اله واصحابه واتباعه ودرود بفرست
بر آل وي وياران وي وپيروان وي السالكين على منهجه
بفتح ميم وهاء كه روندگان اند براه روشن وفراخ وي صلى الله عليه وآله وسلم

القویم چنین راهی که راست بهیچ وجه در وی کجی نیست وآن راه
شریعت وطریقت یعنی اقوال وافعال آن حضرت صلی الله علیه وآله
وسلم هرکه بران سیر کند به منزل حقیقت رسد وانجا بانوار احوال واسرار
سید الابرار صلی الله علیه وآله وسلم متجلی شود فاعظم بفتح همزه وکسر ظا
وسکون میم پس چه بزرگست واین سخن از راه تعجب است اللهم خدایا
به آن راه روشن منهاج بکسر میم یعنی راه روشن نجوم
الاسلام ستارگان دین مسلمانی ومصابیح الظلام وچراغهای تاریکی
شبها المهتدی بهم بفتح دال که راه یافته شده است بسبب آنها
فی ظلمة لیل الشك در تاریکی شب گمان یعنی تردد دل در امور دینیه
الداج یعنی شبی که سخت تاریکست یعنی چنانچه رونده شب تاریک
راه گم می کند وحیران وپریشان می شود بستاره تابان وچراغ روشن راه
می یابد وآرام دل حاصل می نماید همچنین کسیکه در اعتقاد واحکام دینیه
شک پیدا می شود ودلش به سبب تردد تنگ می گردد ودر حیرت می افتد

[illegible]

پس بمتابعت آل واصحاب پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که ستاره گان
راه یقین وچراغهای خانه دین اند ازان تردد وحیرت خلاص یابد
بیت اصحاب رسول هریک از روی جماله چون اختر روشن اند
بر برج جلال صلوة دائمة مستمرة بفرست درودی که همیشه باشد
وروان باشد پی در پی ماتلاطمت تا زمانی که برهم زنند بایکدیگر
فی الابحر در دریاهای الامواج موجها وطاف وطواف می کنند
بالبیت العتیق بخانه قدیم که کعبه شریفست من کل فج آیندگان
از هر راه عمیق دور دراز الحجاج بضم حاج کنندگان ومراد
اینجا دوام درودست زیراکه طواف حاجیان تا قیامت موجودست
نظم رو بحرم کن که در آن خوش حریم همت به پوش نگاری مقیم قبله خوبان
عرب روی او سجده شوخان عجم سوی او آتش پروانه زدل برفروز
خویش بران شمع زن وخوش بسوز عادت پروانه نداری مگر چرخ زند
اول بسوزد دگر وافضل الصلوة وافزون ترین درود در خیر وخوبی

والتسلیم وافزونی ترین سلام از روی اکرام علی محمد رسوله
نازل باد بر محمد پیغمبر خدا است الکریم صاحب بزرگی نزد حق وصاحب
بخشش بر خلق وصفوته من العباد وبرگزیده آنخدای از میان
بندگان وجائزست در صاد ضم وفتح وکسر وشفیع الخلائق وشفاعت
کننده آفریدگان فی المیعاد بکسر میم وسکون یاء در وقت وعده وآن
روز قیامت است که وعده کرده است خدای تعالی بآمدن آن ودر بعضی نسخ
آمده المعاد بفتح میم بعیر یاء یعنی رجوع وازآن نیز مراد روز قیامتست که
رجوع می کند خلق آن روز بسوی حیات صاحب المقام المحمود و
الحوض المورود [illegible] مکرر گذشته الناهض ایستاده
بزور وقوت باعباء الرسالة بارهای گران از تکالیف پیغمبری
والتبلیغ الاعم ورسانیدن احکام الهی که رسانیدن آن همه اهل
زمین را از عرب وعجم وجن وانس واین خاصه پیغمبر ماست صلی الله علیه
وآله وسلم والمخصوص بشرف السعاية بکسر سین خاص کرده شده

بعمل کردن بکوشش فی الصلاح در سختگی وآراستگی کار خلق عظیم
که بزرگترست آن ساختگی از برای بودن آن در امر دین صلی الله علیه
واله صلوة دائمة مستمرة الدوام علی مر اللیالی والایام
درود بفرست خدایا بروی وبر آل وی درودی که همیشه باشد وجاری
باشد همیشگی وبرجاری بودن شبها وروزها فهو سید الاولین
والآخرین پس وی مهتر وسردار پیشینان وپسینانست و
افضل الاولین والاخرین وبزرگترین پیشینان وپسینان علیه
افضل صلوة المصلین بروی باد بزرگترین درود درودگویندگان
وازکی سلام المسلمین بکسر لام مشدده وبروی باد پاکترین
سلام سلام گویندگان بروی باد یا افزون ترین در خوبی واطیب
وپاک ترین وخوب ترین ذکر الذاکرین یاد کردن یاد
کنندگان مراورا وافضل صلوات الله وافزون ترین درودهای
خدا در بزرگی واحسن صلوات الله ونیکوترین درودهای خدا

واجل صلوات الله وبزرگترین درودهای خدا واجمل صلوات الله
وخوبترین درودهای خدا واکمل صلوات الله وکاملترین درودهای
خدا بمعنی ماقبل کاملترین واسبغ صلوات الله وتمام ترین درودهای
خدا واتم صلوات الله واظهر صلوات الله بظاء منقوطه وروشن
ترین درودهای خدا ودر بعضی نسخه بطاء غیر منقوطه آمده یعنی پاک ترین
واعظم صلوات الله وبزرگترین درودهای خدا وازکی صلوات
الله بذال منقوطه وروشن ترین درودهای خدا واطیب صلوات الله
وپاکیزه ترین درودهای خدا وابرك صلوات الله وافزون ترین
درودهای خدا در خیر وخوبی وازکی صلوات الله وبزاء منقوطه
وپاکیزه ترین درودهای خدا بسیارترین وانمی صلوات الله
وافزاینده ترین درودهای خدا واوفی صلوات الله وتمام ترین
درودهای خدا واسنی صلوات الله وبلندترین درودهای خدا واعلی
صلوات الله وبلندترین درودهای خدا واکثر صلوات الله

وبسیار

وبسیارترین درودهای خدا واجمع صلوات الله وفراهم آمده
ترین درودهای خدا مر هر چیز وخوبی واعم صلوات الله و
شاملترین درودهای خدا مر ذات مبارک وی صلی الله علیه وآله وسلم مر آل و
اصحاب وپیروان او را وادوم صلوات الله وهمیشه باشنده ترین
درودهای خدا وابقی صلوات الله وپاینده ترین درودهای خدا
واعز صلوات الله وبزرگترین ونادرترین درودهای خدا که عقل از
دریافت کمال آن عاجز آید وارفع صلوات الله وبلندترین درودهای
خدا در بزرگی واعظم صلوات الله مثل این بالا نزدیک گذشته واینجا باز
مکرر آورده ودرین تکرار نکته نیست زیرا که در دعاها اینچنین بسیاری آید
علی افضل خلق الله اینهمه درودهای مذکور نازل باد بر افزون
ترین آفرینش خدا از روی بزرگی وکمال وظاهر است که آن محمد صلی الله علیه
وآله وسلم است واحسن خلق الله ونیکوترین آفرینش خدا واجل
خلق الله وبزرگترین آفرینش خدا ودر بعضی نسخه بعد از این آمده

واکبر خلق الله یعنی بزرگترین واکرم خلق الله
وبزرگوارترین آفرینش خدا واجمل خلق الله وخوبترین آفرینش
خدا بیت هرچه اسباب جمالست رخ خوب تراست ع همه بر وجه کمالست
کما لایخفی واکمل خلق الله وکاملترین آفرینش خدا واتم خلق الله
وتمامترین آفرینش خدا در حسن وجمال ودر جمیع صفات وکمال بسبب آنکه وی
صلی الله علیه وآله وسلم مظهر اتم است برای ظهور انوار صفات الهی وذات
برای سائر مظاهر غیر متناهی رباعی خط سبز ولب لعل ورخ زیبا داری ع
خد یوسف دم عیسی ید بیضا داری ع شیوه وشکل وشمائل حرکات وسکنات ع
آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری واعظم خلق الله عند الله
وبزرگترین آفرینش خدا نزد خدا رسول الله ونبی الله وحبیب الله
وصفی الله ونجی الله وخلیل الله وولی الله وامین الله
معنی این همه در اسماء شریف مکرر مذکور شده ودر آخر همه این
اسماء کسره وضمه وفتحه هر سه درست وهمچنین تا قول او واظهرهم سلطانا

وخیرة الله بکسر خاء وفتح یاء وسکون آن نیز وبرگزیده خدا
من خلق الله از آفرینش خدا ونخبة الله بضم نون وچیده
وپسندیده خدا من بریة الله از آفریدگان خدا بریه بتشدید یاء ونیز
بسکون یاء بعد آن همزه وصفوة الله من انبیاء الله وبرگزیده
خدا از میان پیغمبران خدا وعروة الله بضم عین ودست آویز
از جهت خدا برای بندگان وبیان آن در اسماء شریف گذشته و
عصمة الله ومحل حفظ وپناه خدای تعالی برای بندگان یعنی نگاه
میدارد حق تعالی کسی را که پیروی کند آن حضرت را صلی الله علیه وآله وسلم
از شر شیطان واز دوزخ سوزان واز جمیع حوادث زمان ونعمة
الله ومفتاح رحمة الله معنی این هر دو در اسماء شریف گذشته المختار
من رسل الله برگزیده از میان پیغمبران خدا المنتخب بفتح
خاء منقوطه چیده شده من خلق الله از میان آفریدگان خدا
چه پیغمبران وچه فرشتگان الفائز بالمطلب رسنده بمقصود فی المرهب

بفتح میم و های درحال خوف بدفع آنچه مکروه میداشت والمرغب
درحال امید وآرزو بحصول آنچه می خواست المخلص بفتح لام پاک
کرده شده از هرناشایست ونابایست فیما وهب بضم واو وکسر ها
درهرچه کرداده شد از مرتبه رسالت وقرب منزلت و در بعضی نسخه
مخلصا بکسر لام ووهب بفتح واو و ها آمده یعنی پاک کننده باطن
خود را از ریا وعجب درآنچه داد کسی را یعنی خالص کننده نیت خود را
برای طلب خشنودی خدا درهرچه که بکسی داد اکرم مبعوث
بزرگترین هر برانگیخته شده برسالت اصدق قائل راست گو
ترین هرگوینده انجح سائل ظفر یابنده ترین هر شفاعت کننده
بقبول شفاعت نزد خدا تعالی افضل مشفع بفتح فاء
مشدده وبزرگترین هر شفاعت قبول کرده شده وافزون ترین آن
آن در پذیرفته شده شفاعت الامین اهل اعتماد در امانت فیما
استودع بلفظ مجهول بسین وضم تا ودکسر دال درچیزی که سپرده شده

بوی ونگاهبان گرفته شد او را بر وی از رازهای الهی واحکام دینی بسی
رسانید بخلق چیزی که امر شد باظهار آن و پوشیده داشت چیزی که فرمان
نشد باظهار آن الصادق راست گو فیما بلغ بتشدید لام در
چیزی که رسانیده به بندگان بوحی حق تعالی الصادع بصاد و
عین مهمله غیر منقوطه آشکارا کننده بامر ربه بفرموده پروردگار خود را
المضطلع بکسر لام استاده بثبوت وجهت بما حمل بضم
حا وتشدید میم مکسوره بچیزی که بار کرده شده بآن از تکالیف دین
اقرب رسل الله الی الله وسیلة نزدیکترین پیغمبر خدا
بسوی خدا از روی وسیله یعنی دست آویز که بدان توسل جویند در طلب
قرب بحق واعظمهم وبزرگترین آن پیغمبران غدا
فردا یعنی بروز قیامت عند الله نزد خدا منزلة از روی مرتبه
وفضیلة وبزرگی واکرم انبیاء الله الکرام الصفوة علی الله
وبزرگترین پیغمبران که بزرگان و برگزیدگان اند نزد خدا واحبهم

الی الله ودوست ترین ایشان بسوی خدا واقربهم ونزدیکترین
ایشان زلفی بضم زاء منقوطه وفتح فاء از روی قرب وشرف
منزلت لدی الله نزد خدا واکرم الخلق وبزرگترین
همه آفرینش علی الله نزد خدا واحظاهم بحاء غیر منقوطه وظاء
منقوطه ونزدیکترین ایشان از روی بلندی مرتبه وجاه چنانچه وزیر
به نسبت بارگاه پادشاه وارضاهم وبرگزیده ترین ایشان لدی
الله نزد خدا واعلی الناس وبلندترین همه آدمیان قدرا
از روی مرتبت واعظمهم محلا وبزرگترین ایشان از روی
منزلت واکملهم وکاملترین آنها محاسنا از روی کردارهای
نیک چنانچه سخاوت وشجاعت وتواضع ورحمت وحلم وحیا وجز آن
واصل در محاسن آنست که بی تنوین خوانند اما اینجا مناسبت الفاظ
دیگر تنوین رواست وفضلا وکاملترین از روی افزونی وبزرگی
وخوبی وافضل الانبیاء درجة وبزرگترین پیغمبران از روی رتبت

نزد حق تعالی واکملهم شریعة وکاملترین ایشان از روی دین
از برای شامل بودن دین وی صلی الله علیه وآله وسلم مر عبادات را
بروجه کمال چنانچه نماز وحج وجز آن بخلاف شریعت پیغمبران دیگر که
عبادت ایشان برین کیفیت کامل نبود واشرف الانبیاء وبزرگترین
پیغمبران نصابا بکسر نون از روی مرتبه ونیز از روی اصل
وابینهم وروشن ترین ایشان بیانا از روی روشن کردن
مراد کلام یعنی با هرکه سخن می کرد آنچه مراد از آن سخن می بود مراد بر شنونده
پوشیده نمی ماند وخطابا بکسر خاء وروشن ترین ایشان از
روی سخن کردن در روی مردم یعنی با هرکسی باندازه عقل وی با سخن می
کرد تا آنکس زود می فهمید وافضلهم مولدا بکسر لام وبزرگترین
ایشان از روی مکان تولد که مکه معظمه است وبزرگی آن ظاهر ومشهور است
وشرف آن در قرآن واحادیث مذکور است نظم مکه که شد قبلهٔ اهل نجات
حرسها الله من الحادثات ٭ طعنه زاکسیر زند خاک او ٭ گل خجلت از خس و

خاشاک او ﻩ ریگ زمینش چو نجوم سماست ﻩ کم شده کا زا بیقین بهماست
ومهاجرا بضم میم وفتح جیم و بزرگترین ایشان از روی مکان
هجرت که مدینه منوره است و آن مکان چون محبوب مرغوب خداست
شرف آن بر همه جا ورش و بنداست فائده در مشکاة آورده
که گفته آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم خدایا محبوب گردان
بسوی ما مدینه را مانند محبت ما مکه را بلکه سخت تر و بیشتر از محبت
مکه و درست و نیک گردان هوای مدینه را و برکت ده در صاع و مد
مدینه و آن هر دو نام پیمانه ایست و هم در مشکاة آمده که مضمونش آنست
ولایتها در اسلام فتح می شوند و مردم برای فراخی معیشت ولذتها
دنیا از مدینه بیرون می روند و از جوار پر انوار رسول الله صلی الله
علیه وآله وسلم و اقامت در محل نزول وحی و منازل برکات
جدا می افتند و اگر بدانند حال و سعادت مبدا و مآل را اقامت به
مدینه بهتر یابند و نیز فرمود آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم کسی که

می خواهد که بمیرد به مدینه پس گو که بمیرد در وی که شفاعت کنند در روی
باین بیت تا آنکه بمیرد پس هر کسی که من شفاعت می کنم کسی را که بمیرد
در وی و این شفاعت خاص بود که امتیاز یابد بدان از دیگران
و این عاصی را از روی همین است حق تعالی نصیب کند بفضل خود و از
جمله نامهای مدینه منوره طابه وطیبه است بفتح طا و سکون یای تحتیه
از برای طهارت وی از انجاس شرک و موافقت هوای وی طباع
سلیم را و برای خوش زندگانی در وی وطیب رائحه وی و شیخ عبد الحق
قدس سره آورده که بعضی از عرفا گفته که از خاک مدینه و در و دیوار
وی روائح طیبه می آیند که در می یابد کسی که شامه باطن وی بزکام
کفر ونفاق وخبث اعتقاد مبتلا نباشد بیت در آن زمین که نسیمی وزد
ز طره دوست ﻩ چه جای دم زدن نافهای تاتاری است ﻩ و در حدیث
آمده که بدرستی که ایمان گرد می آید و باز می گردد بمدینه که موطن اصلی
ویست چنانچه باز می گردد و می رود مار بسوی سوراخ خود و گفته اند که

این حدیث اشارتست از احوال آخر زمان که دین مسلمانی و وجود مسلمانان
کمتر شود و جز در مدینه وجود آن نادر باشد نظم ای در جسد مدینه
جسم تو جان ﻩ دین تو گرفت قاف تا قاف جهان ﻩ در لفظ مدینه
بنگر از اعتبارت ﻩ مرتق شده و گرفته دین را بمیان وعترته
و بزرگترین ایشان از روی آل وخویشان و معنی این در حرف اول
بتفصیل گذشته واصحابا و از روی یاران و شرف یاران
آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم در احادیث مشهوره مذکور است
واکرم الناس ارومة بفتح همزه وبضم نیز و بزرگترین
آدمیان از روی اصل واشرفهم جرثومة بضم جیم وثا
از روی جماعت یعنی یاران و پیروان وی صلی الله علیه وآله وسلم
وخیرهم نفسا و بهترین ایشان از روی جان پاک و باذات
مبارک که عبارت از مجموع جان و تن است واطهرهم قلبا و
پاکترین ایشان از روی دل و دین طاهر است که دل مبارک وی پاک بود

از تعلقات ما سوی الله و یا آنکه اشارت باشد بآنچه در اخبار آمده از شق
سینه مبارک آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم در زمان طفولیت در قبیله
بنی سعد وقتی که حلیمه مرضعه آن حضرت را برده بود و نیز در حدیث آمده
که شب معراج جبرئیل علیه السلام مرا تکیه داد و از بالای سینه تا ناف من
بشکافت و میکائیل طشتی از آب زمزم آورد و درون سینه و عروق حلق
مرا بدان آب بشستند و جبرئیل علیه السلام دل بیرون آورد و بشکافت
و بشست و بروایتی طشتی از طلا مملو از حکمت و ایمان آوردند
و دل مرا از آن پر ساخته و باز بجای او نهادند و در روایتی آمده که به
خاتمی از نور مهر کردند چنانچه راحت و لذت آن هنوز در عروق و مفاصل
می یابم واصدقهم قولا و راست ترین ایشان از روی سخن وازکا
هم فعلا و پاکترین و یا افزون ترین ایشان از روی کار
کردن در طلب خشنودی حق واثبتهم اصلا و استوارترین ایشان
در بزرگی از روی نسب و شرف نسب و بزرگی اجداد آن حضرت صلی الله علیه وآله

وسلم در احادیث مذکور شده **واوفهم عهدا** ووفاکننده ترین ایشان
از روی پیمان با حق و با خلق **بیت** خلاف وعده محالست کز کریم آید
لئیم گر نکند وعده را وفا شاید **وامکنهم مجدا** که استوار ترین
ایشان از روی بزرگی نزد خدای تعالی **واکرمهم طبعا**
بفتح اول و سکون دوم و بزرگترین ایشان از روی سرشت و خوی
واحسنهم صنعا بضم صاد و نیکوترین ایشان از روی
نیکوئی کردن و احسان نمودن بخلق **واطیبهم** و خوبترین و پاکترین
ایشان **فرعا** بفتح اول و سکون دوم از روی اولاد و نسل و در روایت
آمده که بروز قیامت شرف نسب همه کس منقطع شود مگر شرف نسب آل
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که آن باقی ماند و ملک العلما قاضی شهاب الدین
درین باب رساله دارد **واکثرهم طاعة** و افزون ترین ایشان از روی
فرمان برداری برای حکم حق **وسمعا** و از روی شنیدن امر الهی بگوش
قبول **واعلیهم مقاما** و بلندترین ایشان از روی مرتبه نزد خدای تعالی

واحلیهم کلاما و شیرین ترین ایشان از روی سخن گفتن
وازکیهم سلاما و پاکیزه ترین ایشان از روی سلام گفتن و آن
حضرت را صلی الله علیه و آله و سلم عادت شریف بود که با هر که ملاقات میکرد
بگشاده روئی و نرم گوئی و خوشخوئی ابتدا بسلام می نمود و بر حال وی
لطف و مهربانی بمرتبه کمال می فرمود تا آنکه دل او را از و جای ربود
واجلهم قدرا و بزرگترین ایشان از روی مرتبه نزد حق تعالی
واعظمهم فخرا و بزرگترین ایشان از روی اسباب بزرگی و نازش
که ستوده شود بدان چنانچه خصال پسندیده و اخلاق حمیده **واسناهم**
و بلندترین و روشن ترین ایشان **فخرا** بخاء منقوطه بعد فاء بمعنی آنچه بالا
از این مذکور شد و در بعضی نسخ بجیم آمده بمعنی صبح یعنی چنانچه بدمیدن صبح
تاریکی شب زائل شود همچنین بآمدن آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم
تاریکی کفر ناپدید شد **وارفعهم** و بلندترین ایشان **فی الملاء
الاعلی** بفتح میم در گروه برترین یعنی فرشتگان **ذکرا** از روی یاد

کردن یعنی چنانچه فرشتگان حق تعالی را تسبیح می گویند بر آن حضرت صلی الله
علیه و آله و سلم نیز درود می گویند **واوفهم عهدا** مثل این بالا گذشته
و تکرار لفظ در باب دعا باک ندارد **واصدقهم وعدا**
و راست ترین ایشان از روی وعده یعنی آنچه بکس وعده فرموده البته
بآن وفا نموده **واکثرهم شکرا** و بیشترین ایشان از روی سپاس
گذاری حق تعالی بر نعمتهای وی زیرا که وی صلی الله علیه و آله و سلم
شناساتر بود بحقوق الهی و تحقیق که خدای تعالی انعام کرد بر وی
نعمتهای غیر متناهی پس وی صلی الله علیه و آله و سلم سزاوارتر بود به
بسیاری شکر **دقیقه** محققان گویند که اگر شکر نعمت ایمان زیاده کند
حق تعالی بر آن نعمت عرفان و اگر سپاس داری کنی برین نعمت رب
بحضور نگاه انس و مشاهده رحمن **بیت** شکر نعمت نعمت افزون کند
کس زبان بر شکر گفتن چون کند **واعلاهم امرا** بلندترین ایشان
از روی فرمان زیرا که جاری کرد خدای تعالی فرمان او را بر همه آفریدگان

واجملهم صبرا و نیکوترین ایشان از روی شکیبائی **دقیقه** صبر جمیل
آنست که صابر بلذت مشاهده گوید فرستنده بلا رنج بلا فراموش کرده باشد که
این بلا را عین عطا داند **قطعه** بهر بلا که تو خواهی بیازما ما را که از مشاهده
تو بلائی نبینم زمین بهر چه کنی باد راضیم حق که هر چه از تو رسد جز عطائی
نبینم **واحسنهم خیرا** بفتح خاء و سکون یاء تحتیه و نیکوترین
ایشان از روی نیکوئی یعنی خیر و برکت که حق تعالی بآن
حضرت صلی الله علیه و آله و سلم عطا فرموده نیکوتر و بزرگتر بود از خیر و برکت
که بدیگران داده و یا خیر و برکت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم که بهم آفرینش
فرا رسیده بهتر و افزون تر بود از خیر دیگران و در بعضی نسخ خبرا
بضم خاء و سکون باء موحده آمده بمعنی علم **واقربهم یسرا**
بضم یاء و نزدیکترین ایشان بدرگاه الهی از روی آسانی یعنی حق تعالی
راه نمود آن حضرت را صلی الله علیه و آله و سلم بشریعت آسان نسبت بشرایع
پیغمبران دیگر **وابعدهم مکانا** و بلندترین ایشان از روی منزلت

نزد حق تعالی وابعد در اصل یعنی دورتر ست پس هر که بلندتر ست منزل
او دورتر ست از کسی که پایین اوست خوش گفت هر که گفت رباعی پیش از
همه شاهان غیور آمده هر چند که آخر بظهور آمده ای ختم رسل قرب تو معلوم
شد دیر آمده و لی زراه دور آمده واعظمهم شانا و بزرگترین
ایشان از روی شان جاه و مرتبه واثبتهم برهانا و
استوارترین ایشان از روی دلیل بر وحدانیت حق تعالی و بر نبوت خود
وارجحهم میزانا و غالب ترین ایشان از روی ترازو و مراد
از آن بزرگی مرتبه ست و یا عقل و یا عدل یا آنکه اشارتست بحدیثی که در مشکوة
آورده که گفت ابو ذر رضی الله عنه گفتم من یا رسول الله چگونه دانستی تو
که پیغمبری تا آنکه یقین کردی به نبوت خود گفت آن حضرت صلی الله
علیه و آله و سلم آمد مرا دو فرشته و حال آنکه من بجای از بطحای مکه بودم
پس افتاد یکی از آن دو فرشته بر زمین و بود دیگر میان آسمان و زمین پس
گفت از آن دو فرشته مر یار خود را او اوست یعنی حق تعالی مرا خبر داد

که مرا پیغمبر ست نزد او رو به آن پیغمبر همینست گفت یار او آری همینست
گفت پس برکش او را و وزن و اندازه کن بمردی از امت او پس وزن
کرده شدم من با یک مرد پس راجح آمدم و چربیدم از آن مرد پس بر گفت
برکش او را بده مرد پس من برکشیده شدم بده پس غالب آمدم از این ده
پس گفت وزن کن بصد کس پس وزن کرده شدم پس غالب آمدم پس
گفت وزن کن بهزار کس پس وزن کرده شدم پس چربیدم از آن هزار گویا
که نگاه می کنم بسوی این هزار که می افتند بر من از سبکی ترازو پس گفت از آن دو
یکی فرشته مر یار خود را اگر برکشی تو او را و برابر نهی بتمام امت را هر آینه بچربد
تمام امت را واولهم ایمانا و پیشترین ایشان از روی ایمان او
واوضحهم بیانا و روشن ترین ایشان از روی بیان وافصحهم
لسانا و خوشگوارترین ایشان از روی زبان واظهرهم
سلطانا و ظاهرترین ایشان از روی دلیل بر رسالت خود مبدء
الحزب اینجا شروع حزب چهارم الرابع

اللهم صل علی محمد و علی آل محمد صلوة تکون لک رضی
معنی این الفاظ در اسماء شریف در حزب اول بتفصیل مذکور شده
اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک النبی الامی و علی آل محمد خدایا درود
بفرست بر محمد و بر آل محمد درودی که باشد سبب خوشنودی تو فائده
مذکورست این درود در قوت القلوب و احیاء العلوم باختلاف در بعضی الفاظ
و آخر یا ارحم الراحمین ست در مطالع المسرات از شیخ ابو طالب مکی نقل کرده
که هر که بخواند این درود را در هفت جمعه در هر جمعه هفت بار واجب می
شود برای او شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم وله جزاء و باشد
آن درود برای حضرت پاداش ولحقه اداء و باشد برای
حق او که بر ذمه ما یان ست سبب اداء و مثل این بالا نیز گذشته و
اعطه و بده او را الوسیلة منزل عالی در بهشت والفضیلة
و بزرگی والمقام المحمود و جای استاده ستوده شده الذی
وعدته آن مقامی که وعده کرده تو او را مثل این الفاظ مکرر گذشته

واجزه عنا ما هو اهله و پاداش ده او را از ما یان
چیزی که وی صلی الله علیه و آله و سلم سزاوار آنست واجزه و پاداش
ده او را و در بعضی نسخ بعد از این آمده عنا یعنی از ما یان افضل ما جازیت
نبیا عن قومه بزرگترین چیزی که پاداش داده تو پیغمبر را
از گروه او و رسولا عن امته و فرستاده خود را که تابع است از
اهل دین او و در بعضی نسخه آمده جزیت بی الف بعد جیم و وجه جزای
پیغمبران از امت در اخیر حزب دوم مذکور شده وصل علی جمیع اخوانه
من النبیین و درود بفرست بر همه برادران دینی او از پیغمبران و
الصالحین و بر همه نیکوان یا ارحم الراحمین ای بخشاینده ترین بخشایندگان
اللهم اجعل فضائل صلواتک خدایا گردان درودهای خود را که بزرگ اند
و این درود در احیاء العلوم و قوت القلوب مذکورست با یسیر تفاوت
و آخر او یا رب العالمین ست وشرائف زکواتک و گردان افزونیها
خیر و خوبی خود را که بزرگ و بهترانند ونوامی برکاتک و برکتهای خود را

کرامی کشته اند وعواطف رافتك ومهربانی های بخشایش خود را
ورحمتك واحسان ونیکویی خود را وتحیتك وسلام خود را
وفضائل آلائك وکردان نعمتهای بزرک خود را علی سید
المرسلین نازل باد بر محمد که سرور پیغمبران اهل کتابست ورسول رب
العالمین وفرستاده شد بپروردکار عالمیان قائد الخیر
کشنده هر خوبی ونیکویی را از حق بسوی خلق وفاتح البر بکشاینده
کشاینده دروازه احسان برهمه کسان بهر نیکویی در هر دو جهان ونبي الرحمة
وپیغمبر صاحب بخشایش ودیکر معنی این در شرح اسماء شریف باید دید لطیفه
حق تعالی باران را رحمت کفت ویرسل الریاح بشرا بین یدی رحمته می فرستد
بادها را مژده دهندکان پیش از رحمت خود که بارانست وآن حضرت را صلی الله
علیه وآله وسلم فرمود وما ارسلناك الا رحمة للعالمین نفرستاده ام ترا مکر بخشش
برای عالمیان پس چنانکه از باران زمین مرده را زنده کرداند وسبزهای و
کلهای کوناکون برویاند وچهره زمین را به باغهای پربهار بیارایند وجان

بر شیوه که فوت بیدا نماید همچنان بتاب هدایت آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم
دلهای مرده را بطراوت ایمان زنده کرداینده وکلهای معارف الهیه در
باغستان قلوب پیروان وی صلی الله علیه وآله وسلم شکفانیده وبر هر تشنه
بی بادیه جهالت که عنایت انداخته بر سرش قطرات هدایت بیرون باریده
مثنوی نه آخر رحمة للعالمینی ٭ ز محرومان چرا فارغ نشینی ٭ اکرچه غرق دریای
کناهم ٭ فتاده خشک لب بر خاک راهم ٭ تو ابر رحمتی آن به که گاهی ٭ کنی در حال لب خشکان
نکاهی وسید الامة وبهتر ومهتر کروه همه آفریدکان اللهم ابعثه
خدایا برانکیز اورا مقاما محمودا در مقامی که ستوده شود صاحب وی بر
زبان همه کس تزلف بضم تا وکسر لام که نزدیک کردانی تو به بسبب
آن مقامی یا در آن مقام قربه قرب اورا یعنی زیاده کنی قرب اورا نزد
خود وتقر بضم تا وکسر قاف سرد کنی وشاد کردانی به بسبب آن مقام
عینه بفتح نون چشم اورا وتقر بفتح تا وکسر قاف وفتح آن عینه بفتح
نون نیز آمده یعنی سرد شود چشم او یغبطه به رشک برند اورا به

بسبب آن مقام الأولون والاخرون پیشینیان وپسینیان ومثل
این در حزب اول نیز کذشته اللهم اعطه الفضل والفضیلة خدایا بده
اورا افزونی مرتبه نزد خود وتکرار لفظ برای تاکیدست والشرف
وبده اورا بزرکی بر همه والوسیلة منزل عالی در بهشت والدرجة
الرفیعة وپایه بلند نزد خود والمنزلة الشامخة وبده اورا جای
بلند وسزاوار در مرتبه اللهم اعط محمدا الوسیلة ومعنی این
مذکور شد وبلغه وبکسر لام مشدده وبرسان اورا مامولة
مراد اورا واجعله اول شافع وکردان اورا پیش از همه شفاعت
کننده واول مشفع بفتح فاء وپیش از همه شفاعت قبول کرده شده
اللهم عظم بکسر ظاء مشدده خدایا بزرک کردان برهانه
دلیل اورا وثقل میزانه وکران کن ترازو اورا وای اشارتست
بانکه کردان مرتبه وبزرکی اورا ویا انکه مراد ترازو اعمال امت باشد واما وزن
کردن عمل آن حضرت را صلی الله علیه وآله وسلم مثل دیکران جایی ذکر آن یافته نشده

وابلج حجته بفتح همزه وسکون باء وروشن وظاهر کردان دلیل
اورا ودر بعضی نسخ افلج بفاء آمده یعنی فیروزمند وظفریاب کردان
وارفع وبلند کردان فی اهل علیین بکسر عین ولام مشدده
ویاء مشدده در ساکنان مکان بلند وبرتر درجته مرتبه اورا یعنی
قدر ومنزلت اورا نزد ایشان بلند کردان وذکر اورا در میان ایشان
بزرک کن در تفسیر حسینی آورده که علیین بر آسمان هفتم زیر عرش است وفی
اعلی المقربین منزلته وبلند کردان در برترین مرتبهای نزدیکان
خود مرتبه اورا اللهم احینا علی سنته خدایا زنده دار مایان را بر
طریقه آن پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در قول وفعل وظاهر وباطن وتوفنا
علی ملته وبمیران مایان را بر دین او واجعلنا من اهل
شفاعته وکردان مایان را از انکه سزاوار شفاعت وی اند واحشرنا
فی زمرته وبرانکیز مایان را روز قیامت در کروه وی واوردنا
حوضه وفرود آر مایان را بر حوض وی ومیان این در حزب اول کذشته

واسقنا بفتح همزه وباسقاط همزه نيز وبنوشان ما يان را من
كاسه آب آن حوض را بكاس آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
لطيفه كاس در لغت بمعنی آوند شراب وجام ونزد صوفيه روی محبوب
مراد باشد وازساقی ذات محبوب جنانچه درين بيت بيت الا يا ايها
الساقي ادر كاسا وناولها كه عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشكلها
چون عاشق را در فراق بيقراری ودشواری پيش آمد وگفت كه روی خود
بنما تا از عذاب دشواری فرقت خلاص شوم ونيز از كاس فيض مراد دارند
وازساقی مرشد يا هادی حقيقی غير خزايا بنوشان مرا آن كاس در
حالی كه رسوا كرده نشوم بسبب گناهان ولا نادمين ونه پشيمان شدگان
بر تقصيرات خود در پيروی طريقه وی صلی الله عليه وآله وسلم وفتی كه می بينم
پيروان او را بهره مند از فيض وی صلی الله عليه وآله وسلم ولا مبدلين
ونه بدل كنندگان دين خود را ولا مغيرين ونه تغير دهندگان سنت
وی را صلی الله عليه وآله وسلم واين دعا است بحسن خاتمه ولا فاتنين

ونه گمراه كنندگان كسی را از راه حق ولا مفتونين ونه گمراه
كرده شدگان از راه تو از جهت دشمنان دينی وسخت ترين دشمنان
نفس وشيطانست امين بفتح نون چنين باد يا رب العالمين
ای پروردگار عالميان اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد واعطه
الوسيلة والفضيلة والدرجة الرفيعة وابعثه المقام المحمود الذی وعدته
مع اخوانه النبيين صلی الله علی محمد نبي الرحمة
وسيد الامة وسردار گروه خود ومعنی اين بالا نزديك
مذكور شده وعلی ابينا ادم وامنا حواء ودرود بفرست خدايا
بر پدر ما يان كه آدم است ومادر ما يان كه حواست ومن ولد امن النبيين
وبر كسی كه زائيده اند اين هر دو از پيغمبران والصديقين وراست
كاران والشهداء وكشتگان در راه حق والصالحين
ونيكوكاران وصل علی ملئكتك اجمعين ودرود بفرست
بر فرشتگان خود همه من اهل السموات والارضين فتح راء آن

فرشتگان كه از باشندگان آسمانها وزمينها اند وعلينا معهم
ودرود بفرست بر ما يان با آنها كه مذكور شده اند يا ارحم الراحمين
ای بخشنده ترين بخشايندگان اللهم اغفر لي ذنوبي خدايا بيامرز
مر گناهان مرا ولوالدي وبيامرز مر پدر ومادر مرا وارحمهما
وببخشای بر ايشان كما ربياني همچنانكه پروريدند آن هر دو مرا
صغيرا در حالتی كه خورد بودم دعا برحمت در حق والدين آنست كه
اگر مومن اند اين نزاد در بهشت بر ايشان واگر كافر اند باسلام راهنمای واما دعا
بمغفرت مشروطست بايمان ولجميع المؤمنين والمومنات وبيامرز
همه مردان گرويده را بخدای ورسول را وزنان گرويده را والمسلمين
والمسلمات وهمه مردان فرمان برنده خدا ورسول را وزنان فرمان
برنده خدا ورسول را الاحياء منهم والاموات زندگان از ايشان
ومردگان از روايت كرده است طبرانی در كبير كسی كه استغفار می كند برای مردان
وزنان اهل ايمان می نويسد خدای تعالی برای او بشماره هر مردی وزنی از

اهل ايمان نكوئی وتابع بكسر با وسكون عين پيروای كردان
بيننا وبينهم درميان ما يان وايشان يعنی پيروان گردان ما يان را
برای ايشان بالخيرات در كارهای نيك رب اغفر وارحم
ای پروردگار بيامرز وببخش همه ما يان را وانت ارحم الراحمين
وتو بهترين بخشندگانی ولا حول ونيست بازماندن از گناهان ولا
قوة ونه توانائی بر كار نيك الا بالله مگر بتوفيق ومدد خدای
العلي كه برترست العظيم كه بزرگست وديگر بيان آن در ديباچه كتاب
گذشته كمل النصف الاول تمام شد نيمه كتاب از ابتدای ديباچه تا اينجا
اللهم صل علی سيدنا محمد نور الانوار خدايا درود بفرست بر مهتر
ما يان كه محمدست الكه روشنی همه روشنيهاست ونورهای ظاهری وباطنی
همه از نور او برآمده ودر روايت آمده كه چون آن حضرت صلی الله عليه وآله
وسلم در روشنی آفتاب وماه ويا در روشنی چراغ برآمدی نور او بر نور آنها غالب
شدی واز آنكه تن مبارك آن حضرت صلی الله عليه وآله وسلم را سايه نبود

گفته‌ای ده سایه زآن خورشید رخ دور که با هم راست ناید ظلمت و نور

از آن بالاتر آمد پایهٔ او که افتد در ته پا سایهٔ او وسر الاسرار

و راز همه رازهای الهی و هر رازی که روشن شده بر اهل دانش و آگاهی

روشن شده بواسطهٔ آن رسالت پناهی وسید الاخیار و بهتر

نیکوکاران وزین المرسلین الاخیار و زیبایش و خوبی همه

پیغمبران نیکوکاران یا زیباتر از همه فرشتگان برگزیدگان نظم

بحسن و خلق و وفا کس بیار ما نرسد ترا درین سخن انکار کار ما نرسد

اگرچه حسن فروشان بجلوه آمده اند کسی بحسن و ملاحت بیار ما نرسد

هزار نقش برآید ز کلک صنع و یکی بدلپذیری نقش نگار ما نرسد

هزار نقد ببازار کاینات آرند یکی بسکهٔ صاحب عیار ما نرسد

واکرم من اظلم علیه اللیل بزرگترین کسی که تاریک شده است بر وی

شب یعنی همه اهل زمین واشرق علیه النهار و روشن شده است

بروی روز وعدد ما نزل من اول الدنیا الی اخرها من قطر الامطار

بواو عاطفه و تقدیر وصل بعد ان این درود بفرست بروی بشمار چیزی که

فرود آمده از ابتدای اول دنیا تا آخر آن از قطره‌های باران ها

وعدد ما نبت من اول الدنیا الی اخرها من النبات والاشجار

و بشمار چیزی که رسته است از اول دنیا تا آخر آن از سبزهای درختان

صلوة دائمة بدوام ملك الله الواحد القهار درودی که همیشه

باشد همیشگی ملک خداوند یگانه غالب بر همه اللهم صل علی سیدنا محمد

صلوة تكرم مثواه خدایا درود بفرست بر سید مایان که محمد است

درودی که بزرگ گردانی بسبب آن جای بودن او را در مطالع المسرات

آورده که خواندن این درود یکبار برابر هزار بار است وتشرف بها

عقباه و بلند و بزرگ گردانی بسبب آن درود آخرت او را وتبلغ بها

یوم القیمة مناه بضم میم و برسانی او را بسبب آن درود بروز قیامت مراد او را

ورضاه و خشنودی او را دقیقه امام محمد باقر رضی الله عنه فرموده که امیدوار

ترین آیتی نزدیک ما این است ولسوف یعطیک ربک فترضی و زود باشد که بدهد ترا

ای محمد پروردگار تو مرتبهٔ شفاعت تا آنکه خشنود گردی تو و ظاهر است که آنحضرت

صلی الله علیه وآله وسلم راضی نشود که یکی از امت او در دوزخ باشد

رباعی امت همه جسمند تویی جان همه ایشان همه آن تو و تو آن همه

خشنودی تو جست خداوند بحشر خشنود نه مگر بغفران همه الصلوة

تعظیما لحقك یا محمد صلی الله علیه وآله این درود که خواندم از بهر

بزرگ داشتن حق تراست ای محمد صلی الله علیه وآله وسلم فائده بدانکه

ندا کردن باسم آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم در بعضی دعاهای حدیث

که وارد شده جائز داشته اند و در غیر آن منع نموده اند زیرا که ترک

ادب است چنانکه در قرآن آمده لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم

بعضا یعنی نگردانید خواندن رسول را در میان خود همچو خواندن

یکدیگر را بنام بلکه از روی تعظیم خوانید چه حق تعالی همه پیغمبران را ندا

بنام کرد و حبیب خود را ندا کرد باکرام بیت یا آدم است با پدر انبیا خطاب

یا ایها النبی خطاب محمد است ثلثا یکوای درود را سه بار و در بعضی نسخه

این لفظ بنا مده اللهم صل علی سیدنا محمد حاء الرحمة خدایا درود بفرست

بر مهتر مایان که محمد است که حا در اسم او اشارت بحا رحمت یعنی رحمت

صاحب این اسم بهمه کس فرا رسیده ومیما الملك و هر دو میم که در نام

مبارک اوست اشارت بمیم ملک دنیا و ملک آخرت است که وجود آن هر دو

ملک بظهور نور اوست و حا در میان دو میم واقع شده اند برای اشارت بآنکه

هر دو ملک از رحمت او بهره یابند ودال الدوام و دال دلالت می‌کند

بر آنکه رحمت او دائم و همیشه است نظم محمد کش قلم چون نام بر ساخت ز بس معنی

حلقه طوق و کمر ساخت خط لوح عدم زان حرف حک شد از آن بر حلقه

ملک و ملک شد تواند شد رسته حاش اگه خرد با جمله دانش حاش لله درین

دیر سدرش زوست روشن منم روزنی از هشت گلشن چو با آرایش

از خیال دانش سر این پروران شد با تمامش چه نامست این که در دیوان هستی

برو نگرفته نام هستی تنبیه جار است در آخر لفظ حا ضم و فتحه و کسره

و همچنین در آخر دال و میما و در اصل میما بود نون و در بعضی نسخه گذرد منهی سیاه

میمین بود وجه آن در شرح عربی مذکورست اما بر نسخه میمها اسمائی که بعید اوست
بضم آخر آمده و بر نسخه میمی بفتح و کسر آخر آمده فائده در مطالع المسرات
آورده که درود مشهورست بالفیه یعنی یکبار خواندن ثواب هزار حسنه حاصل شود
السید الکامل الفاتح الخاتم معنی این هم در اسماء گذشته
عدد ما فی علمك کائن و درود بفرست بشمار چیزی که در علم قدیمت
که پیدا خواهد شد او قد کان یا آنکه پیدا شده است و در زمانه گذشته
کلما ذکرك هرگاه که یاد کنند ترا و ذکره و یاد کننده او را
الذاکرون یاد کنندگان وکلما غفل عن ذکرك وذکره الغافلون
و هرگاه که غفلت ورزند از یاد تو و یاد او غافلان صلوة دائمة بدوام ملك
درودی که همیشه باشد به همیشگی تو باقیة ببقائك و پاینده بود
به پاینده‌گی تو لا منتهی لها دون علمك نیست پایان مر آن درود را
بجز دانستن تو انك علی کل شیء قدیر بدرستی که تو بر همه چیز توانائی
پس می توانی که چنین درود بفرستی ثنا بگو این درود را که باید

و در بعضی نسخ ثنا نیامده اللهم صل علی سیدنا محمد النبی الامی
وعلی آل محمد خدایا درود بفرست بر سید مایان که محمدست که پیغمبرست نا
خواننده و بر آل او والذی هو ابهی شموس الهدی نورًا
آنکه او خوشترین و زیباترین آفتابهای رهنمائیست از روی روشنی
وابهرها و غالب ترین آفتابست در تابندگی و درخشندگی و
مراد از آفتاب پیغمبرانند علیهم السلام واسیر الانبیاء فخرا
و سیر کننده ترین پیغمبران از روی بزرگی یعنی بزرگی وی صلی الله علیه
وآله وسلم بهمه اطراف فرا رسیده زیاده از بزرگی همه پیغمبران واشهرها
و مشهورترین آن پیغمبران در همه عالم ونوره ازهر الانبیاء
و نور او روشن ترین نورهای پیغمبرانست واشرفها بفاء بعد
از را او برترین آن نورهاست و در بعضی نسخه بقاف آمده یعنی روشن
ترین واوضحها و ظاهرترین آن نورهای وازکی الخلیقة
و پاکیزه ترین آفریدگان اخلاقا از روی خویهای نیک چنانچه حلم و کرم و سخا

جزان واطهرها و پاکترین آفریدگان از هر نقصان و اخلاق پسندیده
و اوصاف حمیده که حق تعالی به حبیب خود عطا فرموده در هیچ یکی از
انبیاء و رسل نبوده نظم ذات ترا وصف نکو خوبیست خوی تو سراپای
نیکوییست روز ازل دوخته حکم قدیم بر قد تو خلعت خلق عظیم واکرمها
و بزرگترین آن آفریدگان خلقا بفتح خاء از روی صورت ظاهر
واعدلها و راست تر و میانه تر آنها یعنی قد مبارکش نه بسیار دراز
بود و نه بسیار کوتاه و نه بسیار فربه و نه بسیار لاغر و رنگ مبارک نه بسیار
سفید بود و نه سخت گندم گون بلکه بود سفید آمیخته بسرخی و بود
همه اعضای مبارک مناسب بر وجهی که باید و داده بود حق سبحانه و تعالی
او را حسن و جمال چنانچه شاید رباعی آنرا که چنان جمال باشد کر جان
ببرد حلال باشد وانکس که بران چنان جمالی عاشق نشود وبال باشد
اللهم صل علی سیدنا محمد النبی الامی وعلی آل محمد
و مثل این نزدیک گذشته الذی هو ابهی من القمر التام

آنکه او زیباترست از ماه کامل که ماه شب چهاردهم باشد لطیفه در شمائل
بروایت جابر رضی الله عنه آورده که بود روی مبارک مانند آفتاب و ماه
و اینهمه تشبیهاتست باعتبار عادت آمده و اگر نه حسن هیچ یکی بحسن او مناسبت
ندارد آری عاشق شیفته از نهایت شیفتگی اینچنین سخنان در حق معشوق
می آرد نظم سرو سهی و ماه تمامت خوانم یا آهوی فتاده بدامت
خوانم زین هرسه بگو تا بکدامت خوانم کز رشک نخواهم که بنامت خوانم
واکرم من السحاب المرسلة و بخشنده تر از ابری که فرستاده شده است
بباران پس می بارد بر هر کشت زار و بر هر کل و خار والبحر الخظم
بخاء منقوطه و طاء غیر منقوطه و بخشنده تر از دریای بزرگ و کلان و در
بعضی نسخه آمده الخضم بکسر خاء منقوطه و فتح ضاد منقوطه و تشدید میم بمعنی
بسیار عطا کننده و آنچه دیگر اختلاف درین لفظ واقع شده در شرح عربی
بتفصیل مذکور شده اللهم صل علی سیدنا محمد النبی الامی
وعلی آل محمد معنی این قریب گذشته الذی قرنت

البرکة بذاته آن محمد که نزدیک و پیوسته کرده شده است افزونی
خیر وخوبی بذات پاک او ومحیاه بضم میم وفتح حاء وتشدید
یاء وبروی مبارک او ودر بعضی نسخه بفتح میم وسکون حاء آمده بمعنی
حیات وتعطرت العوالم وخوشبوئی گرفت همه جهانیان
بطیب ذکره بخوشبوئی یاد او وریاه بتشدید یاء وبوی
بخوشبوئی او ودقیقه خوشبوئی مشک هدایت وراتحه عنایت وی
صلی الله علیه وآله وسلم بعالم غیب وشهادت فرارسیده دماغ اهل عرفان
ومشام ارباب وجدان از آن معطر گردیده لیکن دماغان کوی ضلالت
وجهالت بوی از آن نشمیده بیت ماه شب چارده بدر دجی روی تو
کرده معطر جهان سنبل است یک سوی تو اللهم صل علی سیدنا محمد
وعلی آله وسلم خدایا درود بفرست بر مهتر ما یان که محمد است وبر آل او وسلام
بفرست فائده در مطالع المسرات آورده که فرموده پیغمبر صلی الله علیه
وآله وسلم که هر که بگوید اللهم صل علی محمد وعلی اهله وسلم وحال آنکه ایستاده

آمرزیده شود پیش از آنکه بنشیند وبا نشسته است آمرزیده شود پیش از آنکه بایستد
اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد وبارك علی محمد وعلی آل محمد
وارحم محمدا وآل محمد کما صلیت وبارکت وترحمت علی
ابراهیم وعلی آل ابراهیم انك حمید مجید اللهم صل علی
محمد عبدك ونبیك ورسولك النبی الامی وعلی آل محمد
معنی این الفاظ بالا چند جا گذشته اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد
صلاة الدنیا بکسر میم خدایا درود بفرست بر محمد وبر آل او وبا ندازه
بری این جهان موجود وصلاة الآخرة وبری جهان آخرت واین
مبالغه است در بزرگی درود یعنی اگر اعتبار کرده شود درود را تن دار از
هر دو جهان بآن پر شود زیرا که پر ساختن بخاصه چیزهای تن دارست
وبارك علی محمد وعلی آل محمد صلاة الدنیا وصلاة الآخرة
وافزون کردان خیر وخوبی را بر محمد وبر آل محمد باندازه بری هر دو جهان
وارحم محمدا وآل محمد صلاة الدنیا وصلاة الآخرة وبخشش

کن بر محمد وبر آل محمد به بری هر دو جهان واجز محمدا وآل محمد صلاة
الدنیا وصلاة الآخرة ومزد وپاداش ده محمد را وآل محمد را به بری هر دو جهان
وسلم علی محمد وعلی آل محمد صلاة الدنیا وصلاة الآخرة وسلام بفرست
بر محمد وبر آل محمد به بری هر دو جهان اللهم صل علی محمد کما امرتنا ان
نصلی علیه خدایا درود بفرست بر محمد چنانکه فرموده تو ما یان را آنکه درود
بفرستیم برو ومثل این بالا گذشته وصل علی محمد کما ینبغی ان یصلی
علیه ودرود بفرست بر محمد چنانکه سزاوار است که درود فرستاده شود
ترا او ودر بعضی نسخه اینجا نوشته هذا النصف علی التحقیق یعنی
این است نیمه کتاب از ابتدای دیباچه بتحقیق اللهم صل علی نبیك
المصطفی ورسولك المرتضی وولیك المجتبی ومعنی این همه
الفاظ در اسماء شریف بتفصیل گذشته وامینك علی وحی السماء
واهل امانت است بر وحی که فرود آمده است از سوی آسمان ومعنی وحی در حزب
اول گذشته اللهم صل علی محمد اکرم الاسلاف خدایا درود بفرست بر محمد

که بزرگترین گذشتگان است ومراد از گذشتگان پیغمبرانند علیهم السلام
القائم بالعدل ایستاده براستی وداد دهنده مظلومان
والانصاف وجدا کردن حق از باطل نظم چیست عدل آنکه یک ذره
ز فضوله نکنی از طریق شرع عدوله زانکه میزان معدلت شرعست
شرع اصلست غیر آن فرعست هرچه نبود بوفق آن میزانه عدل نامش
مکن که ظلمست آن المنعوت فی سورة الاعراف ستوده
شده در آن سوره بقول خدای تعالی الذین یتبعون الرسول
النبی الامی تا آخر آیه المنتخب برگزیده وچیده شده من اصلاب
الاشراف از صلبهای بزرگان وصلب بضم صاد استخوان پشت مردان
والبطون الظراف وازشکمهای پاکیزه ونیکو المصفی
بفتح فاء شده صاف وخالص کرده شده من مصاص بضم میم از
خلاصه عبد المطلب بن عبد مناف این کلام بر عادت عرب
که جد را نیز گاهی پدر می گویند واگر نه عبد المطلب پسر هاشم است وهاشم پسر عبد مناف

وخلاصه عبد المطلب پسر اوست عبد الله که پدر آنحضرت است صلی الله علیه وآله
وسلم وآن حضرت را خالص کرده شد از آن خلاصه وشرف وبزرگی اباء
واجداد آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم در کتب احادیث وسیر بتفصیل مذکورست
وشرف انساب آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم نظم ست آفرینش عالم معدن
جود منبع الطاف ٭ شرف دودمان آل قصی ٭ نامه سر بمهر عبد مناف ٭ همچو
قدرش بلند رفت قدم ٭ همچو نامش ستوده بود اوصاف فائده مومن مخلص
را باید که اسامی اجداد آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم معلوم نماید وبطریق
فائده اینجا نوشته می آید محمد صلی الله علیه وآله وسلم بن عبد الله بن عبد المطلب
بضم میم وتشدید طاء نام او شیبه است بمعنی سفید موی زیرا که چون تولد
شد بعضی از سر موی او سفید بود ونیز او طفل که پدر او وفات کرد وعم وی مطلب
او را تربیت کرد از این جهت او را عبد المطلب گفتند وعادت عرب است
که هر که یتیم را تربیت کند آن یتیم را بنام او خوانند بن هاشم بن عبد مناف
ونام او مغیره است وعبد مناف نام بتی است بن قصی بضم قاف وفتح صاد وتشدید

یاء بن کلاب بکسر کاف بن مره بضم میم وتشدید راء بن کعب بن لوی
بوزن قصی بن غالب بن فهر بکسر فاء بن مالک بن النضر بفتح نون
ولقب وی قریش است وآن نام گاوی است که در دریا باشد که بسیار بزرگ
وکلان وباقوت است بن کنانه بکسر کاف بن خزیمه بضم خاء وفتح زای
منقوطه بن مدرکه بضم میم وکسر راء بن الیاس بن مضر بضم میم وفتح ضاد
منقوطه بن نزار بکسر نون بن معد بفتح میم وعین وتشدید دال بن عدنان
بفتح عین تا اینجا همه اهل تواریخ را اتفاق است وبعد از وی تا آدم علیه السلام
اختلاف است بسیار تا آنکه گفتند که بعد از عدنان سکوت بهتر است وبعضی
میان عدنان واسمعیل چهار عدد شمار کرده اند وبعضی زیاده نموده اند
تا بحدی که بچهل عدد رسیده اما اتفاق است همه را که اسماعیل وابراهیم
ونوح وادریس وشیث علیهم السلام از اجداد آنحضرت هستند صلی الله علیه وآله
وسلم نالذی هدیت به آن محمد که راه نمودی بسبب وی مایان را
من الخلاف از خلافی که واقع بود در میان مردمان از بهر اختیار کردن آنها

دینهای مختلف را وبینت به وظاهر وروشن ساختی بسبب وی
سبیل العفاف بفتح عین راه پاک را ودور بودن از چیزهای حرام
اللهم انی اسئلک بافضل مسائلک خدایا بدرستی که من سوال می کنم ترا
بطفیل ووسیله بزرگترین چیزی که سوال کرده می شوی تو بدان واین درود
اول تا قول او انک روف رحیم منسوب است بسوی علی بن عبد الله بن عباس
رضی الله عنهم که میخوانده این درود را بعد از نماز شب وباحب اسمائک
الیک وبوسیله دوسترین نامهای تو بسوی تو یعنی آن نامی که نزد
تو دوستر است وآن اسم اعظم است واکرمها علیک وبزرگترین
آن نامهای نزد تو وبما مننت علینا بمحمد نبینا صلی الله علیه وآله وسلم وبوسیله
احسان کردن تو بر مایان بسبب بفرستادن محمد که پیغمبر مایان است
صلی الله علیه وآله وسلم فاستنقذتنا به پس خلاص کردی تو
مایان را بسبب وی صلی الله علیه وآله وسلم من الضلالة از گمراهی
کفر وجهل وامرتنا بالصلوة علیه وفرمودی تو مایان را بفرستادن

درود بروی وجعلت صلاتنا علیه درجة وگردانیدی
فرستادن درود مایان را بر وی مرتبه بزرگی برای مایان وکفارة
وگردانیدی آن درود را بسبب محو نابود کردن گناهان ولطفا و
سبب مهر تو بر مایان ومنا بفتح میم وتشدید نون وسبب احسان و
انعام تو بر مایان من لعطائک بکسر همزه گردانیدی درود را باین
وصف بنوازش واحسان خود فادعوک پس می خوانم ترا ودعا می کنم
تعظیما لامرک از برای بزرگی داشتن فرموده ترا بفرستادن
درود بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم واتباعا لوصیتک وبرای
پیروی کردن عهد وپیمان ترا که بسوی مایان است بفرستادن درود
منتجزا می خوانم ترا در حالتی که طالب وقایم از تو لموعودک
مر وعده ترا یعنی آنچه وعده فرموده تو بر فرستادن درود از مرتبه وکفارت
ذنوب آنرا تمام کنی لما یجب لنبینا محمد صلی الله علیه وآله وسلم میخوانم ترا
از برای چیزیکه لازم است بر مایان که محمد پیغمبر است مایان را صلی الله علیه

وآله وسلم في اداء حقه در اداي خاص حق او وقبلنا
بكسر اول وفتح دوم كه نزد ما يانست اذا منا به لازم است
حق او بر مايان لذ نهر انكه كرويده ايم مايان باو واحسان ها او بر مايان
ثابت وصدقناه ورا ست كو دانسته ايم اورا در هرچه كه خبر داده
نظم كرد بعث محمد عربي تا شود ضو را رسول و نبي هرچه ثابت شده بقول
ثقات كه محمد عليه الف صلاة اورا خبر بموجب آن واجب آمد بآن
زمان ايمان واتبعنا النور الذي انزل معه وپيروي كرديم ترا
بر آن نوريكه فرستاده شده است باو يعني قران كه بروشني او تاريكي كفر وجهل
زائل شده وقلت ولازم است حق او بر مايان از بهر انكه كفتي تو وقولك
الحق وحال انكه كفته تو راست ان الله وملئكته يصلون على النبي
بدرستي كه خدا وفرشتكان او درود مي فرستند بر پيغمبر ياايها الذين امنوا
صلوا عليه اي انكه كرويده ايد درود بفرستيد بروي وسلموا
تسليما وسلام فرستيد سلام فرستادني بمحبت واخلاص وامرت العباد

بالصلوة على نبيهم ولازم است حق او از بهر انكه فرمودي تو بندكان را
بفرستادن درود بر پيغمبر ايشان فريضة درحالتي كه آن درود مقرر
كرده شده فرض ساخته شده است افترضتها چنين فريضه لازم كرده
تو ومقرر فرموده بوجهي كه انكار آن روا نيست وامرتهم بها وفرموده تو
آن بندكان را بان فريضه فسئلك پس سوال مي كنم ترا ودر بعضي
نسخه زياده نموده اللهم از براي تبرك بجلال وجهك
وسيله بزركي ذات تو ونور عظمتك وبوسيله روشني وظهور بزركي تو
برو بهاي عارفان وبما اوجبت على نفسك للمحسنين وسوال مي كنم بوسيله
مي كنم بوسيله چيزي كه لازم تو بذات خود براي نيكوكاران يعني انچه وعده
نموده تو ايشانرا از درجات بهشت ونعمت لقاي خود ان تصلي انت
وملئكتك على محمد سوال مي كنم انكه درود فرستي تو ودرود فرستند
فرشتكان تو بر محمد عبدك ورسولك ونبيك وصفيك
ومعني اين همه در اسماء شريف كذشته وخيرتك بكسر خاء وفتح

يا و بركزيده تو من خلقك از آفريدكان تو افضل ما صليت
على احد من خلقك ودرود بفرست بروي ودرود فرستادني
بزركترين از هر درودي كه فرستاده باشي بر هيچ يكي از آفريدكان خود
انك حميد مجيد بدرستي كه ستوده شده وبزركواري اللهم ارفع
درجته خدايا بلند كردان مرتبه اورا واكرم مقامه
وبزرك كردان جاي ايستادن اورا مراد از آن مقام محمود است وبيان آن
بالا مكرر كذشته وثقل ميزانه وابلج حجته مثل اين درهمين حزب
كذشته واظهر ملته وبيفزاي ظهور دين اورا بر همه دينهاي
واجزل ثوابه وبزرك كردان مزد و پاداش اورا واضئ نوره
ودرخشان وفروزان كردان نور ذات مبارك اورا در عرصه قيامت
يا مطلق نور شريعت اورا پس مراد از درخشندكي او فرا رسيدن وي است بهمه
روي زمين وادم بفتح همزه وكسر دال هميشه وپاينده دار كرامته
بزركي اورا والحقه وبرسان باو من ذريته واهل بيته

از فرزندان واهل بيت او ما تقر به عينه چيزيكه سرد شود
وراحت يابد بسبب آن چشم او وتحقيق اعراب اين در اول همين حزب
كذشته واين كلام اشارت است بحديثي كه ذكر كرده شده است طبراني كه فرمود
آن حضرت صلى الله عليه وآله وسلم كه بدرستي كه خداتعالي برسيدارد براي
مومني ذريت اورا در درجه او در بهشت تا سرد شود چشم او بايشان اكرچه باشند
آن ذريت كمتر در عمل ازوي وظاهر است كه ذريت آن حضرت صلى الله عليه وآله
وسلم سادات اهل بهشت اند چنانچه باحاديث ثابت شده وعظمه
وبزرك كردان اورا في النبيين در پيغمبران الذين خلوا قبله
ان پيغمبران كه كذشته اند پيش ازوي اللهم اجعل محمدا اكثر النبيين
تبعا بفتح تا وباء خدايا كردان محمد را بسيارترين پيغمبران از روي
پيروان ودر حديث آمده كه روز قيامت همه اهل بهشت يكصد وبيست
صف مي شوند از انجمله هشتاد صف از امت آن حضرت باشند وجمل از
همه احسان ديكر افزوني پيروان دلالت دارد وبزركي پيشوا وسردار

ایشان واکثرهم وزرا بضم اول وفتح دوم بی تنوین در آخر وکردان
اورا بیشترین آن پیغمبران از روی وزیران یعنی یاری دهندکان
و باربردارندکان در امور دین و در بعضی نسخه آمده بفتح اول و سکون
دوم به تنوین راء بمعنی قوت وافضلهم کرامة وکردان اورا
بزرکترین آن پیغمبران از روی بزرکی ونورا وازروی روشنی
دین واعلاهم درجة وبلندترین ایشان از روی مرتبه
وافسحهم فی الجنة منزلا وکردان اورا فراخ ترین ایشان
در بهشت از روی مکان اللهم اجعل فی السابقین خدایا کردان
در پیشی کرفتکان بسوی تو در هر خوبی و نیکوئی در شفاعت و دخول بهشت
غایته نهایت اورا وفی المنتخبین منزله و در برکزیدکان
مکان اورا و در بعضی نسخه آمده منزلته بتاء بمعنی مرتبه وفی المقربین
داره و در نزدیکان خود محل اورا وفی المصطفین منزله
بفتح فاء و نون و در برکزیدکان جای اورا وازاین لازم نمی آید که مرتبه
آن

آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم برابر باشد با همکی جائز است که برتر باشد
اللهم اجعله اکرم الاکرمین عندک منزلا خدایا کردان اورا بزرکترین
بزرکتران نزد خود از روی مرتبه وافضلهم ثوابا وبزرکترین ایشان
از روی پاداش عمل واقربهم ونزدیکتران ایشان به تو مجلسا
از روی جای نشست یعنی در مرتبه نه در مکان واثبتهم مقاما
واستوارترین ایشان از روی جای ایستادن نزد تو باعتبار مرتبه
یعنی در وجهی که در ان هرکز بسته نباید واصوبهم کلاما ودرست ترین
ونیکوترین ایشان از روی سخن کردن که هرکز در آن خطا روا نبود یعنی
وقتی که اذن دهی اورا شفاعت سخن نکند پیش تو مکر موافق رضای تو
وانجحهم مسئلة وفیروزمندترین وظفریابنده ترین ایشان در
هر حاجتی از روی سوال کردن وافضلهم لدیک نصیبا وافزون ترین
ایشان نزد تو از روی بهره یافتن در هر چیز و خوبی واعظمهم فیما عندک
رغبة وکردان بزرکترین ایشان در چیزی که نزد تست از مراتب و نعمتهای

ازروی خواهش وانزله وفرود آر اورا فی الغرفات الفردوس
در بالاخانهای در یچهای فردوس که بلندترین درجات بهشت چنانچه بیان
آن امی کند من الدرجات العلی بضم عین و کسر فتح لام آن غرفهای
که از درجات اند چنین درجا که برتر اند التی لا درجة فوقها
آن درجهای که نیست درجه بالای آنها و درج بفتحتین پایه بلند را
کویند اللهم اجعل محمد الصدق قائل خدایا کردان محمد را
راست کوی ترین هر سخن کوینده وقتی که کواهی دهد پیش تو بر ایمان
مومنان و کفر کافران وانجح سائل ورسنده ترین بمقصود
وظفریاب ترین بمطلوب از هر سوال کننده واول شافع
وکردان اورا پیش از همه شفاعت کننده وافضل مشفع و بزرکترین
هر قبول شفاعت کرده شده ومشفعه بتشدید و کسر فاء و قبول
شفاعت اوکن فی امته در حق کروه او بشفاعة یغبطه
بها بشفاعتی که رشک برند اورا بسبب آن شفاعت
الله

الاولون والاخرون پیشینیان و پسینیان واذا میزت
عبادک وقتی که جدا کنی از یکدیکر بندکان خود را بفصل
قضائک بباء موحده بسبب حکم کردن خود که جدا کننده است آن حکم
حق را از باطل فاجعل محمد اصلی الله علیه وآله وسلم پس کردان محمد را صلی الله علیه و
آله وسلم فی الاصدقین قیلا در راست کوترین از روی سخن
کفتن وقت کواهی دادن پیش تو بر ایمان کرویدکان و کفر منکران
والاحسنین عملا وکردان اورا در آن وقت نیکوتران از روی
عمل وفی المهدیین بفتح میم و بید و یاء بعد از دال اول مشدده دوم ساکن
و در راه نموده شدکان و در بعضی نسخه آمده المهتدین بضم میم و تاء فوقیه بعد از
ها و بیک یاء ساکن بعد از دال یعنی در راه یافتکان سبیلا از روی طریق
دین اللهم اجعل نبینا لنا خدایا کردان پیغمبر مایان را برای مایان کرامت
وی هستیم فرطا بفتح فاء و راء پیش رو همچو پیش رو لشکر برای انجام اسباب
آب واجعل حوضه لنا موعدا بفتح میم و کسر عین وکردان حوض اورا

براي مايان جاي وعده ودر بعضي نسخه آمده موردا يعني جاي فرود آمدن
وبيان حوض در حزب اول كذشته لاولنا واخرنا براي كسيكه بيش رفته است از
مايان وكسي كه پس مانده است از مايان اللهم احشرنا خدايا جمع كردان
وكرد آر مايان را بروز قيامت في زمرته وكروه او واستعملنا
وكردان مايانرا كاركنندكان بسنته بطريقه وي ودر بعضي نسخه
آمده في سنته يعني در طريقه وي وتوفنا على ملته وبميران مايانرا
ثابت بر دين وي وعرفنا وجهه بكسر راء مشدده وشناسان
مايان را روي مبارك وي يعني جمع كن مايان را باوي در قيامت وپيدا
كن در مايان نور معرفت تا بدان آنحضرا صلى الله عليه وآله وسلم بشناسيم
ودر شناختن وي حيران نمانيم واجعلنا في زمرته وكردان
مايانرا در كروه وي وحزبه ودر لشكر پيروان وي اللهم اجعل
بيننا وبينه خدايا فراهم آري وپيوستكي ده درميان مايان وآنحضرت
صلى الله عليه وآله وسلم كما آمنا به از بهر كرويدن مايانرا بوي

ولم نره وحال آنكه نديديم مايان اورا ولاتفرق بضم تاء وكسر راء
وفتح فاء مشدده ونيز بفتح تاء وضم راء وسكون فاء وجدائي ميندازه
بيننا وبينه درميان مايان وآن حضرت صلى الله عليه وآله وسلم
حتى يدخلنا مدخله بفتح ميم وضم آن تا آنكه درآري مايان را در جاي فرود
آمدن وي صلى الله عليه وآله وسلم يعني در بهشت كه مكان جاودانست وظاهر
اين كلام آنست كه طلب اين وصال دائمي وجمع بودن با وي صلى الله عليه وآله وسلم
در آخرت وجائزست كه عام بود در دنيا قرب ووصال روحي مراد بود ديده
باطن ودر آخرت وصال روحي وبدني بديدن ظاهر وباطن پس اين
طالب بايد اگر اين دولت در دنيا حاصلست پس دعا براي پايندگي آنست واگر حاصل
نيست پس براي حصول آنست ووسيله قوي تر براي رسيدن باين دولت غلبه
عشق ومحبت وي صلى الله عليه وآله وسلم بر دل مشتاقان وعلامت آن پيروي طريقه
سنت وي است صلى الله عليه وآله وسلم در همه حال وكثرت ذكر آن حضرت صلى الله
عليه وآله وسلم از ظاهر وباطن وبسياري درود بر وي ودوام توجه بسوي وي

صلى الله عليه وآله وسلم وشيخ عبد الحق قدس سره در جذب القلوب از بعضي مشايخ
نقل كرده كه كسي كه درود بر رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بسيار فرستد
ببيند او را در خواب وبيداري پس هر كرا اين دولت ميسر واين نعمت
روزيست اختر بخت وي بر اوج ظفر وفيروزيست وهر كه در طلب حصول
اين دولت آرزومندست زندكاني وي بنزد دوستان وخورسندست
مر اميد وصال تو زنده ميدارد واگرنه صد رهم از هجرتست بيم هلاك
وتوردنا حوضه وجدائي ميندازد از ميان ما واو تا آنكه فرود
آوري مايانرا بر حوض وي صلى الله عليه وآله وسلم وتجعلنا من رفقائه
وتا آنكه كرداني مايان را از جمله همراهان وي مع المنعم عليهم
ودر حاليكه باشيم مايان با آنكسان كه انعام كرده شده است برآنها
نعمت ايمان وعرفان وجنت ورضوان بعد از اين بيان ايشان ميكنند
من النبيين آن نعمت داده شدكان از پيغمبرانند والصديقين
وراستكارانند در اعمال واحوال والشهداء وكشتكان اندر راه خداوند

ذو الجلال والصالحين ونيكوكاران در همه افعال واقوال وحسن
اولئك وچه نيكو اند اين كروه رفيقا همنشينان در لفظ رفيق
واحد وجمع برابرست فائده در تفسير حسيني آورده كه ثوبان رضي الله عنه
معتق پيغمبر صلى الله عليه وآله وسلم روزي بجناب فيض مآب آن حضرت
صلى الله عليه وآله وسلم حاضر شد زار وضعيف شده آن حضرت صلى الله
عليه وآله وسلم فرمود يا ثوبان رنگ ترا چه چيز تغير كرده روي سرخ تو به
كدام درد زرد گشته گفت يا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من زماني
كه در حالت نمي نگرم آن زمان را در حيات زندگاني نمي شمرم وحالا در
انديشه آنم كه چون پيك اجل در رسد وجدائي تو درميان آيد چه چاره سازم
وبحسرت محنتي آنكه اگر در الجنان از اهل دوزخ باشم ترا كي بينم واگر در بهشت
روم بدانجا كه درجه بلند تست چگونه رسم بيت از مرگ غمي نيست از آن
مي ترسم كز بر تو ديدار توام نماند دور حق نقطه شكسته دلان فراق را ابر داده
وصال شد درمان ساخته آيه فرستاده ومن يطع الله والرسول هر كه فرمان برد خدا

ورسول را فاولئک مع الذین انعم الله علیهم پس آنگروه فرمان برداران
باشند در آن روز با آنکسان که انعام کرده است خدا برایشان بعضیایان
گردانیدرا بقول خود من النبیین والصدیقین تا آخر آیت وخلاصه آیت
آنست که هر که امروز کسی را دوست دارد فردا با او خواهد بود چنانچه در حدیث
آمده المرء مع من احب هر مردی با کسیست که او را دوست دارد بیت همچو
بلبل دوستی گل گزین تا نشوی با خرمن گل همنشین الحمد لله رب
العالمین ستایش که شاید وثنائی که عقل از آن عاجز آید ثابت است خدا را
که پروردگار عالمیانست آفریدگار جهانست بیت وصف حق حق
نخود تواند گفت این گهر را خرد نداند سفت هذا اول النصف الثانی
نیمه اول تمام شد واین ابتدا نیمه دویم است از کیفیت صلوة
اللهم صل علی محمد نور الهدی خدایا درود بفرست
بر محمد که روشنی رهنمائیست که تاریکیهای کفر وجهالت نور چراغ وی نیست
سبب رهائیست والقائد الی الخیر وکشنده است از پس پیروان

خود را بسوی هر خوبی ونیکوئی والداعی الی الرشد وخواننده جن و
انس را بسوی راه راست نبی الرحمة وپیغمبر صاحب بخشش
وامام المتقین وپیشوای پرهیزکاران ومعنی این هردو اسم در
اسماء در اسماء شریف بتفصیل گذشته ورسول رب العالمین
وفرستاده پروردگار عالمیان لا نبی بعده در حالتی که نیست
پیغمبری پس از وی بیت خاص از برای مصلحت عام چند سال بنشینی
که مثل تو نه نشیند جای تو کما بلغ رسالتک ودرود بفرست
بروی از بهر آنکه رسانید وی پیغام احکام ترا با فریدگان تو ونصح
لعبادک وپند داد بندگان ترا بپرستش تو به یگانگیت وتلی
آیاتک وخواند آیتهای ترا بر بندگان تو واقام حدودک
وبرپای کرد اندازهای احکام ترا که تجاوز از آن روا نیست واوفی
بعهدک بتشدید فاء وتخفیف آن وتمام کرد پیمان ترا که گرفتی از وی
برسانیدن احکام تو بخلق وانفذ حکمک وروان کرد فرموده ترا بر

بندگان وامر بطاعتک وفرمود خلق را بفرمان برداری تو ونهی
عن معصیتک وباز داشت از نافرمانی تو رباعی مهترین وبهترین انبیا
جز محمد نیست در هر دو سرا در ره حق آمرست وناهیست از روش بیرون
شدن گمراهیست والی ولیک ودوست داشت دوست ترا
الذی تحب آن دوست که میداری تو ان توالیه اینکه دوست داری
تو او را ومعنی ولی در اسماء شریفه بتفصیل گذشته وعادی عدوک
ودشمن داشت دشمن ترا یعنی آنکه دین ترا قبول نکرد الذی آن دشمن
که تحب ان تعادیه دوست میداری تو او را یعنی آنکه خوار ورسوا
کنی او را در هر دو جهان وصلی الله علی محمد ودرود بفرست خدایا بر
محمد ودر بعضی نسخه بعد از این آمده وسلم یعنی وسلام فرست اللهم
صل علی جسد محمد فی الاجساد خدایا درود بفرست برتن مبارک
او در تنهای نزدیکان وبرگزیدگان خود یعنی خاص گردان او را از میان
آنها بدرودی که لایق زده او را از آنها وبهمین قیاس است معنی بعد این

وعلی روحه فی الارواح ودرود بفرست بر جان پاک او در جانها
وعلی موقفه فی المواقف وبر جای ایستادن او در میان جایهای
ایستادن دوستان خود یعنی خاص گردان مکان او از ایستادن رحمتی خاص
بران وعلی مشهده فی المشاهد وبر جای حاضر بودن وی
در مکانها حضور مقربان خود لطیفه در هر جائی که محبوب خدای پای مبارک
خود نهاده ویا نظر فیض مظهر وی بران افتاده شک نیست که حق تعالی
درهای رحمت خود بر آن مکان گشاده ولشرف وکرامت بر همه مکانهای
آن را امتیاز داده بیت بر زمینی که نشان کف پای تو بود سالها سجده
صاحب نظران خواهد بود وعلی ذکره اذا ذکر ودرود بفرست بهنگام
فرو آر بر یاد کردن او وقتی که یاد کرده شود شک نیست که وقت یاد کردن
آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرود می آید رحمت الهی تا آنکه فرو پوشد
آن مکان را وآن یادکنندگان را صلوة منا علی نبینا درود بفرست از ما
وفرستاده از جانب ما بر پیغمبر ما اللهم بلغه منا السلام

خدایا برسان بپیغمبر خود از مایان سلام تعظیم کما ذکر السلام
چنانچه ذکر کرده شده است سلام در قول تو یا ایها الذین امنوا
صلوا علیه وسلموا تسلیما و معنی این در همین حزب گذشته و چون
درخواست از حق تعالی که سلام ما برسان بر پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم پس عرض
نمود تا خدای تعالی بفرماید بفرشتگان که سلام او برسانند بروی صلی الله
علیه واله وسلم والسلام علی النبی وسلام باد از مایان بر پیغمبر
ورحمة الله ورحمت خدا باد بروی تعالی بخدای که برترست و
برکاته وافزونیهای خیر و خوبی خدا باد بروی اللهم صل علی
ملئکتك المقربین خدایا درود بفرست بر فرشتگان خود که نزدیکان
درگاه تو اند وعلی انبیائك المطهرین و بر پیغمبران خود که پاک اند
از هر عیب و نقصان وعلی رسلك المرسلین و بر پیغمبران خود که فرستاده
شده اند بکتاب و معجزه وعلی حملة عرشك و بر بردارندگان عرش
که آن اشرف ملائکه اند و در کشف آورده که حق تعالی جمیع فرشتگان را امر فرمای

تا صبح و شام از روی تعظیم و اکرام بر آنها سلام می گفتند وعلی جبرئیل
وعلی میکائیل واسرافیل وملك الموت و درود بفرست برین
چهار فرشته که نزدیکان بارگاه جلال تو اند ورضوان
بفتح اخر اما اسمی که قبل و بعد او بکسر آورده است خازن جنتك
و بر رضوان که نگاهبان بهشت است ومالك که دربان دوزخست و
صل علی الکرام و درود بفرست بر فرشتگان که بزرگان درگاه اند نزد تو
الکاتبین نویسندگانند روز نامه اعمال بندگان را وصل علی اهل
طاعتك اجمعین و درود بفرست بر فرمان برداران خود با تمامها من اهل
السموات والارضین بفتح راء و سکون آن از باشندگان آسمانها
و زمینها اللهم آت اهل بیت نبیك خدایا بده اهل بیت پیغمبر خود را
افضل ما جازیت احدا من اهل بیوت المرسلین بزرگترین
چیزی که داده تو یکی را از اهل خانه های پیغمبران صاحب کتاب و تحقیق
اهل بیت در حزب اول گذشته واجز اصحاب نبیك و پاداش ده

یاران پیغمبر خود را از مایان در برابر آنچه که رسانیدند بمایان احکام دین
را از پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم افضل ما جازیت احدا من اصحاب
المرسلین بزرگترین چیزی که پاداش دادی بدان هیچ یکی از یاران
پیغمبر اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات خدایا بیامرز مردان
گرویده را و زنان گرویده را والمسلمین والمسلمات و مردان فرمان
برنده را و زنان فرمان برنده را باحکام تو الاحیاء منهم و
الاموات بیامرز زندگان را از ایشان و مردگان را واغفر لنا
و بیامرز مایان را ولاخواننا و بیامرز برادران دینی مایان را الذین
سبقونا بالایمان آنانکه پیش گرفتند بر مایان و با یمان ولا تجعل
فی قلوبنا غلا و مگردان در دلهای مایان کینه و حسد للذین
امنوا برای آنانکه گرویدند ربنا ای پروردگار ما انك
رؤف بدرستی که تو مهربانی رحیم بخشنده پس بنگر بنظر رحمت بر ما
رحمت خود این دعا و ما قبول فرما و اینجا درود علی بن عبد الله بن عباس رضی الله

عنهم

عنهم تمام شد اللهم صل علی النبی الهاشمی خدایا درود بفرست
بر پیغمبری که منسوبست بسوی هاشم که پدر جد ویست صلی الله علیه واله
وسلم چنانچه بالا از این در بیان نسبت شریف مذکور شد و در حدیث شریف
اولاد هاشم بر همه قریش مذکورست محمد که نام پاک او محمدست
وعلی اله وصحبه و درود بفرست بر وی بر آل او و بر یاران او
وسلم وسلام بفرست بر وی بر آل او و بر یاران او تسلیما
سلام فرستادنی بلطف اللهم صل علی محمد خیر البریة
خدایا درود بفرست بر محمد که بهترین همه آفریدگانست صلوة ترضیك
درودی که خشنود کرداند ترا او ترضیه و خشنود کرداند او را وترضی
بها عنا و خشنود شوی تو بسبب آن درود از مایان و مثل
این بالا نیز گذشته یا ارحم الراحمین ای بخشنده ترین بخشندگان
اللهم صل علی محمد وعلی اله وصحبه معنی این قریب معلوم شده
وسلم کثیرا تسلیما وسلام بفرست سلام فرستادنی در حالتی که

بسیارست طیبا سلامی پاکیزه مبارکا فیه برکت داده شده
دران سلام به چیز خوبی جزیلا سلامی بزرگ جمیلا و نیکو خوش
دائما بدوام ملك الله سلامی که همیشه باشد بهمیشگی ملک خدای
اللهم صل علی محمد وعلی آله ملاء الفضاء بفتح فاء جوانها
درود بفرست بر محمد و بر آل محمد باندازه پری زمین فراخ وکشاده جاها
وعدد النجوم فی السماء وشمار ستارگان که در آسمان اند
صلوة توازن السموات والارض درودی که برابر باشد در
گرانی وزن آسمانها را و زمین وعدد ما خلقت و بشمار چیزی
که آفریده تو در زمان گذشته وعدد ما انت خالقه و بشمار
چیزی که پیدا کننده توا از زمان حال و آینده الی یوم القیمه
تا روز قیامت اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد کما
صلیت علی ابراهیم وبارك علی محمد وعلی آل محمد کما
بارکت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم فی العالمین انك حمید مجید

مثل این چند جا گذشته مکرر اللهم انی اسئلك العفو خدایا بدرستی
که من سوال می کنم ترا و می خواهم از تو در گذشتن ترا از گناهان والعافیه
و سلامتی از همه آفات و بلیات ظاهری و باطنی فی الدین در
امر دین بسلامت داشتن از مکر نفس و شیطان و نگاه داشتن از افتادن
در عصیان والدنیا و در دنیا بسلامت ماندن از محنت های و سختیهای
آن والاخرة و در آن جهان برهائی از یاد داشتن گناهان و گفته اند
که عافیت لطفیست جامع همه انواع خیر را و در حدیث شریف آمده که اگر
خواهید که سوال کنید چیزی را از خدائی تعالی سوال کنید عافیت را و اکثر
در استعمال مراد از عافیت صحت بدنی می باشد بیت چرا نالد کسی زنگ
تنگ دستی که گنج بی قیاس است تندرستی و در بعضی نسخه بعد ازین آمده
نیست یعنی بگو این دعا را شه بار اللهم استرنا خدایا بپوش ما را
یعنی عیبها و نقصانها ما را بسترك الجمیل بکسر سین
و فتح آن به پرده خود که نیکوست و زیبا و حسن و خوبی آن پنهان می شود

بر سینی عیبها و در بعضی نسخه آمده یعنی این ثلثا اللهم انی اسئلك
بحقك العظیم خدایا بدرستی که من سوال می کنم ترا بوسیله حق
تو که بزرگست و حق تعالی بر بندگان شناخت اوست بکمال بزرگی و
کبریا و پرستش وی بیکتائی و این شروع درودیست که در آخر
حدیثی ذکر خواهد شد در فصل آن باین لفظ من قراء هذه الصلوة تا آخر
و در بعضی نسخه مقابل این درود و آیچنین صورت نوشته صع
عمل اشارتست باین صلوة وعین بروز جمعه یعنی کسی را که وقت
فراغ دست دهد برهمین درود ولیس کند و بحق نور وجهك
الکریم و بوسیله ذات تو که بزرگست و هر موجودی که هست ظهور آن
به پرتو آن نورست و هر چه که از پرتو آن دورست در پرده نیستی مستورست
رباعی خداوندی که جان در تن نهان کرد ز نور خود زمین و آسمان کرد بهر
کسوت که می خواهد بر آید بهر نقشی که می شاید نماید و بحق عرشك
العظیم و بوسیله عرش تو که بزرگست و در کتاب خود آنرا چند جا به
بزرگی

بزرگی یاد کرده و بما حمل کرسیك و سوال می کنم بوسیله چیزی که
برداشته است آنرا کرسی تو که زیر عرش و زبر آسمانست من عظمتك از
آثار بزرگی تو که نمایانست در آن کرسی وجلالك و از صفات قهریه تو
وجمالك و از صفات لطفیه تو وبهائك و از حسن و خوبی تو
وقدرتك و آثار وصف توانائی تو بر هر چیز که پیدا است در آن
کرسی وسلطانك و از غلبه تو بر هر چیز وبحق اسمائك المخزونة
و بوسیله نامهای تو که پوشیده اند در علم تو از غیر تو المکنونة
نگاه داشته شده اند در پرده غیب التي لم یطلع علیها احد من خلقك
آن نامهائی که آگاهی نیافته است بر آن هیچ یکی از آفریدگان تو از فرشتگان
و پیغمبران و غیر ایشان اللهم واسئلك بالاسم الذي وضعته علی
اللیل فاظلم خدایا سوال می کنم ترا بوسیله نام تو آن نامی که نهادی
تو آن را بر شب یعنی غالب ساختی حکم و اثر آن نام را بر آن پس تاریک شد
آن شب وعلی النهار فاستنار و گذاشتی آن نام را بر روز پس روشن

معنی پس روشن شد وعلی السموات فاستقلت ونهادی
بر آسمانها پس برپا شد بی ستون وعلی الارض فاستقرت
وگذاشت بر زمین پس قرار گرفت وبرجا ماند وعلی الجبال فارست
بفتح همزه وسکون راء وگذاشت آن نام را بر هر کوهها پس استوار
شدند با آنکه محکم وپایدار ساختند آن کوهها زمین را ودر بعضی نسخه
آمده فرست بفتح راء بمعنی اول بیت زمین ازین لرزه آمد
ستوه فرو کوفت بر دامنش میخ کوه وعلی البحار والاودیة فانجرت
وگذاشت آن نام را بر دریاهای ورودخانهای پس روان شدند
وعلی العیون وگذاشت بر چشمهای آب فنبعت پس
بجوشیدند با آب وعلی السحاب فامطرت وگذاشت آن را برابر پس
بارید فائده ظاهر این کلام آنست که وجود همه این چیزهای مذکور از
اثر وخاصیت یک اسم مبارکست واما محققان گفته اند که حق تعالی را اسماء
بسیارست ودر هر اسمی خاصیتی واثری بنهاده که در دیگری نیست وهر چیز عالم
بر

بوجود می آید از خاصیات وآثار آن اسماء جلوه ظهور می نماید نظم باشد
اسماء او چنان بسیار که بود برتر از قیاس وشمار در خبر گرچه هست صد کم یک
هست نسبت بآن حیات اندک ور چه باشد هزار ویک مشهور نیست اند
هزار ویک محصور واسئلک اللهم بالاسماء المکتوبة فی جبهة
اسرافیل علیه السلام وسوال می کنم ترا ای خدا بوسیله نامهای تو که نوشته شده اند
در پیشانی اسرافیل باد بروی سلام وبالاسماء المکتوبة فی جبهة جبرئیل
علیه السلام وبوسیله نامهای که نوشته شده اند در پیشانی جبرئیل سلام
باد بروی وعلی الملئکة المقربین وسلام باد بر فرشتگان که نزدیکان
درگاه الهی اند واسئلک اللهم بالاسماء المکتوبة حول
العرش وسوال می کنم ترا خدایا بوسیله نامهای که نوشته شده اند گرد بگرد
عرش واسئلک بالاسماء المکتوبة حول الکرسی وسوال می کنم ترا
بوسیله نامهائی که نوشته اند گرد بگرد کرسی واسئلک اللهم بالاسماء المکتوبة
علی ورق الزیتون وسوال می کنم ترا خدایا بوسیله نامی که نوشته شده است

بر برگ درخت زیتون در مطالع المسرات آورده که اگر برگ زیتون فرو
نمی ریزد شاید که از خاصیت اسم مبارکست که بران نوشته است مبدء
الحزب الخامس نوشته تمام شد حزب چهارم وشروع حزب پنجم
واسئلک اللهم بالاسماء العظام وسوال می کنم ترا خدایا بوسیله نامهای
تو که بزرگ اند التی سمیت بها نفسک آن نامهای که نامیده تو
با آنها ذات خود را ما علمت منها آنچه که دانستم من از آن نامهای
وما لم اعلم وآنچه ندانستم من واسئلک اللهم بالاسماء التی دعاک بها
آدم علیه السلام وسوال می کنم ترا خدایا بوسیله نامهای آن نامهای که خواندست
ترا بآنها آدم سلام باد بروی وبرهمین قیاس است معنی آنچه که بعد ازین می
آید فائده در روضة الاحباب آورده که عمر آدم نهصد سال بود وبروایتی
هزار سال وحوا بعد از آدم علیه السلام بیک سال وفات یافت وگویند که از
زمان آدم تا بعثت پیغمبر ما صلی الله علیه وآله وسلم پنج هزار وهشتصد وبروایتی
شش هزار ونهصد وپنجاه سال بود وغیر این نیز گفته اند وبالاسماء
الت

التی دعاک بها نوح علیه السلام در روضة الاحباب
آورده که تولد نوح بعد وفات آدم یکصد وبیست وشش سال بود ودر تفسیر حسینی
آورده که اشهر آنست که نوح علیه السلام چهل سال مبعوث شده بود ونهصد وپنجاه
سال خلق را بخدای دعوت کرد وبعد از طوفان شصت سال بزیست وغیر
این نیز گفته اند وبالاسماء التی دعاک بها هود علیه السلام
بتنوین دال فائده نام شش پیغمبر بتنوین آمده محمد وصالح وشعیب وهود
ونوح ولوط وباقی همه بی تنوین اند وبالاسماء التی دعاک بها ابراهیم
علیه السلام در بیضاوی آورده که میان نوح وابراهیم علیهما السلام دو
هزار وششصد وچهل سال بود ودر روضة الاحباب آورده که عمر ابراهیم دویست
سال بود وبالاسماء التی دعاک بها صالح علیه السلام در مدارک
آورده که نه بود در میان نوح وابراهیم مگر دو پیغمبر هود وصالح وبالا
سماء التی دعاک بها یونس علیه السلام در نون ضم وفتح وکسر هر سه جائزست ونسب
او به بنیامین بن یعقوب علیه السلام می رسد ووی بعد از سلیمان بود وگویند

که مابین سلیمان و یونس و ایوب بود علیهما السلام وبالاسماء التي دعاك
بها ایوب علیه السلام کویند که نسب وی باسحاق می رسد از غیر جهت یعقوب
وکویند که به یعقوب میرسد علیهما السلام وبالاسماء التي دعاك بها
یعقوب علیه السلام نام وی اسرائیل است وبسیاری از پیغمبران از اولاد وی اند
وبالاسماء التي دعاك بها یوسف علیه السلام در سبن وی اختلاف
وجه جازست وبالاسماء التي دعاك بها موسی علیه السلام نسب وی
به یعقوب علیه السلام میرسد وبالاسماء التي دعاك بها هارون علیه السلام
وی برادر کلان موسی علیه السلام است بیک سال یا چهار سال وبالاسماء التي
دعاك بها شعیب علیه السلام نسب وی بمدین بن ابراهیم علیه السلام
می رسد وبالاسماء التي دعاك بها اسماعیل علیه السلام وی از
اجداد پیغمبر ماست صلی الله علیه وآله وسلم در روضة الاحباب آورده که عمر
وی صد وسی وهفت سال بود میان وفات او وتولد پیغمبر ما صلی الله علیه
وآله وسلم دو هزار وششصد سال بود وبعضی کمتر کویند وبالاسماء التي

دعاك بها داود علیه السلام نسب وی به یعقوب علیه السلام می رسد وبالاسماء
التي دعاك بها سلیمان علیه السلام وی پسر داود مذکورست علیهما السلام
وبالاسماء التي دعاك بها زکریا علیه السلام بهمزه بعد الف وبی همزه نیز و نسب وی
بیعقوب علیه السلام می رسد وبالاسماء التي دعاك بها یحیی علیه السلام
وی پسر زکریا مذکورست علیهما السلام و وی همزمان بود با عیسی علیه السلام
وبالاسماء التي دعاك بها ارمیا علیه السلام بفتح همزه وسکون راء
وبکسر همزه وضم آن نیز کفته اند و وی از پیغمبران بني اسرائیل است وبالاسماء
التي دعاك بها شعیاء علیه السلام بفتح شین وعین وبسکون عین
نیز و در بعضی نسخه آمده بزیاده الف قبل از شین وسکون شین وکسر عین
وبالاسماء التي دعاك بها الیاس علیه السلام بکسر همزه و نسب وی به هارون
علیه السلام می رسد وبالاسماء التي دعاك بها الیسع علیه السلام
بسکون لام وفتح لام وفتح یاء وسین وبالاسماء التي دعاك بها
ذوالکفل علیه السلام بکسر کاف وسکون فاء وبالاسماء التي دعاك بها یوشع

علیه السلام نسب وی بیوسف علیه السلام می رسد وبالاسماء التي دعاك بها
عیسی علیه السلام در مدارک آورده که میان محمد وعیسی علیهما السلام ششصد
وپنجاه وشش ساله بود وبالاسماء التي دعاك بها محمد صلی الله
علیه وآله وسلم وسوال می کنم ترا بوسیله نامهای که خوانده است ترا بآن ها
محمد علیه الصلاة والسلام و درود فرستد خدای بروی وسلام فرستد
وعلی جمیع النبیین ودرود وسلام فرستد خدای برهمه پیغمبران
رسانندکان احکام الهی را به بندکان والمرسلین وبرهمه پیغمبران
فرستاده شدکان بکتاب ان تصلي علی محمد سوال می کنم ترا بانهمه
وسیلهای که شمردیم انکه درود بفرستی تو بر محمد نبیك که پیغمبر تست
عدد ما خلقته بشمار انکه پیدا کرده توان را من قبل ان تکون
السماء مبنیة از پیش انکه باشد آسمان بنا کرده شد تا این زمان
وبراهین قیامت یعنی الخ بعد از این می آید تا قول او مستنیرة والارض
مدحیة واز پیش انکه باشد زمین کسترده شده والجبال

مرساة بضم میم وسکون راء وفتح سین بعد آن الف واز پیش انکه باشند
کوههای استوار کرده شده و در بعضی نسخه آمده مرسیة بکسر سین وفتح یاء یعني
استوار کننده زمین والبحار مجراة بضم میم وسکون جیم وفتح راء
وبعد آن الف واز پیش انکه باشند دریاها روان کرده شده والعیون
منفجرة واز پیش انکه باشند چشمهای آب کشاده وروان والانهار
منهمرة واز پیش انکه باشند جویهای آب ریزان والشمس مضحیة
بضم میم وکسر حاء وفتح یاء واز پیش انکه باشند آفتاب روشن وتابان
نزدیک رسیده بوقت نیم روز والقمر مضیئا واز پیش انکه باشند
ماه روشن ودرخشان والکواکب مستنیرة واز پیش انکه باشند
ستارکان روشن وفروزان کنت و در بعضی نسخه قبل از این واو
آمده یعني بودی تو پیش از آفرینش این چیزها حیث کنت جائی
که بودی لا یعلم احد حیث کنت نمی داند هیچ یکی جای که بودی تو
الا انت مگر تو می داني وحدك درحالیتی که یگانه تو در صفات

خود لاشريك لك ونيست شريكي مر ترا در صفات تو ودر ملك
تو دقيقه از لفظ جهت كه مكان مفهوم مي شود باعتبار ذات وي سبحانه
مراد نيست كه پاک ترست از نسبت زمان ومكان بلكه باعتبار ظهور صفات
جلال وجمال وآثار قدرت باكمال اوست عز شانه مثنوي عارف حق
شناس را بايد كه بهر سو كه ديده بگشايد ببيند آنجا جمال حق پيدا
نگسلد از جمال حق قطعا اللهم صل على محمد عدد حلمك خدايا
درود بفرست بر محمد بشمار بردباري خود يعني بشمار آنكه تعلق گرفته است بآنها
اين صفت وصل على محمد عدد علمك ودرود بفرست
بر محمد بشمار علم خود يعني بشمار آنچه تعلق گرفته است بآن علم تو وصل
على محمد عدد كلماتك ودرود بفرست بر محمد بشمار سخنان خود
وصل على محمد عدد نعمتك ودرود بفرست بر محمد بشمار نعمت خود كه
بر آفريدگان خود انعام مي فرمايي در دنيا وآخرت وصل على محمد
ملاء سمواتك ودرود بفرست بر محمد باندازه پري آسمانهاي خود

وصل على محمد ملاء ارضك ودرود بفرست بر محمد باندازه
پري زمين خود وصل على محمد ملاء عرشك ودرود بفرست بر محمد
به پري عرش خود وصل على محمد زنة عرشك ودرود بفرست بر محمد
بوزن عرش خود وصل على محمد عدد ما جرى به القلم في ام الكتاب
ودرود بفرست بر محمد بشمار چيزي كه روان شده است بآن قلم در لوح محفوظ
وصل على محمد عدد ما خلقت في سبع سمواتك ودرود بفرست بر محمد
بشمار آنچه پيدا كرده تو بزمانه گذشته در هفت آسمانهاي خود وصل على
محمد عدد ما انت خالقه فيهن الى يوم القيمة ودرود بفرست بر
محمد بشمار چيزي كه پيدا كننده تو از او در آن آسمانها تا روز قيامت تنبيه
در بعضي نسخه بدل سمواتك بحارك آمده ودر بعضي نسخه اول سبع بحارك
بعده سبع سمواتك عدد ما خلقت في الارضين السبع هم آمده في كل
يوم الف مرة ودرود بفرست بر وجه مذكور در هر روز هزار بار
اللهم صل على محمد عدد كل قطرة خدايا درود بفرست بر محمد بشمار هر قطره

باران قطرت بفتح طاء كه چكيده است وريزيده است من سمواتك
الى ارضك از آسمانهاي تو بسوي زمين تو من يوم خلقت الدنيا
باشد اين شمار از ابتداي روزي كه پيدا كرده تو دنيا را وروز شب درهم
فتح بي تنوين وكسر بتنوين وبي تنوين وبر همين قياس است آنچه مثل
اين بعد از اين مي آيد الى يوم القيمة تا روز قيامت في كل
يوم الف مرة در هر روز هزار بار اللهم صل على محمد عدد من يسبحك
خدايا درود بفرست بر محمد بشمار كسانيكه بپاكي ياد مي كنند ترا از همه
نقصانها ومي گويند سبحان الله ويهللك وثابت مي كنند
وحدانيت ترا ومي گويند لا اله الا الله يعني نيست هيچ معبودي بحق سزاوار
پرستش مگر خداوند هيچ چيز نيست كه باين ذكر مشغول نيست خواه بزبان
مقال وخواه بلسان حال بيت هر گياهي كه از زمين رويد وحده
لا شريك له گويد ويكبرك وبشمار كسانيكه مي گويند الله اكبر يعني
خدا بزرگست از هر چيز ويعظمك وبشمار كسانيكه ياد مي كنند

ترا به بزرگي بزبان وبدل من يوم خلقت الدنيا الى يوم القيمة
ودرود بفرست بشمار مذكور از ابتداي روزي كه پيدا كرده تو دنيا را تا
روز قيامت في كل يوم الف مرة در هر روز از اين روزها هزار
بار اللهم صل على محمد عدد انفاسهم خدايا درود بفرست بر محمد
بشمار دمهاي تسبيح كنندگان وديگران كه بآنها مذكور شده والفاظهم
بشمار سخنان ايشان مفرد باشد يا مركب با معني باشد يا بي معني ودر بعضي نسخه
بعد اين آمده والحاظهم يعني بشمار نگريستنهاي ايشان بگوشه چشم
وصل على محمد عدد كل نسمة بفتح نون وسين ودرود بفرست
بر محمد بشمار هر جاني خلقتها فيهم كه پيدا كرده تو آنها را در آن
تسبيح گويان ودر آنها كه با ايشان مذكور شدند من يوم خلقت الدنيا
الى يوم القيمة درود بفرست بشمار مذكور از ابتداي روزي كه پيدا كرده
تو دنيا را تا روز قيامت في كل يوم الف مرة در هر روز هزار بار
اللهم صل على محمد عدد السحاب الجارية خدايا درود بفرست بر محمد

بشمار ابرهای رونده که از جای بجای وصل علی محمد عدد الریاح
الذاریة و درود بفرست خدایا بر محمد بشمار بادهای پراکنده کان خاک
را وغیر آن را من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة فی کل یوم
الف مرة و درود بفرست بشمار ابرها و بادها از ابتدای روزی که پیدا
کرده تو دنیا را تا روز قیامت در هر روز هزار بار مثل این بیشتر خواهد
آمد بر همین قیاس است معنی آن اللهم صل علی محمد عدد ما هبت علیه
الریاح خدایا درود بفرست بر محمد بشمار چیزیکه وزیده است بر آن بادها
وحرکته بتشدید راء وجنبانیده است آن را بادهای من الاغصان
از شاخها والاشجار و از درختان والاوراق و از برگها
والثمار و از بارهای درختان وجمیع ما خلقت علی ارضک
بشمار همه آنچه که پیدا کرده تو بر زمین خود وما بین سمواتک
بشمار آنچه پیدا کرده در میان آسمانها خود من یوم خلقت الدنیا الی یوم
القیمة فی کل یوم الف مرة هزار بار مثل این بگذرگذشته

اللهم صل علی محمد عدد نجوم السماء خدایا درود بفرست بر محمد بشمار
ستارگان آسمان من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة فی کل یوم
الف مرة معنی این معلوم شده اللهم صل علی محمد ملا ارضک بکسر میم
خدایا درود بفرست بر محمد باندازه پری زمین خود و بعد این بیان می کند
آن چیزها که زمین با آن پر است مما حملت از جنس چیزی که برداشته است
آن را زمین واقلت بتشدید لام بمعنی حملت و ذکر دو لفظ بیک معنی جنس
عبارتست من قدرتک از آثار قدرت تو و هر ذره که موجود است
بر زمین از آثار قدرت اوست بیت برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقی
دفتریست معرفت کردگار اللهم صل علی محمد عدد ما خلقت فی سبع
بحارک خدایا درود بفرست بر محمد بشمار چیزیکه پیدا کرده تو در زمان
گذشته در هفت دریاهای خود مما لا یعلم علمه الا انت از جنس
چیزی که همه انداز آن هیچ یکی و فرا نرسیده است بآن دانش هیچکس مگر اگر که
دانی تو و در روایت آمده که پیدا کرده خدا تعالی هزار امت را بس کن گرد آن

شش صد را در روی یابی و چهار صد را در بر وما انت خالقه فیهم الی یوم
القیمة و بشمار چیزی که پیدا کننده تو آن را در دریاها تا روز قیامت فی کل
یوم الف مرة در هر روز هزار بار فائده ذکر کرده اند هفت دریا
را برین وجه بحر هند بحر طبرستان بحر کرمان بحر عمان بحر قلزم بحر روم بحر
مغرب اللهم صل علی محمد عدد مداد سبع بحارک خدایا درود بفرست
بر محمد بشمار چیزیکه پر شده است بآن هفت دریاء تو و در بعضی نسخه
لفظ عدد نیامده یعنی درود بفرست بر پری دریاهای وصل علی محمد زنة
سبع بحارک و درود بفرست بر محمد برابر وزن هفت دریای خود مما حملت و
اقلت از جنس چیزیکه برداشته آن دریاها و این هر دو لفظ بیک
معنی آمده چنانچه بالاقریب گذشته من قدرتک از آثار قدرت
تو و در بعضی نسخه بعد این آمده من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة فی کل یوم
الف مرة اللهم صل علی محمد عدد امواج بحارک خدایا درود بفرست
بر محمد بشمار موجهای دریاهای خود یعنی برهم زدن آبهای آن من

یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة فی کل یوم الف مرة معنی این مذکور شده
اللهم وصل علی محمد عدد الرمل خدایا درود بفرست بر محمد بشمار ریگ
یعنی اجزاء آن والحصی و بشمار سنگریزها فی مستقر الارضین
بفتح قاف در حالتی که هست آن ریگ و سنگریزهای در جای قرار زمینها
وسهلها و در نرم آن زمین وجبالها و در کوههای آن
زمین من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة فی کل یوم الف مرة مثل این
مکرر گذشته اللهم صل علی محمد عدد اضطراب المیاه العذبة
بفتح عین بشمار برهم زدن آبهای شیرین والملحة بکسر میم و آبهای
شور و من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة فی کل یوم الف مرة اللهم صل علی محمد
در بعضی نسخه اللهم نیامده عدد ما خلقته علی جدید ارضک بشمار چیزیکه پیدا
کرده تو آن را بر روی زمین خود فی مستقر الارضین در جای قرار
زمینهای شرقها در جانب بر آمدن آفتاب از زمین وغربها و جانب
فرو رفتن آفتاب سهلها نرم آن زمین وجبالها و کوههای آن

واودیتها ورودخانهای وزمینهای نشیب اگرچه در او آب
نبود وطرقها وراههای آن زمین ودربعضی نسخه آمده وطرقها
وغامرها ودر جای آبادان زمین وغامرها بغین منقوط در
ویرانه آن الی سائر ما خلقته علیها تا همه آنچه پیدا کرده تو آن را
برآن زمین وما فیها وبشمار آنچه که در زیر زمینست من حصاة
از سنگریزه‌های ومدر بفتح میم ودال واز کلوخ وحجر بفتح حا
وجیم واز سنگ من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة فی کل یوم الف مرة
معنی این معلوم شده اللهم صل علی محمد ن النبی خدایا درود بفرست
برمحمد که پیغمبرست عدد نبات الارض بشمار رستنیهای زمین
من قبلتها از قبله آن زمین وآن جانب کعبه شریفه است از هر جانب
که عبارت کرده شود ومشرقها ومغربها وسهلها وجبالها واودیتها
معنی این همه بالا نزدیک گذشته واشجارها وبشمار درختان آن زمین
ولفظ نبات اگرچه این را شامل بود ولیکن خاص کرد اینها را بذکر وهمچنین الخ

بعد از این می‌آید تا هر یک به تفصیل معلوم شود واثمارها وبشمار بارهای
آن زمین یعنی بار درختان که بر آن زمین تواند واوراقها وبشمار برگهای
آن وزروعها وکشت زارهای آن ودربعضی نسخه بدل این آمده
وعروقها یعنی بیخهای درختان وجمیع ما یخرج بفتح یا وتحتیه
وضم را وبشمار همه آنچه برمی‌آید از زمین ودرست که بضم تا فوقیه وکسر را
باشد یعنی آنچه برمی‌آری آن را تو ای خدای تعالی من نباتها از
رستنیهای آن زمین وبرکاتها واز افزونیها وخیر وخوبی آن زمین چنانچه
آبها ومیوه‌ها وجواهرها من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة فی کل یوم
الف مرة اللهم وصل علی محمد عدد ما خلقت من الجن خدایا درود بفرست
برمحمد بشمار آنچه که پیدا کرده تو از برای پریان والانس واز آدمیان
والشیاطین واز سرکشان از آن هردو ودر روایت آمده که آفرینش
آدمیان دهم حصه است از آفرینش جنیان وما انت خالقه منهم
الی یوم القیمة وبشمار آنچه که پیدا کننده تو آن را از آنها تا به روز قیامت فی

کل یوم الف مرة اللهم وصل علی محمد عدد کل شعرة فی ابدانهم
بفتح شین خدایا درود بفرست برمحمد بشمار هرموی که در تنهای آنهاست یعنی
آدمیان وفی وجوههم وهرموی که در روهای آنهاست و
علی رؤسهم وبرسرهای آنهاست منذ خلقت الدنیا الی یوم القیمة
ودرود بفرست باین شمار از ابتدای زمان آفریدن تو دنیا را تا روز
قیامت فی کل یوم الف مرة اللهم وصل علی محمد عدد خفقان
الطیر بفتح خا منقوط وفا بعد قاف خدایا درود بفرست برمحمد بشمار جنبانیدن
وبرهم زدن بازوهای پرندگان برای پریدن وطیران الجن
بفتح طا ویا وبشمار پریدن پریان در هوای والشیاطین ودیوان
سرکشان من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة فی کل یوم الف مرة اللهم و
صل علی محمد عدد کل نسمة بشمار هر جانداری وآنجا مراد هر جنبنده است بر زمین
خلقتها علی جدید ارضك که پیدا کرده تو آن را بر روی زمین خود من
صغیر او کبیر از خورد یا بزرگ فی مشارق الارض که بود

آن چهارپایان وزمین جانب جاهای برآمدن آفتاب ومغاربها
ودر جایهای فرورفتن آفتاب از آن زمین من انسها از آدمیان
وجنها وپریان آن ومما لا یعلم علمه الا انت از جنس چیزی که
نمی‌داند آن را او فرا رسیده است با آن دانش هیچ یکی مگر آنکه می‌دانی تو من
یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة
فی کل یوم الف مرة اللهم وصل علی محمد عدد خطاهم بضم خاء
منقوط خدایا درود بفرست برمحمد بشمار گامهای ایشان علی وجه
الارض بر روی زمین من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة
فی کل یوم الف مرة اللهم صل علی محمد عدد من لم یصلی علیه
خدایا درود بفرست برمحمد بشمار کسانیکه درود می‌فرستند بروی وصل
علی محمد عدد من لم یصل علیه وبشمار کسانیکه درود نمی
فرستند بروی وصل علی محمد عدد القطر ودرود بفرست برمحمد بشمار
قطره‌های والمطر بفتح میم وطا وبشمار بارانها والنبات ورستنیها

وصل علی محمد عدد کل شیء و درود بفرست بر محمد بشمار
هر چیزی اللهم وصل علی محمد فی اللیل اذا یغشی خدایا درود بفرست
بر محمد در شب چون بپوشد عالم را به تاریکی خویش وصل علی محمد فی النهار
اذا تجلی و درود بفرست بر محمد در روز چون آشکار کردد و روشن شود
وصل علی محمد فی الاخرة و درود بفرست بر محمد در سرای آخرت
والاولی و در سرای دنیا وصل علی محمد شابا بتشدید باء
و درود بفرست بر محمد در حالتی که جوان بود یعنی درودی که اکنون فرستی قرار
زمانه جوانی او را زیرا که زمانه گذشته و آینده نزد حق تعالی برابرست و ساعات
ماضی پیش او فی الحال حاضرست ذکیا چنین جوانی که پاک بود و ستوده
و در هنر و خوبی افزوده وصل علی محمد کهلا و درود بفرست
بر محمد در حالتی که میانه سال و دو موبود مرضیا شایسته و پسندیده
در افعال و اقوال و در همه حال وصل علی محمد منذ کان فی المهد
صبیا و درود بفرست بر محمد از ابتداء زمانی که بود وی در گهواره

کودک وصل علی محمد حتی لا یبقی من الصلوات شیء
و درود بفرست بر محمد تا آنکه باقی نماند از درود چیزی و معنی این در
حزب اول تفصیل گذشته اللهم اعط محمدا المقام المحمود
خدایا بده محمد را مقامی که ستوده شود صاحب آن بزبان همه کس الذی
وعدته آن مقامی که وعده کرده تو او را الذی اذا قال
آن محمد که وقتی که گفت سخن صدقته راست و محقق ساختی
برای او سخن او را و از الجمله قصه خواب آن حضرت صلی الله علیه و آله
و سلم که در سوره الفتح مذکورست واذا سال اعطیته و چون
درخواست از تو چیزی دادی تو او را اللهم واعظم برهانه
خدایا و بزرگ گردان دلیل او را یعنی حکم شریف او را وشرف بنیانه
و بلند گردان بنا و مرتبه او را نزد خود یا بنای دین او را یا منزل او را در
بهشت وابلج حجته و روشن گردان دلیل نبوت او را وبین
فضیلته و ظاهر گردان بزرگی او را اللهم خدایا وتقبل

شفاعته فی امته و قبول فرما شفاعت او را در حق امت
واستعملنا و کارکنندگان گردان ما را بسنته بطریقه وی
وتوفنا علی ملته و بمیران ما را بر دین وی واحشرنا و
گرد آر ما یان بروز قیامت فی زمرته در گروه وی وتحت لوائه
و در زیر نیزه وی واجعلنا من رفقائه و گردان ما را از همراهان
و مصاحبان وی واوردنا حوضه و فرود آر ما را بر حوض وی
واسقنا بکاسه و بنوشان ما را از آن حوض بجام وی و دیگر تحقیق
این حزب در حزب چهارم گذشته وانفعنا بمحبته و بهره مند گردان
ما یان را بدوستی وی اللهم امین خدایا چنین باد واسئلک باسمائک
التی دعوتک بها و سوال می کنم ترا بوسیله نامهای تو که خوانده ام من ترا
با آنها در اول این درود ان تصلی علی محمد آنکه درود فرستی تو بر
محمد عدد ما وصفت بشمار چیزی که ذکر کردم من وصف آن را بالای
از این درین درود ومما لا یعلم علمه الا انت و بشمار چیزی که ذکر

نکردم من از جنس چیزی که نمی داند از آن هیچ یکی مگر تو وان ترحمنی و سوال
می کنم آنکه بخشایی بر من وتتوب علی وانکه بپذیری توبه مرا وان
تعافینی و عافیت دهی مرا من جمیع البلاء از همه آفتها
والبلواء بهمزه بعد از الف و رنجهای و ضررهای که سبب آزمایش
بود و مشهور بلوی بالف مقصوره است چنانچه در نسخه آمده وان تغفر لی
وانکه بیامرزی مرا و در بعضی نسخه آمده ولوالدی وترحم المؤمنین
والمؤمنات و ببخشی بر مردان گرویده و زنان گرویده والمسلمین
والمسلمات و بر مردان فرمان برنده حکم شرع را و زنان فرمان برنده
الاحیاء منهم بر زندگان از ایشان والاموات و بر مردگان
وان تغفر لعبدک فلان بن فلان وانکه بیامرزی بنده
خود را که فلان پسر فلانست و باید که بجای لفظ فلان بر خواننده که باشد
نام خود و نام پدر خود بگیرد المذنب چنین که بنده گناه کارست
الخاطی خطا کار و کجرفتارست الضعیف ناتوانست

وان تتوب علیه وانگه بپذیری توبه آزا انك عفو بدرستی
که تو آمرزکاری رحیم بخشنده اللهم امین خدایا چنین بود
یارب العالمین ای پروردگار عالمیان مال رسول الله صلی الله علیه
وآله وسلم گفت پیغمبر خدا درود فرست خدا بروی وسلام من قرء هذه
الصلوة کسی که بخواند این درود را که اول او آمده اللهم انی اسئلك بحقك
العظیم مرة واحدة یکبار در عمر کتب الله له می نویسد
خدای برای او یعنی می نویسند فرشتگان بحکم خدا ثواب حجة
مقبولة یا داش حج پذیرفته شده وثواب من اعتق رقبة
ومی نویسد ثواب کسی که آزاد کرده باشد کردنی را از ابتدا بندگی
من ولد اسمعیل علیه السلام از فرزندان اسمعیل علیه السلام که
ثواب آن بیشترست زیرا که اولاد او بزرگی دارد بر دیگران از برای
پیوستن نسب آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بوی فیقول الله تبارك
وتعالی پس می گوید خدای که بزرگ و برترست یا ملائکتی ای

فرشتگان من هذا عبد من عبادی این بنده ایست از
بندگان من اکثر الصلوة علی حبیبی محمد بسیار گفته است
درود را بر دوست من که محمد است فوعزتی پس سوگند بعزت من
وجلالی وبزرگی من ووجودی وهمه هستی ذات من همیشه وپاینده
ودر بعضی نسخه آمده وجودی بیک واو یعنی سوگند ببخشش من ومجدی
وبزرگی من وارتفاعی وبه پری ذات من وبلندی شان من
لاعطینه هر آینه میدهم این بنده را بکل حرف صلی به
بمقابله هر حرفی که درود فرستاده است بدان حرف قصرا فی الجنة
خانه بلند وبزرگ در بهشت ولیاتینی بتشدید نون مکسوره وهر آینه
می آید آن بنده نزد من یوم القیمة روز قیامت تحت لواء الحمد
در زیر نیزه حمد که باشد برای آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم وبیان آن
در اسماء شریفه گذشته نور وجهه کالقمر وحال آنکه باشد روشنی
روی آن بنده همچو ماه لیلة البدر شب چهاردهم که می باشد در آن بر

وکامل وکفه فی کف حبیبی محمد وباشد کف دست او
در کف دست دوست من که محمد است صلی الله علیه وآله وسلم واین اشارتست به
نهایت بزرگی مرتبه آن بنده نزد آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم ودر بعضی نسخه
بعد ازین زیاده نموده صلی الله علیه وآله وسلم هذا لمن قالها کل
یوم جمعة این ثواب مذکور مرکسی راست که می گوید این درود را در
هر روز آدینه وشاید ازین کلام مصنفست وانگه در حدیث گذشته مرة واحدة
فهمیده است از آنکه یکبار بروز جمعه بخواند از برای شرف آن روز واگرنه
آن لفظ مطلق آمده اگرچه در تمام عمر یکبار بود له هذا الفضل
مر آن گوینده را این افزونی ثواب والله ذو الفضل العظیم و
خدای تعالی خداوند فضل وبزرگست وفی روایة واین درود در روایت
دیگر آمده باین الفاظ اللهم انی اسئلك بحق ما حمل کرسیك من عظمتك
وقدرتك وجلالك وبهائك وسلطانك معنی این الفاظ بالاقریب مذکور
شده وبحق اسمك المخزون وسوآل میکنم ترا بوسیله نام تو

که پوشیده است در خزانه علم تو المکنون نگاه داشته شده است ودر
پرده غیب وظاهر آنست که مراد از آن اسم اعظم باشد که پوشیده در میان
همه اسماء الهی ونیز ازآن اکثر بندگان خاص که خدا تعالی ایشان را علم
آن داده است ودعا می کنند هیچکس بوسیله آن اسم مگر پذیرفته شود ودر
تعین آن اختلافست چنانکه در احادیث مذکور گردید وبعضی از آن در شرح عربی
درین مقام نوشته شده الذی سمیت به نفسك آن نامی که
نامیده تو بدان ذات خود را وانزلته فی کتابك وفرستاده تو آن
نام را در کتاب خود واستاثرت به واختیار کرده تو آن را
وخاص ویکتا شده تو بدان نام فی علم الغیب در علم پنهان عندك
نزد خود ان تصلی علی محمد وآن سوآل اینست که درود بفرستی تو بر محمد
عبدك ورسولك که بنده تست وفرستاده تست واسئلك باسمك
الذی اذا دعیت به اجبت وسوال می کنم بنام تو آن نامی که چون دعا کرده شوی
تو بآن نام قبول می کنی دعا واذا سئلت به وچون خواسته شد

از تو بآن نام چیزی که اعطیت می دهی تو بآن چیز واسئلك بالاسم الذي
وضعته علی اللیل فاظلم وعلی النهار فاستنار وعلی السموات
فاستقلت وعلی الارض فاستقرت وعلی الجبال فرست
ودر بعضی نسخه آمده فارست ومعنی این همه بالاگذشته ودر روایت اول
مذکور شده وعلی الصعبة فذلت ونهادی آن نام را بر چیزی که سخت بس
نرم شد وعلی ماء السماء فسکبت ونهادی آن نام را بر آب آسمان
پس ریزید وعلی السحاب فامطرت وگذاشتی آن نام را بر ابر پس بارید
بیت ببارد سما تا نگوئی ببار ببارد زمین تا نگوئی بیار واسئلك بما سئلك
به محمد نبیك وسوال می کنم ترا با آنچه سوال کرد ترا بآن محمد که پیغمبر تست و
اسئلك بما سئلك به آدم نبیك وسوال می کنم ترا با آنچه که سوال کرد
بآن آدم که پیغمبر تست واسئلك بما سئلك به انبیائك ورسلك وملئكتك
المقربون وسوال می کنم ترا با آنچه که سوال کردند ترا بآن که پیغمبران تو وفرشتگان تو
وفرستادگان تو که نزدیکان درگاه تو اند صلی الله درود فرستد خدا

ودر بعضی نسخه صلوات الله یعنی درودهای خدا باد علیهم بر ایشان
اجمعین همه ایشان واسئلك بما سئلك به اهل طاعتك اجمعین
وسوال می کنم ترا با آنچه که سوال کردند ترا فرمان برندگان تو همه ان تصلی
علی محمد وعلی ال محمد آنکه درود فرستی تو بر محمد و بر آل او
عدد ما خلقت بشمار چیزی که پیدا کرده تو من قبل ان تکون
السماء مبنیة از پیش انکه باشد آسمان برپا کرده شده تا این زمان و
الارض مطحیة وباشد زمین گسترده شده والجبال مرسیة بضم
میم وسکون راء وکسر سین وباشند کوههای استوار یا استوار کننده زمین را
والعیون منفجرة والانهار منهمرة والشمس مضحیه و
القمر مضیا والکواکب منیرة اللهم صل علی محمد
وعلی آل محمد عدد علمك وصل علی محمد عدد حلمك
ومعنی این همه بالا نزدیک مذکور شده وصل علی محمد وعلی ال
محمد عدد ما احصاه اللوح المحفوظ ودرود فرست بر محمد

و بر آل او وبشمار چیزی که شمرده است آن الحسنه که نگاه داشته شده است از تغیر
من علمك از آنچه تعلق گرفته است بآن علم تو وحقیقت هیچ چیز از
لوح محفوظ و از علم بیرون نیست فائده در معالم آورده که لوح از یک
دانه مروارید سفید است ودرازی آن از آسمان تا زمین وپهنای او
از مشرق تا مغرب وکنارهای او از یاقوت است واو درکنار فرشته است
بجانب راست عرش اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد عدد
ما جری به القلم فی ام الکتاب عندك وصل علی محمد
وعلی آل محمد ملاء سمواتك وصل علی محمد وعلی آل محمد
ملاء ارضك مثل این باید که تفاوت بالا نزدیک گذشته
وصل علی محمد وعلی آل محمد ملاء ما انت خالقه ودرود
بفرست بر محمد و بر آل او به پری چیزی که پیدا کننده تو آن را از مکانهای
من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة از ابتداء روزی که پیدا
کرده تو دنیا را تا آخر روز قیامت اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد

عدد صفوف الملئکة خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد صلی الله علیه وآله
بشمار صفهای فرشتگان با اهل آن صفهای وتسبیحهم وبشمار
سبحان الله گفتن ایشان تقدیسهم وبشمار گفتن ایشان سبحان الله
سبحان الملك القدوس یعنی بپاکی یاد می کنم پادشاهی را که پاکی است از
نقصانها وتحمیدهم وبشمار الحمد لله گفتن ایشان وتمجیدهم
وبشمار ثنا گفتن به بزرگی بر خدا وتکبیرهم وبشمار الله اکبر گفتن ایشان
وتهلیلهم وبشمار لا اله الا الله گفتن ایشان من یوم خلقت
الدنیا الی یوم القیمه از ابتدای روزی که پیدا کرده تو دنیا را
تا آخر روز قیامت فی کل یوم الف مرة در هر روز هزار بار اللهم
صل علی محمد وعلی ال محمد عدد السحاب الجاریه والریاح
الذاریة من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمه وصل
علی محمد وعلی ال محمد عدد کل قطرة تقطر بضم طاء خدایا
درود بفرست بر محمد و بر آل او وبشمار هر قطره که می ریزد در زمانه حال ودر بعض

نسخه آمده قطرت یعنی ریزیده است بزمانه گذشته من سموانك الی
ارضك از آسمانهای تو بسوی زمین تو وما نقطر الی یوم القیمة
وانچه خواهد ریزید تا روز قیامت اللهم صل علی محمد وعلی ال
محمد عدد ما هبت الریاح بشمار وزیدن بادها و در بعضی نسخ آمده
ما هبت علیه الریاح یعنی بشمار چیزیکه وزیده است بر آن بادها وعدد
ما تحرکت الاشجار وبشمار جنبیدن درختان والاوراق وجنبیدن
برگها والزرع بضم عین وبشمار جنبیدن کشت زارها وجمیع بکسر
عین وبشمار همه ما خلقت انچه پیدا کرده تو فی قرار الحفظ
در قرارگاه ومکان نگاه داشت هر چیزی یعنی زمین من یوم خلقت
الدنیا الی یوم القیمة اللهم صل علی محمد وعلی آل
محمد عدد القطر والمطر والنبات من یوم خلقت الدنیا
الی یوم القیمة اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد عدد النجوم
فی السماء من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة اللهم صل

علی محمد وعلی ال محمد عدد ما خلقت فی بحارك
السبعة مما لا یعلم علمه الا انت وما انت خالقه الی یوم
القیمة و در بعضی نسخ زیاده نموده بعد خالقه فیها ومعنی این الفاظ
بالا نزدیک مذکور شده باشد کی تفاوت پیش وپس اللهم صل علی
محمد وعلی آل محمد عدد الرمل بشمار ریگ یعنی اجزای آن
والحصا وبشمار سنگریزه های فی مشارق الارض که بوده است
آن ریگ وسنگریزهای در زمین جانب جایهای بر آمدن افتاب و
مغاربها وجانب جاهای فرو رفتن آفتاب از آن زمین اللهم
صل علی محمد وعلی ال محمد عدد ما خلقت من الجن
والانس وما انت خالقه الی یوم القیمة اللهم صل
علی محمد وعلی آل محمد عدد انفاسهم والفاظهم
والحاظهم من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة اللهم
صل علی محمد وعلی ال محمد عدد طیران الجن والملئکة

من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة معنی این همه درودی
که قبل از این مذکور است نوشته شده لیکن بعضی الفاظ پیش وپس
واقع شده اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد عدد الطیور
خدایا درود بفرست بر محمد وبر آل محمد بشمار پرندگان والهوام
وبشمار خزندگان زمین چنانچه مار ومور وکژدم ومانند آن وعدد
الوحوش بضم اول ودوم وبشمار جانوران رمنده صحرائی
والاکام بفتح ومد وهمزه ونیز بکسر همزه وبشمار پستیها وبلندی
های زمین فی مشارق الارض درحالتی که بودند این همه مذکور
در زمین جانب بر آمدن آفتاب فی مغاربها وجانب جایهای
فرو رفتن آفتاب اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد عدد
الاحیاء بشمار زندگان از هر جانداری والاموات وبشمار مردگان
اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد عدد ما اظلم علیه
اللیل بشمار چیزیکه تاریک شده است بر آن شب وما اشرق علیه

النهار وبشمار چیزی که روشن شده است بر آن روز من یوم خلقت الدنیا
الی یوم القیمة از روزی که پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت اللهم
صل علی محمد وعلی ال محمد عدد من یمشی علی رجلین جدا
درود بفرست بر محمد وبر آل محمد بشمار کسی که می رود بر دو پای چنانچه آدمیان
وپرندگان چون بر زمین روند ومن یمشی علی اربع وبشمار کسی که میرود
به چهار پای من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة اللهم صل
علی محمد وعلی ال محمد و در بعضی نسخه آل نیامده عدد من صلی
علیه من الجن والانس والملئکة بشمار کسی که درود فرستاده
بر او از پریان وآدمیان وفرشتگان من یوم خلقت الدنیا
الی یوم القیمة در بعضی نسخه بعد ازین اللهم صل علی محمد وعلی آل
محمد عدد من یصلی علیه زیاده نموده اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد
و در بعضی نسخه لفظ آل نیامده عدد من لم یصل علیه بشمار کسی
که درود نفرستاده بر او اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد کما یجب

بکسر جیم چنانچه واجب ولازم ست ان یصلی علیه انکه درود
فرستاده شود برا واللهم صل علی محمد وعلی ال محمد کما ینبغی
ان یصلی علیه چنانکه سزاوار ست انکه درود فرستاده شود برا واللهم
صل علی محمد وعلی ال محمد حتی لا یبقی شیئ من الصلوة
علیه اللهم صل علی محمد فی الاولین وصل علی محمد
فی الاخرین وصل علی محمد فی الملاء الاعلی الی یوم الدین
معنی این در حزب اول به تفصیل گذشته ماشاء الله انچه خدا خواهد
چنان شود لا قوة الا بالله العلی العظیم نیست توانائی هیچ کس را مگر
بتوفیق خدا که برتر بزرگست ودر حدیث آمده کسی که داده شود او را خیر دنیا
در اهل ومال او پس بگوید نیز دران ماشاء الله لا قوة الا بالله نه بیند دران
چیزی که ناخوش کند او را مبداء الحزب السادس هذه الصلوة
الشریف شروع حزب ششم این درود شریف اللهم صل علی محمد وعلی ال
محمد واعطه الوسیلة والفضیلة والدرجة الرفیعة

وابعثه مقاما محمودا الذی وعدته معنی این الفاظ در فصل صلاة
ودر حزب چهارم مذکور شده انک لا تخلف المیعاد بدرستی که تو
خلاف نمیکنی وعده را اللهم عظم شانه خدایا بزرگ گردان مرتبه
او را واینجا همزه را که بعد از شین ست بالف بدل کنند برای موافقت
لفظ آشده وبین برهانه وظاهر گردان دلیل نبوت او را در همه خلائق
تا معلوم گردد بلندی ومرتبه او وابلج حجته وبین فضیلته و
تقبل شفاعته فی امته معنی این بالا گذشته واستعملنا وگردان
ما یان را از کار کنندگان بسنته بطریق وی که راست وهموار ست وآنکه
آن رستگار ست بیت مزن بی رضای محمد نفس ره رستگاری همینست وبس
یا رب العالمین ویا رب العرش العظیم اللهم یا رب احشرنا
فی زمرته وتحت لوائه واسقنا بکاسه وانفعنا بمحبته
امین یا رب العالمین معنی این الفاظ در درودی که قبل این درود ست
مذکور شده اللهم یا رب بلغه عنا افضل السلام ای خدایا پروردگار

من برسان او را از ما یان بزرگترین سلام واجزه عنا وپاداش ده
او را از ما یان افضل ما جازیت به النبی عن امته بزرگترین هر
چیز یکه پاداش داده تو بدان پیغمبر را از امت او وبیان جزا پیغمبران
از امت در حزب دوم مذکور گشته یا رب العالمین اللهم یا رب انی
اسئلک ان تغفر لی وترحمنی وتتوب علی وتعافینی من جمیع
البلاء والبلواء تحقیق این الفاظ نزدیک گذشته الخارج من
الارض چنین بلائی که برآمده ست از زمین وظاهر شوند بست برآن و
النازل من السماء وفرود آمده ست از آسمان چنانچه باران سخت
وانداختن ژاله وآتش برق وجز آن انک علی کل شیئ قدیر
بدرستی که تو بر همه چیزی توانائی برحمتک عافیت ده بحرمت بخشش
خود وان تغفر للمؤمنین والمؤمنات وانکه بیامرزی مردان گرویده
را بتو وزنان گرویده را والمسلمین والمسلمات ومردان فرمان
برنده وزنان فرمان برنده را الاحیاء منهم والاموات زندگان

ازان زنان ومردگان را ورضی الله عن ازواجه الطاهرات و
خشنود باد خدای از زنان پیغمبر که پاک اند امهات المومنین مادران
مؤمنان در حق حرمت وتعظیم ورضی الله عن اصحابه وخشنود باد
خدا از یاران او الاعلام بفتح همزه که بزرگ اند در مرتبه مانند کوهها
ائمة الهدی پیشوایانند در رهنمائی ومصابیح الدنیا وستارگان
دنیا اند یعنی بسبب وخوبی آن وسبب از رهنمائی اهل جهان بنور
خود وعن التابعین وخشنودی باد از کسی نیکه دیده اند آن
یاران را وپیروی کردند بایشان در طریقه دین وتابعی التابعین
لهم واز پیروی کننده پیروی کنندگان مر آن اصحاب را باحسان
بنیکوئی یعنی بایمان وطاعت الی یوم الدین تا روز پاداش که قیامت ست
والحمد لله رب العالمین وستایش مر خدا راست که پروردگار عالمیان است
برانکه توفیق داد ما یان را بفرستادن درود بر پیغمبر خود صلی الله علیه وآله وسلم
واین آخر آن درود ست که ذکر کرده شد آن را بروایت دوم واول آنست

اللهم اني اسئلك بحق ماحمل كرسيك كمل الثلث
الثاني مبداء الثلث الاخير اللهم رب الارواح اي خداي
پروردگار جانهائی فائده در مطالع المسرات آورده كه اين دعائيست كه
تعليم فرمود آن حضرت صلى الله عليه وآله وسلم صحابه را وامر نموده
ايشان را كه بياموزانيد اين دعا را بكسی كه دعا كند بوسيله اين در حاجت
دنيا والاجساد البالية واي پروردگار تنهاي كهنه شدگان
در گورها اسئلك بطاعة الارواح الراجعة الى اجسادها
سوال مي كنم ترا بوسيله فرمان بردن جانها باز كردنده بسوی تنهای خود حكم
ترا وبطاعة الاجساد الملتئمة بعروقها وبفرمان بردن تنها
بهم آمده وجمع شونده با رگهای خود پس از پراكنده بودن آن رگهای
واستخوان وبكلماتك النافذة فيهم وبوسيله سخنان تو كه جاری
شونده اند در ايشان يعنى خداوند آن جانها وتنها واخذك
الحق وبگرفتن تو حق را كه لازم است بر ذمه آنها منهم از ايشان

والخلائق بين يديك وحال آنكه باشند همه آفريدگان پيش تو ايستاده
بپايگاه حساب ينظرون در حالتي كه انتظاری برند آن آفريدگان فصل
قضائك حكم ترا كه جدا كننده است حق را از باطل ويرجون رحمتك واميد
مي دارند بخشش ترا بآنكه بيامرزي گناهان ايشان را ودرآري در بهشت و
يخافون عقابك ومي ترسند از عقوبت تو ان تجعل سوال مي كنم بآنكه بنهي
وسائل آنكه گرداني النور روشنائی شناخت قدرت خود في بصري
در ديده من تا در نسخه مصنوعات تو نظر عبرت بگشايم وبديدن آفرينش
گوناگون قدرت بيچون وبي نمون تو معلوم نمايم بيت همه نقش اين گنبد
پر نگاره گواهند بر صنع پروردگاره پس چون حق تعالى ديده بنده را بنور
معرفت روشن گرداند از كوري غفلت وجهالت باز ميرهاند مي گند در
وقت حاجت شمع كار آفتابه دل اگر بينا نباشد ديده بينا خوشست
وذكرك بالليل والنهار وآنكه گرداني ياد كردن من ترا در شب و
روز على لساني بر زبان من فائده در مشكاة آورده كه گفت اعرابي

يا رسول الله كدام از عمل فاضل تر است گفت آن حضرت صلى الله عليه وآله وسلم
آنكه جدا شوي تو از دنيا وبميري در حالي كه زبان تو تر بود از ذكر خدا يعني
هميشه در ذكر باش تا نزديك بموت وظاهر است كه مراد اجتماع ذكر زبان
با ذكر دلست واگر نه زبان تنها چندان اعتبار ندارد نظم بگذری غافل
ز ذكر اين وآن ياد حق كن تا بجاني جاودان تا فراموشت نگردد غرض
در حقيقت نيست ذاكر بدان چون فراموشت شود ما دون آن ذاكري
گرچه بجنبانی زبان وعملا صالحا فارزقني وكردار شايسته پس روزي
كن مرا فائده در بحر الحقائق آورده كه عمل صالح متابعت سنت پيغمبر است
صلى الله عليه وآله وسلم بظاهر ترك دنيا واختيار فقر ودوام عبوديت
وبباطن كه بريدن است از خلق وپيوستن است بحق بيت روی از همه بر
تافتم وسوی تو كردم چشم از همه بربستم وديدار تو ديدم اللهم صل على
محمد كما صليت على ابراهيم وبارك على محمد كما
باركت على آل ابراهيم اللهم اجعل صلواتك وبركاتك على محمد

وعلى ال محمد كما جعلتها على ابراهيم وعلى ال ابراهيم انك حميد
مجيد وبارك على محمد وعلى ال محمد كما باركت على ابراهيم
وعلى ال ابراهيم انك حميد مجيد اللهم صل على محمد عبدك
ورسولك وصل على المومنين والمومنات والمسلمين والمسلمات
اللهم صل على سيدنا محمد وعلى اله عدد ما احاط به علمك
واحصاه كتابك وشهدت به ملائكتك صلاة دائمة
تدوم بدوام ملك الله كسی كه مطالعه كتاب از اول تا آخر دارد
معلوم مي نمايد كه اين الفاظ بالا مكرر مذكور شده وتحقيق معنی همه بالا مذكور
شده اللهم اني اسئلك خدايا بدرستي كه من سوال مي كنم ترا باسمائك
العظام بوسيله نامهای تو كه بزرگ اند ما علمت منها آنچه كه دانستم
من از آن نامهای وما لم اعلم وآنچه ندانستم من وبالاسماء التي
سميت بها نفسك وبه نامهای كه ناميده تو بآنها ذات خود را ما علمت
منها وما لم اعلم آنچه دانسته ام من از آنها وآنچه نه دانسته ام ان

تصلي على سيدنا محمد الکه درود فرست بر سردار ما که محمدست صلی الله علیه وسلم
عبدك که بندهٔ خاص تست وبنيك ورسولك عدد ما خلقت
من قبل ان تكون السماء مبنية والارض مدحية والجبال
مرسية والعيون منفجرة والانهار منهمرة معنی این الفاظ
در حزب پنجم گذشته والشمس مشرقة بضم میم وکسر را یعنی پیش از آن که
باشد آفتاب روشن وتابان والقمر مضيا والكواكب مستنيرة
معنی این نیز در حزب پنجم گذشته والبحار مجرية بضم میم وکسر را
وفتح یا بی تشدید وپیش از انکه باشند دریاها تیز رونده ویا روان کننده
چیزها را که در آنهاست ودر بعضی نسخه آمده مجراة بضم میم وفتح را و بعد آن
الف یعنی روان کرده شده واین ظاهرست چنانچه در حزب پنجم گذشته والانهار
متمرة وباشند درختان باردار اللهم صل على محمد عدد علمك
وصل على محمد عدد حلمك وصل على محمد عدد كلماتك وصل
على محمد عدد نعمتك معنی این الفاظ در حزب پنجم گذشته

وصل

وصل على محمد عدد فضلك ودرود بفرست بر محمد بشمار افزونیهٔ
کرم خود وصل على محمد عدد جودك ودرود بفرست بر محمد بشمار
بخشش خود یعنی بشمار آنها که رسیده است بآنها بخشش تو وصل على محمد عدد
سمواتك ودرود بفرست بر محمد بشمار آسمانهای خود وصل على محمد
عدد ارضك ودرود بفرست بر محمد بشمار زمین خود ظاهر آنست که آسمان
هفت اند وهمچنین زمین هفت اند واین عدد اگرچه قلیل است وطلب درودی باید
که بسیار بود لیکن ذکر کرد تا معلوم گردد که هرچه از جنس معدودست اندک
باشد یا بسیار در طلب درود فرو نگذاشته ویا آنکه مراد اجزای آسمانهای
وزمینهای باشند وصل على محمد عدد ما خلقت في سبع سمواتك
من ملئكتك ودرود بفرست بر محمد بشمار آنچه که پیدا کرده تو آنرا در
هفت آسمان های خود از فرشتگان خود وصل على محمد عدد ما خلقت
في ارضك من الجن والانس ودرود بفرست بر محمد بشمار آنچه که پیدا کرده تو از
زمین خود از پریان وآدمیان وغيرهما وجز آن ها من الوحش

از جانوران رمنده گان والطير واز پرندگان وغيرهما
وجز آنها وصل على محمد عدد ما جرى به القلم في علم غيبك
ودرود بفرست بشمار چیزی که روان شده است بآن قلم در علم پنهان تو وما يجري
به الى يوم القيمة وبشمار چیزی که روان شده است قلم
بآن تا روز قیامت وصل على محمد عدد القطر والمطر بشمار قطرهای
وبار آنها وصل على محمد عدد من يحمدك بشمار کسی نیکه می‌ستایند از
ترا به بزرگیها ويشكرك وسپاس گذاریی می‌کنند ترا بر نعمتهای تو و
يهللك واثبات وحدانیت تو می‌کنند بگفتن لا اله الا الله ويمجدك
وبه بزرگی یاد می‌کنند ترا ويشهد انك انت الله وگواهی میدهند
انکه تحقیق که توئی خدا وصل على محمد عدد ما صليت عليه انت
وملئكتك ودرود بفرست بر محمد بشمار آنچه که درود فرستاده تو بروی وفرشتگان
تو وصل على محمد عدد من صلى عليه من خلقك بشمار کسی که درود فرستاده است
بروی از آفریدگان تو وصل على محمد عدد من لم يصل عليه من خلقك بشمار

کسی

کسی که درود نفرستاده است بروی از آفریدگان تو وصل على محمد عدد الجبال
بشمار کوههای والرمال بکسر را وریگها والحصى وسنگریزهای
وصل على محمد عدد الشجر بشمار هر درختی واوراقها وبرگهای آن
والمدر وبشمار کلوخ وگل واثقالها وبارهای گران آن
وصل على محمد عدد كل سنة بشمار هر سالی از سالهای دنیا وما تخلق
فيها وبشمار آنچه پیدا می‌کنی در آن سالهای وما يموت فيها
وآنچه می‌میرد در آن وصل على محمد عدد ما تخلق كل يوم
وبشمار آنچه پیدا میکنی در هر روز وما يموت فيها وآنچه می‌میرد
در آن الى يوم القيمة تا روز قیامت اللهم صل على محمد عدد السحاب
الجارية بشمار ابرهای رونده ما بين السماء والارض در
میان آسمانهای وزمین وما تمطر من المياه بضم میم وکسر تا
ونیز بفتح تا وضم طا وبشمار آنچه که می‌بارد بآن ابرها از آبهای وصل
على محمد عدد الرياح بشمار بادهای که هر جانبی که وزند

المسخرات رام شدکان بحکم خدا فی مشارق الارض
در زمین بجانب جاهای بر آمدن آفتاب ومغاربها وجانب جای
های فرو رفتن آفتاب از آن زمین وجوفها وآن بادهای که رام شوند
در میانه آن زمین وشاید که مراد از زمین کعبه شریفه باشد وانچه نزدیکست به
وی از زمین حرم زیرا که اول حق تعالی که زمین را پیدا کرد بمقدار جسم
کعبه شریفه بود بعد از آن آنرا بهر جانب کشیده وفراخ نموده چنانچه
در حزب اول در درود دهم بیان آن کذشته وقبلتها در
جانب قبله آن زمین وآن جانب کعبه شریفه است از هر مکانی که اعتبار
کرده شود وصل علی محمد عدد نجوم السماء بشمار ستارکان
آسمان وصل علی محمد عدد ما خلقت فی بحارك من الحیتان وبشمار
آنچه که پیدا کرده تو در دریاهای خود از ماهیان والدواب واز هر جانوری
جنبنده والمیاه واز آبها والرمال واز ریکهای وغیر ذلك
وجز آن از مروارید ومرجان ومانند آن وصل علی محمد

عدد النبات ودرود بفرست بر محمد بشمار رستنیها والحصی و
سنکریزهای وصل علی محمد عدد النمل بشمار مورچهای وصل علی
محمد عدد المیاه العذبة بشمار آبهای شیرین وصل علی
محمد عدد المیاه الملحة بشمار آبهای شور وصل علی محمد عدد نعمك
علی جمیع خلقك بشمار نعمتهای خود که انعام کرده بر همه آفریدکان
خود وهیچکس طاقت ندارد که نعمتهای خدا را بشمار آرد وبزرکترین همه
نعمتها محمد است صلی الله علیه وآله وسلم وهمین مرادست در آیه کریمه ثم لتسالن
یومئذ عن النعیم یعنی پس هر آینه پرسیده خواهید شد بروز قیامت از سپاس
کذاری این نعمت بیت چه نعمت بزرک خدا که بر ثقلین اسپاسداری این
نعمت فرض العین وصل علی محمد عدد نقمتك بکسر نون وفتح آن و
سکون قاف ودرود بفرست بر محمد بشمار عقوبت خود وعذابك وبشمار
عذاب خود علی من کفر بمحمد صلی الله علیه واله وسلم بر کسیکه انکار کرد بمحمد صلی الله
علیه وآله وسلم ونکروید بوی ونشکست که نعمتهای جاودانی وعنایات

رباني بر دوستان انحضرت لیسیارند وهمچنین عقوبات دوجهانی بر دشمنان
وی بیشمار اند بیت دوستان در هر دو عالم شاد وخرم می زیند و دشمنان
در محنت وغم این سرا وآن سرای وصل علی محمد عدد ما دامت الدنیا
والاخرة ودرود بفرست بر محمد بشمار اجزاء همیشکی مدت دنیا وآخرت
وصل علی محمد عدد ما دامت الخلائق فی الجنة بشمار اجزای همیشکی
مدت بودن آفریدکان در بهشت وصل علی محمد عدد ما دامت الخلائق
فی النار بشمار اجزای همیشکی مدت بودن آفریدکان در دوزخ وصل علی محمد
علی قدر ما تحبه ودرود بفرست بر محمد بر اندازه دوست داشتن تو
وی را وترضیه وخشنود بودن تو بوی وصل علی محمد علی قدر
ما یحبك ودرود بفرست بر محمد بر اندازه دوست داشتن وی مر ترا
ویرضیك وخشنود بودن وی بتو وصل علی محمد ابد
الابدین بمدت همه وقت ودرود بفرست بر محمد همیشه که آن همیشه را همیشکیهاست
وانزله المنزل المقرب عندك وفرود آر در جایی فرود آمدن

که نزدیک کرده شده است نزد تو از روی مرتبه ومثل این در حزب سیوم نیز
کذشته واعطه الوسیلة والفضیلة والشفاعة والدرجة
الرفیعة وابعثه المقام المحمود الذی وعدته انك لا تخلف المیعاد
معنی این الفاظ در اول همین حزب کذشته اللهم انی اسئلك
خدایا بدرستی که من سوال می کنم ترا بانك مالکی بوسیله آنکه تحقیق که تو
خداوند من هستی وسیدی بمعنی مالکی ومولائی بفتح یاوری یاری
دهنده من هستی وثقتی بکسر اول تکیه کاه من هستی در همه مصائب
ورجائی وامیدکاه من هستی در همه مطالب اسئلك بحرمة
الشهر الحرام سوال می کنم ترا بوسیله بزرکی ماههاکه حرام بود در جنک
در ابتداء اسلام وآن چهارند ذو القعده وذو الحجه ومحرم ورجب والبلد
الحرام وبحرمت شهر بزرک داده شده که مکه معظمه است وبزرکی وی برهمه
جایهاست از آنکه مکان تولد حبیب خداست قطعه ای مکه راز یمن قدوم
تو صد شرف وی مروه را زمقدم تو صد صفا ه بطحا ز نور طلعت تو

یافته فروغ ٭ یثرب ز خاک پای تو با رونق و نوا والمشعر الحرام
معنی این در حزب دوم گذشته وقبر نبیك علیه السلام و سوال میکنم
ترا بوسیله قبر شریف پیغمبر تو سلام باد بر وي واتفاق همه اهل ایمانست
که موضع قبر شریف اشرفست از هر مکان و خاک پاک آنجا خوشبوترست از مشک
نزد اهل عرفان بیت کی شود طیب معادل امکانی کم در وه گرد ذات نبوی
تا بقیامت آرام ان تهب لي آن سوال اینست که بدهي تو مرا بلي
عوض وي بسبب محض بکرم خود من الخیر از خوبي و نیکوئي هر دو جهان
مالایعلم علمه الا انت چیزی که نمی داند آنرا هیچ یکی مگر تو و
تصرف عني من السوء و باز گرداني از ما از بدي مالایعلم علمه
الا انت چیزی که نمی داند آنرا هیچکس مگر تو اللهم خدایا
یا من وهب اي آنکه بخشنده و عطا نموده لادم سیث
بکسر شین مر آدم را پسر وي شیث که یکي از پیغمبرانست ولابراهیم
اسمعیل و بخشنده مر ابراهیم را اسماعیل از سریه وي هاجر در عمر نود
ونر

ونه سالکي واسحاق و داده ابراهیم را اسحاق از زن منکوحه ساره
در عمر یکصد و دوازده سالکي وردیوسف علی یعقوب و آنکه باز
گردانیده یوسف را بر یعقوب پس از هشتاد سال و درین مدت چشم
یعقوب از گریه خشک نشده نظم چه خوشست روی دوست دیدن ٭ بس از
عمری به یکدیگر رسیدن ٭ شراب خوشدلی را نوش کردن ٭ بنا دیدن دست در
آغوش کردن ٭ بکام دل زماني آرمیدن ٭ بهم گفتن سخن و از هم شنیدن ٭
ویامن کشف البلاء عن ایوب وای آنکه دور ساخته رنج
و بیماري را از ایوب و آن مرض چیچک بود که دانهای آبله در تن مبارکش
بر آمده و کرمهای پیدا شده و بوی ناخوش ظاهر گشته و بهر دیهی
و منزلی که مي رفت از آن بیرون مي کردند و مدت هفت سال و هفت
ماه و هفت روز و هفت ساعه بدین محنت مبتلا بود و هرگز از ان
شکایت ننموده و در صبر و شکیبائي افزوده تا آنکه حق تعالی خلعت شفا
بوي عطا فرمود قطعه کلید صبر کسی را که باشد اندر دست ٭ هر آینه در گنج

بگشاید بنام تیره محنت بس ز صبر نمای که دم صبدم سحر از پرده روی بنماید
ویامن رد موسی الی امه وای آنکه باز گردانیدی موسی را بسوی مادر
وي وقتی که فرعون پسران بني اسرائیل را می کشت و مادر موسی وي را
از این ترس در صندوق افکنده بدریای نیل انداخت و آن صندوق در
جوی که بباغ فرعون می رفت در آمد و آن را بامر فرعون بر آورده اند
و باز کردند کودکی ماه روی بر آمده فرعون را محبت پیدا شده و او را
بفرزندي گرفت و موسی علیه السلام شیر پستان هیچ دایه قبول نمیکرد
تا آنکه مادر وي را بشیر دادن وي دایه گرفتند و موسی را در کنار
وي نهادند ویازائد الخضر في علمه اي افزاینده خضر را
در علم و دانش وي چنانچه در قرآن مجید در سوره کهف قصه کمال علم
وي و صحبت داشتن موسی علیه السلام با وي تا چیزی از وي بیاموزد
مذکورست فائده بکسر خاء و سکون ضاد و نیز فتح خاء و کسر ضاد
و سکون آن و کنیت او ابو العباس است و خضر لقب اوست زیرا که چون
او

او بر زمین خشک نشستی سبز شدي و گفته اند که وي پیش از ابراهیم علیه السلام
بود و بعضی گویند بعد از وي بود باندک زماني یا بسیار و نیز اختلافست
علما را که وي نبي بود یا ولي بود و بسیاري از علماء صوفیه بر آنند
که وي زنده است و موجودست در میان ما یان لیکن پوشیده است از
چشم ما یان و زنده مي ماند تا قیامت از برای خوردن وي آب حیات
را و مي بیند او را بعضی از صلحای و با وي ملاقات مي کنند ویامن
وهب لداؤد سلیمان وای آنکه داده مر داود را پسر وي سلیمان
علیهما السلام ولزکریا یحیی و بخشنده مر زکریا را یحیي از زن
وي ایشاع خواهر مریم و بیضاوی آورده که عمر زکریا نود و نه ساله بود
و عمر زن وي نود و هشت ساله بود ولمریم عیسی و بخشنده مریم را
عیسی بي پدر ویا حافظ ابنة شعیب وای نگهبان دختر
شعیب از درندگان و ستمکاران وقتی که مي چرانید گوسفندان را در
بیابان یعنی صفورا که در نکاح موسی علیه السلام آمده بود و قصه آن

در قرآن در سورة القصص مذکورست و در بعضی نسخه آمده ابنتی یعنی دو دختر
اسئلك ان تصلی علی محمد سؤال می کنم ترا که درود نویسی بر محمد صلعم
وعلی جمیع النبیین والمرسلین و بر همه پیغمبران و فرزندان او
و فرستادگان بکتاب وبامن وهب لمحمد صلی الله علیه وآله وسلم
وای آنکه عطا فرمودی محمد را صلی الله علیه وآله وسلم الشفاعة
مرتبه درخواست آمرزش گناهان بندگان ترا از تو والدرجة
الرفیعة و عطا فرموده مر او را پایه بلند از روی مرتبه نزد خود
که هیچ پیغمبری مرسل و فرشته مقرب بآنجا نرسیده بیت. بر ذروه معارج
قدر رفیع تو نی عقل راه یابد و نه فهم می برد ان تغفر لی ذنوبی
سوال می کنم ترا آنکه بیامرزی مرا گناهان من وتستر عیوبی
و بپوشی مرا عیبهای من کلها همه آن گناهان خرد و بزرگ
و همه آن عیبهای وتجیرنی من النار و آنکه نگاه داری و
زینهار دهی مرا از آتش دوزخ یا از آتش دوری و جدائی خود

وتوجب لی رضوانك و آنکه واجب گردانی برای من خشنودی خود
را یعنی تو توفیق دهی مرا به پیروی طریقه خود که آن سبب خشنودی تو گردد
وامانك و آنکه واجب گردانی برای من امان خود را از بلاهای
هر دو جهان خاص از شر نفس و شیطان که ضرر ایشان در دین است و
ایمان و ضرر دشمنان دیگر در مال است و جان رباعی دریغ در دکه با
نفس همتریں شده ایم وزین معامله با دیو همنشین شده ایم بسیار گاه فلک
بوده ایم رشک ملک از جور نفس جفا پیشه همچنین شده ایم و
غفرانك و آنکه واجب گردانی برای من آمرزش خود را برای گناهان
من واحسانك و آنکه واجب گردانی برای من نیکوئی
کردن خود را با من دقیقه ظاهر آنست که این سوال برای طلب مردگان
از احسان که آراسته گردد بدان احوال سائل در هر دو جهان و اگر نه احسان
آفریننده تن و جان در هر زمان بر همه آفریدگان در تحت مثل قطرات
باران ربیع من بی تو دمی قرار نتوانم کرد احسان ترا شمار نتوانم کرد

گر بر تن من زبان شود هر موی یک شکر تو از هزار نتوانم کرد وتمتعنی
فی جنتك و سوال می کنم آنکه برخوردار گردانی تو مرا در بهشت
بنعمتهای خود و بلقاء فرحت افزای خود مع الذین انعمت علیهم
در حالتی که باشم من با آنانکه انعام کرده تو بر ایشان بنعمت نبوت و
صدیقت و شهادت و صلاحیت چنانکه بعد از این بیان می کند
من النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین مثل
این در حزب چهارم گذشته انك علی کل شیء قدیر بدرستی
که تو بر همه چیز توانائی پس می توانی که مراد من نیز حاصل نمائی
وصلی الله علی محمد و درود فرستد خدای بر محمد و در بعضی نسخه
آمده سیدنا محمد وعلی آله ما ازجت تا زمانی که بر انگیزانند و
میرانند الریاح بادها سحابا ابرها رکاما بهم رای ابری
که در هم رسته و تو بر تو بهم بسته است وذاق کل ذی روح
تا وقتی که بچشد جانوری هر جانداری حماما بکسر حاء مرگ را

واوصل السلام و برسان سلام لاهل السلام مر سزاواران
سلام را فی دار السلام در بهشت تحیة در حالتی که باشد آن سلام
دعاء و بقاء و پایندگی وسلاما و باشد دعا بخیر و سلامت اللهم
افردنی خدایا یکتا کن و یک سو گردان مرا لما خلقتنی له
از برای چیزی که پیدا کرده تو مرا برای آن یعنی پرستش حق تعالی و قتی دست
دهد که دل از همه تعلقات وارهد بیت آنکس که ترا شناخت جان را چه کند
فرزند و عیال و خانمان را چه کند دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی دیوانه
هر دو جهان را چه کند ولا تشغلنی و در شغل میندار مرا بما تکفلت
لی به بچیزی که ضامن شده تو برای من بآن چیز یعنی در رزق
نظم هین توکل کن ملرزان پای و دست رزق تو بر تو ز تو عاشقترست این
بت و لرزت ز خوف جوع چیست در توکل شادی بافته زیست گر ترا صبری بودی
رزق آمدی خویش را چون عاشقان بر تو زدی گر تو شتابی بیاید بر درست
ور تو شتابی دهد درد سرت ولا تحرمنی و بی نصیب گردان مرا ز

بخشش خود وانا اسئلك وحال آنكه من سوال مى كنم ترا ولا تعذبني
ومكن عذاب مرا وانا استغفرك وحال آنكه من امرزش مى خواهم از تو
كه كريم هرگز سائل را محروم نكذارد و بر عذر خواه گناه خشم نيارد ثلثا
بخوان از اللهم اقرني تا اينجا سه بار واين دعا از حضرت عليه السلام كه
بعضى از صحابه از و شنيدند اللهم صل على سيدنا محمد وعلى آله وسلم
مثل اين بالا نزديك به نيمه كتاب گذشته اللهم اني اسئلك خدايا
بدرستيكه من سوال مى كنم ترا واتوجه اليك وروى مى آرم بسوى تو
بحبيبك المصطفى عندك بوسيله دوست تو كه بركزيده شده است نزد تو
ياحبيبنا اى محبوب ما اين يا محمد اگرچه اختلاف علما را در ندا كردن
باسم مبارك آنحضرت صلى الله عليه وآله وسلم در حزب چهارم مذكور شده
انا نتوسل بك الى ربك تحقيق كه ما وسيله مى آريم ترا بسوى پروردگار
تو فاشفع لنا پس شفاعت كن براى ما اين ودر روان بودن حاجات
عند المولى العظيم نزد خداوند بزرگ يارى دهنده بزرگوار هيچ دلبرى نميكند

كه نزدوى شفاعت مگر تو كه اين مرتبه دارى يا نعم الرسول الطاهر
اى نيكو پيغمبر پاك از هر نقصان اللهم شفعه فينا خدايا قبول شفاعت كن
در حق ما اين بجاهه عندك بوسيله مرتبه او كه نزد تست ثلثا
بخوان اينهمه دعاها را سه بار با آنكه مراد از آن دعاست يعنى اللهم شفعه ومثل
اين دعا بتفاوت بعضى الفاظ در حصن حصين ودر ديگر كتب احاديث مذكور است
اول دو ركعت نماز بخواند و بر حق تعالى ثنا گويد و درود بخواند و بعده بخواند
پس حاجت خواهد البته بر آيد اللهم واجعلنا من خير المصلين والمسلمين
عليه خدايا گردان ما را از بهترين درود گويان وسلام گويان بروى
ومن خير المقربين منه واز بهترين نزديكان بوى والواردين
عليه واز بهترين فرود آيندگان نزد وى بر حوض وى در بهشت ومن احباب
المحبين فيه واز نيكوان دوستداران وى والمحبوبين لديه
واز نيكوان دوست داشته شدگان نزديک او بسبب پيروى وى در همه افعال و
فرحنا به بشديد راه وكسره آن وشاد و خوش گردان ما را بديدار وى

صلى الله عليه وآله وسلم فى عرصات القيمة در ميدان قيامت و
اجعله لنا دليلا الى جنة النعيم وگردان او را براى ما اين رهنماى بسوى
بهشت اى با نعمت بلا مؤنة بفتح ميم بى رنج ولا مشقة وبى
دشوارى محنت ولا مناقشة الحساب وبى كشش شمردن كارها كه در دنيا
كرده ايم واجعله مقبلا علينا وگردان او را متوجه بر حال ما اين بخوشنودى
وكشاده روئى ولا تجعله غاضبا علينا ومگردان او را خشمناک بر
ما اين واغفر لنا ولجميع المسلمين وبيامرز ما را وهمه مسلمانان را الاحياء
منهم زندگان را از ايشان والميتين ومردگان را واخر دعونا
وآخر دعاء ما اين ان الحمد لله رب العالمين آنست كه سپاس وستايش
مر خداى راست كه پروردگار عالميان است بيت درخور درستايش نبود غير تو كس
هر جا كه ثنائيست تراز بيد و بس مبدء الربع از اينجا شروع
در چهارم حصه اخير كتاب است سه حصه از كيفيت صلاة تا اينجا تمام شد
فاسئلك پس سوال مى كنم ترا در بعضى نسخه آمده اللهم انى اسئلك

يا الله اى خدايا يا الله يا الله تكرار از براى تبرک باين نام فرخنده انجام است
كه عاشق نزاد تكرار آن لذت تمام است نظم الله الله چه طرفه نام است اين نام
ورد دل حرز جان تمام است اين نام كم كى از زبان بكام رسد نام وزرسد زين خجسته نام رسد
يا حي اى زنده پيش از همه يا قيوم اى پاينده بذات وصفات خود و پا بصلاح
آرنده و تدبير كننده كارهاى بندگان را پس هر كه او را باين معنى بشناسد از
تدبير خود باز ماند بيت ما كار خويش را بخداوند كارساز بسپرده ايم تا كرم او چها كند
يا ذا الجلال والاكرام اى خداوند صفات قهريه ولطفيه پس اين نام جامعست
همه صفات الهيه را از نيست كه از اسم اعظم گويند لا اله الا انت نيست
هيچكس سزاوار پرستش مگر تو سبحانك پاكى تو از آنكه در چيزى عاجز شوى
انى كنت بدرستيكه من هستم من الظالمين از ستمكاران بر نفس خود براى
تقصير در پرستش تو و اين تسبيح كرد با اين يونس عليه السلام در شكم ماهى پس خلاص
شد از قيد آن ودر حديث آمده كه دعائى كند بوسيله آن آيه هيچ مسلمانى
در هيچ چيزى مگر آنكه قبول كرده شود اسئلك بحامل كرسيك من عظمتك

وجلالك وبهائك وقدرتك وسلطانك وبحق اسمائك المخزونة
المكنونة معنی این الفاظ در حزب پنجم گذشته وهمچنین بسیاری الفاظ اینده
مگر چندین که از او معنی نوشته خواهد شد المطهرة چنین نامهای که پاک اند
از همه نقصان التي لم يطلع عليها احد من خلقك وبحق الاسم
الذي وضعته على الليل وعلى النهار فاستنار وعلى السموات
فاستقلت وعلى الارض فاستقرت وعلى البحار فانفجرت
واین نامهای که تو نهاده آن را بر بادهای پس شکافته شدند باب وروان
شدند وعلى العيون فنبعت وعلى السحاب فامطرت واسئلك
بالاسماء المكتوبة في جبهة جبرئيل عليه السلام وبالاسماء
المكتوبة في جبهة اسرافيل عليه السلام وعلى جميع الملائكة
واسئلك بالاسماء المكتوبة حول العرش وبالاسماء المكتوبة
حول الكرسي واسئلك باسمك العظيم وسوال می کنم ترا بوسیله نام
تو که بزرگست به بزرگی در فهم نیاید الاعظم بزرگ ترست از انکه بزرگی آن را

كی بعقل دریافت نماید الذي سميت به نفسك فاسئلك بحق اسمائك
كلها ما علمت منها وما لم اعلم واسئلك بالاسماء التي دعاك
بها آدم عليه السلام وبالاسماء التي دعاك بها نوح عليه
السلام وبالاسماء التي دعاك بها صالح عليه السلام وبالاسماء
التي دعاك بها هود عليه السلام وبالاسماء التي دعاك بها
يعقوب عليه السلام وبالاسماء التي دعاك بها يوسف عليه
السلام و در بعضی نسخه معتمده یعقوب ویوسف مذکور نبود در بعضی نسخ بیان داده
وبالاسماء التي دعاك بها يونس عليه السلام وبالاسماء التي دعاك
بها موسى عليه السلام وبالاسماء التي دعاك بها هارون
عليه السلام وبالاسماء التي دعاك بها شعيب عليه السلام
وبالاسماء التي دعاك بها ابراهيم عليه السلام وبالاسماء
التي دعاك بها اسمعيل عليه السلام وبالاسماء التي دعاك بها
داود عليه السلام وبالاسماء التي دعاك بها سليمان عليه السلام

وبالاسماء التي دعاك بها زكريا عليه السلام وبالاسماء
التي دعاك بها يحيى عليه السلام وبالاسماء التي دعاك
بها يوشع عليه السلام وبالاسماء التي دعاك بها
الخضر عليه السلام وبالاسماء التي دعاك بها الياس
عليه السلام وبالاسماء التي دعاك بها اليسع عليه
السلام وبالاسماء التي دعاك بها ذو الكفل عليه
السلام وبالاسماء التي دعاك بها عيسى عليه السلام
وبالاسماء التي دعاك بها محمد صلى الله عليه وآله وسلم
نامهای این همه پیغمبران علیهم السلام بالا در همین حزب پنجم مذکور شده
با تفاوت بیش وپس و در بعضی نسخه نامهای پس شرح این همه در انجا باید دید
نبيك آن محمد که پیغمبر تست ورسولك وفرستاده تست وحبيبك
ودوست تست وصفيك وبرگزیده تست يا من قال ای
انکه گفت یعنی در قرآن وقوله الحق وحال انکه گفته او راست

والله خلقكم وخدای آفریده است شما را وما تعملون واانچه
شما می کنید بدستهای خود واین همه دلیلست بر انکه افعال بندگان مخلوق
پروردگارست بخلاف مذهب معتزله ولا يصدر و واقع نمی شود در ظاهر
نمی گردد من احد از هیچ یکی من عبده از بندگان او وقول
سخنی ولا فعل ونه کاری ولا حركة ونه جنبشی ولا سكون
ونه آرمیدنی و قرار گرفتنی الا وقد سبق مگر انکه بتحقیق که پیش گذشته
بودن انچه که همه مذکور شد في علمه در علم وی سبحانه وتعالی
وقضائه و در حکم وی وقدره و اندازه خواهش وی فائده
بدانکه قضا وقدر بفتح دال وبسکون آن نیز نزد بعضی هر دو بیک معنی
آمده یعنی حکم الهی و بعضی فرض کنند که قضا ازلیست در مرتبه اجمال
وقدر وقوع آن در لا یزال بمرتبه تفصیل وباین معنی قضا سابق باشد بر
قدر و گاهی برعکس آن نیز اطلاق باید قدر بمعنی تقدیر ازلی وقضا بمعنی
پیدا کردن بر وفق آن نظم حادثات جهان چو خیره همه تقدیر او

بود لاغیره نیک وبد اگرچه مقتضای قضاست اين خلاف رضاو آن
برضاست كيف يكون چه گونه خواهد بود آن چیز در چه حالت
پیدا خواهد شد دراز یا کوتاه سعید یا سیاهی زشت یا خوب بچه صورت
وبچه اسلوب كما الهمتني از بهر انداختن تو در دل من وقضيت لي
بجمع هذا الكتاب واز بهر حکم کردن در ازل برای من برای ترتیب دادن
این کلام واین کلام متعلق ست بسؤال بعضی که بعد ازاین می آید که سوال
خود را اینهمه چیز باب کرد اینده وباید که خواننده این کتاب از لفظ
جمع معنی مراد دارد ویا بجای لفظ جمع لفظ قراءت بخواند ويسرت علي
فيه الطريق واز بهر آسان کردن تو برمن در جمع این کتاب راه روشن را
والاسباب واز بهر آسان کردن اسباب هارا چنانچه جمعیت دل وصحت بدن
وعلم بکتب آن وجز آن ونفيت بفتح فا وبی تشدید واز بهر دور کردن
تو عن قلبي از دل من في هذا النبي الكريم در نبوت این پیغمبر بزرگ
الشك تردد را والارتياب وبدگمانی را ودر بعضی نسخه نقیت بتشدید قاف
امده

آمده یعنی از بهر پاک ساختن تو دل مرا از شک در نبوت این پیغمبر وغلبت بتشدید
لام واز بهر غالب ساختن تو حبه عندي دوست داشتن آن پیغمبر را نزد
من على حب جميع الاقرباء بر دوست داشتن همه خویشاوندان والاحباء
بهمزه بعد از الف وبر دوست داشتن همه دوستان ودر بعضی نسخه و
الاحباب آمده بباء بعد از الف بهمون معنی ودرین موافقت سجع نیز
می شود واسئلك وسوال می کنم ترا از بهر این همه سببها که شمردیم يا الله
ای خدای يا الله يا الله فایده تکرار بالا نزدیک گذشته ان ترزقني
آنکه روزی کنی مرا وكل من احبه وهر کسی را که دوست داشته آن
پیغمبر را واتبعه پیروی کرد اورا شفاعته شفاعت آن پیغمبر نزد تو
ومرافقته ومصاحبت او يوم الحساب در روز شمردن اعمال یعنی قیامت
من غير مناقشة بی کشاکش در سوال از افعال ولا عذاب وبی رنج
ولا توبيخ وسرزنش ولا عتاب وبی ملالت وان تغفرلي ذنوبي
وسوال میکنم آنکه بیامرزی گناهان مرا وتستر عيوبي وبپوشی
۱۰۹۵

عیبهای مرا يا وهاب ای دهنده بی عوض يا غفار ای آمرزگار
وان تنعمني بضم تا وسکون نون وکسر عین ونیز بفتح نون وتشدید
عین وسوال می کنم ترا آنکه نعمت دهی وشاکردانی مرا بالنظر الى وجهك
الكريم بدیدن بسوی دیدار تو که بزرگ ست ودیدار حق تعالی در
بهشت برای مومنان نزد اهل سنت وجماعت ثابت شده ست بقرآن وحدیث
وآن بزرگترین ونیکوترین نعمتهاست لطيفه در کشف الاسرار آورده
که عامه مومنان در بهشت مشغول باشند بنعمتهای گوناگون واما مقربان
حضرت مستغرق باشند بمطالعه شهود توحد اوند بیچون قطعه روزی کم
مرا دو وصل تو در چنگ آیده از حال بهشتیان مرا ننگ آیده دربی تو
بصحرای بهشتم خوانند صحرای بهشت بر دلم تنگ آید في جملة
الاحباب حاصل بود دیدار تو در گروه دوستان تو يوم المزيد
در روز افزون بخشایش تو بر مومنان والثواب وروز پاداش
نیکوکاران وان تتقبل مني عملي وسوال می کنم آنکه بپذیری از من کاری
نیکو

نیکو کرده باشم وان تعفو وآنکه درگذری عما احاط به علمك
از چیزی که فرا رسیده ست علم تو بآن من خطيئتي از گناه من و
نسياني واز فراموشی من در کار دین وزللي واز لغزش من
وافتادن در گناهان وان تبلغني وسؤال میکنم آنکه برسانی تو مرا
من زيارة قبره از زیارت قبر آن پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و
التسليم عليه واز سلام گفتن بروی وعلى صاحبيه وبر هر دو
یاران او یعنی ابوبکر وعمر رضی الله عنهما غاية املي نهایت مقصود
مرا بمنك باحسان خود وفضلك وافزونی لطف خود وجودك
وكرمك وبه بخشش خود حق تعالی بفضل خود این دعا را از مصنف
قبول فرمود وبحج بیت خود وبزیارت قبر حبیب خود مشرف نموده
فائده بدانکه زیارت قبر شریف پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم از اعظم
طاعات واو کدترین مستحبات ست ودر روضة الاحباب آورده که جمهور
علماء برآنند که سنتیست مندوب وخصلتیست مرغوب وبعضی از علماء بوجوب

اکن قائل شد بدلیل انکه آن حضرت فرموده که کسی زیارت نکرد مرا پس
جفا کرد مرا و بالجمله زیارت قبر شریف فضیلت ثواب بسیار دارد
و در حدیث آمده کسی که زیارت کند قبر مرا بعد از وفات من چنانست
که زیارت کرد مرا در حیات من و بهر حال هر که زیارت می کند قبر شریف را
سبب خشنودی آن حضرت میگردد و آورده اند که چون بلال رضی الله عنه
بعد از وفات آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم مدتی در شام توقف
کرد پیغمبر را صلی الله علیه وآله وسلم در خواب دید که باوی فرمود ای
بلال بر ما جفا کردی و از جوار ما بیرون رفتی قصد زیارت ما بکن بلال
از خواب بیدار شد و متوجه بمدینه گشت و اولیاء عالی مقام اگرچه با سید
الانام علیه افضل الصلوة والسلام قرب روحی دارند لیکن زیارت
قبر شریف از نعمت بزرگ می شمارند و دل ایشان در اشتیاق آن
تپانست و دیدهٔ شان در فراق آن خون چکانست چنانکه مولانا جامی
قدس سره السامی درین شوق بیتها گفته و درهای آبدار در سلک

نظم

نظم سفته نظم کی بود با دلی ز غم رسته ٭ جانی احرام آن حرم بسته ٭
بر در با چهرهٔ غبار آلوده ٭ سوی آن روضهٔ شریف سجود ٭ کی بود که میان آن منزو
قره کرده صد چاک جیب خرقه صبر ٭ گردان منزل بهشت نشان ٭ رفته با دیده
سرشک فشان ٭ دم بدم در معنی گفته ٭ خالی از لاف و دعوی گفته ٭ یا نبی الله
السلام علیک ٭ انما الفوز والصلاح لدیک یا رؤف ای مهربان
یا رحیم ای بخشنده یا ولی ای یاری دهنده ان تجازیه
سوال می کنم ترا با آنکه پاداش دهی آن پیغمبر را عنی از من وعن کل
من امن به و از هر کسی که گرویده است بوی واتبعه و پیروی کرده است
او را من المسلمین والمسلمات از مسلمانان مردان و زنان الاحیاء
منهم والاموات زندگان از ان مسلمانان و مردگان از آن
افضل پاداش بزرگتر واتم و تمام تر واعم و شاملتر ما جازیت
به احدا من خلقک چیزیکه پاداش داده تو بآن هیچ یکی را از آفریدگان
خود یعنی پاداشی که آن حضرت را دهد از پاداشهای بزرگتر بود و از پاداش هم

کسان و وجه پاداش پیغمبر از امت در حزب دوم گذشته یا قوی ای
توانا تر بر همه چیز یا عزیز ای غالب تر بر همه کس یا علی ای برتر
از همه کس واسئلک و سوال میکنم ترا اللهم خدایا بحق ما اقسمت
به علیک بوسیله چیزیکه وسیله گرفتم من بآن چیز بسوی تو یعنی
آن اسماء که در درود متقدم مذکور گردید و قسم اینجا بمعنی سوگند نیست
که نسبت آن بسوی حق تعالی ترک ادبست بلکه بمعنی توسلست بطریق مجاز
که گویا وسیله گرفتن باین اسماء مثل سوگند دادنست که البته این کار
باید کرد ان تصلی علی محمد عدد ما خلقت من قبل ان تکون السماء مبنیة
والارض مدحیة معنی این در حزب پنجم گذشته والجبال علویة بضم
عین و کسر آن و درود بفرستی بشمار آنکه کوه از پیش آنکه باشند کوههای بلند
والعیون منفجرة و باشند چشمهای شکافته بآب والبحار مسجرة
بفتح خاء مشدده و باشند دریاهای پر آب شده کان بحکم الهی و در بعضی نسخ
بجیم آمده یعنی باشند پر آب یا آمیخته شده تلخها با شیرینها و این در حزب

بود

بود یا خشک کرده شده یا گرم کرده شده والانهار منهمرة والشمس
مضیئة والقمر مضیئا مثل این نیز در حزب پنجم گذشته والنجم منیرا
و باشد هر ستاره که هست روشن و در بعضی نسخ آمده والنجوم
منیرة بلفظ جمع ولا یعلم احد حیث تکون الا انت و در بعضی
نسخ آمده حیث کنت چنانکه در حزب پنجم گذشته وان تصلی علیه و
علی آله عدد کلامک و سوال میکنم آنکه درود فرستی تو بروی
و بر آل وی بشمار کلام خود یعنی سخنانی که بر پیغمبران خود وحی
کردی و آنچه با فرشتگان مقرب گفتی وان تصلی علیه وعلی آله عدد
آیات القران و سوال می کنم آنکه درود بفرستی بروی و بر آل وی بشمار
آیتهای قرآن نظم آیتی قرآن که جای دلکش است ٭ شش هزار و
ششصد و شصت و شش است ٭ یکهزار از وعد و دیگر در وعید ٭ یکهزار
از امر و یک نهی شدید ٭ یکهزار از وی مثال اعتبار ٭ یکهزار از
قصهای بیشمار ٭ پانصد از بحث حلال است و حرام ٭ صد از آن تسبیح ورد صبح و شام ٭

نشصت و شش زان گشت منسوخ الکتاب ختم شد والله اعلم بالصواب
وحروفه وبشمار حرفهای قرآن وعبد الله بن عباس رضی الله عنهما
روایت کرده که در تمام قرآن سه لک وبیت وسه هزار وششصد وهفتاد
ویک حرف وان تصلی علیه وعلی اله عدد من یصلی
علیه وان تصلی علیه وعلی اله عدد من لم یصل
علیه وان تصلی علیه وعلی اله ملاء ارضك
وان تصلی علیه وعلی اله عدد ما جری به القلم
فی ام الکتاب وان تصلی علیه وعلی اله عدد ما
خلقت فی سبع سمواتك وان تصلی علیه وعلی
اله عدد ما انت خالقه فیهن الی یوم القیمة
فی کل یوم الف مرة وان تصلی علیه وعلی اله
عدد قطر المطر وکل قطرة قطرت من سمائك
الی ارضك من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة

فی کل یوم الف مرة معنی این الفاظ در همین حزب ودر حزب پنجم
مذکور گشته طالب را باید که در انجا نظر نماید مبداء الحزب السابع
شروع حزب هفتم وان تصلی علیه وعلی اله عدد من سبحك وسؤال
می کنم ترا آنکه درود فرستی بروی وبر آل وی بشمار کسی که به پاکی یاد کرده است
ترا وتسبیح کفته است بزبان حالی یا بلسان مقال چنانچه بیان آن در حزب
اول گذشته وقدسك بشمار کسی که اثبات پاکی نمود ترا از شریک در
صفات کمال تو ودر ملک لایزال تو وسجد لك وبشمار کسی که سرفرو
افکنده پیش تو بعجز وزاری دقیقه سجده عبارتست از فروتنی وتواضع
وتعظیم وهر ذره که هست در مرتبه فروتنی است پیش خداوند کریم بیت
در نگر تا بینی از عین شهود جمله ذرات جهان را در سجود وعظمك
وبزرگی یاد کرده است ترا من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة
فی کل یوم الف مرة مثل این مکرر گذشته وان تصلی
علیه وعلی اله عدد کل سنة بشمار روزهای هر سال از سالهای

دنیا خلقتهم فیها که پیدا کرده تو آن تسبیح گویان را وسجده
کنندگان را در آن سال من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة
فی کل یوم الف مرة وان تصلی علیه وعلی
اله ودر بعضی نسخ بعد ازاین زیاده نموده وصحیح عدد السحاب
الجاریة وان تصلی علیه وعلی اله عدد الریاح الذاریة
من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة فی کل یوم الف
مرة وان تصلی علیه وعلی اله عدد ما هبت الریاح
علیه وحرکته من الاغصان والاشجار واوراق
الثمار وبشمار برگهای بارها که باهم پیوسته وآمیخته والازهار
وبشمار شکوفهای درختان وعدد ما خلقت علی قرار
ارضك وما بین سمواتك من یوم خلقت الدنیا الی
یوم القیمة فی کل یوم الف مرة وان تصلی علیه و
علی اله عدد امواج بحارك من یوم خلقت الدنیا

الی یوم القیمة فی کل یوم الف مرة وان تصلی علیه
وعلی اله عدد الرمل والحصی وکل حجر ومدر خلقته
فی مشارق الارض ومغاربها وسهلها وجبالها
واودیتها من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة فی کل
یوم الف مرة وان تصلی علیه وعلی اله عدد نبات
الارض من قبلتها وجوفها شرقها وغربها وسهلها
وجبالها من شجر وثمر واوراق وزرع وجمیع ما اخرجت
بسکون تاء وبشمار همه انچه بر آورده است آن زمین وما یخرج بفتح
یاء وضم راء وبشمار انچه می آید منها از آن زمین من نباتها
وبرکاتها من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة فی
کل یوم الف مرة وان تصلی علیه وعلی اله عدد خلقت
من الجن والانس والشیاطین وما انت خالقه منهم
الی یوم القیمة فی کل یوم الف مرة وان تصلی علیه وعلی اله

عدد كل شعرة في ابدانهم وفي وجوههم وعلى
روسهم منذ خلقت الدنيا الى يوم القيمة في كل
يوم الف مرة وان تصلي عليه وعلى اله عدد انفاسهم
والفاظهم والحاظهم من يوم خلقت الدنيا الى
يوم القيمة في كل يوم الف مرة وان تصلي عليه وعلى
اله عدد طيران الجن وخفقان الانس بفتح فاء
وقاف وبشمار جنبيدن آدميان در سير ونكار وبراى هر كار من
يوم خلقت الدنيا الى يوم القيمة في كل يوم الف مرة
وان تصلي عليه وعلى اله عدد كل بهيمة خلقتها
على ارضك صغيرة وكبيرة بنصب هر دو ودر بعضى نسخ واو
آمده بجاى واو وجر هر دو في مشارق الارض ومغاربها
ومما علم از جنس چيزي كه دانسته شده است ومما لا يعلم علمه الا
انت من يوم خلقت الدنيا الى يوم القيمة في كل يوم

الف

الف مرة وان تصلي عليه وعلى اله عدد من صلى عليه
وعدد من لم يصل عليه وعدد من يصلي عليه الى يوم
القيمة في كل يوم الف مرة وان تصلي عليه وعلى
اله عدد الاحياء والاموات وعدد ما خلقت من حيتان
وبشمار آنچه پيدا كرده تو از ماهيان وطير وپرندگان ونمل
ومور چها لطيفه در كشف الاسرار آورده كه چون مور جب با سليمان
عليه السلام بسخن آمده سليمان از وي پرسيد كه لشكر تو چند است گفت
من چهل هزار سرهنگ دارم زير دست هر يكي را چهل هزار نقيب است و
زير دست هر نقيب چهل هزار مور گفت لشكر خود را بيرون نياري
گفت مرا روى زمين مى دادند اختيار نكرديم وبزير زمين جاى گرفتيم
تا بجز خدا حال ما كس نداند بيت قعر چه بگزيد هر كو عاقلست زانكه در
خلوت صفاهاى دلست ونحل وبشمار آنچه پيدا كرده تو از زنبور شهد
دقيقه هر كه در صنايع زنبور ديده عقل وشعور بگشايد حكمت الهى وقدرت

بادشاهي معلوم نمايد كه ميوه تلخ خورند وشهد شيرين بار دهند و
بمسافت فرسنگهاى بسير نمايند وباز بمقام خود باز آيند وجز پاك
وپاكيزه نچرند وگرد پليدى ونجس هرگز نگردند وخانهاى خود آن
چنان ترتيب عجب سازند كه صانعان عاقل در صفت آن حيران مانند
ومثل قى دهن ايشان كه لذت بخش ذايقه انسان است كه تواند كه پيدا
نمايد واين چنين كارهاى عجايب از جانورى ضعيف بتعليم قادرى
باكمال كى راست آيد پس چنانكه از عسل ايشان شفا بدن حاصل مى شود
از تفكر در احوال ايشان شفاء مرض باطن كه جهل است دست دهد
فكر دل را نيك با تمكين كند كام جان را چون عسل شيرين كند
شربت فكر ار بكام جان رسد چاشنى آن بما نا تا ابد وحشرات
وخزندگان زمين چنانكه سوسمار وموش وجز آن وان تصلي عليه
وعلى اله في الليل اذا يغشى والنهار اذا تجلى وان تصلي
عليه وعلى اله في الاخرة والاولى وان تصلي عليه

وعلى

وعلى اله منذ كان في المهد صبيا وآنكه درود بفرستي
بر محمد وبر آل وي از ابتداى زمانى كه بود وى در گهواره كودك الى
ان صار كهلا تا آنكه گشت ميانه سال ودو موى مهديا
راه نموده شده برهنمايي تو بسوى هر كمال وخوبي فقبضته
اليك پس قبض كردي روح پاك وي را بسوى خود عدلا در حالتى
كه صاحب عدل بود مرضيا در حالتى كه خشنود كرده شده بود
نزد تو لتبعثه قبض كردي بر صيف از بهر آنكه برانگيزي تو او را
بروز قيامت شفيعا شفاعت كننده خلائق را پيش تو ودر بعض
نسخ زياده نموده حفيا يعني مهربان وان تصلي عليه وعلى
اله عدد خلقك ورضاء نفسك وزنة عرشك
ومداد كلماتك وان تعطيه الوسيلة والفضيلة
والدرجة الرفيعة والحوض المورود والمقام المحمود
كسى كه ورد اين كتاب دارد معلوم مى نمايد كه معنى اين الفاظ مكرر گذشته

والعز الممدود وانکه بدهی تو اورا عزت وارجمندی دراز وپاینده همیشه وان تعظم برهانه وان تشرف بنیانه
وان ترفع مکانه وان تستعملنا بسنته وان تمیتنا
علی ملته وان تحشرنا فی زمرته وتحت لوائه وان
تجعلنا من رفقائه وان توردنا حوضه وان
تسقینا بکاسه وان تنفعنا بمحبته وان
تتوب علینا وان تعافینا من جمیع البلاء والبلاء
ودر بعضی نسخه آمده البلایا بلفظ جمع وبهمزه ما ظهر منها وما
بطن وان ترحمنا وان تعفو عنا وتغفر لنا ولجمیع
المومنین والمومنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء
منهم والاموات والحمد لله رب العالمین
معنی این الفاظ چون بالا مذکور شده وراعاده آن چیزی افاده
ندید وهو حسبی وآن خدای بسنده است مرا یاری دهنده وکفایت

کننده ونعم الوکیل ونیکو کارگذار است حضرت پروردگار فائده
در حدیث آمده که چون انداخته شد ابراهیم را علیه السلام در آتش
بخواند حسبنا الله ونعم وهرکه بخواند این را دور کرده شود
رنج وغم از او وهر بلائی که از آن می ترسد وهرکه بخواند این را
هفت بار کفایت کند او را خدای تعالی از هر مهمی دقیقه هرکه حق تعالی
را باین نام شناسد همه مهمات خود بوی باز گذارد وهمه مرادات
خود بوی سپارد وبر غیر وی در هیچ امری اعتماد ننماید ودست
همت پیش هیچکس نگشاید قطعه. بر هر چه جز خدای کسی تکیه می کند
عصیان محض باشد زان نام او عصاست در وادی مقدس رخت
از فرونهی روشن شود ترا که عصا نیست اژدهاست ولاحول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم معنی این کلمه بتفصیل بعبارت طویل در
شرح دیباچه مذکور گشته مبداء الحزب الثامن
شروع حزب هشتم در بعضی نسخه ابتدا این حزب اینجا نیست بلکه بیشتر

خواهد آمد چنانچه اینجا نیز اشارت نموده خواهد شد اللهم صل علی
محمد وعلی آل محمد ما سجعت الحمائم خدایا درود بفرست
بر محمد وبر آل محمد مدت همیشگی آواز کردن کبوتران ومرغان طوقدار
مثل قمری وفاخته ومراد از این کلام طلب دوام درود است زیرا که
آواز کردن اینها تا آخر دنیا موجود است وباید که طالب برهمین قیاس
نماید معنی آنچه که بعد ازین می آید وحمت الحوائم ودرود بفرست
بر مدت دوام گرد بر گردیدن پرندگان تشنگان گردنگان گردا
گرد آب تنبیه حمت در اصل حامت بود الف از میان افتاد برخلاف
قیاس وسرحت البهائم ومدت دوام بودن رفتن بچراگاه
چهارپایان ونفعت التمائم وتا زمان همیشگی سود دادن تعویذها
که در گلوی آویزند برای دفع رنج وبلا وتعویذ اگر از آیات قرآنی
واسمای باری باشد سودمند بود واما آویختن خرمهرها در گلو ومانند
آن روا نبود وشدت العمائم ومدت دوام بسته شدن

دستارها وعمامه بکسر عین دستار فائده در کتب احادیث منقول است
که پوشیدن عمامه سنت است ودو رکعت با عمامه بهتر است از هفتاد رکعت
بی عمامه وآن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم گاهی عمامه را علاقه
گذاشتی وگاهی بی علاقه پوشیدی وعلاقه آن حضرت اغلب پس پشت
بودی وگاهی جانب دست راست وگاهی دو علاقه بودی میان دو
دوش مبارک وگذاشتن علاقه بجانب دست چپ بدعت است
وکمتر مقدار آن چهار انگشت واکثر یک دست وزیاده بر آن مکروه
وبالجمله ارسال علاقه مستحب است ودر ترک آن گناهی نیست اگرچه در فعل
آن ثواب است و در روضة الاحباب آورده که طول دستار آن سرور
صلی الله علیه وآله وسلم در کتب احادیث بنظر رسیده فاما بعضی از ائمه
حنفیه آورده اند که دستاری که آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم همیشه
بر سر می بست هفت گز بود ودستاری که روز عید وجمعه می بستی دوازده
گز بوده ونمت النوائم ومدت همیشگی رستن رستنیها از درختان

وگشت زارهای هرگونه **تنبیه** نوائم دراصل نوایی بود یا را بجای
میم بردند و میم را بجا یا آوردند و این چنین درکلام عرب اکثر
می آید **اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد ما ابلج الاصباح**
خدایا درود بفرست برمحمد وبرآل محمد تا زمانی که روشن می کردد
صبح **وهبت الریاح** وتا مدتی که می وزند بادهای
ودبت الاشباح تا وقتی که می جنبند شبهای **وتعاقب**
الغدو والرواح ودر پی می آیند بایکدیگر بامداد وشبانگاه
وتقلدت بضم تاء وقاف وکسر لام مشدده **الصفاح**
بکسر صاد وتا زمانی که بدوش آویخته شوند شمشیرها مانند حمائل
واعتقلت بضم تاء وکسر قاف **الرماح** بکسر راء وتا مدتی که
گذاشته می شوند میان رکاب وساق پای نیزها چنانچه سواران
جنگی می کنند **وصحت الاجساد والارواح** وتا مدتی که درست
وبه می شوند تنها وجانها از بیماریها **دقیقه** بدان ای طالب معجون عرفان
که

که رنجهای تن ظاهراند وعیان واما بیماریهای دل پوشیده اند ونهان
وسخت ترین آن نفرت با فریننده جهان وپس از آن اخلاق رذیله
که هریکی از آن سبب ضررست وزیان مثل جهل وتکبر وحسد و
بخل وحرص ومانند آن بلکه تعلق دل بهرچه که باز دارد از منا بده رحمن
مرضیست از امراض جان اما برای هر علتی ازین علل دوائی هست و
برای هر دردی درمان درد از الشفاء مصطفوی علیه افضل الصلوة
والسلام فی کل زمان **بیت** طبیب عشق مسیحا دم است ومشفق لیک چو
درتو درد نبیند کرا دوا بکند **اللهم صل علی محمد ما دارت**
الافلاک خدایا درود بفرست برمحمد وبرآل محمد تا مدتی که می گردند آسمانها
ودجت بتشدید جیم وبی تشدید آن وتا مدتی که تاریک می شوند
الاحلاک شبهای سخت سیاه **وسبحت الاملاک** وتا مدتی که تسبیح
می گویند فرشتگان یعنی بپاکی یاد می کنند ترا **اللهم صل علی محمد و**
علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم وبارک علی محمد وعلی

ال محمد کما بارکت علی ابراهیم فی العالمین
انک حمید مجید معنی این الفاظ درحزب اول گذشته
اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد ما طلعت الشمس
خدایا درود بفرست برمحمد وبرال محمد تا مدتی که بر می آید آفتاب
وما صلیت بضم صاد وتشدید لام باکسره وتا مدتی که نماز
گذارده می شود **الخمس** نمازهای پنجگانه که فرض است ادای آن
بر بندگان روزانه وشبانه **وما تالق** بتشدید لام وتا مدتی که
درخشد **برق** روشنی که از ابر بیرون جهد **وما تدفق** بتشدید فاء
وتا مدتی که می ریزد **ودق** بفتح واو وسکون دال باران
وما سبح وتا مدتی که تسبیح می گویند یعنی بپاکی یاد می کنند
ترا **رعد** آواز سخت که از ابر شنوده شود ودر روایت آمده که
رعد فرشته ست که می راند ابرها را بهر سوی که امر الهی شود وبرق
تازیانه اوست **اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد**
ملا

ملاء السموات والارض خدایا درود فرست برمحمد وبرآل
او باندازه پری آسمانها وزمین **وملاء ما بینهما** و به
پری آنچه میان آسمان وزمین است **وملاء ما شئت من شیء**
بعد بضم دال وباندازه پری آنچه میخواهی تو از چیزی پس از
آسمانها وزمین **اللهم کما قام** کاف برای تعلیلست یعنی خدایا
از بهر برخاستن وی **باعباء الرسالة** ببارهای پیغمبری
تو ورسانیدن احکام تو به بندگان **واستنقذ الخلق**
من الجهالة واز بهر رهانیدن وخلاص کردن وی آفریدگان را
از نادانی احکام دین **وجاهد اهل الکفر والضلالة**
و از بهر کارزار کردن او با اهل کفر وگمراهی **ودعا الی توحیدک**
واز بهر خواندن او خلق را بسوی اقرار بتوحید تو وبیان اقسام
توحید درحزب سیوم تفصیل طریقه مذکور شده ونهایت مرتبه درین
آنست که موحد ذوات همه ذرات را در ذات حق محو ونابود بیند

وصفات وافعال همه را كل صفات وافعال او شناسد مثنوي جيست
توحيد خدا افروختن ‌ خويشتن را پيش واحد سوختن ‌ كر همي خواهي
كه بفروزي جو روز ‌ هستي همچون شب خود را بسوز ‌ هستيت
در هست آن هستي نواز ‌ همچو مس در كيميا اندر كداز ‌ بين سوزن
را سر رشته دو تا ‌ كر تو يكتا نئي درين سوزن در آ وقاسي
الشدائد واز بهر رنج كشيدن وي بسختيها في ارشاد
عبيدك در رهنمائي بندكان تو بسوي پرستش تو
فاعطه اللهم پس بسبب اين واسطه ها كه شمرديم بده اورا
خدايا سوءله بجيزي كه سؤال كرده بآن از تو وبلغه
مامؤله ورسان اورا مقصود او ونيست مقصود او جز از
حصول رضاي تو ووصول بقرب فرح افزاي تو نظم زرنك احمري
ريحان اين باغ ‌ ننهاد چشم خود را مهر مازاغ ‌ نظر چون بر كرفت
از نقش كونين ‌ قدم زد در حريم قاب قوسين وآته

الفضيله

الفضيله والوسيلة والدرجة الرفيعة وابعثه
المقام المحمود الذي وعدته انك لا تخلف الميعاد
معني اين الفاظ مكرر مذكور كشته اللهم واجعلنا من المتبعين
لشريعته خدايا كردان ما يان را از پيروان راه او يعني از
عمل كنندكان بفرموده وي فائده هركه در طلب حق بشريعت نبوي
سلوك نمود حق تعالي ابواب فيض رحمت خود بروي كشود وكسي كه از
اين راه راست خوف برزيد هركز بمنزل مقصود نرسيد قطعه شريعت
را در تحقيق مي دان ‌ جو حلقه بسته اين در همي باش ‌ اكر خشنودي
محمود را خواهي ‌ اياز خاص را چاكر همي باش المصطفين بمحبته
وكردان ما يان را از كسانيكه كشته دوستي وي صفت ايشان وبيان
شريف محبت آن حضرت صلي الله عليه وآله وسلم در احاديث فصل اول
بتفصيل مذكور كشته المهتدين واز راه يافتكان بهديه
بفتح ها وسكون دال بطريقه وي صلي الله عليه وآله وسلم در اقوال

وافعال وهمه احوال وسيرته واز راه يافتكان بخصلت وي صلي
عليه وآله وسلم وتوفنا علي سنته وبميران ما يان را بر طريقه
وي صلي الله عليه وآله وسلم ولا تحرمنا فضل شفاعته
وبي نصيب مكردان ما يان را از بهره وران وي بخشش شفاعت وي و
احشرنا في اتباعه وفراهم آر وجمع كردان ما يان را در پيروان
وي در قيامت الغر المحجلين چنين پيروان كه روشن
وتابان بود سپيهاي ودستهاي وپايهاي ايشان وتحقيق اين لفظ
در اسماء شريفه كذشته واتباعه السابقين ودر كروه وي
كه پيشي كرفتكان بودند در اعمال حسنه بر عامه مومنان ويا آنكه
بدو قبله نماز كذارده اند با پيغمبر صلي الله عليه وآله وسلم واصحاب
اليمين ودر اصحاب دست راست وآن نيكوكاران اند كه نامه
اعمال در روز قيامت بدست راست ايشان دهند يا ارحم
الراحمين اي بخشنده ترين بخشندكان اللهم صل علي

ملك

ملائكتك خدايا درود بفرست بر فرشتكان خود همه وَ
المقربين وخصوصا بر فرشتكان كه نزديكان دركاه تواند وعلي
انبيائك وبر پيغمبران خود والمرسلين وخصوصا بر پيغمبران
اهل كتاب وعلي اهل طاعتك اجمعين وفرمان برداران
خود همه آنها از اهل آسمان وزمين وپيشينان وپسينان واجعلنا
بالصلوة عليهم من المرحومين وكردان ما يان را ببركت
فرستادن درود بر ايشان از بخشيده شدكان در دنيا وآخرت
اللهم صل علي محمد المبعوث من تهامه بكسر تا خدايا
درود بفرست بر محمد كه برانكيخته شده است از تهامه وآن نام نسب ارض
بلاد حجاز ومكه معظمه از آن است والامر بالمعروف وفرماينده به
نيكوئي كه ايمان است وطاعت الهي ومتابعت سنت رسالت پناهي
والاستقامة وفرماينده به ثبات بودن بر راه دين وبر طاعت
مولا بصدق يقين قطعه تو بهر كاري كه باشي مستقيم ‌ رو نمايد آنچه

مي خواهي ازاو، وگرنداري استقامت درگذر، كه بخواهي يافت
اگاهي ازو دقيقه گويند كه استقامت آنست كه خودرا ازماسوي الله
محفوظ داري وغيرحق راعدم مطلق شماري نظم كس رادانم
ازاهل استقامت، كه باشد برسركوئي سلامت، زاوصاف طبيعت
پاك مرده، باخلاق هويت جان سپرده والشفيع لاهل
الذنوب في عرصات القيمة ودرود فرست برشفاعت
كننده مراهل گناهان رادرميدانهاي قيامت اللهم ابلغ عنا نبينا
خدايا برسان ازمايان بپيغمبرمايان را وشفيعنا وشفاعت
كننده مايانرا وحبيبنا ومحبوب مايانرا افضل الصلوة
والتسليم. بزرگترين درود وسلام وابعثه المقام المحمود
وبرانگيز اورا درمقام ستوده شده الكريم. بزرگ واته الفضيلة
وبده اورا بزرگي والوسيلة وبده اوراتقرب درگاه خود كه بشفاعت
وي كرد مرخلائق را والدرجة الرفيعة وبده اورا مرتبه بلند

التي

التي وعدته آن مرتبه كه وعده كرده تو اورا في الموقف
العظيم. بده اورا اينهمه درجاي استادن كه بزرگست وهمه خلائق
درآن جمع مي شوند وصل اللهم عليه ودرود فرست خدايا بروي
صلوة دائمة درودي كه هميشه باشد متصلة تدوم پي درپي
آئنده باشد تتوالى چنين درودي كه يكي پس ازديگري آئنده بود
وتدوم وهميشه پاينده بود اللهم صل عليه وعلى اله خدايا
درود فرست بروي وبرآل وي مالاح تا مدتي كه روشن مي گردد
ومي درخشد بارق درخشنده يعني روشني كه ازابر بيرون جهد وذر
. بذال منقوطه وتامدتي كه طلوع مي كند يعني برمي آيد شارق طلوع كننده
يعني آفتاب ووقب وتامدت كه تاريك مي گردد غاسق شب
وانهمر وادق وتامدتي كه مي ريزد ابر وصل عليه وعلى اله
ملاء اللوح، ودرود فرست بروي وبرآل وي باندازه پري لوح
محفوظ وبيان آن درحزب پنجم گذشته والفضا وپري زمين فراخ

وگسترده ومثل نجوم السماء ومانند ستارگان آسمان در
شمار وعدد القطر بشمار قطرهاي باران والحصى وسنگريزها
وصل عليه وعلى اله صلوة لاتعد ودرود فرست بروي وبرآل وي
كه شمرده نشود بسبب بسياري آن ولاتحصى ودرودي كه شمار كرده
نشود وذكردو لفظ بيك معني براي تاكيدست اللهم صل عليه
دربعضي نسخه وعلى آله نيز آمده زنة عرشك درودي بوزن
برابر بوزن عرش خود ومبلغ رضاك وباندازه نهايت رسيدگي
خشنودي خود ومداد كلماتك ومقدار سخنان خود ومنتهى
رحمتك وباندازه نهايت رسيدگي بخشايش خود وبخشايش او بهمه جا
وبهمه چيز فرارسيده ست اللهم صل عليه وعلى آله وازواجه
وذريته وبارك عليه وعلى آله وازواجه وذريته كما
صليت وباركت على ابراهيم وعلى ال ابراهيم انك حميد
مجيد معني اين الفاظ درحزب اول گذشته وجازه عنا وپاداش ده

اورا

اورا ازمايان افضل ماجازيت نبيا عن امته بزرگترين چيزي
كه پاداش داده تو بآن پيغمبر را ازگروه دين او وجه پاداش پيغمبران
ازامت درحزب دوم مذكور گشته وجعلنا من المهتدين بمنهاج
شريعته وگردان مايانرا ازراه يافتگان براه روشن وگشاده
شريعت وي دقيقه انكه پيروي شريعت نبوي ورزيده اند منازل طريقت
راسلوك نموده بزمگاه حقيقت رسيده اند وكسانيكه ازين راه رات
سركشيده اند ببادية ضلالت حيران گرديده اند نظم منه چشم خرد برهرش اخره
رسول الله ترا ازهربس آخرما محمد انكه محمود است عرش، شده مغز و
حقيقت اصل وفرعش واهدنا. بفتح همزه وخوبپذير گردان مايانرا
بهديه. بفتح هاء وسكون دال بخصلتهاي وي صلى الله عليه وآله وسلم
وتوفنا على ملته وبميران مايانرا بردين وي واحشرنا و
جمع گردان وفراهم آر مايانرا يوم الفزع الاكبر. بفتح فا وزاء منقوط
درروز ترس واندوه بزرگترو آن روز قيامت است كه همه ازهيبت آن در

١٠٩٩

ترس واندوه باشند من الامنين از ايمن شدگان في زمرته
در گروه وي صلى الله عليه وآله وسلم وامتنا على حبه وبميران ما را
بر دوستي وي وحب اله وبر دوستي آل وي واصحابه ودوستي
ياران وي ودر بعضي نسخه آمده وصحبه وذريته وبر دوستي اولاد
وي صلى الله عليه وآله وسلم اللهم صل على محمد ودر بعضي نسخه
وصل بواو آمده افضل انبيائك آن محمد که بزرگترين پيغمبران است
فائده بدانکه آن حضرت صلى الله عليه وآله وسلم بر همه پيغمبران ثابت به
حديث وقرآن نظم انبيا برگزيدگان حق اند از همه فضل احمد عربيست که
رحمت سوي ما رسول ونبيست برده از کل ما خلق سبق اند است مقتضاي
فضل ازل بعضي از بعض افضل واکمل آن فضائل که انبيا را بوده وآن
شمائل که اصفيا را بود گر شود جمله مجتمع با هم جمله باشند فضل احمد کم نيست
مبعوث بيش شرح شناس غير احمد کسي بکافه ناس واکرم اصفيائك
وبزرگترين برگزيدگان است وامام اوليائك وپيشواي دوستان است

وخاتم

وخاتم انبيائك وآخر همه پيغمبران است وجه اين اسم شريف در شرح
اسما گذشته وحبيب رب العالمين وآن محمد که محبوب پروردگار
عالميانست وشهيد المرسلين وگواهي دهنده براي پيغمبران
در روز قيامت برسانيدن ايشان احکام الهي را با امتان خود وشفيع
المذنبين وشفاعت کننده گناهکاران وسيد ولد آدم
ومهتر وبهتر اولاد آدم اجمعين همه المرفوع الذکر في
الملئکة المقربين. بلند داشته شده ذکر او در فرشتگان که نزديکان
درگاه الهي اند البشير النذير السراج المنير الصادق الامين
الحق المبين الرؤف الرحيم معني اين همه الفاظ در اسماء
شريف بتفصيل گذشته الهادي الى الصراط المستقيم
راهنماي بسوي راه راست بيت راه دان وراه بين وراهبره در
حقيقت نيست جز خير البشر الذي آتيته آن محمد صلى الله
عليه وآله وسلم که داده تو او را سبعا من المثاني هفت آيه از قرآن

يعني سوره فاتحه قرآن را مثاني گفته بجهت آنکه احکام وقصص در وي مکرر
شده يعني بتکرار والقرآن العظيم وداده تو آن را قرآن که بزرگ
مرتبه آن نزد تو نبي الرحمة آن محمد که پيغمبري صاحب بخشايش است
وديگر معني اين در شرح اسما دانسته بايد ديد وهادي الامة وراهنماي
گروه خود است واول من تنشق عنه الارض نخستين کسي که
شکافته مي گردد از وي زمين يعني برانگيخته مي شود از قبر وبدخل
الجنة ونخستين کسي که در مي آيد به بهشت والمويد
بجبرئيل وميکائيل وقوت داده شده باين دو فرشتگان
که مقرب درگاه الهي اند المبشر به في التورية والانجيل
بفتح وتشديد بشين مژده داده شده بآمدن وي در توريت موسى
عليه السلام وانجيل عيسى عليه السلام بلکه در کتب وصحائف همه پيغمبران
عليهم السلام وذکر اين دو کتاب ايما براي اين دو است قطعه اي
وصف تو در کتاب موسى واي نعت تو در زبور داود مقصود توئي ز

از

آفرينش باقي بطفيل تست موجود المصطفى المجتبى اين هر دو
اسم شريف بيک معنى آمده يعني برگزيده خدا از ميان همه آفريدگان المنتخب
چيده شده از ميان اهل بينش وآگاهي براي نهايت مرتبه قرب بدرگاه الهي
ابو القاسم پدر قاسم ودر بعضي نسخ بجاي ابو بواو ابي بيا آمده
محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم. بيان نسب شريف
آن حضرت صلى الله عليه وآله وسلم در حزب چهارم بتفصيل مذکور شده اللهم
صل على ملائکتك خدايا درود بفرست بر فرشتگان خود همه
والمقربين وخصوصا بر فرشتگان که نزديکان درگاه تواند در مرتبه
الذين يسبحون الليل والنهار آن فرشتگان که تسبيح ميگويند
يعني سپاس مي کنند ترا بپاکي تو شب وروز لا يفترون. بفتح يا وسکون فا
وضم فوقيه است وضعيف نمي شوند ولا يعصون الله ونافرماني نمي کنند
خدا را ما امرهم در آنچه فرمايد ايشان را ويفعلون
ما يؤمرون ومي کنند آنچه فرموده مي شود بدان اللهم وکما

اصطفیتهم سفراء بضم سین وفتح فاء جمع سفیر خدایا واز بهر برگزید
توایشانرا پیغام گذاران خود الی رسلك بسوی پیغمبران خود در احکام
دینی و فرشتگان دیگر سوای جبرئیل بشارت غیب با نبیا رسانیده اند وامناء
الی وحیك وامانت داران بر وحی خود اگرچه امین بر وحی جبرئیل است
علیه السلام اما چون او از جنس فرشتگانست نسبت کرده شد امانت را بسوی
همه فرشتگان و معنی وحی در حزب اول فرو گذشته وشهداء علی خلقك
واز بهر برگزیدن توایشانرا بر آفرینش خود بآنچه عمل می کنند وخرقت
لهم بتشدید راء و بعضی بی تشدید واز بهر پاره کردن تو برای ایشان کنف
بضم کاف و نون پردهای حجبك بضم حاء و جیم پوشیدگیهای
خود را یعنی حق تعالی در ایشان نور معرفت و علم خود انداخته و بدان نور
بذات وصفات خود شناسا ساخته وایشانرا علم لوح محفوظ داده وانچه
بر آفریدگان دیگر پنهان داشته ایشانرا بدان دانا گردانیده واز این لازم
نمی آید که فرشتگان بحقیقت ذات حق تعالی و کنه آن عالم باشند و بر همه غیب

علم دارند بلکه هر قدری که خدا خواسته ایشانرا علم داده لیکن بنسبت
آفریدگان دیگر ایشانرا بیشتر عطا فرموده واطلعتهم بضم همزه و
سکون طاء واز بهر دانا کردن تو ایشانرا علی مکنون غیبك
بر پوشیده شده غیب خود یعنی آنچه غایبست از نظر فرشتگان و آفریدگان
دیگر واخترتهم منهم واز بهر اختیار کردن تو از فرشتگان
خزنة لجنتك نگاهبانان برای بهشت خود وحملة لعرشك
و برداشتگان برای عرش خود وجعلتهم من اکثر جنودك واز بهر گردانیدن
تو آن فرشتگان را از بیشترین لشکرهای خود یعنی لشکرهای خدای تعالی
بسیارند از فرشتگان و آدمیان و پریان و دیگر حیوانات صحرایی و
دریایی و فرشتگان بسیارترین اینهمه لشکرها اند وفضلتهم علی
الوری واز بهر بزرگی دادن تو آن فرشتگان را بر خلق از جهت آفرینش
آنها از نور و پاکیزگی آنها از گناهان و اما بزرگی از روی مرتبه نزد حق تعالی
پس بیان آن نزد علمای حنفیه برآنست که خواص انسان یعنی انبیاء علیهم السلام

افضل اند از خواص فرشتگان و خواص فرشتگان افضل اند از عامه انسان
و مومنان افضل اند از عامه فرشتگان نظم حیف باشد که عمر ای فتی
چون بهائم بخواب و خور گذرد آدمی می تواند از کوشش ز فرشته بفضل
در گذرد واسکنتهم السموات العلی بضم عین و فتح لام واز بهر
ساکن ساختن تو آن فرشتگان را در آسمانها بلندتر و برز مکان
اصلی همه فرشتگان آسمانهاست اگرچه بعض از آنها برای تدبیر بعضی
کارها بر روی زمین باشند بامر الهی ونزهتهم عن المعاصی
واز بهر پاک ساختن تو آنها را از نافرمانیها والدناءات واز
خصلتهای کمینه مثل حسد و تکبر و حرص وجز آن وقدستهم عن
النقائص واز بهر پاکیزه گردانیدن تو آنها را از نقصانها شرعی
وطبعی والآفات واز رنجها و مصیبتهای فصل علیهم
پس از بهر اینهمه واصلها که شمردیم درود بفرست بر آن فرشتگان صلوة
دائمة درودی که همیشه باشد تزیدهم بها فضلا درودی

که همیشه باشد و بیفزایی تو آنها را بسبب آن درود بزرگی و افزونی مرتبه وتجعلها
لاستغفارهم بها اهلا درودی که گردانی تو ما را برای آمرزش
خواستن آن فرشتگان بسبب آن درود لایق و سزاوار اللهم صل علی جمیع
انبیائك خدایا درود بفرست بر همه پیغمبران خود ورسلك
و خصوصا بر پیغمبران خود که اهل کتاب اند الذین شرحت صدورهم
آن پیغمبران که گشاده کرده تو سینههای ایشانرا تا اسرار مناجات تو و دعوت
خلق و غم امت در و گنجد و اسرار وحی ترا قبول توانند کرد و گشادن سینهها باین
معنی حاصلست همه پیغمبرانرا و اما آن حضرت را صلی الله علیه وآله وسلم ثابت باین معنی
و هم در ظاهر بشگافتن سینه مبارک چنانچه قصه آن در حزب سیوم گذشته
واودعتهم وامانت گذاشته نزد ایشان حکمتك حکمت خود را
یعنی احکام شریعت را وطوقتهم بنبوتك وگردانیدی تو نبوت را برای
ایشان مانند طوق که از بهر آرایش و زینت در گلو آویزند و در بعضی نسخه
آمده بنبوتك بباء جاره وانزلت علیهم کتبك وفرستادی تو

براي ايشان كتابهاي خود را وگفته اند كه مجموع آن صد وچهارست پنجاه ازان
منزل برشيث وسي ازان بر ادريس وده بر ابراهيم وده بر آدم
عليهم السلام وچهار كتب كه مشهورست توريت وزبور وانجيل
وفرقان وهديت بهم خلقك وراه نمودي تو بسبب ايشان
آفريدگان خود را بسوي دين راست ودعوا الى توحيدك و
خواندن آن پيغمبران خلق را بسوي توحيد تو يعني شناختن ترا به
يگانگيت در جميع صفات الوهيت وبيان توحيد در حزب سيوم ودر اين
حزب نيز بتفصيل مذكور گشته دقيقه گويند كه توحيد انداختن كثرات
وتعينات است از نظر اعتبار يعني همه آثار انوار وجود مطلق واحد
قهار رباعي آثار تعينات چون يافت حكي كثرت همه در وحدت
هيچ شكي چون صورت صفر شد نهان از چشمت بنگر كرده و
صد وهزارست يكي وشوقوا ودر شوق آوردند نيكوكاران را وجنبانيدن
خواهش دلهاي ايشان را الى وعدك بسوي چيزي كه وعده كرده تو
نيكوا

نيكوكاران را يعني بهشت وانچه در ويست از نعمتهاي وبزرگترين آن همه
لقاي فرح افزاي تست وخوفوا من وعيدك وترسانيدند
گناهكاران را از انچه خبر داده تو بعذاب ايشان وارشدوا
وراه نمودند بندگان ترا الى سبيلك بسوي راه تو كه بدان
بمعرفت توان رسيد وقاموا بحجتك وايستادند بيان كردن دليل
وحدانيت تو يعني كوشش كردند در اظهار آن براي بندگان تو تا بشناسند
ترا بدان ودليلك دليل وحجت بيك معنى آمده وسلم اللهم
عليهم تسليما وسلام بفرست خدايا بر آن پيغمبران صلوة وسلام
فرستادني وهب لنا بالصلوة عليهم اجرا عظيما وببخش خدايا
ما را بسبب درود فرستادن ايشان مزد وپاداش بزرگ اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد صلوة دائمة خدايا درود بفرست بر محمد
وبر آل او درودي كه هميشه باشد مقبولة درودي كه پذيرفته شده
نؤدي بها عنا حقه درودي كه ادا بكني تو بسبب آن درود از ما يان

حق آن محمد را صلى الله عليه وآله وسلم العظيم ان حقي كه بزرگست
احسان آن حضرت صلى الله عليه وآله وسلم بر ما يان بحديست وبي پايان
پس واجبست بر ما يان حق آن كريم وما عاجزيم در اداي آن حق عظيم مگر
انكه خدايا تو كرم فرمايي وبفرستادن درود بزرگ بروي حق بزرگ وي
از ما يان ادا نمايي اللهم صل على محمد صاحب الحسن خدايا درود
بفرست بر محمد كه خداوند نيكويي وخوبرويي است والجمال وخداوند
زيبايي ودلربايي دقيقه گويند كه جمال جهان آراي آن حضرت صلى الله
عليه وآله وسلم چنانچه در اصل حقيقت بود همه آن در عالم ظاهر ظهور ننموده
واگر ديده هيچ كس طاقت ديدن آن رخ رعنا نداشت وجلوه آن
چهره زيبا هوش وخرد در هيچ ناظري نگذاشتي قطعه زنان مصر
بهنگام جلوه يوسف ز روي بيخودي از دست خويش بريدند مقررست
كه دل پاره پاره مي كردند اگر جمال تو اي نور ديده ميديدند والبهجة
وخداوندست دلربايي بحصول لذت تقريب دلربايي والكمال وخداوند
ازو

افزوني در هر خوبي ونيكويي والبهاء بفتح با وخداوند
زيبايي وخوبي والنور وخداوند روشني ومناسب بكلام
ماقبل آنست كه مراد نور چهره مبارك وصورت ظاهرست وي است صلى الله
عليه وآله وسلم فائده در مشكاة از جابر بن سمرة رضي الله عنه روايت
كرده كه نگاه ميكردم من گاهي بسوي آن حضرت صلى الله عليه وآله وسلم وگاه
نگاه ميكردم بسوي ماه پس آن حضرت صلى الله عليه وآله وسلم نيكوتر و
روشن تر بود نزد من از ماه واز ابو هريره رضي الله تعالى عنه روايت كرده
كه گويا آفتاب روان مي رفت در روي مبارك وي صلى الله عليه وآله
وسلم لطيفه هر كه چشم او كحل معرفت وسرمه ايمان بينا بود جمال جهان
آرايش با بيخوبي در نظر انكس جلوه نموده وهر كه ديده اش را رمد غفلت
وعناد كور ساخت حسن وزيبا از اهيچ نشناخت قطعه گشت طالع آفتاب
اينچنين عالم فروز ديده خفاش را يكذره ازوي نور نه از شعاعش روز
روشن روي گيتي مستنير تيره كايست هنوز از ديده وي دور نه والولدان

بکسر واو و خداوند کودکان آراستگان بگوشوارهای زرین وحور
وخداوند زنان سفید روی کشاده چشم که آفریده است خدای تعالی
برای خدمت وی صلی الله علیه وآله وسلم در بهشت والغرف وخداوند
بالای خانهای بلند و دریچهای ارجمند در بهشت بضم غین و فتح دویم است
والقصور وخداوند کوشکهای بلند و مسکنهای دل پسند یعنی در
بهشت و چون آفرینش بهشت و نعمتهای آن در اصل و حقیقت برای آن
حضرت است صلی الله علیه وآله وسلم و برای دیگران بطفیل وی پس نسبت کرده
شده بوی صلی الله علیه وآله وسلم واللسان الشکور بفتح
شین وخداوند زبان سپاس گذاری برای پروردگار والقلب المشکور
وخداوند دل ستوده شده و تحقیق که ستوده است خدای تعالی دل آن
حضرت را صلی الله علیه وآله وسلم در کلام خود والعلم المشهور
وخداوند دانش مشهور در میان همه اهل دانش و تحقیق که خدا تعالی
عطا فرموده حبیب خود را علم پیشینیان و پسینیان و آموخت و براخیات
امور

امور و اسرار ضمائر جمهور نظم علمهای انبیا و اولیا در دلش رخشند
چون شمس الضحی عالمی کاموزگارش حق بود علم او بس کامل و مطلق بود
تنبیه در بعضی نسخه العلم بفتح عین و لام آمده بمعنی لوا و بیان در اسماء
شریف گذشته والجیش المنصور وخداوند لشکر ظفر و یاری
داده شده بر دشمنان والبنین وخداوند فرزندان والبنات
وخداوند دختران والازواج الطاهرات وخداوند زنان پاک
و بیان این همه در حزب اول گذشته والعلو علی الدرجات
وخداوند بلندی بر درجهای بهشت و یا درجهای شرف و بزرگی والزمزم
وخداوند چاه زمزم که در مکه معظمه است و فضل آن در احادیث مذکورست
والمقام وخداوند مقام ابراهیم و نسب آن بوی آن حضرت صلی الله
علیه وآله وسلم بجهت آنست که شرف و بزرگی آن از آن حضرت معلوم شده
و در وی اثر قدم جد ویست ابراهیم علیه السلام و بیان ان در حزب دوم گذشته
والمشعر الحرام وخداوند مزدلفه و آن مکانیست بزرگ در قوف الحاوقت

صبح دهم شهر ذی الحجه از واجبات حجست واجتناب الآثام وخداوند دوری
از گناهان وتربیة الایتام وخداوند پرورش خوردکان بی
پدران والحج بفتح حاء و کسر آن بزرد خدا وند حج کعبه شریفه زیراکه
فرضیت آن در زمان آن حضرت شده صلی الله علیه وآله وسلم بعد از هجرت و پیش
از آن نفل بود و آن حضرت صلی الله علیه واله وسلم پیش از هجرت حج نفل
می کرد و اما بعد از هجرت حج نکرده مگر یک حج فرض که از آن حجة الوداع می
گویند و عمره بعد الهجرت چهار کرده سه پیش از حج و یکی با حج وتلاوة
القرآن وخداوند خواندن قرآن و شرف و بزرگی قرآن نزد اهل ایمان
ظاهر است رباعی اهل ایمان را شرف از خواندن قرآن بود مونس از قرآن
گزینند هر که را ایمان بود هست قرآن بحر علم و کان فیض و رحمت علم
از قرآن بود زیرا که زر در کان بود وتسبیح الرحمن وخداوند یاد کردن
بپاکی خداوند بخشنده را وصیام رمضان وخداوند روزه داشتن ماه
رمضان که فرضیت روزهای این مبارک خاصست بامت آن حضرت
ص

صلی الله علیه وآله وسلم و در حدیث آمده که چون در می آید ماه رمضان گشاده
می شود درهای رحمت و زنجیر در پای کرده می شود شیطانها زا واللواء المعقود
وخداوند نیزه گره داده شده بجامه همچو چادر و معنی این در حزب دوم نیز گذشته
والکرم والجود وخداوند بخشش و سخا والوفاء بالعهود
وخداوند تمام کردن پیمانها صاحب الرغبة خداوند خواهش در
آنچه وعده کرده پروردگار با وی از مراتب جنان خود و نعمتهای اخروی
والترغیب وخداوند رغبت دادن یعنی خواهش دهنده مردمان را برای
آمدن در دین اسلام والبغلة وخداوند استر فائده در روضة الاحباب
آورده که آن حضرت را صلی الله علیه وآله وسلم شش استر بود و بعضی هفت
نیز گفته اند و هر یکی را نام بود و مشهور ترین آنها دلدل است و رنگش سفید بود
و اول آن استریست که سواری کرده شد برو در اسلام و آن را بادشاه
اسکندریه بآن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم هدیه فرستاده بود و بعد از آن
حضرت صلی الله علیه واله وسلم علی مرتضی رضی الله عنه بران سوار می شدند

ودر زمان معاویه هلاک شد **والنجیب** وخداوند نسبی که نام او نجیب است
ودر روضة الاحباب نامهای اسبان آن حضرت صلی الله علیه واله وسلم بیان
نموده است **والحوض** وخداوند حوض کوثر **والقضیب** وخداوند عصا
یا شمشیر **النبي الاواب** پیغمبری بازگردنده بسوی پروردگار در هر وقت
وهر کار **الناطق بالصواب** گویا براستی زیرا که کلام آنحضرت صلی الله
علیه واله وسلم از هوای نفس نبود بلکه آنچه بود بوحی بود والهام بود
المنعوت فی الکتاب ستوده شده بخوبی ها در کتاب که خدای
فرو فرستاده بر پیغمبران خود خصوصا در قرآن **نظم** صدر عالم آفتاب
شرع ودین ٥ قدر او را عرش اعظم چون زمین ٥ یک پیاده در رکابش عقل
کل ٥ یکسواره در صفتش روح الامین ٥ من چه گویم مدح او جبار گفت ٥
وصف پاکش رحمة للعالمین ٥ در ازل منشور او خیر البشر ٥ تا ابد طغرایش
ختم المرسلین **النبي عبد الله** پیغمبری که بنده خداست و دیگر لطائف
این اسم مبارک در اسماء شریف مذکور گشته **النبي کنز الله** پیغمبری

ئر

که گنجینه خداست یعنی حق تعالی گنجهای رحمت وهدایت خود را در ان ذات
مبارک نگاه داشته است وهر کس قدر نصیب از ان گنجها بهره یابد **النبي**
حجة الله پیغمبری که دلیل خداست بر بندگان یعنی خدا تعالی چون بهای
ظاهری و باطنی که در آن ذات شریف نهاده همه دلیلست بر کمال قدرت الهی و صدق
نبوت رسالت پناهی **النبي من اطاعه فقد اطاع الله** پیغمبری که
هر که فرمان برد او را پس بدرستی که فرمان برده باشد خدای را زیرا که آنچه
پیغمبر فرموده بفرمان خدا فرموده پس فرمان برداری او فرمان حق باشد
دقیقه در بحر الحقائق آورده که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه واله وسلم
بوصف فنا فی الله وبقا بالله موصوف بود وکسی که قائم بالله باشد هر آینه
خلیفة الله باشد پس خلافت حق مر آن حضرت را ثابت بود ودر هر معامله که با
خلق می نموده وطاعت چنین خلیفه بیشک طاعت حق خلیفه است **مثنوی** چون
نهی شد از خود وپر شد ز دوست ٥ بی شکی فرمان این فرمان اوست ٥ مارمیت گفتش
گوید بر ملا ٥ گر نعیکنیدی نیفکندیم ما ٥ تو دراکندی نه اخر آنکی ٥ فعل فاعل را بود

بی علتی ٥ عقل اینجا ره ندارد وهم نیز ٥ چشم بگشا لب فرو بند ای عزیز **ومن**
عصاه فقد عصی الله وهر که نافرمانی کرد آن پیغمبر را نافرمانی کرده
خدا را **النبي العربي** پیغمبری که منسوبست بسوی عرب که قبیله ایست
از نسل اسماعیل علیه السلام **القرشي** منسوب بسوی قریش بحذف یای
که بعد از رای است واثبات آن نیز رواست وقریش لقب نضر است چنانکه
در حزب چهارم در بیان نسب شریف آنحضرت مذکور گشته پس از آن نام
قبیله شد که اولاد نضر اند وهر که نسب او بان قبیله می رسد او قرشیست
وشرف وبزرگی قریش در احادیث بسیار مذکور شده **الزمزمي**
پیغمبریست که منسوبست بسوی چاه زمزم زیرا که آن حضرت صلی الله
علیه واله وسلم صاحب الخاصت وبزرگی آن از ان حضرت معلوم شده
المکي منسوب بسوی مکه معظمه که جای تولد آن حضرت است صلی الله
علیه واله وسلم وآن حضرت پنجاه وسه سال در آنجا مقیم بود بعد از ان
بحکم الهی بجانب مدینه منوره هجرت نموده **التهامي** بکسر تاء

سور

منسوب بسوی تهامه ومعنی آن بالا نزدیک مذکور شده **صاحب**
الوجه الجمیل خداوند روی خوب وزیبا **والطرف الکحیل**
بفتح طاء وسکون راء وخداوند چشمان سرمگین وحلقه چشم مبارکش
سرمگین بود بی آنکه سرمه کرده شود **والخد الاصیل** وخداوند
رخساره هموار یعنی از استخوان روی بلند برخاسته نبود **فائده**
چون بعضی از صفات صورت زیبا آن دلبر رعنا در اینجا مذکور کرده
ذکر تمام حلیه درین مقام مناسب وملایم دیده تا زبان خوانندگان
را لذتی تمام حاصل آید وگوش شنوندگان را فرحتی بیفزاید **رباعي**
جانا بهم از ذکر تو خاموش مباد ٥ یاد تو ز خاطرم فراموش مباد ٥
هر جا زشمائلت حدیثی گذرد ٥ ذرات وجود من بجز گوش مباد ٥
تنبیه اهل حدیث وسیر صورت مبارک آن حضرت را صلی الله علیه واله
وسلم چنین بیان نموده اند که همه اعضاء مبارکش بر حد اعتدال بوده وقد
همایونش میانه بود نه دراز ونه کوتاه ونه بسیار فربه ونه بسیار لاغر

وکوشت بدن برجسته بود نه ست وبا هر بلند قدی که رفتی بالشتیتر از وی
معجزه از و بلندتر نمودی و سر مبارک بزرک بود اما نه بسیار
و موی دلجویش سیاه بود لیکن خم وپیچ در آن بسیار نبود و مثل موی
جشیان و نه بسیار نرم و فروهشته بود بلکه میانه این دو وصف
بود و کاهی بنصف کوش و کاهی بنرمه کوش و کاهی بسر دوش
می رسید و جبین مبارک کشاده و فراخ بود و ابروان باریک و دراز
وکشیده همچو کمان بود و با هم پیوسته نبوده و میان دو ابرو رکی
بود که وقت غضب ظاهر شدی و چشمان مبارک فراخ و کشاده بود
و سیاهی آن بسیار سیاه و سفیدی آن سخت سفید و میان او رکهای
سرخ می نمود و مژکان مبارک دراز و بسیار موی و رخسار زیبا
و هموار بود و بینی شریف اندکی بلند بود و سر آن را نوری بود کرد شی
برآمده و دهن مبارک کشاده و بغایت ملیح بود و دندان کوهر
فشان سفید و براق و تیز و باریک و میان دندانها کشاده و وقت

تکلم

تکلم کویا نوری از آن بر می آید و روی مبارک کرد بود و چون ماه
شب چهاردهم می درخشید و رنک روی سخت سفید نبود و نه سخت
کندم کون بلکه اندکی سرخ آمیز بود و رنک بدن شریف سفید و نورانی بود
و ریش مبارک انبوه و برابر ازی یک مشت بود و در موهای که میان چشم
و کوش اند چند موی سفید ظاهر شده و مجموع موی سفید در سر
و رویش مبارک قریب بیست بود و کردن مبارک بلند و در نهایت
صفا بود و میان دوش نه از یکدیگر دور بود و سینه بی کینه بهن
و شکم و سینه با هم یکسان و هموار بود و میان دوش نه مهر نبوت بود
مانند بیضه کبوتر روشن و تابان و از سینه تا ناف خطی باریک از
موی کشیده و باقی شکم و سینه بی موی و بازوی و دوش مو دار و سرهای
استخوان اعضاء بزرک و بند دست دراز و کف دست کشاده و نرم تر
از حریر و ساق و پای اندکی باریک و انکشتان دست و پای درست
دراز و پاشنه کم کوشت و کف دست و پای پر کوشت و زیر پای برداشته

ارزمین و پشت هموار و نرم و حاصل سخن انکه همه اعضاء شریف و بیکر
لطیف در نهایت خوبی و زیبای و اعتدال بود و ویرا صلی الله علیه و آله
وسلم در حسن و جمال شریک و همتا نبود بیت هرچه اسباب جمالت رخ خوب
ترات همه بر وجه کمالست کما لایخفی والکوثر و خداوند حوض
کوثر و بیان آن در اسماء شریف کذشته والسلسبیل و خداوند
سلسبیل و آن نام چشمه ایست در بهشت و آب آن آسان در حلق رود
و بکوارد قاهر المضادین بتشدید دال و غالب بر مخالفان دین
مبید الکافرین هلاک کننده کافران که ناکرویدکان بخدای و رسول اند
وقاتل المشرکین و کشنده شرک آرندکان بخدا و این به آنکه حق
لشکرها بسیار بود و کاهی بدست مبارک به نیزه کافری را بجهنم رسانیده
چنانچه ابی ابن خلف بن وهب را که کافری مشهور بود در جنک احد
او را به نیزه زده و بجهنم رسانیده قائد الغر المحجلین از
بیش کشنده آنان را که بنشانی دست و پای ایشان روشن بود در قیامت

ان

ایشان را بعت آن حضرت باشد چنانچه در اسماء شریفه بیان آن کذشته
الی جنات النعیم بسوی بهشت پر نعمت وجوار الکریم
بضم جیم و کسر آن فصیحست از پیش کشنده آنها بسوی پناه خدای بخشنده
صاحب جبرئیل علیه السلام یار وصحبت دارنده با
جبرئیل علیه السلام که مدت بیست و سه سال بر آن حضرت فرود آمده و وحی آورده
و کویند که بیست و چهار هزار بار نزد آن حضرت آمده باین عدد نزد هیچ
پیغمبری نیامده ورسول رب العالمین و فرستاده پروردکار عالمیان
وشفیع المذنبین و شفاعت کننده کناه کاران و عذرخواه
تباه کاران نظم کر لب بکشائی از نکویی حرفی زبرائی ما بکوئی
یعنی که بعذرخواهی ما از حالت پر کناهی ما نزدیک خدا کنی شفاعت
ما را بر هانی از شفاعت وغایة الغمام غایت هر چیز آنست
که مقصود از آنست و غمام ابریست و مقصود از این بارانست پس غایة
الغمام باران بود و آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم مثل بارانست

زیرا که وزباران زمین مرده زنده می شود در شستن کشت زار و درخت
سبز ... دار و از ان حضرت زنده شد دلهای ابرار برستن گلهای معرفت
و اسرار حضرت پروردگار ومصباح الظلام و چراغ شب تاریکی
یعنی چنانچه از چراغ تاریکی شب نابود شود از ان حضرت صلی الله علیه وآله وسلم
تاریکی کفر و جهالت زایل شد وقمر التمام آن پیغمبر که مانند ماه کامل است
و آن ماه شب چهاردهم بود که آن را بدر گویند لطیفه نور او چو رشید قطره است
از دریای حسن آن شاه خوبرویان و این تشبیه واقع شده است بعرف
عادت اهل معانی و بیان که مجاز وکنایه افصح است نزد ایشان بیت
والضحی رمزی ز روی همچو ماه مصطفی است معنی والیل کیسوی سیاه مصطفی است
صلی الله علیه وعلی اله و درود بفرستد خدای بروی وبر آل وی
المصطفین بفتح فا و نون چنین آل که برگزیده شدگانند من اطهر
جبلة بکسر جیم و باء و فتح لام باشدید از پاکترین گروه صلاة
دائمة درود بفرستد خدای چنین درودی که همیشه باشد علی الابد.

بعلم پیوسته بود آن همیشگی زمانه که نهایت ندارد غیر منفصلة
بضم میم اول و کسر صاد وتشدید لام درودی غیر نابود شونده صلی الله
علیه وآله وسلم صلوة تتجدد بهاجرة بضم حاء و فتح تیز آمده درود
بفرستد خدای بروی وبر آل وی درودی نو شونده که تازه شود بدان خوشی
وشادمانی خاطر آنحضرت ویشرف بهما بضم باء و فتح را با تشدید
بزرگ وبلند کرده شود بسبب آن درود فی المیعاد بعثه و
در زمان وعده که قیامت است برخواستن او از قبر ونشوره وحاضر
شدن او بعرصه قیامت صلی الله علیه وعلی اله الانجم الطوالع
پس درود بفرستد خدای بروی وبر آل وی که ستاره گان براینده و روشنی
بخشنده اند صلوة تجود علیهم درودی که ببارد برایشان وجود
بفتح باران اجود الغیوث مثل باریدن بارنده ترین بارانها
الهوامع چنین باران که بسیار ریزنده اند ارسله وان پیغمبر
که فرستاده خدای تعالی او را من ابلح العرب میزانا از افزون ترین

و گران ترین عرب از روی عقل و مرتبه و آنها قریش اند پس مقصود است ...
قبیله آن حضرت بر عربان دیگر که ایشان بزرگ اند از مردمان دیگر و برهمین
قیاس است معنی کلامی که بعد از این می آید و میزان ترازو ست و این جا
مراد عقل و مرتبه است بطریق مجاز واوضحها بیانا واز روشن
ترین آن عرب از روی بیان بمعنی ظاهر کردن مراد دل را بسخن وافصحها
لسانا واز خوش ترین زبان آور ترین آن عرب از روی زبان
وظاهر است که قریش خوشگو ترین عرب اند وانجحها ایمانا واز بلند
ترین عرب اند از روی ایمان و برزیکه ایمان قریش ظاهر است باعتبار انکه چهار یار
برگزیده گان از ایشان اند رضی الله عنهم واعلاها مقاما واز بلند
ترین عرب از روی مرتبه واحلاها کلاما واز شیرین ترین
عرب از روی سخن گفتن واوفاها ذماما بکسر ذال المنقوطه
و فرستاده خدای آن پیغمبر را از تمام ترین و کامل ترین عرب از روی عهد
و عهد نیکو واصفاها رغاما بفتح راء و غین منقوطه واز صاف ترین و خالص

ترین عرب از روی خاک و درین کلام اشارتست بسوی صفای نسب ...
آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم از کدورت عیب و نقصان فاوضح
الطریقة پس روشن و پیدا ساخت آن پیغمبر راه اسلام را ونصح
الخلیقه و پند داد مردم را باحکام دین وشهر بتشدید ها و بنا
شده یعنی و آشکارا کرد و ظاهر نمود الاسلام دین مسلمانی را وکسر
بتشدید سین و بنا شده یعنی و شکست و ریزه ساخت الاصنام بتان را یعنی
روز فتح مکه معظمه سیصد و شصت بت در مکه بود آن حضرت صلی الله علیه وآله
وسلم فرمود که آن همه بشکنند و بسوزانند و نیز در بلاد عرب هرجا که بتی بود
بشکستن آن حکم کرد واظهر الاحکام وآشکار ساخت حکمهای
الهی را وحظر بفتح حاء غیر منقوطه و منع کرد و باز داشت مردم را الحرام
از کارهای ناروا و نامشروع فائدة در بعضی نسخه بجای حظر حذر آمده بتشدید
ذال منقوطه یعنی ترسانیده مردم را از افتادن در چیزی که حلال نیست وعم
بالانعام و فرا رسید و شامل شد همه پیروان خود را بدادن نعمتهای

دنیوی و آخروی و هیچکس را فرو نگذاشت بیت ای کار همه ز تو فراهم
چون مرهم جمله مرا هم صلی الله علیه وعلی اله فی کل محفل بفتح
بفتح میم وکسر فاء درود فرستد خدای بروی وبر آل وی در هر نشست
گاهی وجای جمع شدن مردم ومقام ودر هر جای استادن مردم
افضل الصلوة والسلام بزرگترین درود فرستادنی وسلام فرستادنی
صلی الله علیه وعلی اله درود فرستد خدا بروی وبر آل وی
عودا درحالتی که آن درود باز گردنده است وبدءا بفتح باء وهمزه
در آخر ودرحالتی که نو پیدا شونده است یعنی بر آن حضرت صلی الله علیه وآله
وسلم درود از خدای در پی آید یکی درود پس از آن دیگری آید ودر میان
فوت نشود صلوة تکون ذخیرة درودی که باشد
مانند مالی که نگاه دارند تا وقت حاجت بکار آید وورداً بکسر واو
باشد آن درود مثل چشمه آبی که بر آن تشنگان فرود آیند واینجا نور
درود را با آب تشبیه داده ودر در الچشمه آب که جان جان عاشقان

وسا

وستاقان سیراب میگردد ودر بعضی نسخه آمده وردا بکسر راء ودر
آخر نون همزه یعنی یاری دهنده ومدد کننده صلی الله علیه وعلی
اله صلوة تامة درودی کامل وبی نقصان زاکیة افزون
شونده بخیر وخوبی وصلی الله علیه وعلی اله صلوة یتبعها
بفتح اول وسیوم درودی که در پی آید آنرا روح بفتح راء وراحت
وخوشی یا رحمت وآسانی واز اینها در قبر بود یا در قیامت وبضم راء
نیز آمده بمعنی رحمت وریحان وروزی جاودانی یا بوی خوش یا
تحیت وسلام فرشتگان یا گلی که بوی خوش دهد واینها در بهشت باشد و
یعقبها بضم قاف در پی آید آن درود را مغفرة آمرزش تو برای
گناهان ما یان ورضوان وخشنودی تو وصلی الله علی افضل من
طاب منه النجار بکسر نون وضم آن وبی تشدید جیم درود فرستد بزرگترین
کسی که خوب ونیکوتر شد از واصل ونسب او یعنی برادران پیشینیان او از
انبیاء بعضی اند اما بزرگی وپاکیزگی آنها از وی پیدا شده ودر بعضی نسخه آمده یعنی

بسبب او رباعی ای شرف دوده آدم شده روشنی دیده عالم شده
درین خانه که خیل تو نیست کیست برین خوان که طفیل تو نیست وسما
به وبلند شد بسبب او ودر بعضی نسخه آمده منه یعنی از او
الفخار بفتح فاء آنچه ستایش کرده شود بدان از اسباب بزرگی وفخر
یعنی خصال پسندیده وشمائل برگزیده از جهت حسب ونسب واستنارت
بنور جبینه وروشن شد بنور پیشانی مبارک وی الاقمار
ماه وخورشید وهمه ستارگان که تابان ودرخشان اند ومراد ازین ملح
حسن وزیبائی روی ودلجوئی ولبت وجمال جهان آرایش بالانزدیک
مذکور گشت بیت ماه زیباست ولی روی تو زیباتر از وست چشم نرگس
بچکنم چشم تو رعناتر از وست وتضالت بضاد منقوطه وهمزه بعد از
الف واندک گردیده وصغیر شده عند جود یمینه نزد بخشش دست راست
وی ذکر دست باعتبار عرف عادت ومراد مطلق عطاست الغمائم
ابرها والبحار ودریاها وبخشش آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بر فقراء

وستاکین مشهورست وکثرت عطاء وی بر محتاجان در کتب احادیث
مذکورست وبخشایش وی همه آفرینش را فرا رسیده وهر ذره که موجودست
از دریاء احسانش سیراب گردیده زیرا که اگر ذات مبارکش واسطه نبودی
حق سبحانه خلعت وجود بر هیچ موجودی عطا نفرموده وهمه مقربان درگاه
الهی از خوان نعمت او بهره دارند وهمه انبیا واولیاء از مائده رحمت او
دریوزه کرند بیت هریکی از انبیا خواهد مراد خود ز تو وآن کجا قدر تو
چون قطره از دریای تو سیدنا ونبینا محمد آن بزرگترین
که بهتر ومهتر ما یان وپیغمبر ما یانست که نام پاک او محمدست الذی
باهر ایاته آن محمد که بعلامات دین وی که غالب اند اضاءت
روشن شد الانجاد زمینهای بلند وفراز والاغوار وزمینهای پست
ونشیب یعنی علامات دین اسلام وی بهمه جا فرا رسیده وروی زمین را بنور
هدایت روشن گردانیده حق تعالی تا آخر زمان پیروان او را مدد ونصرت
خواهد شد وهمه روی زمین را از مشارق ومغارب بدیشان ارزانی

خواهد فرمود قطعه دمبدم حشمت کمال دولت خدام او عرصه روی این
را بسر خواهد گرفت هست همازی همتش چون برکشد بال قدرش از ثریا
تا ثری در زیر پر خواهد گرفت وبمعجزات ایاته وبعلامات
نبوت او که معجزات اند نطق الکتاب گویا شده است قرآن
واز آن جمله قصه معراج است وقصه شکافتن ماه است که مذکورست در
قول الله تعالی وانشق القمر وقصه آن در حزب دوم بتفصیل گذشته
ومعنی معجزه نیز در آن حزب مذکور گشته وتواترت الاخبار
وپیاپی در پی رسیده ویکی از پس دیگری برزبان هر اهل زمان جاری گردیده
احادیثی که در ان ذکر معجزات ویست صلی الله علیه وعلی اله
درود بفرستد خدا بروی وبر آل وی واصحابه الذین هاجروا وبر
یاران وی آن یاران که جدا شدند از وطن خود یعنی بر آمدند از مکه بسوی
مدینه لنصرته برای یاری دادن وی ومددکاری وی
فائده در سال سیزدهم از نبوت بسبب ایذاء کفار مکه بیست کس از
صحابه

صحابه برخصت آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بمدینه هجرت نمودند
واول آنها مصعب بن عمیر بوده بعد از آن ابن ام مکتوم وعمار ویاسر وبلال
وبعد از آن عمر بن الخطاب رضی الله عنهم واهل مدینه که ایمان آورده بودند
بایشان یاری ومددکاری نمودند پس بامر الهی در سال سیزدهم از نبوت
در شب بیست وهشتم صفر یا غره ربیع الاول ونیز اختلاف دوشنبه بود
یا پنجشنبه آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم وابوبکر رضی الله عنه از مکه بیرون
آمدند وبر جبل ثور که کوهی کلانست نزدیک بمکه بر آمدند ودر غار آن کوه
سه شبانروز بودند پس عبد الله بن اریقط که اورا باجرت راهبری
گرفته بودند وعامر که آزاد کرده ابوبکر بود دو شتر بموجب وعده
آنجا آوردند بر یک شتر آن حضرت وابوبکر بر دوم آن هر دو متوجه
مدینه شدند بروز دوشنبه دوازدهم یا سیزدهم ربیع الاول بمدینه
رسیدند اما اول بمحله قبا نزول فرمودند ودر آنجا چهارده روز یا چهار
ویا پنج روز اقامت نمودند ومسجد قبا را بنا فرمودند وروز جمعه از

قبا بشهر مدینه متوجه شدند وچون بمحله بنی سالم رسیدند وقت جمعه
در آمد ونماز جمعه آنجا گذاردند وآن اول جمعه بود که آن حضرت خوانده
پس از آنجا سوار شده داخل شهر مدینه مکرمه شدند وآن عرصه را
منور ساختند وبخانه کریمه ابو ایوب انصاری رضی الله عنه منزل
مبارک گرفت ونصروه فی هجرته وبر آنانکه یاری ومددکاری
دادند اورا در هجرت وی وآن اهل مدینه اند فنعم المهاجرون
پس نیکو اند هجرت کنندگان بموافقت وی ونعم الانصار
ونیکو اند یاری ومددکاری دهندگان وی ومعنی انصار در حزب
اول بتفصیل گذشته صلوة نامیة درودی که افزاینده
باشد بخیر وخوبی دائمة درودی که همیشه باشد ماسجعت
تا مدتی که آواز می کند بخوش وحزمی فی ایکها در بیشه خود
که درختان بر انبوه اند الاطیار پرندگان وهمعت تا مدتی
که می ریزد بوبلها باران سخت خود الدیمة بکشنده ابر سکون
بار

با دوام آبی که کمتر آن سه روزست وزیاده هر قدر که باشد المدرار
بکسر میم چنین بارانی که بارنده پی در پی بسیار ریزنده است ضاعف
الله زیاده گرداند خدا تعالی وبی حد وبی شمار علیهم
بر آن حضرت وبر آل او واصحاب وی دائم صلوته درود های خود
را که همیشه باشند اللهم صل علی سیدنا محمد وعلی اله
الطیبین چنین آل که پاک اند از هر عیب ونقصان الکرام بزرگانند
نزد خدا صلوة موصولة درود فرستد خدا درود فرستادنی
که پیوسته باشد یکی با دیگری یعنی پی در پی آمده باشد دائمة
الاتصال همیشه باشد پیوسته آمدن آن درود بدوام ذی الجلال
با همیشگی خداوند بزرگی والاکرام وخداوند بزرگی دادن هر کرا سزاوار
آن باشد اللهم صل علی محمد الذی هو قطب الجلالة خدایا
درود بفرست بر محمد آن محمد که مدار بزرگیست وبزرگی همه بزرگان بدو
قائمست وآن بزرگترین همه بزرگانست وقطب در اصل بمعنی ستاره

مشهور است که مدار گردش آسمان بر دست واو هر گاه از جا جنبد بنیت
بطریق تشبیه مذکور شده **وشمس النبوة والرسالة**
وآفتاب نبوت ورسالت جهت رسانیدن پیغام واحکام الهی است به بندگان
وزیب وخوبی وحسن همه مراتب پیغمبری با آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم
چنانچه روشنی وزینت آسمان بآفتاب است ونیز درین اشارتست که پیغمبران
دیگر بنسبت آن حضرت مثل ستارگانند بمقابله آفتاب چنانچه صاحب قصیده
برده گوید **بیت** فانه شمس فضل هم کواکبها
یظهرن انوارها للناس فی الظلم **والهادی**
من الضلالة وراه نماینده لشکر اهل کفر بسوی راه راست اسلام
والمنقذ من الجهالة وخلاص کننده از نادانی احکام دین
بتعلیم شرع خجسته آیین ورهاننده از ناشناسی پروردگار بعطاء نور
یقین **صلی الله علیه وآله وسلم صلوة دائمة الاتصال**
ودرود فرستد خدای بروی وسلام فرستد درودی که همیشه باشد

پیوسته آمدن آن **والتوالی** وهمیشه باشد پی در پی آمدن آن
متعاقبة درودی که یکی از پس دیگری آینده باشد **بتعاقب**
الایام واللیالی پی در پی در آمدن روزها وشبها متواتر ومتوالی

مبدء الحزب الثامن

شروع حزب هشتم واین حزب بهمه حزبهاست ودر بعضی نسخه این حزب
اینجا نوشته ودر بعضی بالا ازین چنانکه اشارت بدان کرده شد
اللهم صل علی محمد النبی الزاهد خدایا درود بفرست
بر محمد که پیغمبر است بی رغبت در دنیا وبیخواهش در هر چه بازدارنده
از یاد مولا وزهد آن حضرت کامل تر بود از زهد دیگر بسوی ایشان همه را ابدا
وکامل زهد وی بود انچه در حدیث وارد شد مضمونش اینست **نظم**
جبرئیل آمد که ای فخر کرام ۞ حق تعالی بر توی گوید سلام ۞ بعد از آن میگوید
ای سلطان دین ۞ ای وجودت رحمة للعالمین ۞ گر تو خواهی از پی عیش
طرب ۞ کوهها زابر تو کردانم ذهب ۞ چون پیغمبر واقف اسرار بود ۞ خاطر او

مطلع الانوار بود ۞ گفت این دنیا نه مقدار من است ۞ مال دنیا بی ...
من است ۞ دار دنیا خانه بی خانمانست ۞ مال او سرمایه دیوانگانست ۞ جبرئیل
با هزاران آفرین ۞ گفت ای سردفتر دنیا ودین ۞ هر که شد در راه حق ثابت
قدم ۞ هست دنیا پیش چشمش کالعدم **رسول الملک** وفرستاده پادشاهی
که ملک هر دو جهان در تصرف اوست **الصمد** فرستاده بزرگواری
که قصد کرده می شود بدرگاه او در همه مطالب وحاجات **الواحد**
فرستاده خدای که یگانه است بذات خود در صفات الوهیت وشریک
او متصور نیست **بیت** از بهر آن یکی دو جهان داده اند باد ۞ عیبم مکن که
حاصل هر دو جهان یکیست **صلی الله علیه وآله وسلم صلوة دائمة**
الی منتهی الابد درود فرستد خدای بروی وعلی آل وی
وسلام درود فرستادنی که همیشه باشد تا پایان رسیدن زمانه دراز
که مدت بقاء دنیاست یعنی تا قیامت **بلا انقطاع** بی شکستگی
در آمدن یعنی پیاپی آید وگاهی درمیان فوت نشود **ولا نفاد** بدان

... ودرودی بفرست **صلاة تنجینا بها** درودی که خلاص
گردانی تو ما را از سبب آن **من حر جهنم** از گرمی دوزخ
ودر حدیث آمده که گرمی آتش دنیا یک پاره ایست از هفتاد پاره آتش
دوزخ روایت کرده است این بخاری **وبئس المهاد** وبد گستردنی
دوزخ **اللهم صل علی سیدنا محمد النبی الامی** پیغمبری ناخوانده ونانویسنده
ودیگر معنی این در اسماء شریف گذشته **قطعه** قلم بر خط او چو
نهاد سر ۞ از آن آرزو زرد وبیمار ماند ۞ چون آن دولتش دستگیری
نکرد ۞ سیه روی گشت ونگونسار کرد **وعلی آله وسلم** در بعضی
نسخه لفظ وسلم نیامده **صلوة لا یحصی لها عدد** درودی
که شمرده وضبط کرده نشود مر آن را از راه شمار **ولا یعد لها** وشمرده
نشود برای آن درود **مدد** درودها از پس آینده آن درود
را ودر اصل مدد فوجی را گویند که از پس رسد برای یاری لشکر که با او جنگ
دشمنان بر آمده است چنانچه در کتب فقه مسطور است **اللهم صل علی محمد**

صلوة بکرم بها مثواه خدایا درود بفرست بر محمد درود فرستادنی
بزرگ گردانی بسبب او منزل او را وتبلغ بها یوم القیمة من الشفاعة
ورسانی بسبب آن درود در روز قیامت از پذیرفتن شفاعت
رضاه خشنودی او را بوعده خود که فرمودی ولسوف
یعطیك ربك فترضی وزود باشد که بدهد ترا آفریدگار تو مرتبه
شفاعت درباره گنهکاران امت پس خشنود شوی تو وامام محمد باقر
رضی الله عنه فرمود که این آیت امیدوارترین آیتهای قرآن است
برای رستگاری امت چه آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم خشنود نشود
که یکی از امت او در دوزخ بماند بیت نماند بزندان دوزخ اسیر ٥
کسی را که باشد چنین دستگیر اللهم صل علی محمد النبی الاصیل خدایا
درود بفرست بر محمد که پیغمبر است ومحکم واستوار در شرف السید
که سردار ومهتر النبیل بزرگ ودانا است الذی جاء بالوحی
آن پیغمبر که آورد وحی را معنی وحی در حزب اول گذشته والتنزیل

واورد

...چون عمر شریف آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم
بچهل سال رسید آن حضرت بر کوه حرا که آن را جبل نور گویند وسه میل
از کعبه است خلوت داشت روزی بالای آن استاده بودند ناگاه جبرئیل
ظاهر شد بصورتی عظیم ومر او را دو بازو است از یاقوت درخشان
ودر روایتی آمده که پای او بر زمین وسر او بر آسمان وپر او از مشرق
تا مغرب گفت شاد باش ای محمد مژده باد مر ترا که من جبرئیلم وبر تو
فرستاده شدم که پیغام حق تعالی گذارم وخبر دهم که تو پیغمبر خدا هستی
بدین امت از آدمیان وجنیان پس نامه از حریر مرصع بجواهر بیرون
آورد وبدست حضرت داد گفت که بخوان این را گفت والله که من
خواننده نیستم پس جبرئیل آن حضرت را در کنار گرفت وبفشرد تا آنکه
بی طاقت شد پس گفت بخوان باز گفت من خواندن نتوانم باز بفشرد تا
سه بار چنین کرد بعد از فشردن سیوم بار گفت اقرأ باسم ربك الذی
خلق تا پنج آیه از اول این سوره خواند وَ اَ وْ ضُحی

بیان التاویل ...
بیان تفسیر قرآن را وجاءه الامین جبرئیل علیه السلام بالکرامة
والتفضیل وآمد آن پیغمبر را فرشته با امانت که جبرئیل است سلام باد
بر او ببزرگی وافزونی خیر وخوبی آن پیغمبر بر همه خلائق واسری
به الملك بگرام وبسیر کشانید آن پیغمبر را پادشاه هر دو جهان
الجلیل که بزرگ است فی اللیل در شب البهیم تاریک الطویل
دراز وصف شب یلدا بدرازی موافق عادت عرب است که شب تاریک
را طبیعت آن است درازی پندارد والا زمان سیر آن حضرت بر آسمانها
اندکی از شب بود وقصه معراج در اسماء شریفه گذشته فکشف
له پس برکشاد آن پادشاه برای آن پیغمبر عن اعلی الملکوت
پرده از عالم غیب که برترست چنانکه عالم ارواح وملائکه که افزون تر اندازه
ملک ظاهر واراه ونمود آن پادشاه آن پیغمبر را اسنا
الجبروت بهمزه بعد الف بلندی مرتبه وبی همزه روشنائی وتجلی عالم الصفات

حفظ

... بر همه آفرینش در تحت تصرف اسماء وصفات الهی ونظر
ونگاه کرد آن پیغمبر الی قدرة الحی بسوی آثار قدرت خدای
که زنده است جاودان الدائم همیشه است همیشگی بی پایان الباقی پاینده
لایموت آنکه هرگز نمیرد وآن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم در آن
شب بسیار عجایب وغرایب دید چنانکه بعضی از آن در کتب احادیث مذکور
گردیده نظم یکشبی از صبح دل افروزتر ٥ وز شب وروز همه فیروزتر ٥
طره او نافه دولتگشای ٥ غره او نور سعادت فزای ٥ خواجه که آمد دو جهان
بنده اش ٥ گردن دولت پابنده اش ٥ قاصدی از کشور نورانیان ٥ پاک ز آلایش
ظلمانیان ٥ آمده آورد براقی چو برق ٥ پیکر از نور قدم تا به فرق ٥ رفتن
او جستن تیر از کمان ٥ جستن او جنبش طی مکان ٥ پیش نرفته قدم از گام او ٥
بود بهم جنبش وآرام او ٥ گفت که ای ساقی ابرار خیز ٥ جرعه بر گنبد دوار ریز ٥
ساخته عرش برین فرش راه ٥ فرش قدم کن چو زمین عرش را ٥ پای برآورد
بدولت براق ٥ خواند بر آفاق که هذا فراق ٥ بود از دو گام نهادن همان ٥ در حرم

...دش ستادن همان ٭ بست از آنجا کمر عزم جست ... روی ...
تخت ٭ شد بدر خانه بصد عز و ناز ٭ خانه نشینان بهزاران نیاز ٭
سجده کنان بوسه به پایش زدند ٭ طبل دعا کوس ثنایش زدند ٭ خانه نگاهی
رسم و راه ٭ سایه طلبی شدش آرامگاه ٭ پای از آن پایه فراتر نهاد ٭
عرش برین بر درش سر نهاد ٭ خیمه برون زد ز حدوث جهات ٭ پرده او شد تتق
نور ذات ٭ تیرگی هستی ز او دور گشت ٭ پرده که بر ده آن نور گشت ٭ کیست
کزان پرده نشود پرده ساز ٭ زمزمه گوید زان پرده باز ٭ به که نشود مختصر این
گفتگو ٭ هست ز پرده بدر این گفتگو ٭ خواجه درین پرده بدید آنچه دید ٭ آنچه
نباید بزبان هم شنید ٭ آمده بر ریگ حرم بسترش ٭ گرم هنوز از تف جان
بسترش ٭ بود بیک لحظه از آن نیم شب ٭ آمدن و رفتن او ای عجب ٭ بود
بی نور زمین و زمان ٭ در سفر نور نگنجد زمان ٭ علم از آن نور بود مستنیر ٭ دست
بزن جامی و دامنش گیر ٭ باشد از آنجا بضیائی رسی ٭ راه بیابی و به
جایی رسی صلی الله علیه وسلم درود فرستد خدا برو و سلام صلوة

سر

موصوفة بالجمال درودی که نزدیک شده و پیوسته شده باشد بجمال
و زیبائی والحسن و نیکوئی والکمال و بنهایت خوبی والخیر
و نزدیک کرده شده به بهترین و خوشترین والافضال و ببزرگی و این
عبارت دو معنی دارد یکی آنکه درودی فرستد که زیاده کند با آن درود
این صفات برای ذات خلاصه کائنات آن حضرت صلی الله علیه وآله
وسلم دوم آنکه در ذات آن درود این صفات باشد اللهم صل علی محمد
وعلی آل محمد عدد الاقطار خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار
قطرهای آسمان و زمین وصل علی محمد وعلی آل محمد عدد ورق
الاشجار بشمار برگ درختان وصل علی محمد وعلی آل محمد عدد زبد
البحار بشمار کف دریاها وصل علی محمد وعلی آل محمد عدد الانهار
بشمار جویهای آب که می روند بر زمین فانی و در بهشت جاودانی
وصل علی محمد وعلی آل محمد عدد رمل الصحاری بفتح راء بشمار ریگ
دشتهای والقفار بکسر قاف ریگ بیابان که آب و گیاه در او نبود

وصل علی محمد وعلی آل محمد عدد ثقل الجبال ... بشمار ...
قاف بشمار اجزای بارهای گران الجبال کوهها والاحجار و سنگها
وصل علی محمد وعلی آل محمد عدد اهل الجنة بشمار ساکنان
بهشت واهل النار و بشمار باشندگان دوزخ وصل علی محمد
وعلی آل محمد عدد الابرار بشمار نیکوکاران والفجار
و بدکاران وصل علی محمد وعلی آل محمد عدد ما یختلف به اللیل
والنهار بشمار چیزی که حال بجای دیگر می شود با آن چیز شب و
روز مثل روشنی و تاریکی و درازی و کوتاهی و گرمی و سردی
و بهار و خزان پس زمانه بهر شب و هر روز بلکه بهر ساعت و
هردم بمقتضای قدرت الهی و حکمت پادشاهی متغیر و مختلف
واهل بصیرت را درین اختلاف پند و عبرتست نظم ز باد خزان
صنع پاکش نگر ٭ روان کرد بر روی برگ آب زر ٭ ز نقره همون بست
هنگام دی ٭ کمر بر میان همه چوب وی ٭ دگر بار زان عروس چمن ٭ هم

رز

...ت وقت و گو همچو مس ٭ نسیم و بهار و سموم و تموز ٭ خزر دارالیل ... نگار
روش چو روز واجعل اللهم صلاتنا علیه حجابا من عذاب النار
و گردان خدایا درود ما را بر آن پیغمبر پرده برای ما از ...
عذاب دوزخ وسببا لاباحة دار القرار و گردان آن درود را
واسطه روان بودن بر ما آن نعمتهای سرای پاینده یعنی بهشت انک
انت العزیز بدرستی که تویی غالب بر هر چه خواهی الغفار
آمرزگار گناه گناهکاران وصلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله
الطیبین و درود فرستد خدا بر مهتر و بهتر ما یان که محمد است و بر آل
وی که پاک اند از هر عیب و نقصان وذریته و بر اولاد وی المبارکین
که افزونی داده شده اند در همه خیر و خوبی وصحابته الاکرمین
و بر یاران وی که بزرگ اند وازواجه امهات المؤمنین
و بر زنان وی که مادران مسلمانانند در حق تعظیم صلوة موصولة
درود فرستد خدا درود فرستادنی که پیوسته باشد آمدنی مترددة

بحق يوم الدين درودي كه پي در پي يكي پس از ديگري آمده باشد تا ...
و جزا يعني روز قيامت اللهم صل على سيد الابرار
خدايا درود بفرست بر بهتر و مهتر نيكوكاران وزين المرسلين
الاخيار و بر زيباترين پيغمبران كه بهتران همه آفرينش اند و
اكرم من اظلم عليه الليل و درود بفرست بر بزرگترين
كسي كه تاريك شده است بروي شب واشرق عليه النهار
و روشن شده است روز بروي و در بعضي نسخه اشرق اضاء آمده
و معني هر دو يكي است لطيفه بزرگي آن حضرت صلى الله عليه وآله وسلم
بر همه آفرينش از روي عقل و نقل بثبوت رسيده و در قرآن و
احاديث و ساير كتب پيشينيان مذكور گرديده و خلعت سيادت
و اجتباي در هر دو سراي بر قد رعناي او زيبا است و لباس شرافت
و كرامت بر قامت با شهامت وي لائق و سزاوار است بيت
قباي سلطنت هر دو كون تشريفي است ﴿ كه جز بقامت اقبال او نيامد
راست

...ست ابوي درود را سه بار و در بعضي نسخ اين لفظ ...
و اينجا درودهاي كتاب تمام شده و پس ازين دعا آورده كه اميد قبول ...
بعد از درود اللهم خدايا ياذا المن اي خداوند انعام و
احسان الذي آن خداوندي كه لايكافي امتنانه
پاداش داده نمي شود نعمت دادن او را باداي شكر او چنانچه سزاوار است
والطول بفتح طا و اي خداوند نيكوكاري و بخشش و بزرگواري
الذي اي خداوندي كه لايجازى انعامه پاداش داده
نمي شود بخشايش او را واحسانه و نيكويي او را بسپاس گذاري
او زيرا كه نعمتهاي او بي پايانست و بنده از شكر او باندازه احسان
او عاجز و ناتوانست بيت گر بسر هر موي من يابد زبان ﴿ شكرهاي
تو نيايد در بيان اسئلك سوال مي كنم ترا بك برسيد تو
ولانسئلك باحد غيرك سوال مي كنم ترا بوسيله هيچ يكي جز
تو فائده گاهي داعي نظر محض برحمت عام پروردگاري كرده پس

... لبس را در دعاي خود در
... وسيله نمايد زيرا كه تو ...
معلوم گرديده و از الجمله است آنكه نيازمندي بسلك نظم كشيده نظم
بحق محمد رسول انام ﴿ عليه الصلوة و عليه السلام ﴿ شفيع گناهان بروز جزا ﴿
نبي الورى خاتم الانبيا ﴿ زمهر نبوت قوي پشت او ﴿ نگين شفاعت
در انگشت او ﴿ سر از بار عصيان مرا پيش بين ﴿ مبين جرم من رحمت
خويش بين ﴿ كه هم بي مرز و پوشيده دار ﴿ كه هم سترپوشي هم آمرزگار ﴿
ز فيض ازل بخش آگاهيم ﴿ خلاصي ده از جهل و گمراهيم ان تطلقنا الحنا
عند السوال آن سوال اينست كه روان گرداني بسخن زبانهاي
ما را وقت پرسيدن منكر و نكير در قبر كه كيست پروردگار تو و كيست
پيغمبر تو و چيست دين تو نظم هر گر از زير خاك شد منزل ﴿ دو فرشته بصورت
هايل ﴿ پيش تو آيند زاير و متعال ﴿ امتي ترا از و كنند سوال ﴿ كه خداي
تو و نبي تو كيست ﴿ از آنچه دين كه بود دين تو چيست ﴿ گر بگويي جواب
ش

... موجب ... رحم و عذاب و عقاب ﴿ قسمت قبر او بغير اين
روزني از بهشت بگشايند ﴿ ور نگويد جواب شان در خور ﴿ آهنين گرز ...
بر سر ﴿ بگشايند روزني ز سقر ﴿ تا درو بنگرد بشام و سحر وتوفقنا
لصالح الاعمال و آنكه توفيق رفيق دهي ما را بكارهاي نيك و خوب
يعني بگرداني اسباب را موافق مطلوب كه تا از توسن خنگي اسباب بيت
بهيچ كس نگردد آگاه ﴿ گر بدرقه لطف تو ننمايد راه ﴿ و آنكه ره رسند
بايد رفتن ﴿ توفيق رفيق از تو شود و اويلاه وتجعلنا من الامنين
و آنكه گرداني ما را از ايمن شدگان يعني از آنانكه بي خوف گرداني
آنها را از سختيهاي در روز رستخيز يوم الرجف بفتح را و سكون
جيم در روز لرزيدن زمينها و كوهها و دلهاي مردم از ترس آن
والزلازل جمع زلزله و در روز جنبيدنهاي آنچه كه مذكور شد
سخت جنبيدني و در بعضي نسخه آمده والزلزال بكسر راي و فتح آن بمعني
جنبيدن ياذا العزة اي خداوند غلبه و قوت والجلال و اي

داوند بزرگی و هیبت اسألك

ای روشن کننده هر روشن فائده

بذات خود و ظاهر کننده بود غیر خود را و چون مقابله کرده شد وجود

را بعدم ظهور موجود راست و خفای مر عدم را که هیچ چیز باریکتر

از عدم نیست پس کسی که پاک باشد از عدم و بیرون آرنده باشد همه آفرینش

را از تاریکی عدم سزاوارترست از غیر خود که نامیده شود بنور رباعی

هستی که بذات خود هویداست چو نوره ذرات مکونات ازو

یافت ظهوره هر چیز که از فروغ او افتد دوره در ظلمت نیستی ماند

مستور دقیقه نور حقیقی یکی بیش نیست و آن نور خداست تعالی

شأنه و نور خدا منبسط و نامحدود است و عالم تجلی نور خداست که به

چندین هزار صفت تجلی کرده است و با این صورتها خود را اظاهر گردانیده است

رباعی در کون و مکان نیست عیان جز یک نوره ظاهر شده آن

نور بانواع ظهوره حق نور و تنوع ظهورش عالمه توحید همینست و دگر وهم و

نور

سبل الازمنه آن نوری که بوده است پیش از همه روزگار

و وقتها والدهور و پیش از همه مدتهای دراز انت الباقی

تویی پاینده همیشه بلا زوال. بی نابود شدن الغني

بی نیاز از همه در ذات و صفات خود بلا مثال. بیهمتا و بی

مانند القدوس بغایت پاک و دور از هر عیب و نقصان

الطاهر پاک و منزه از انکه دریابد حقیقت او را عقل العلي

بلندتر بمرتبه در بزرگی از همه و نیز بلند از انکه دریافته شود

حقیقت ذات او و یا شناخته شود کمال صفات او القاهر

غالب بر همه چون که داند حکم خود را الذي لايحيط به

مكان آن غالبی که فرا نگیرد او را و احاطه ننماید موضع و محل ولا

يشتمل عليه زمان و در نمیگیرد او را اجزای روزگار اسألك باسمائك

الحسنى سوال می کنم ترا بوسیله نامهای تو که نیکو اند كلها

همه آن نامها و ظاهر آنست که مراد از این اسماء نود و نه نام اند که در حدیث

شریف آمده اند که الله تعالی را

نامها را در می آید در بهشت و اگر چه اسماء الهی بسیارند منحصر در این

عدد نیست وباعظم اسمائك و بزرگترین نامهای تو اليك

بسوی تو واشرفها عندك منزلة و بلندترین

آن نامهای نزد تو از روی مرتبه واجزلها عندك ثوابا

و بزرگترین آن نامهای نزد تو از روی پاداش کسی که بخواند

این نام را واسرعها منك اجابة و زودترین آن نامهای

از روی قبول دعا از تو مگر کسی را که وسیله آرد آن نام را و

باسمك المخزون و بوسیله نام تو که نگاهداشته شده است در

خزانه غیب تو المكنون آن اسمی که پوشیده شده است آن غیر

در همه اسمای تو الجليل آن نامی که بزرگست در ذات خود

الاجل بزرگترست بنسبت اسماء دیگر الكبير بزرگ الاكبر

بزرگتر العظيم بزرگ الاعظم بزرگتر از اسماء دیگر الذي

بحبه

به ... هم تو که دوست داری آن را از میان اسماء دیگر

وترضى عمن دعاك به و خشنودی میشوی تو از کسی که دعا

می کند ترا بوسیله آن نام وتستجيب له دعاءه و قبول

می کنی برای آن دعا کننده دعای او را اسألك اللهم بلا اله

الا انت. می طلبم از تو خدایا بوسیله اینکه نیست هیچ

معبودی سزاوار پرستش مگر تو الحنان مهربان المنان

نعمت دهنده بديع السموات والارض آفریننده آسمانها

و زمینهای ذوالجلال خداوند بزرگی والاكرام

خداوند کرم کردن عالم الغيب داننده هر چه که پوشیده است

از نظر خلق والشهادة و داننده هر چه که ظاهرست الكبير

بزرگ شان و مرتبه المتعال بلند از همه در مرتبه واسألك

باسمك العظيم و می طلبم از تو بوسیله نام تو که بزرگست الاعظم

بزرگترست از نامهای دیگر الذي اذا دعيت به اجبت

آن نامی که چون دعا کرده شوی [illegible]
به اعطیت وچون خواسته شوی بآن نام میدهی توان
خواسته شده واسئلك باسمك الذي بيذل العظمته
العظماء وسوال می کنم ترا بوسیله نام تو آن نامی که
خوار و فروتن می شوند و رام می کردند برای بزرگی آن نام بزرگان
یعنی آنانکه خدا تعالی ایشانرا بزرگی داده چنانکه فرشتگان و پیغمبران
واولیا و یا آنکه بزرگی دارند در قوم خود باعتبار دنیا والملوك
و فروتن می شوند مر بزرگی آن نام را بادشاهان والسباع
وبکسر سین و درندکان والهوام بتشدید میم و خزندگان
زمین چون مار و کژدم و جز آن وکل شيء خلقته و فروتن
و رام می شود هر چیز یکه پیدا کرده تو آن را یا الله ای خدا یارب
بکسر با ای پروردکار من استجب دعوتی قبول فرمای دعای
مرا یامن له العزة ای آنکه که ثابت است مر او را بزرگی همه